

مجموعه سبزها – جلد ۱۶

مکاتیب حضرت عبدالبهاء

INBA ۱۶

به نام یزدان مهربان

با درود فراوان،

بدین وسیله به اطلاع پژوهشگران و دستداران آثار بایی و بهائی می‌رساند:

طی مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل‌های ورد Word آثار مندرج در مجموعه «کتاب‌های جلدسبز» ارائه می‌گردد. کتاب‌های جلدسبز، کتاب‌هایی است که عمدتاً طی دهه‌ی پنجاه خورشیدی، توسط محفل ملی بهائیان ایران، عجلالتا جهت حفظ، تکثیر شده است. فایل اسکن‌شده‌ی این کتاب‌ها، پیشتر در برخی از وبگاه‌های اینترنتی از جمله کتابخانه‌ی بهائی (<https://bahai-library.com>) و کتابخانه‌ی افنان (<https://afnanlibrary.org>) موجود بود. اما مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل ورد همان کتاب‌هاست که قاعدتاً از حیث جستجو و قابلیت کپی‌برداری از عبارات، کارایی بیشتری برای پژوهشگران عزیز دارد.

فایل ورد در دنیای امروزی همچون قلم و کاغذ الکترونیکی می‌ماند و حکم کاغذ و قلم و دوات محققین قدیمی را دارد که با آن می‌نوشته‌اند و تأملات خود را مکتوب می‌داشته‌اند. معاصرین ما از طلبه و دانشجو گرفته تا محقق و پژوهشگر و استاد، استفاده‌های زیاد و متنوعی از فایل‌های ورد می‌کنند و آنها را عضای دست خود می‌سازند. اما بر اهل فن پوشیده نیست که وثاقت و اعتبار محتویات فایل‌های ورد، به دلیل ماهیت خاصی که دارند، خصوصاً به‌خاطر امکان تغییر، دست‌خورده شدن تایپ متن و درهم ریختن حروف‌چینی واژه‌ها، از نوع خاصی است و در قیاس با متن اصلی و نسخه‌ی اسکن از متن اصلی در مقام برتر قرار ندارد. با این همه، امروزه طیف وسیعی از افراد متخصص و غیرمتخصص این ابزار الکترونیکی مفید را، با وجود چنین نقضی مورد استفاده قرار می‌دهند و از مزایای آن برخوردار می‌شوند. به تهیه‌ی فایل ورد از آثار بهایی نیز می‌توان از همین دریچه نگریست؛ ضمن آنکه بهترست که برای حفظ شأن و مقام والای نصوص مبارکه تلاش شود تا حتی المقدور فایل‌هایی از متون بایی و بهایی تهیه شود که اشتباه و اشکال کم و نادری داشته باشند. نظر به همین مطلب، بسیاری از فایل‌ها در مجموعه‌ی حاضر مقابله و تصحیح شده است. در تصحیح آثار مندرجه در مجموعه‌ی جلد سبزه‌ها به چند نکته توجه شده است:

۱- در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، نسخه‌های جلدسبز با سایر نسخه‌های چاپی یا خطی موجود مقابله و تصحیح شد. در خصوص آثار حضرت باب، با توجه به اینکه هر یک از نسخ در دسترس ما دارای اشکالاتی بود و نمی‌توانستیم هیچ نسخه‌ای را بتمامه مبنا قرار دهیم، برآن شدیم تا در مواردی که به‌نظرمان اشکال، اشتباه یا تردیدی وجود دارد، آن موارد را با ملاحظه‌ای کلی اصلاح و نسخه‌ی تایی را بر همان مبنا تهیه کنیم. در این باب برای تصحیح متن یک اثر از آثار حضرت باب در جلدی از مجلدات سبزه‌ها، نه تنها آن را با متن همان اثر در دیگر مجلدات سبزه‌ها مقابله کرده‌ایم بلکه اگر نسخه‌ای از همان اثر در اثری خارج از این مجموعه بوده، از آن نیز استفاده کرده‌ایم. در نتیجه، نسخه‌ی پیش‌رو در برخی مواضع با مندرجات نسخه‌ی اصلی (جلدسبز) تفاوت‌هایی دارد؛ اما محض ارجاع‌دهی درست، شماره‌ی صفحات اصلی (شماره‌ی صفحات نسخه‌ی جلد سبز) در دل متن درج شده است.

۲- آثار حضرت بهاء‌الله مقابله نشده، اما در ضمن تایپ، تا حدی قابل قبول، تصحیح شده است.

۳- در مجموعه‌ی حاضر، برخی توابع حضرت باب که سابقاً به‌طور ناقص نشر یافته (مثل کتاب صحیفه عدلیه، مندرج در جلد ۸۲ که فاقد باب پنجم است، و یا صحیفه بین‌الحرمین و صحیفه اعمال سنه که پیشتر مختصراً نشر یافته) با توجه به سایر منابع به‌طور کامل، و تصحیح شده، منتشر می‌شود.

۴- در مجموعه‌هایی که سابقاً و از روی اضطراب منتشر شده بود نواقص عمده‌ای به چشم می‌خورد: از جمله، تفسیر «بسم الله» که در چندین مجموعه بدون مقدمه و خطبه نشر یافته بود، و یا تویع حروف مقطعات قرآن که نیمی از آن ناقص منتشر شده، و یا تفسیر (های هذا) در جلد ۶۰ که در داخل متن افتادگی‌هایی دیده می‌شد، و یا چند باب اول این اثر در مجموعه‌ی ۹۸ که به‌طور ناقصی منتشر شده بود. در مجموعه‌ی حاضر، همه‌ی این نواقص با توجه به مجموعه‌های دیگر بر طرف شده است.

۵- در مواردی که نتوانستیم درج صحیح لغتی را تشخیص دهیم آن را نشانه‌گذاری (های لایت) کرده‌ایم و یا با چند علامت سؤال (۴) آن را مشخص کرده‌ایم.

۶- برای مقابله‌ی نسخ آثار حضرت باب از نسخ مختلفی بهره برده‌ایم. از جمله، از تمامی مجلدات جلدسبز استفاده کرده‌ایم. فی‌المثل در تصحیح جلد ۱۴ تفسیر «های هو» از مجموعه کتاب‌های جلدسبز تنها اکتفا به همین جلد نشده، بلکه از مجلدات دیگر مثل جلد ۵۳، ۶۷، ۸۶ و منابع دیگر نیز استفاده کرده‌ایم. افزون بر نسخه‌های جلدسبز، مجموعه‌ی پرینستون و کیمبریج و نشریات ازلیان و مجموعه شخصی خود را نیز مدنظر و پیش‌رو داشته‌ایم.

۷- در مواردی رسم الخط واژه‌ها به‌گونه‌ای انتخاب شده که برای جستجو مناسب‌تر باشد. مثلاً گاهی کاتب در نسخی اصل کلمه‌ی «جلالت» را به‌صورت «جلالة» نگاشته است و ما ترجیح داده‌ایم آن را «جلاله» تایپ کنیم و

در پایان یادآور می‌شود که از آغاز کار تایپ و تصحیح فایل‌های اسکن شده مایل بودیم که از همکاری فضلا و مطلعین جامعه در تصحیح نسخه‌های موجود، بیشتر بهره‌مند باشیم؛ اما این مهم، جز در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، محقق نگشت.

در همین جا به‌ویژه از جناب ولی‌اله کفاشی سپاسگزاریم. کار بازخوانی، مقابله و تصحیح فایل‌های تایپ‌شده‌ی آثار حضرت باب تماماً توسط ایشان انجام و نهایی شد. در عین حال، امیدواریم که در ادامه‌ی راه از مساعدت و همراهی تعداد بیشتری از یاران فاضل و مطلع مستفید شویم. ضمن آنکه از همه‌ی خوانندگان این فایل‌ها درخواست می‌کنیم تا اگر در حین مطالعه به اغلاط تایپی برخوردند آن موارد را از طریق سایت به ما اطلاع دهند. امید و هدف دیگرمان اینست که در آینده، تمام فایل‌های این مجموعه، با مقابله‌ی علمی و اسلوبی دقیق‌تر - دست‌کم در حد آنچه که در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء انجام شده - تقدیم دوستان و یاران علاقمند شود.

این مجموعه با اجازه محفل مقدس ملی ایران
شیدالله ارکانه بتعداد محدود بمنظور حفظ تکثیر
شده است ولی از انتشارات مصوبه امری نمی باشد
شهرالعالء ۱۳۲ بدیع

فهرس

صفحه

۲- بواسطه جناب حیدر قبل علی جناب آقا سید نصرالله و جناب آقا سید ناصر و جناب آقا سید حسین
و جناب آقا میر منصور نزول مناجات طلب مغفرت از یراعه میثاق حضرت احدیت در حق یکی از سادات خمس

۴- رشت بافتخار جناب آقا سید اسدالله برادران حاجی سید باقر اف تمجید میثاق
رب مجید از استقامت مشارالیه در امرالله

۴- بعنوان ای یار حقیقی عبدالبهاء اخبار قلم محیطه حضرت عبدالبهاء از ورود
آقا سید ناصر بارض مقصود و ظهور عنایت بمخاطب لوح

۵- ط بافتخار جناب آقا سید حمزه طلعت پیمان باین بیان احلی ناطق قوله عزّ بیانه ...
طائر عنایت از آشیان الهی پرواز نموده و مراتب وجود را طی کرده تا بمنزلگاه عالم انسانی رسید و بهر سمت پرواز نمود
تا در عرصه قلب تو لانه نمود

۶- رشت بافتخار سادات خمس جناب آقا سید اسدالله ظهور عنایت حضرت من اراده الله
در حق مشارالیه و تحسین از عملی که در باره آقا غلامحسین مجری داشته است

۶- بواسطه حضرت حیدر قبل علی طهران بافتخار جناب آقا میرزا ناصر خلیل
مجید متساعد الی الله و امة الله المعظمه والده محترمه و اخوان محترمان ایشان آقا سید حسین
و میر منصور بیان غصن دوحه بقا در خصوص اینکه اگر ابناء از عنصر جان و دل باشند آن نسبت
حقیقی است والا نسبت مجازی است

۸- بافتخار دو ضلع آقا سید اسدالله بیان من حوله الاسماء در اغتراف

۸- طهران بواسطه جناب آقا سید نصرالله جناب آقا سید اسدالله ظہور عنایت حضرت عبدالبہاء در حق مشارالیہ و ممنونیت خدمات ایشان و جناب برادر محترم آقا سید نصرالله

۹- بواسطه جناب آقا میر ناصر حضرات اخوان ایشان آقا سید حسین و آقا میر منصور بیان میثاق نیر آفاق در خصوص تشرف برادر مشارالیہم بارض اقدس و اشتغال بذکر آنان

۱۰- بواسطه جناب آقا میر ناصر امه الله الموقنه والده محترمه ایشان بیان حضرت در خصوص تشرف جناب میرزا ناصر بارض اقدس و ذکر مشارالیہا

۱۱- بواسطه جناب میر ناصر امه الله المنجذبه ضجیع محترمه اظهار عنایت حضرت عبدالبہاء بمشارالیہا و قرین محترم و طلب مغفرت بجهت والده مشارالیہا

۱۲- طهران بواسطه حضرت شهید ابن شهید جناب آقا سید اسدالله نزول مناجات از یراعه میثاق ربّ الايات البينات در حق مشارالیہ و حضرت شهید ابن شهید و طلب تائید و برکت و در ذیل لوح مبارک امر بسکون و قرار و تمشیت امور

۱۳- طهران بافتخار حضرت آقا سید نصرالله باقراف رجاء حضرت غصن الله الاعظم باتمام حرب عمومی و آسایش جهان آفرینش و استعداد عالم انسانی برای اصغاء تعالیم مبارکہ در نتیجه جنگ

۱۵- طهران بافتخار حضرت باقراف بیان حضرت عبدالبہاء در اینکه استقامت و ہمت در عبودیت حضرت احدیت نفس تائید است حزن ہیکل اطہر از صعود حضرت ادیب و امر بتادیہ یکصد تومان برای قبر ایشان

۱۶- بواسطه جناب آقا سید نصرالله سادات خمسہ جناب امیر محترم وعده حضرت عبدالبہاء بمشارالیہ در شمول الطاف الہیہ مشروط بر خیرخواہی عموم و ثبات و استقامت و اصلاح راعی و رعیت و خدمت بوحدت عالم انسانی

۱۷- طهران بافتخار جناب آقا سید نصرالله باقراف اخبار بصدور مناجات طلب مغفرت در حق حضرت مؤید و نزول لوحی دربارہ ...^۱

^۱ کلمہ ای خواندہ نشد.

و بیان مبارک در خصوص اینکه خود خلق مسبب اضطراب هستند

۱۹- طهران بافتخار حضرت باقراف اظهار عنایت میثاق الهی بشخص محترم و امیدواری بموفقیت بمحافظت مظلومان و ذکر نطق مستر بر این وزیر خارجه سابق امریک که فلاح و نجاح شرق منحصر بتعالیم حضرت بهاءالله است

۲۱- طهران بافتخار حضرت آقا سید نصرالله باقراف امر طلعت پیمان در خصوص ارسال مکاتیب بواسطه آقا احمد یزدی در پورتسعید و در ذیل لوح مبارک فکر تبدیل پاکت و پاره نمودن پاکت اصلی

۲۲- بعنوان (ای ثابتان بر میثاق) بیان حضرت عبدالهء در خصوص افاضه فیوضات الهیه بعالم امکان و رجوعش بمصدر اعلی بواسطه مهجوری غافلان و نصیحت حضرتش باتفاق احباء و ذکر مناقب اتحاد

۲۵- طهران محفل ایادی امرالله پس بواسطه جناب مصور رحمانی و آقا میرزا علی اکبر بخط خوش طبع شود و اطراف ارسال گردد شرق و غرب خصوصاً احباء ایران عموماً بیان طلعت پیمان در خصوص اختلاف عقیده عقلاء و انبیاء الهی راجع بتعلیم و تربیت و لزوم و وجوب تربیت اولاد بنص قاطع جمال اقدس ابهاء و بالانحص تربیت دختران

۲۹- ابهر بافتخار احبای الهی نصیحت قلم میثاق بیاران رحمانی در الفت و محبت با یکدیگر و اجتناب از غیبت جوئی و ستر عیوب

۳۱- طهران و سایر ولایات ایران احبای الهی جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی طبع نموده بولایات ارسال نمایند اظهار حزن حضرت عبدالهء از ظهور حقه و فساد و وقوع شهادت یاران مظلوم بواسطه تعدیات علمای رسوم و عوام جهول و امر بداد خواهی از اعلیحضرت و جناب صدر

۳۵- طهران احبای الهی بواسطه جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی طبع نموده و اطراف ارسال گردد بیان طلعت میثاق مبنی بر اینکه اشراق شمس حقیقت از افق برای تشکیل جهان ملکوت ظهور کمالات انسانی بوده و ماراست که بر وفق تعالیم جمال مبارک سلوک نمائیم و امر بکمک بشرکت خیریه

۳۷- ایران طهران عموم احبای الهی در قیام بخدمت حضرت ربوبیت و تعدیل اخلاق و تصحیح اطوار و عمل بموجب نصائح آلهیه تا حیز ادنی کاشف ملکوت ابهی گردد و در ذیل لوح مبارک بشارت صحت و ثبات منتسبین و نیز در ذیل آن امر بارسال لوح نزد آقا میرزا علی اکبر میلانی

۴۵- در جمیع ولایات احبای الهی بتعجیل طبع فرموده تمام ولایات ارسال دارند مهم است بیان طلعت پیمان در انتشار امر حضرت در جمیع اقطار و امر ببذل اعانه برای ساختمان مشرق الاذکار عشق آباد و در این لوح مبارک دستور بجناب آقا میرزا علی اکبر میلانی در طبع لوح انور و ارسال بولایات

۴۸- طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی طبع نموده و نسخ متعدده اطراف ارسال دارند احبای الهی شکوه قلم میثاق از مظالم احزاب مختلفه بالاخص عصبه ناقصین و ورود شخصی از اهل جهرم به ارض اقدس و مراجعتش باتفاق خرطومی بهند برای طبع دفترپارهئی فریب بر ضد هیکل انور

۵۲- طهران بافتخار جمیع احبای الهی تأثر خاطر انور حضرت عبدالبهاء از اختلاف احبای جهت انتخاب محفل روحانی و امر برفع اختلاف

۵۴- بافتخار احبای الهی در آستانه و تفلیس و بادکوبه و انزلی و رشت و قزوین و قم و کاشان و قمصر و مازندران بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص بلایای وارده بر هیکل اطهر و نصیحت احبای الهی بعدم فتور و قصور از بلایای مذکوره و سعی در نشر نفعات الله

۵۶- طهران به افتخار احبای الهی جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی بخط بسیار خوشی طبع نموده نشر نمایند بیان طلعت میثاق از اندفاع و با از کشور ایران بجهت نیت مبارکه

۵۹- مرکز سلطنت عظمی و ذکر جنگ منشوریا و منازعه بر سر خاک بعنوان ای یاران حقیقی عبدالبهاء در خصوص تشرف حضرت ابن اصدق ببقعه مبارکه

۶۰- بواسطه جناب حاجی میرزا عبدالله صحیح فروش طهران احبای الهی و جناب میرزا علی اکبر میلانی طبع نموده بجمیع اطراف ارسال دارند امر اکید هیکل میثاق که احبای از هرگونه نعت و ثنائی در مورد حضرتش خودداری کنند و فقط بکلمه عبدالبهاء قناعت نمایند و بتبلیغ امر الله و نشر نفعات الله پردازند

۶۳- واشنگتون بواسطه جناب آقا میرزا احمد جناب مستریمی مسرت خاطر انور حضرت عبدالبهاء از اتحاد احبای و توصیه در ساختن مشرق الاذکار

۶۴- در واشنگتون بافتخار احبای الهی دوستان حقیقی و آیات رحمانی در جمیع بلدان و اقالیم در شرق و غرب جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی انتشار دهند شکوه قلم میثاق در بغض و عدوان بیوفایان و امر مؤکد باحبای الهی در اجتناب از آن نفوس و محافظه امر الله

۶۸- ط بواسطه جناب آقا میرزا علی اکبر طهران بواسطه جناب میرزا علی اکبر میلانی جناب آقا میرزا سید باقرخان بیان طلعت عبودیت در خصوص اینکه نفوسی بمجرد تماس با نار شعله زنند و برافروزند و نفوسی مانند احجار و صخورند که پرتو نور نگیرند

۶۹- بدون عنوان اظهار تأثر و تجسر غصن دوحه بقا از مصائب و متاعب وارده از جنگ در نتیجه غفلت نفوس و ترک سبیل رشاد و رجا و از درگاه حضرت احدیت باطفاً نار حرب

۷۳- طهران جناب آقا علی اکبر میلانی طبع و نشر فرمایند بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص انتشار امر حضرت رحمن در جمیع آفاق و خونریزی و بد اندیشی کل قبائل و شعوب و امر باحبای الهی ...^۲ بترویج صلح و محبت و حق پرستی

۷۶- شرق و غرب عموم احبای الهی بیان طلعت پیمان در خصوص مسافرت چهارساله حضرتش بخاور و باختر و نداء بملکوت الهی در کنائس مسیحیان و معابد یهود و دارالفنونها و مجامع تیا سوفها اسرائیلیها و مندرجات جراید و فلاسفه و ارباب قلم راجع بامر مبارک و امر باحبای الهی بترویج امرالله و رعایت احترام مبلغین و در ذیل لوح مبارک مناجات طلب تأیید برای ناشرین نفحات الله

۸۴- بواسطه جناب آقا سید اسدالله قم مهتر سیاوش و مهتر بهمن ورستم و مهربان و کیخسرو و هرمز ورستم حضرت عبدالبهاء باین بیان احلی ناطق قوله جلّ ثنائه ((.. ستایش و نیایش در جهان آفرینش پاک یزدان را لائق و سزاوار که پرتو تقدیس از افق حقیقت برفق یاران فارسیان مبدول داشت که روشنائیش خاور و باختر را فرا گرفت ...

۸۵- بافتخار جناب آقا کیخسرو زردشتی فارسی بیان طلعت عبودیت باینکه سلطنت خسروی هر چند قطعه آسیا را متزلزل ساخت ولی عاقبت بی بنیاد شد ولی مشارالیه در ظل عنایت جمال مبارک سلطنت باقی یافت

۸۵- ... بافتخار جناب کیخسرو و جناب رستم فارسی امر میثاق نیر آفاق بمشارالیهما بابر از شادمانی برای بهره یابی از جهان یزدانی به گرفتن پیمان بدست و سرمست شدن در این بزم

۸۶- بواسطه جناب زائر مشهدی رضا و جناب زائر یدالله قم احبای الهی آقا میرزا کیخسرو و عده ای از احباء الله نصیحت طلعت پیمان باحبای الهی پرستش ایران و ایرانیان و خیرخواهی عالم و سعی در التیام احزاب مختلفه

۸۸- طهران بافتخار جناب مهدی خان پسر فرخ خان اظهار عنایت غصن الله الاعظم مشارالیه و سرور خاطر انور از ذکر احبای الهی و مرحوم خواجه ربیع

۸۸- هندستان بافتخار حضرت شهید ابن اسم الله الأصدق امر حضرت من اراده الله بمراوده و معاشرت با اغیار علی الخصوص در نقاطی که علم امر مرتفع نشده و واگذاردن سید محمد بحال خود

^۲ کلمه ای خوانده نشد.

۸۹- اسامی نفوسیکه رجاء عنایت دارند و از ساحت قدس جمال مبارک جلّ اسمه الاعظم تائید و توفیق میطلبند احبای قم استاد رضای نداف و غیره بیان قلم میثاق از محبت کیخسرو باحبای الهی و کامرانی احبای در جهان در صورت تعلق بیکدیگر

۹۰- طهران بافتخار حضرت ایادی امرالله شهید ابن شهید امر حضرت عبدالبهاء بمشارالیه بادای شکرانه بدرگاه الهی از نفع روح هدایت در قلب مشارالیه

۹۱- بعنوان (ای دوستان راستان) بیان هیکل میثاق در ارتفاع ندای امر الهی در سبع طباق و خمودت و جمودت غافلان و امر بیاران رحمانی در محافظه امرالله از دزدان و خائنان و اجتناب از کبر و غرور و تمسک بذیل انکسار و تذلل و رعایت حکمت در جمیع موارد

۹۶- بعنوان (ای دوستان حقیقی) ذکر قلم میثاق حیّ قدیر در خصوص متفق شدن میرزا محمدعلی ناقص اکبر و جمعی نسبت دادن مفتریاتی چند بهیکل عبودیت و تشکیل کمیسیونی از طرف دولت علیّه عثمانیه برای تفتیش در این قضیه و امر باحباء بمناجات بدرگاه الهی بجهت مکشوف شدن حقیقت امر بحکومت عثمانی و عمل بوصایا و نصایح جمال قدم و مهربانی با جمیع ادیان و بیان تقریر میرزا محمدعلی باینکه حضرت بهاءالله طریقتی موافق شرع انور داشته ولی حضرت عبدالبهاء آنرا تغییر داده

۱۰۱- بواسطه حضرت شهید جناب ابوالحسن ایرانی امر من طاف حوله الاسماء بمشارالیه بادای شکرانه بدرگاه حضرت یگانه از شمس موهبت و هدایت فرمودن بطریق هدی

۱۰۲- بواسطه حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق جناب دکتر طاشجیان جناب لیوان جناب مارکار جناب نرسیس جناب کالوس بیان طلعت میثاق در احتجاب فریسیان در ظهور حضرت مسیح ملیح مانند احتجاب کاهنان در اشراق نیر آفاق و شناسائی آنان بظهور رب الجنود و ورود بملکوت

۱۰۳- بواسطه آقا میرزا حسین ابن شهید طهران جناب مشهدی اکبر ستایش حضرت عبدالبهاء از اشعار مشارالیه و امر بانشاء قصیده‌ای در مدح جمال ابهی

۱۰۴- بواسطه حضرت شهید ابن شهید جناب مشهدی اکبر بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص انسان باید فانی محض گردد و فارغ از هر مرض تا سزاوار عبودیت آستان الهی شود

۱۰۴- بواسطه حضرت شهید جناب آقا حبیب الله عنایت قلم میثاق الهی مشارالیه برای استشمام بوی قمیص یوسفی و پی بردن بمصر الهی

۱۰۵- بواسطه جناب آقا سید مهدی حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق تقدیر قلم میثاق از مشارالیه بجهت قیام بوفای و مسافرت در راه آن دلبر یکتا

۱۰۵- بافتخار ورقه زکیه لقائیه بیان طلعت پیمان مشمول فیض و رحمت نیر اعظم بمشارالیها

۱۰۶- طهران بافتخار بنات و ذریات حضرت من فاز بالرفیق الاعلی جناب اسم الله الأصدق اظهار مسرت همکل میثاق از آقا میرزا ارسطو بجهت تعلیم لسان انگلیسی و نصیحت بانان بسلوک در مسلک بدر

۱۰۷- طهران بواسطه حضرت شهید ابن شهید اماء الرحمن ورقه طیبه ضیاء الحاجیه ورقه موقنه والده شان و ورقه روحیه لقائیه و ورقه نوریه هویه و ورقه نورا روحا و ورقه بدیع طلیعه اظهار عنایت حضرت عبدالبهاء بانان بجهت انجذاب بنفحات الهیه

۱۰۸- بافتخار ورقه طیبه روحا بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص اینکه اماء مشقّاتی متحمل شدند و بآنی از این ایام فائز نگردیدند و مشارالیها بدون زحمت بدرک ایام الله فائز گردید

۱۰۸- ط بافتخار امة ضیاء الحاجیه امر میثاق رب قدیر مشارالیها بادای شکرانه بدرگاه بجهت تموج^۳ بتاج عرفان و اکلیل محبت الله

۱۰۹- بافتخار امة الله ضلع حضرت اسم الله الأصدق الّتی فازت از حضرت عبدالبهاء بمشارالیها بادای شکرانه بآستان جمال قدم بجهت فوز بلقای محبوب آفاق

۱۱۰- طهران بواسطه حضرت شهید ابن شهید جناب مشهدی اکبر عنایت حضرت عبدالبهاء بمشارالیه بجهت خدمت دوستان

۱۱۱- بواسطه حاجی میرزا عبدالله جناب میرزا منصور نوری رجای مظهر عبودیت بملکوت الهی برای حصول اسباب راحت

۱۱۱- بادکویه بواسطه حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق طهران امة الله المقربه ورقه مطمئننه ضیاء الحاجیه عنایت طلعت میثاق بمشارالیها و تقدیر از خدمات حضرت شهید و مسافرت بهندوستان و قفقاز و عشق آباد و تاسیس مشرق الذاکرا در مرو

^۳ احتمالاً «متوج» صحیح است.

۱۱۲- بواسطه حضرت شهید ابن شهید ط امة الله ضياء الحاجيه رجای حضرت عبدالبهاء بدرگاه الهی بشمول فضل در حق مشارالیهما

۱۱۳- بافتخار ورقه طيبه زکيه موقته امة الله ضياء الحاجيه عنایت حضرت من ارادة الله در حق مشارالیهما

۱۱۴- بواسطه حضرت شهید ابن شهید خویشان و ذریه حضرت اسم الله الأصدق اظهار عنایت من طاف حوله الاسماء بانان بجهت مشاهده نور منیر در صبح مبین و ثبوت بر عهد و میثاق و پیمان

۱۱۴- رشت بافتخار حضرت ایادی امرالله حضرت شهید سلیل حضرت اسم الله الاصدق امر حضرت عبدالبهاء مرخصی آقا میرزا اسدالله مازندرانی بنجف برای ملاقات آنشخص مذکور و در ذیل لوح امر بحضرت شهید بمکاتبه بانشخص محترم در نجف

۱۱۵- بافتخار امة المقربه هویه امة الله الناشئه روحا امة الله المؤیده طلیعه عنایت هیکل در حق آنان و اخبار از وصول صور شعائیه

۱۱۶- خا بافتخار ورقه متعالیه امة الله والده حضرت شهید ابن شهید بیان طلعت پیمان باینکه هر چند آن باز سپید بملکوت عزت عروج نموده ولی وراثی بیادگار گذاشت که شکار افکن است

۱۱۷- بافتخار ورقه طيبه هویه امر حضرت عبدالبهاء بمشارالیهما بادای شکرانه بدرگاه الهی بجهت دخول در جنت نعیم

۱۱۷- بافتخار ورقات شجره روحانیه امة الله لقائیه و امة الله هویه و امة الله روحا و امة الله طلیعه و امة الله ضياء الحاجيه ظهور حضرت عبدالبهاء بانان و طلب تائید

۱۱۸- خا بافتخار ورقه طيبه بنت شهید ظهور عنایت مرکز میثاق در حق مشارالیهما و تفویض قضیه خانه بجناب ابن اسم الله الاصدق

۱۱۹- بافتخار ضلع جناب ابن اسم الله الأصدق امة الله ضياء الحاجيه ظهور عنایت قلم میثاق در حق مشارالیهما و ذکر صیغ کریم در آستان مبارکه و رجعت ایشان

۱۲۰- بافتخار ورقه طیبه صمدیه بیان طلعت میثاق باینکه در عصر جدید باید اماء جمال کبریا آیت انجذاب باشند

۱۲۰- بواسطه حضرت شهید ابن اسم الله الأصدق امة الله المنجذبه ضیاء الحاحیه بکم سلطان خدیجه وعده ای از اماء الرحمن مسرت حضرت عبدالبهاء از تاسیس درس تبلیغ جهت اماء الرحمن و تاکید در آموختن ادله معقول و منقول برای ظهور فیوضات ملکوتیه

۱۲۳- بافتخار ورقه موقنه ضلع حضرت شهید ابن شهید جناب ابن اصدق امر حضرت من ارادة الله بمشارالیها شکرگزاری باستان الهی بجهت ورود در ظل جمال مسین

۱۲۳- ط بافتخار جناب علی همدانی و اخویشان علی محمد تسلی حضرت عبدالبهاء بمشارالیها برای تحمل مصائب در سبیل جمال قدم و موکول فرمودن اذن برای آتیه

۱۲۴- بواسطه حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق امة الله مقریه هویه بنت شهید نزول طلب مغفرت از یراعة میثاق الهی در حق رفعت

۱۲۵- بافتخار حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق امر طلعت میثاق بمشارالیه بنگارش گزارش از چگونگی مجلس لاهای

۱۲۵- بافتخار امة الله المعظمه حرم حضرت شهید ابن اسم الله الأصدق اظهار عنایت قلم میثاق بمشارالیها

۱۲۶- بافتخار امة الله آغا شاهزاده بیان طلعت پیمان در خصوص اینکه چنانچه در این یوم ورقه از اوراق ثابت بر میثاق بوده باشد بمثابه ستاره روشنی از افق عالم بدرخشد و در ذیل لوح اخبار از ضیافت در یوم مولود در روضه مطهره و زیارت از قبل مشارالیها

۱۲۷- طهران بافتخار حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق اظهار مسرت خاطر انور حضرت عبدالبهاء از تاسیس درس تبلیغ بجهت ورقات طیبه

۱۲۸- بواسطه حضرت شهید ابن شهید جناب نور محمدخان جناب میرزا محمدعلی جناب

عبدالحسین خان جناب شکرالله جناب ابوالقاسم جناب ابوالحسن عطار جناب
میرزا احمد طبیب جناب عبدالباقی عطار رجاء حضرت عبدالبهاء بدرگاه
الهی بتخلّق احبًا باخلاق ملأ اعلیٰ و انقطاع از ماسوی الله

۱۲۹- همدان بواسطه حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق احبّای الهی حضرت خرازی
فروشها وعده ای از احبّای ظهور عنایت و طلب شمول الطاف آلهیه از میثاق
نیر آفاق در حقّ یاران بجهت بذل اعانه برای دبستان تأیید

۱۳۰- طهران بافتخار حضرت ایادی امرالله ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حقّ
آنان و ذکر مسافرت هیکل اطهر با وجود استیلائی امراض مزمنه و در ذیل لوح
مبارک منع از تعدد آراء برای نفس واحد

۱۳۳- همدان بواسطه حضرت شهید ابن اسم الله الأصدق جناب آقا یهودا و عده
کثیری از احبّاء بیان طلعت میثاق در خصوص غنای مطلق حضرت بیچون و حکمت
بالغه در وجوب فریضه حقوق الله بر عباد خود

۱۳۵- ط مناجات طلب مغفرت از یراعه مطلع عبودیت بجهت ورقه متصاعد الی الله شاهزاده

۱۳۵- طهران بواسطه حضرت شهید ابن اسم الله الأصدق اماء رحمن خدیجه سلطان بیگم
سلطان و عده ای از اماء رحمانی اظهار مسرت خاطر مبارک حضرت عبدالبهاء
بجهت اشتغال و رقات رحمانیه بتحصیل علم و عرفان

۱۳۷- همدان بافتخار جناب میرزا یوحنا خان جناب حاجی یهودا و عده ای از
احبّاء اظهار عنایت طلعت میثاق بانان بجهت ایمان در یوم ظهور و قیام
بخدمت و امر بتعمیر رمس جناب اسم الله الأصدق

۱۳۸- بعنوان ای منادی پیمان امر حضرت عبدالبهاء بمشارالیه بمسافرت موقت
بطهران و مراجعت ببادکویه

۱۳۹- بعنوان ای مشتاق جمال ذی الجلال اظهار عنایت حضرت غصن الله الاعظم
بمشارالیه و امر باحبّای الهی در قیام بر نصرت امر

۱۳۹- بعنوان ای بنده درگاه حق ذکر حضرت عبدالبهاء از انجذاب و اضطراب قلب
اطهر در حالت نگاشتن لوح مبارک

۱۳۹- بعنوان ای شمع محفل عرفان بیان طلعت عبودیت از ذکر اسم مخاطب لوح
بواسطه یکی از نفوس و اظهار عنایت در حق مشارالیه

۱۴۰- بعنوان ای مشتاق جمال ذوالجلال بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص اینکه
نفوسیکه در ظل کلمه الهی هستند باید مردگانرا جان بخشند

۱۴۱- بدون عنوان مناجات طلب مغفرت از یراعه میثاق الهی در حق یکی از
احبباءالله

۱۴۱- بدون عنوان مناجات نازله از قلم میثاق ربّ الایات البینات در حق یکی از
اماءالرحمن

۱۴۵- بواسطه جناب سررشته دار جناب رضاخان سرتیب حضرت من طاف حوله الاسماء
باین بیان احلی ناطق قوله جلّ ثنائه ... حرب جسمانی را رونقی نه ...
ایامی چند مذکور و بعد از مدتی مظفر مقهور گردد اما جنود الهامات
غیبیه چون برظنون غالب و قاهر شود لشکر اوهام چنان متلاشی و پریشان
گردد که اثری باقی نماند

۱۴۵- ... ق بافتخار امه الله ضلع جناب آقا محمدجواد نصیحت قلم میثاق
بمشارالیه در ثبوت و استقامت

۱۴۶- طهران بواسطه جناب آقا محمدعلی جناب آقا میرزا علی اکبر و جناب آقا
علی اصغر بیان طلعت پیمان در تشبیه بمشارالیه بدو پیکر و امر بشبوت و
رسوخ بر پیمان

۱۴۷- بعنوان ای امین عبدالبهاء تقدیر قلم میثاق حی قدیر از زحمات مشارالیه
و حاجی و بیان اینکه چون ایرانیان مانع از مسافرت حضرتش بایران هستند
لهذا بدیاریا غرب تشریف فرما میشوند

۱۴۸- بعنوان ای امین من توصیه حضرت عبدالبهاء در ساختن قبر حضرت اسم الله الأصدق در همدان

۱۴۹- بعنوان ای ثابت صادق اظهار عنایت هیکل میثاق از خدمات حاجی غلامرضا و

امر به تجارت کردن از مبلغ موجود

۱۴۹- محرمانه بعنوان ای امین عبدالبهاء بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص عزم مسافرت بامریک و مصاریف کثیره آن و در ذیل لوح مبارک امر بارسال مکاتیب با اسم آقا احمد

۱۵۰- بعنوان ای امین جمال مبارک بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص تشرف مشارالیه بحضور انور در لندن و پاریس رضایت از احباء ایران

۱۵۲- بعنوان (یا حضرت امین) بیان طلعت میثاق در سیر و حرکت هیکل اطهر در محیط اعظم و اشتیاق بخدمت در سبیل جمال قدم

۱۵۳- بعنوان (ای امین عبدالبهاء) بیان حضرت عبدالبهاء بمراجعت از فرنگستان و ورود باقلیم قبطیان و انجماد آنقوم و استعداد اهالی غرب

۱۵۳- بعنوان (ای امین عبدالبهاء) تمجید قلم میثاق از خدمات مشارالیه و استقامت و ثبوت احباً و اماء الرحمن

۱۵۴- (ای امین عبدالبهاء) ستایش مطلع عبودیت از مشارالیه بجهت تأدیه قروض حضرت افنان و امر باحبای عشق آباد باعتدال در تجارت

۱۵۵- بعنوان (ای امین عبدالبهاء) اظهار عنایت حضرت عبدالبهاء بمشارالیه و ذکر رضایت اهل حرم از حکیمه خاتون

۱۵۵- بعنوان (ای امین نور مبین) بیان حضرت من ارادة الله در بیغرضی مشارالیه و ذکر خیر جمیع یاران

۱۵۶- بعنوان (یا امین عبدالبهاء) بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص اینکه بواسطه دعوت مجمع صلح و مجمع وحدت نژاد و والی بستن و اعظام و اکابر و احباء حضرتش مجبور مسافرت بامریک است

۱۵۷- بعنوان (ای امین عبدالبهاء) شهادت قلم میثاق بخیرخواهی مشارالیه در

حق احبّاء و عدم فرصت بجهت ابلاغ کلمة الله در محافل و مراجعت اهل مسائل

۱۵۷- بعنوان (ای امین عبدالبهّاء) شکوه قلم میثاق از مشقّات مسافرت و خطابه های مبارک در امریکا و بیخوابی و تب عصبی

۱۵۸- بعنوان (ای امین عبدالبهّاء) بیان طلعت پیمان از مسافرت باروپا و هدایت جمعی از نفوس و استعداد عظیم آن اقلیم و عنایت به احبّاء عشق آباد و مرو و بادکوبه و سمرقند

۱۶۰- بعنوان (ای جناب امین) بیان حضرت باستغراق در دریای اوراق و اظهار عنایت بکآفه احبّاء

۱۶۱- بعنوان (ای امین عبدالبهّاء) تشویق طلعت عبودیت از احبّای الهی بجانفشانی در سبیل امر حضرت رحمن و اخبار از مسافرت حضرتش بکشور ماه کنعان

۱۶۳- بعنوان (ای امین ربّانی) بیان غصن دوحه بقا در خصوص تعاون و تعاضد و کمال آن در احبّای الهی و ذکر بذل اعانه در اکناف عالم بجهت مشرق الاذکار امریکا

۱۶۶- بعنوان (یا امین الامین) ستایش قلم میثاق نیر آفاق از استقامت احبّای الهی و ذکر عدم فرصت بنگارش لوح مخصوص برای فرد فرد یاران و شهادت جمیع صحائف و جرائد غرب در عظمت امرالله و بزرگواری جمال مبارک

۱۶۷- بعنوان (ای امین الهی) ذکر قلم میثاق از نزول مناجات طلب مغفرت در حق آقا سید نصرالله و اظهار عنایت بحاجی غلامرضا و در ذیل لوح بیان مبارک در خصوص عدم وصول چهارصد لیبه و امر بارسال وجوه بتوسط آقا احمد یزدی

۱۶۹- بعنوان (ای امین عبدالبهّاء) امر حضرت من ارادة الله بمعاشرت با دو شخص تاجر تازه تصدیق و اجازه تشرف بنفوسی که قصد طواف ملاً اعلیٰ نموده اند

۱۷۰- بعنوان (ای امین عبدالبهّاء) بیان طلعت میثاق در خصوص اینکه تا ایران بانوار تعالیم مبارک روشن نشود نجات و ترقّی حاصل نشود و ذکر حرم ارباب

جمشید و همشیره حرم ورقه محترمه ثمره و جناب آقا میرزا لطف‌الله و امر
بحکّ مهری باسم مبارک و در ذیل لوح مبارک ذکر بیخوابی و تب هیکل اطهر و
نیز در ذیل آن اخبار از وصول تحاریر و برات

۱۷۲- بعنوان (جناب امین) ذکر قلم میثاق از وصول چهارصد و سیصد جینه و خطابه
حضرت در دو کلیسای عظیم و اثبات امر مبارک و نبوت حضرت رسول

۱۷۳- بعنوان (جناب امین) بیان حضرت عبدالبهّاء در خصوص فروش املاک عشق آباد
و تصفیه دین حضرت افنان رسید وجوه عدّه ای از احبّاء

۱۷۴- بعنوان (ای امین عبدالبهّاء) اخبار طلعت عبودیت از ورود به پورتسعید و
اظهار عنایت در حقّ احبّاء و اماء الرّحمن و در ذیل لوح مبارک ذکر وصول
وجوه ارسالی از طهران و عشق آباد

۱۷۵- بعنوان (جناب امین) بیان حضرت عبدالبهّاء در خصوص ارسال مکتوبی در ردّ
مفتریات اهل نجف و امر بنشر آن در بین احبّاء

۱۷۶- بعنوان (یا امین) اظهار عنایت قلم میثاق در حق مشارالیه و اجازه تشرف
بسالار و سلیل قوام دیوان و صدور الواح بافتخار امة الله المنجذبّه فائزه
و جناب آقا میرزا اسمعیل

۱۷۷- بعنوان (ای امین من) بیان مرکز میثاق در خصوص هزار چند حاجی غلامرضا
و عدم مداخل اراضی در حیفنا و صلاحیت خریداری اوراق بنک

۱۷۷- بعنوان (جناب امین) امر حضرت عبدالبهّاء بمشارالیه بارسال صد تومان
بجهت آقا میرزا فضل‌الله برای حفظ اثر کلک حضرت مرحوم میرزا در مازندران

۱۷۸- بعنوان (ای بنده با وفای جمال ابهی) ذکر قلم میثاق در خصوص حکیمه خاتون
و حضرت ابتهاج و دخول چند نفر یحیائی در محافل از جمله تمدّن متوحّش

۱۷۸- بعنوان (جناب امین) ذکر قلم میثاق از ورود میرزا جعفر بحیفنا و تشویق
حکیمه خاتون برفتن عشق آباد

۱۷۹- بعنوان (ای امین عبدالبهاء) اذن قلم میثاق بجناب کیومرث پارسى بتشرف
عتبه مقدسه و امر بتفقد حال جناب آقا سيد باقر روضه خوان كاشى

۱۸۰- بعنوان (جناب امین) ذکر قلم میثاق نیر آفاق از کثرت اشتغال در اوریا
بواسطه هجوم نفوس و رسید هزار ذهب عشق آباد و ارسالیه بعد و در ذیل لوح
مبارک امر به بنای مرقد مطهر شهید سلیل جلیل ملاً علی جان

۱۸۱- بعنوان (ای امین عبدالبهاء) امر حضرت عبدالبهاء بمشارالیه بپرداخت
قروض و لزوم توقف آقا میرزا علی اکبر رفسنجانی در طهران و اظهار عنایت
بهمشیره حضرت علی قبل اکبر

۱۸۲- بعنوان (ای امین عبدالبهاء) امر حضرت عبدالبهاء بمشارالیه بطبع و نشر
لوح مبارک راجع بمظلومیت آقا میرزا اسدالله و جناب آقا میرزا
عبدالحسین و برگذاری معامله جلال الدوله و آقا میرزا عزیزالله بوساطت
یاران و عدم صلاحیت خرید ملک در حیفنا بواسطه حاجی غلامرضا و اظهار عنایت
بحرم حاجی حیدر

۱۸۳- بعنوان (ای امین عبدالبهاء) امر حضرت من ارادة الله بتأديه قرضه ده
هزار تومان
و تأديه چهل هفت جینه بمیرزا سیاوش و رسانیدن لوح مبارک بانجال امجاد
ملاً اسمعیل کاشانی

۱۸۴- بدون عنوان حمد و ثنای مظهر عبودیت بدرگاه حضرت احدیت در ظهور جمال
غیب از افق شهود و ذکر انعقاد جشن ولادت در بیست و چهار شهر امریک و فساد
علماء اصولیان و مشایخ شیخیان و امر باحباء الهی در تقدیس و تنزیه در
خدمات دولتی و اجتناب در خیانت و در ذیل لوح مبارک توصیه در تفهیم حقیقت
بسید ناصر و در ذیل آن تعیین حاجی غلامرضا بسمت معین و در ذیل آن ارسال صد
لیره برای بازماندگان شهدای یزد و در ذیل آن اخبار اشتداد انقلاب ایران و
در ذیل آن اظهار عنایت بجناب عزیز و میرزا ولی الله خان

۱۹۳- بواسطه جناب معاون التجار جناب آقا محمدتقی کروکانی تقدیر قلم میثاق
از استقامت مشارالیه در تحمل بلایا

- ۱۹۳- بم بافتخار حضرت آقا میرزا علی آقا مناجات طلب تائید از یراعه محیطه
حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه
- ۱۹۴- بم بافتخار حضرت ذوالفضل الجلیل ۰۰۰ اسدالله الغالب علی مناجات غصن
دوحه بقا بدرگاه حضرت کبریا و طلب تائید در حق مشارالیه لأجل هدايت نفوس
- ۱۹۶- بافتخار جناب آقا غلامعلی دوا فروش بیان طلعت پیمان در خصوص رجوع
مشارالیه صحیحاً سالمأ بایران
- ۱۹۶- ایران طهران در خیابان ناصریه جناب آقا غلامعلی دوا فروش ذکر قلم میثاق
در وصول مکاتیب جناب آقا سید نصرالله و حاجی
- ۱۹۷- بواسطه جناب حاجی میرزا عبدالله طهران جناب غلامعلی ابن من فاز بالرحمن
الاعلی غلامحسین اظهار عنایت حضرت عبدالبهاء بمشارالیه و مرهون فرمودن
تشرّف بعد
- ۱۹۷- لندن بافتخار جناب آقا غلامعلی دوا فروش بیان طلعت میثاق از فقیری اغنیاء
و تباهی شاهنشاهان بواسطه جنگ و محفوظ ماندن احبای الهی
- ۱۹۸- طهران بافتخار جناب آقا غلامعلی دوا فروش بیان من طاف حوله الاسماء در
خصوص انتخاب محفل روحانی و پنجم جمادی
- ۱۹۹- طهران بافتخار جناب میرزا غلامعلی دوا فروش بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص
نفاق توحش الملک و چند نفر از همدستانهای او در محفل اتحاد و تشکیل
محافل سرّی
- ۲۰۱- بدون عنوان تقدیر قلم میثاق در حق یکی از بقایای قلعه و در ایام حیات و
رجاء ارتقاء او بمعارج علیا
- ۲۰۷- بواسطه جناب شهید ابن اسم الله الأصدق جناب شیخ حبیب قمی عنایت حضرت
عبدالبهاء بمشارالیه باینکه در سبیل الهی از زوجه حلال خود گذشت لذا
رفیق عبدالبهاء است چه حضرتش نیز از نامزد خویش که باغوی عمه خانم

بزرگ به پسر صدر اعظم میرزا داده شد محروم گردید و در ذیل لوح رجای تبدیل
درهم بدینار

۲۰۹- بافتخار جناب امین امر حضرت من ارادة الله بنوشتن سرنامه ملا باقر
کاشانی رسید وجوه ارسالی بلندن و پاریس و در ذیل لوح مبارک امر ببذل
اعانه در صورت تکلیف حکومت

۲۰۹- بافتخار جناب امین اخبار قلم میثاق از وصول سیصد جنیه و در ذیل لوح مبارک
امر برسیدگی بحال بعضی از احباء که از استغنائی طبع فوت کرده اند

۲۰۹- بافتخار حضرات اعضای محفل روحانی بیان طلعت میثاق در خصوص استیلاء علماء
سؤ و امت یحیا بمجلس معهود و خسران آنان و امید باینکه حکومت بخونخواهی
فاضل جلیل شهید آقا سید یحیی سیرجانی قیام نماید

۲۱۱- طهران بافتخار حضرت اعضای محفل روحانی امر حضرت عبدالبهاء بذکر خیر و
مراعات حال جناب آقا شیخ الرئیس

۲۱۱- طهران بافتخار اعضای محفل روحانی امر حضرت من طاف حوله الاسماء
بتأسیس کمیته ای برای مسئله ارتباط شرق و غرب

۲۱۲- محرمانه طهران بافتخار اعضای محفل روحانی تأکید اکید قلم میثاق بعدم
مداخله در امور سیاسی و بیان حمایت دولت از مظلومان و مخالفت مجلسیان و
امر بتبلیغ امرالله و در ذیل لوح مبارک موکول فرمودن تائید مجلس باتحاد با دولت

۱۲۵- بعنوان (در محفل شور مفتوح گردد) بیان حضرت عبدالبهاء در اهمیت محفل
شور و قرار باکثرت آراء و مکتوم داشتن مذاکرات و در ذیل لوح مبارک
تعیین فرائض اصحاب شور

۲۱۸- طهران بافتخار اعضای محفل روحانی ذکر قلم میثاق از مکاتیب تمدن الملک و
عزم حرکت بغرب

۲۱۸- طهران بافتخار اعضای محفل روحانی امر حضرت عبدالبهاء بنوشتن الواح
جمال مبارک و مکاتیب عبدالبهاء بخط خوش و ارسال آن بکتب خانه پاریس

۲۱۹- طهران بافتخار اعضای محفل روحانی بیان حضرت غصن اعظم الهی در خصوص
توجه جناب عضد السلطان بملکوت ابهی و امر باحبّا و ابراز محبت نسبت
بمشارالیه

۲۲۰- بواسطه جناب آقا میرزا علی اکبر طهران اجزاء محفل روحانی توصیف قلم
میثاق به تهیه شغلی بجهت جناب میرزا علی اکبر

۲۲۱- طهران بافتخار انجمن محفل روحانی بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص طلبیدن
معلم و معلمه و تأکید در توسیع دائره تبلیغ

۲۲۱- محرمانه طهران بافتخار انجمن محفل روحانی امر حضرت عبدالبهاء
بتأسیس محفل روحانی بانتخاب عمومی

۲۲۲- طهران بافتخار اجزاء محفل روحانی تصویب قلم میثاق بتأسیس محفل مقدسی در
طهران برای انتباه قلوب غافله

۲۲۲- طهران بافتخار اعضای محفل روحانی امر حضرت عبدالبهاء بانتخاب اعضا کمیته
مجری انجمن ارتباط شرق و غرب و اشتراک مجله نجم باختر

۲۲۳- طهران بافتخار محفل روحانی تأکید اکید هیکل میثاق بمحافل روحانیه در نشر
نفحات الله و تبلیغ امرالله و سرور قلب اطهراز جناب آقا میرزا
طرازالله و آقا میرزا علی اکبر

۲۲۵- طهران بافتخار محفل روحانی بیان طلعت پیمان در اهمیت نسوان و امر
تشکیل محفل تبلیغ نساء

۲۲۵- طهران بافتخار اعضا محفل روحانی بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص ابتیاع
کتاب اقدس و سؤال جواب که بواسطه جناب میرزا بطبع رسیده

۲۲۶- طهران بافتخار محفل روحانی و محافل سائره امر حضرت من اراده الله
بتکمیل مدرسه تربیت و ذکر غرور و جهالت تلامذه ایرانی در ممالک فرنگ

- ۲۲۷- طهران بافتخار اجزاء محفل روحانی ذکر قلم میثاق در خصوص تأسیس انجمن تربیتی و امریکا و امر بتصحیح اعلان انجمن تربیت و قبول اعانه احبای امریک بجهت مدرسه تربیت
- ۲۲۸- طهران بافتخار اعضای محفل روحانی دستور قلم میثاق در خصوص انتخاب عمومی که هر صد یا پنجاه شخص هر چند نفر نفس را انتخاب نمایند
- ۲۲۹- طهران بافتخار اعضای محفل روحانی تقدیر حضرت عبدالبهاء از خدمات مشکوره حضرت علی قبل اکبر در مدّت حیات و امر بینای مرقد منور آنشخص جلیل
- ۲۲۹- طهران بافتخار حضرات اعضای محفل روحانی بشارت قلم میثاق از استقرار عرش مطهر حضرت اعلی در جبل ربّ در یوم نیروز و وصول تلگراف از امریکا چهل مبعوث در شیکاگو برای قرار قطعی موقع مشرق الاذکار در روز مزبور
- ۲۳۱- طهران بافتخار اعضاء محفل روحانی امر حضرت عبدالبهاء بگرفتن عکس مواقع تاریخیه و همچنین عکس احبای قدیم بجهت ارسال بامریکا
- ۲۳۲- طهران بافتخار اعضا محترمه محفل روحانی بیان طلعت پیمان در مضرات اختلاف بین احبای اخبار از چند نفر ضعفا که باطناً با یحیائیا مرتبط بوده و منافق هستند
- ۲۳۴- طهران بافتخار اعضاء محفل تقدیس اظهار عنایت حضرت عبدالبهاء و طلب تائید در حق مشارالیه و در ذیل آن ذکر صدور لوح از اسکندریه
- ۲۳۴- طهران بواسطه جناب امین اعضای محفل روحانی رحمانی امر طلعت پیمان بودیعه گذاردن مال ایتم در بنک و یا صندوق مخصوص ایتم
- ۲۳۵- طهران بافتخار اعضای محفل روحانی بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص عدم عجله در تمشیت امور و موقوف نمودن هر مسئله ای بمشورت ایام متعدده
- ۲۳۶- بسیار محرمانه فوق العاده محرمانه طهران محفل روحانی امر پیمان حضرت یزدان بمدارای با حضرات نسوان

۲۳۷- طهران بافتخار اعضای محفل روحانی امر حضرت من اراده الله باشتراك
روزنامه نجم باختر و جریده چهره نما

۲۳۸- طهران بواسطه میرزا غلامعلی اعضای محفل روحانی رجاء مظهر عبودیت بدرگاه
حضرت احدیت بحفظ احباً از شر اعداء و نصیحت بسکون و وقار

۲۳۹- بافتخار جناب آقا سید محمد و رقاء عبودیت باین ترانه جان افزا مترنم
قوله جلّ ثنائه (۰۰۰) اگر غنی مستقیماً علی امر الله بروفای بعهد و پیمان
الهی قیام نماید جنود آفاق مقاومت نتواند (۰۰۰)

۲۴۰- دهج بافتخار جناب آقا سید محمد اظهار عنایت حضرت عبدالبهاء
بمشارالیه

* ص ۲ *

یا صاحبی السّجن

بواسطه جناب حیدر قبل علی جناب آقا سید نصرالله و جناب آقا سید ناصر و جناب
آقا سید حسین و جناب آقا میر منصور علیهم بهاء الله الأبهی ملاحظه فرمایند

هو الله

تری یا الهی العواصف قاصفة للظهور والقواصف قاصمة للأصلاب والأزور
ربّ قد ضاقت الصّدور وسئمت النفوس و ذابت الأكباد و احترقت
القلوب و انصرم الصّبر و انسجم الدّمع و اضطرب الفؤاد فی مصیبة هذا الطیب
الطاهر الاداب ربّ انه من النّجوم الخمس السّاطعة من افق الهدی قد
سمعوا النداء و لبوا للدعاء و قالوا ربّنا اننا سمعنا منادياً ینادی
للایمان ان آمنوا برّبکم فآمنّا فانجذبوا الی مرکز الجمال قطب دائرة
الجلال و تیسر لهم الآمال و ابتهلوا الیک فی الغدو والآصال ربّ
انهم ضعفاء ایدیهم بشدید القوی و فقراء هدیتهم الی الكنز الأخفی عجزاء

... ٤ بخدمتهم بالقوة والقدرة بين الورى رب رب ادم عليهم سجال رحمتك

* ص ٣ *

و ادركهم بعظيم موهبتك واجعلهم آيات توحيدك ومعالم تقديسك و
رايات تفريدك واشجار حديقة معرفتك و اثمار شجرة موهبتك رب
ان احديهم قد ضاق عليه الفضاء من الم الفراق و اشتاق الصعود
الى محفل التلاق و اضطرم فى قلبه نار الأحتراق فانجذب الى مركز الأشرار
وقد تسوق الى جوار رحمتك الكبرى و تشوق بظهور موهبتك الاعظمى قد
رجع اليك بقلب فارغ و دمع وافق و رجاء واثق رب اكرم مثواه
ويسر مناه و ادركه بالعفو والغفران و اسمح له بالفضل و الأحسن رب
اغفر الخطاء و زد فى العطاء ولا تواخذنا على الذنوب و اكشف الكرب
واستر العيوب يا علام الغيوب رب انه وافد على بابك و سارع الى
رجائك و اترك انت الكريم و اترك انت الرحيم و اترك انت الغفور
لكل عبد اثم رب قصرت الأعمال و عظمت الامال و عجزت
النفوس و طفحت الكؤوس و ليس لنا ملجأ الا انت نلتجأ اليك و نتوكل
عليك و نتضرع بين يديك ان تقبل هذا الضيف البديع فى جنه
احديتك و ادخله فى فردوس فردانيتك و اخذه فى جنه اللقاء فى
ظل سدره المنتهى و غروه كالطيور على شجرة طوبى و ارزقه اللبقاء و رنحه
من صهباء الوفا اترك انت العفو اترك انت الغفور و اترك انت
الرب المهيمن الرحمن الرحيم لا اله الا انت الحنان المنان الكريم ع ع
مقابله شد^٥

* ص ٤ *

هو الله رشت جناب آقا سيد اسد الله برادران حاجى سيد باقراوف عليه بهاء الله الأبهى

هو الله

يا صاحبى السجى

٤ كلمه اى مثل ايدهم يا وفقهم از قلم افتاده.
٥ كذا فى الاصل.

ای ثابت بر میثاق نامه شما تلاوت شد دلالت بر استقامت در امرالله داشت طویلی لک و بشری لک بما ثبت قد ماک علی الصراط المستقیم والمنهج القویم الیوم موهبتی اعظم از ثبوت و رسوخ نه زیرا مقاومت جمیع ملل آفاق را بچه توان نمود آیا جز باستقامت بر امرالله و ثبوت و رسوخ بر میثاق الله ممکن لا والله اینست حصن حصین اینست کھف منیع اینست ملاذ رفیع این قوت رحمانیه جنود طغیان را منہزم نماید و اهل غرور و اصحاب فتور را بهلاکت ابدی و انعدام سرمدی مبتلا نماید از خدا میطلبیم کہ منتھای خیر را از برای آن یار دیرین و اخوان نازنین مقدر فرماید مطمئن باش مشمول نظر عنایتی و در ظل رحمت و عاطفت حضرت احدیت جمیع یاران الهی را تکبیر ابدع ابھی ابلاغ نما و علیک التّحیة و الثّناء ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله ای یار حقیقی عبدالبہاء عزیز روحانی آقا سید ناصر بأرض مقصود وارد و بطواف تربت مقدسه فائز او را روانه نزد شما نمائیم تا از مشاہدہ روی

* ص ۵ *

او سرور و حبور و شادمانی یابید فی الحقیقہ این پسرزادہ جان و دل آن پدر است از الطاف حضرت احدیت امیدوارم کہ موفق بخدمت پدر گردد تو مطمئن باش و مسرور کہ در حفظ و حمایت آلهیہ هستی و خوش باش و ممنون خرم باش و مشعوف کہ چنین مقرب درگاہ جمال مبارکی ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله ط جناب آقا سید حمزہ علیہ بہاء الله الأبهی ملاحظہ نماید

هو الله

ای مشتاق ملکوت ابھی طائر عنایت از آشیان الهی پرواز نمود و مراتب وجود را طی کرد تا بمنزلگاہ عالم انسانی رسید و بہر سمت پرواز

نمود تا در عرصه قلب تولانه کرد این طیر دست آموز پروردگارت و این
باز از ساعد شهریار آمد قدرش را بدان و مهرش را آگران کن تا صید افکن
گردی و شکارگیر چه که این شهباز را منقار از فولاد معدن اسرار است
و چنگش روئین و آفت هر شکار بآنچه مقصود است پی بر والبهاء علیک
ع ع مقابله شد

* ص ۶ *

هو الله

رشت سادات خمس جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السّجن

هو الأبهی ای ثابت بر پیمان حمد کن خدا را که جبینی از انوار ساطعه آفتاب
عهد روشن داری و لسانی بستایش الهی چون مرغ گلزار و چمن نظر عنایت
شامل است و غیث رحمت هاطل آن اخوان الحمد لله در یوم ظهور
ملحوظ بعین عنایت مجلی طور بودند و در عصر میثاق مشهور آفاق از فضل
غیر متناهی الهی رجا مینمائیم که از اثر تضرع و ابتهال صبحگاهی در حصن حصین
و کهف امین محفوظ و مصون مانی آن ذات محترم آنچه در حق آقا غلام حسین
ممتحن مجری فرمودند سبب نهایت روح و ریحان گشت این عمل مجرد
حسباً لله است و مفاد آیه مبارکه انما نطعمکم لوجه الله البتّه این شجر
مثمر گردد و این مبادی نتایج مستحسنه بخشد باری دعا میکنیم که مؤید و موفق
گردند

و علیک التّحیة و الثّناء ع ع مقابله شد

بواسطه حضرت حیدر قبل علی طهران جناب آقا میر ناصر سلیل مجید
متصاعد الی الله و امة الله المطمئنه والده محترمه و اخوان محترمان
ایشان آقا سید حسین و میر منصور علیها و علیهم بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السّجن

هو الله * ص ۷ * ای اسرار آن سید ابرار ابناء آگراز عنصر جان و دل آباد باشند یعنی
حسن اخلاق منضم بشرف اعراق گردد یعنی پسر بر قدم پدر باشد

نسبت بنوّت حقیقی است الولد سرّابیه ولی اگر از عنصر آب و گل
پدر نباشد و نصیب از جان و دل مفقود یعنی سؤ اخلاق منافی بشرف
اعراق گردد آن نسبت مجازیست اینست که خطاب بحضرت نوح میفرماید
آنّه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح یعنی یا نوح کنعان از اولاد و سلالة
تو نیست خارج است زیرا این نسبت مجازیست نه حقیقی حال
امید چنانست که شما منشعب از عنصر جان و دل آن بزرگوار باشید
نه زادگان آب و گل شمع او را برافروزد کشت او را آب دهید درخت
امید او را پیروزانید اما روئائی که دیده بود حقیقت واقع بود لهذا
بعد از موعده مذکور روح جدید عنایت شد و حیات ابدیه
حاصل گشت بجهان ابدی شتافت و زندگانی جاودانی یافت
بمحفّل تجلّی پرواز نمود و با ملأ اعلی دمسازگشت شما محزون مباشید
دلخون مشوید مایوس منشینید مطمئن باشید توکل بر خدا کنید
و تشبّث بذیل کبریا نمائید بفضل و موهبت الهیه مطمئن باشید و در
ظلّ شجره رحمانیه بیسائید و دل و جان را بنور هدایت و استقامت
و ثبات بیارائید وعلیک البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

* ص ۸ *

هو الله دو ضلع آقا سید اسدالله علیهما بهآء الله الأبهی

خط مبارک

هو الأبهی ای دو ورقه موقنه شکر خدا را که از بحر اعظم اغتراف نمودید و از
الطاف جمال قدم اغتراف کردید در ظلّ کلمه توحید داخل شدید
و از عین تسنیم نوشیدید و از انوار هدایت کبری اقتباس نمودید
والبهآء علیک ع ع مقابله شد

یا صاحبی السّجن

طهران بواسطه جناب آقا سید نصرالله جناب آقا سید اسدالله علیه بهآء الله
الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان هر چند بشما نامه ننکاشتم ولی دائماً روی دلجوی
دوستانرا بخاطر داشتیم و هر دم بملکوت قدم عجز و زاری نمودم و طلب
عون و عنایت حضرت رحمانی کردم الحمد لله تأییدات آلهیه از هر
جهت رسید و نسیم عنایت وزید و عون و صون شدید از ربّ مجید
شامل حال گردید که جناب برادر محترم آقا سید نصرالله و شما بخدمت
امر قیام نمودید و جناب امین ببرهان مبین تفصیل را ذکر نمود از جمله
اعانه شهدای یزد و اعانه مشرق الاذکار و اعمال مبروره و خیرات
موفوره جمیع و کل در درگاه احدیت مقبول گردید و حضرت پروردگار

* ص ۹ *

شما را با اسم حق عزیز فرمود تا باین خدمات موفق شدید پس شکر کنید
دلبر یکتا را که بچنین فضل جلیل و فیض جمیل شما را اختصاص داد
پس همواره آواره کوی او و آشفته روی او و پریشان موی او
و تشنه جوی دلجوی او باشید شخص موفق گردید و نفس مؤید شوید
و سبب عزت امرالله در بین خلق گردید نظر عنایت و الطاف
جمال مبارک شامل آن خاندان بوده و مستمر بر آن دودمان خواهد بود
امیدوارم که آثار این فضل ابدالدهر چون نجم ساطع از افق وجود
طالع و لائح باشد و علیک التحية و الثناء ع ع مقابله شد

جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله الأبھی

خط مبارک

هو الأبھی الهی الهی هذا عبد استشرق من انوار الهدایة الساطعة من شمس الحقیقه
و استضاء من المصباح الموقد فی زجاجة الرّحمانية ای ربّ نور
وجهه بنور العطاء و اشرح صدره بآیات الوفاء و اجعله قدوة
حسنة للوری انک فعّال لما تشاء ع ع مقابله شد

بواسطة جناب آقا میر ناصر حضرات اخوان ایشان آقا سید حسین و آقا میر منصور
عليهما بهاء الله الأبهي

* ص ۱۰ *

یا صاحبی السّجن

هو الله ای دو ستاره مانند فرقدان حمد خدا را که در افق محبت الله روشنید
و در عتبه کبریا مقبول و مقرب سرو علق برادر مهربان در این
انجمن رحمان یاد برادران نمود و همواره بدل و جان بذکرشان خرم و
شادمان گردید من از وفا و مهرپروری او ممنون و خوشنود گشتم و
بدرگاه احدیت از برای شما تأیید و توفیق خواستم امیدوارم که این ابناء از
عنصر جان و دل آباء باشند و اخلاف خیر نعم الاسلاف گردند
مزرعه آمال پدر را آبیاری کنند و حدیقه انیقه خلوص آنان را باغبانی
نمایند تا نعم السلف و نعم الخلف تحقق یابد و علیکما بهاء الله الأبهي
ع ع مقابله شد

یا صاحبی السّجن

بواسطة جناب آقا میر ناصر امه اللّه الموقنه والده محترمه ایشان علیها
بهاء الله الأبهي

هو الله یا امه الله المقربه جناب میر ناصر با وجهی ناصر حاضر و در نهایت خلوص
باطن و ظاهر یاد تو نمود و بذکر تو پرداخت و حقوق والده خویش را
در خاطر داشت فی الحقیقه جوانیست برازنده و مؤمن و موقن و ثابت
است از خدا خواه که روز بروز ترقی نماید و از کمالات عالم
انسانی استفاضه فرماید و مانند پدر پاک گهر و اعمام کرام بخدمت

* ص ۱۱ *

حق موفق گردد پسر باید چنین مهرپرور باشد و ابوی را پرستش نماید

از راحت خویش بگذرد و در فکر آسایش بیگانه و خویش باشد باری
از ملاقات او سرور حاصل گردید انشاء الله با کمال حبور او را ملاقات
خواهی نمود و علیک البهء الأبھی ع ع مقابله شد

یا صاحبی السّجن

بواسطه جناب میر ناصر امة الله المنجذبه ضجیع محترمه علیها بهاء الله الأبھی

هو الله ای کنیز عزیز الهی قرین محترم با عبدالبهاء همراز و همدم گشت الحمد لله
بوستان محبت الله را نهالست بیهمال و گلستان معرفت الله را
گلیست صد برگ و خندان پس بملکوت ابھی عجز و نیاز نما که محفوظ
و مصون ماند و محظوظ و محروس تا جویبار آمال ان خاندان را آبیاری
کند و حدیقه عزت ابدی آن دودمان را خدمت و باغبانی نماید و
سبب سرفرازی خویش و پیوند شود و باعث افتخار سلاله و فرزند گردد
والده نظر عنایت پرتوی بر او انداخت تا آنکه دل از دو جهان برداخت
و عزم کوی جانان نمود و علیک البهء الأبھی

الهی الهی هذه امة من امانک تطلب المغفرة والرّحمة والرّضوان
لأمها التي رجعت الیک مطمئنة بفضلک وجودک راجية لطفک و
مواهبک امة عفوک و مغفرتک ربّ ارحمها والبستها قميص الغفران

* ص ۱۲ *

و ادخلها فی جنّة الرّضوان انک انت الرّحیم الرّحمن وانک
انت الغافر الواهب العزیز المّان ع ع مقابله شد

یا صاحبی السّجن

طهران بواسطه حضرت شهید ابن شهید جناب آقا سید اسد الله علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای ثابت نابت غم مخور پریشان مباش عون و عنایت جمال ابھی شاملست و فیض و نصرتش متواصل الحمد لله نصر الله یار و برادر است و تأیید خدا همواره برابر ابداً کلال و ملال میار و فتور و قصور مخواه دمبدم بشکرانه جمال قدم همدم باش و بستایش و نیایش اسم اعظم پرداز تا روز بروز الطاف حق بروز کند و شاهد آمال در محفل اقبال مانند شمع رخ برافروزد مطمئن باش حضرت شهید ابن الشہید علیه بهاء الله الأبھی از شما ممنونند و خواهش دعا از عبدالبهاء در حق شما مینمایند
الهی الهی هذان عبدان ناظران الی ملکوت عزتک و متوجّهان الی افق احدیتک متضرّعان الیک و متوکّلان علیک و منشرحان بنفحات قدسک و منجذبان الی روح انسک اللهم ایدهما بقوّة جبروتک و وفقهما بقوّة لاهوتک و افتح علی وجهما ابواب الفتوح و ارزقهما من مائدة السماء یا قدّوس یا سبّوح و اجعل لهما مخرجاً و قدّر لهما خرجاً و ارزقهما من خزائن علیک و اظهرهما علی من اذا هما

* ص ۱۳ *

و احفظهما فی صون حمایتک بعونک و عنایتک و حفظک و کلائتک یا ربّ الاسماء الحسنی یا ذا المثل الأعلى انک انت الرّحمن و انک انت العزیز المقتدر المنان ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الأبھی ای یار مهربان هر چند مکتوب مرقوم شد اما خواستم که بنخطّ خوش نیز چندی بنگارم تا تلافی مافات گردد ولی من با یاران الهی مخابرة روحانی دارم و آن وحدت حال در عبودیت آستان حضرت ذوالجلال و چه ارتباطی اعظم از آن لهذا دل قوی دار و در نهایت سکون و قرار بتمشیت امور پرداز و تبتل بآستان مقدّس حیّ قیوم جو انّ هذا هو الملک الّذی لا یفنی ع ع مقابله شد

طهران حضرت آقا سید نصرالله باقراوف علیه بهاء الله الأبهی

ای ثابت بر عهد و پیمان مدّتیست که با آن یار مهربان گفتگوئی ننمودم
و از احساسات جان و دل دم نزدم عبدالبهاء مانند مرغ
گویائی بود که در موسم خزان در لانهٔ خاموشی سر بزیر پر نهاده
از آهنگ و آواز و نغمه و شهنواز باز مانده نه الحانی و نه

* ص ۱۴ *

نالہ راز و نیازی و در این نیز حکمت بالغه بوده الحمد لله دوباره موسم
ربیع آمده و بیان بدیع آغاز نموده و با آن یار حقیقی و سائر یاران
صمیمی بتحریر و تقریر پرداخته این از عنایات حضرت خفی الالطاف
است که پس از خاموشی بخروش آمده و بعد از سکوت بغلیان
و جوش پرداخته و در بدایت مخابره بمکاتبه بیاران عزیز آغاز نموده
باری سالهای انقلاب و شدت اضطراب هر چه بود گذشت حال
سکون و اطمینان حاصل باید چون هژبر صائل و شجاع باسل در میدان
جانفشانی جولان نمود زیرا عالم انسانی از این جنگ ناگهانی
استعدادی شدید حاصل نموده و علویت تعالیم الهی و نورانیت احکام
رئانی و مضامین الواح سبحانی تحقق یافت امیدواریم که حرب عمومی
بصلاح عمومی انجامد و این سفاکی و هتاک و بیبایگی و آزادگی نتیجه
بخشد جهان آسایش یابد و کیهان آرایش جوید و لولهٔ پر خاش و
جنگ بهلهلهٔ نغمه و آهنگ مبدل گردد این ابرهای تاریک متلاشی
شود و آفتاب عزت ابدیه انسانی در جمیع اقالیم بتابد و عالم
بشرا از شر خطر برهاند جناب میرزا کمال در بیروت با کمال علوم
پرداخته و جناب میرزا جلال در دائرهٔ حکومت حیفا مأموریتی یافته
و منتظر تسهیل سفر بانصفاحت هستند وعلیک البهء الأبهی ۳ ربیع الثانی ۱۳۳۷
عبدالبهاء عباس مقابله شد

طهران حضرت باقراوف علیه بهاء الله الأبهی

هو الله ای ثابت بر پیمان نامه که بتاريخ ۸ ذی القعدة ۳۷ مرقوم فرموده بودید رسید الحمد لله دلالت بر صحت و استقامت و بذل همت در عبودیت حضرت احدیت داشت الیوم هر شخص ثابت راسخی نفس مؤید است و مظهر الطاف حضرت رحمانیت جنود تأیید معین و نصیر اوست و مجیر و ظهیر او مظفر و منصور است و مقرب و منظور و در جمیع آفاق این امر مجرب است و هر منزلی مخدول و مقهور و منکوب و مغلوب لهذا مطمئن بالطف الهی باش که مورد عنایات حضرت مقصودی حضرت تفتی را بطهران بخواهید که در خفا به تبلیغ نفوس مهمه پردازد در سرای شما ولی هر نفسی که اقبال مینماید آنرا مکتوم از کلّ بدارید هیچکس بوئی نبرد از اطراف مبالغین میطلبند بقدر امکان از نفوس منجذبه مشتعله انتخاب نمائید امیدوارم که تأییدات غیبیه نفوسی جدیداً مبعوث نماید که آیت هدی و رایت ملاً اعلی گردند جناب میرزا عزیز الله خان و حضرت فاضل مازندرانی هر دو وارد مطلوب جناب آقای میرزا محمد علی و جناب میرزا جلال رسید و تسلیم شد مرقوم نموده بودید که امر در نهایت علو است باید بساحت جمال قدم شکرانه نمود که چنین عون و عنایتی فرمود و فتح و نصرتی بخشید و عده خویش را بنهایت قوت وفا فرمود حضرت شخص محترم رئیس خواه منصوب و خواه معزول امیدوارم

که خدمتی بدیوان الهی نماید تا در ایوان الهی مذکور گردد زیرا هر بنیانی پایان ویران گردد الیوم احیای ایران بتحسین اخلاقت و تحسین اخلاق مشروط بحریت وجدان تا اخلاق عمومی تحسین و تعدیل نشود فلاح و نجاح محالست من در حق ایشان دعا میکنم از الطاف حق عون و عنایت میطلبم امیدوارم که این معاهده حاضر شود و نفوس مهاجمه از ترکستان

در ایران رخنه ننمایند و صعود حضرت ادیب و عروج آن حبیب سبب حزن
شدید شد بازماندگان آنشخص جلیل را بسیار محبت و مهربانی نمائید
تسلّی خاطر بدهید عنقریب مناجات و زیارت در حقّ او ارسال
میگردد مرقوم فرموده بودی که املاً و انشا ندارم املاً شما بی بدیل
و انشاء شما بی مثیل است زیرا جمیع از قلب منیر و حبّ شدید صادر میگردد
بجناب امین مرقوم شد که قبر حضرت ادیب را صد تومان خرج نموده در نهایت متانت و
لطف بنا نمایند و شما نیز باید مواظبت کنید و
علیک البهاء الأبهی ۱۷ صفر ۱۳۳۸ هیفا عبدالبهاء عبّاس مقابله شد

یا صاحبی السّجن

بواسطه جناب آقا سید نصرالله سادات خمسه جناب امیر محترم
علیه بهاءالله الأبهی

هو الله ایها الأمير الشّهر ربّ قدیر واقف و شهید است که همواره در
شبهای روشن و تاریک مناجات با پروردگار تأیید و توفیق تکرار بتکرار

* ص ۱۷ *

شما را طلبم لهذا عبدالبهاء امیدوار که عون و صون ملکوت اسرار
تتابع و استمرار یابد و چنین است ولی مشروط باین که خیر مطلق
باشی و طالب رضای حق جهان انسانی را رحمت ربّانی گردی و
در این عالم فانی زندگانی نامتناهی بدست آری ثابت و مستقیم
شوی و در خدمت بشخص معلوم مستدیم باشی خیرخواه غیور گردی
و سبب تنبّه و تذکّر اهل غرور همواره در اصلاح راعی و رعیت کوشی
و بوحدت عالم انسانی خدمت نمائی سرپرشهریاری را حافظ و جامی
و منقاد و مطیع باشی و حوزه ملّت را کافل سعادت و راحت جسمانی
و روحانی انشاءالله بجمیع این وصایا موفّق و مؤید خواهی گشت و
ابواب فتوح را از هر جهت مفتوح خواهی یافت و در این انجمن عالم
شمعی برافروزی که پرتو ساطعش بر قرون و اعصار بتابد و خدمتی بنمائی
که در ملک و ملکوت آوازه و صیتش تا ابدآباد باقی و برقرار گردد
پس خدمت بدیوان الهی کن تا بایوان بلند رحمانی پی بری و جانفشانی

در سیل ربّانی نما تا روح و ریحان در جهان نامتناهی یابی و
علیک التحیه و الثناء ع ع مقابله شد

طهران جناب آقا سید نصرالله باقراف

هو الأبهی (ص ۱۸) ای ثابت بر پیمان نامه‌ای که بتاريخ ۱۲ شهر صفر سنه ۳۳۹ مرقوم نموده بودید

رسید الحمد لله بعون و عنایت جمال مبارک نفوسی خلق شده‌اند که
بیاران الهی مهربانند مناجاتی طلب مغفرت از برای ذات محترم مؤید که
بجهان پنهان صعود نمودند از قلم میثاق صادر بمنتسبین ایشان برسانید
و همچنین رقی منشور بحضرت منشور مرقوم و مرقوم نموده بودید که احباب
و اغیار جمیع طبقات خلق در اضطرابند این سیل شدید را خود خلق مسببند
اهل ایران اگر در این ایام راحت بودند جمیع طوائف غیرعادله در فکر
تعرض تام باحبّاء بودند با وجود آنکه احبّای الهی با جمیع طوائف مهربانند
و صادق و خیرخواه از برای کلّ راحت و آسایش دنیا و عزّت ابدیه در
نشئه اخری می‌خواهند تعرّض و اعتراض بأحدی ننمایند اگر کلمه حقّی
بر زبان رانند و سامع قبول ننماید بخدا واگذارند اعتراضی نکنند و مجادله
نمایند ولی اقوام سائره همواره در فکر آنند که مانند ذئاب کاسره و سماع
ضاریه براغنام الهی بتازند پس لابد بر این است که این سیل‌های شدید از
کوهسار حوادث سرازیر گردد الحمد لله خانواده آنجناب محفوظاً از رشت
رسیدند و احبّای سائره نیز جز حضرت ابتهاج محفوظ و مصون ماندند حضرت
آواره هر چند مجبور بسفر یزد بودند ولی امید چنانست که بعد از تمشیت امور
مراجعت بطهران نمایند و جواب نامه ثانی شما که بتاريخ ۱۹ محرم بود مرقوم
میگردد اگر جواب نامه‌ای تأخیر افتد ولی تمشیت امور تأخیر نمی‌یابد لهذا
نامه‌ای که محفل روحانی مرقوم نموده بود جواب زود صدور یافت یعنی در اجرای

* ص ۱۹ *

مقاصد ایشان فوراً تشبّث شد جناب میرزا رحیم‌خان فی الحقیقه همّت
فرمودند از خدا خواهم که احبّای الهی موقّق بخدمت بشخص خطیر گردید احبّای
الهی باید قدردان باشند اگر همّت و عنایتی از شخص خطیر به بیند در نهایت
صداقت و وفا بخدمت پردازند تکرار مرقوم شد که مناجاتی که طلب مغفرت
بجهت حضرت مؤید گردید آنرا به منسوبان و دوستان حقیقی ایشان برسانید

و بجناب منشور رقّ منشوری ارسال گردید بأولاد امجاد و اسلاء اجلاء
از قبل من نهایت محبّت و مهربانی ابلاغ دارید عبدالبهاء عبّاس
۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۹ حیفاً مقابله شد

طهران حضرت باقراف

هو الأبهی ای ثابت بر پیمان نامه شما نمره ۱۲ وصول یافت اشاره بوصول
دو پاکت نموده بودید جواب مختصر مرقوم میگردد فرصت تفصیل نیست
نامه شخص محترم هنوز نرسیده هر وقت برسد جواب البتّه ارسال میگردد
از قبل من نهایت تعلق قلب و احترامات فائقه ابلاغ دارید و
البتّه در معاونت و محافظت مظلومان نهایت همّت را مجری خواهند
فرمود و از قبل من بیان ممنونیت نمائید اما قضیه اوضاع ایران
ایران ویرانست و جز بنفحات رحمن استقرار و اطمینان نخواهد یافت

* ص ۲۰ *

این قضیه در نزد اعظم رجال اروپا و امریک مسّلمست از جمله وزیر خارجه
سابق امریک مستر براین بعد از سیاحت آسیا چون بامریکا رجوع نمود
خطاب بلیغی و نطق فصیحی در محافل کبری داد و جراند امریک نشر دادند
از جمله خطاب این بود که عالم شرق بتعالیم بهاءالله فلاح و نجاح یابد
دیگر امیدی از جانی نیست این تعالیم جلیله چون تعمّم یابد افق شرق
بنور نجاح و فلاح روشن گردد و اما شخص جلیل که چندی پیش بمسند
عزّت جلوس نموده بودند و همشهری شماست در پاریس ملاقات گشت
حتّی ضیافتی از عبدالبهاء فرمودند و در بین جمیع ایرانیان از شاهزادگان
و وزراء که سفر باروپا نموده بودند ایشان ممتاز و مستثنی بودند اخلاق
دلالت بر شرف اعراق مینمود امیدم چنانست که موفّق بخدمت عظیمه ای
بعد بدیوان الهی گردند تا علم در ایوان الهی برافرازند و برمسند سلطنت
ابدی استقرار یابند و ایران و ایرانیان را سبب عزّت جاودانی شوند
ای ثابت بر پیمان اغتشاش و اضطراب محصور در ایران نیست مختصر
این است جمیع عالم درهم است و جمیع امم در تعب البتّه شنیده اید

که در اروپا چه خبر است لهذا از خدا بخواه که این مشقت و آلام و مصائب
عموم عبارت از وجع مخاض باشد یعنی درد زه و مولود حقیقی که
عبارت از راحت و آسایش عالم آفرینش است تولد یابد امیدوارم که
این بلایا منتهی باین عطایا گردد و علیک البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس

خط مبارک نامه شخص محترم رسید جواب در جوفست برسانید ع ع مقابله شد

۲۶ ع ثانی ۱۳۳۹ حیفا

* ص ۲۱ *

طهران حضرت آقا سید نصرالله باقراوف علیه بهآء الله الأبهی

خط مبارک

ای بنده حقیقی الهی من بعد جمیع مکاتیب را بواسطه آقا احمد یزدی در پورتسعید
ارسال دارید زیرا چون باسم من و حیفاست در طهران بلکه عموم ایران
باز میکنند لهذا بعموم مرقوم نمائید که باسم حیفا و نام من ارسال ندارند
نزد شما بفرستند و یا باقا احمد در پورتسعید بفرستید و شما جمیع
مکاتیب را و هم چنین جناب امین نزد آقا احمد بپرتسعید بفرستید
و نوعی بفرستید که مأمورین پوسته احساس نکنند که آقا احمد واسطه
حیفا و من است حکمت چنین اقتضا میکند از محفل روحانی تلغراف
رسید که در طهران اسباب مخاطره فراهم آمده بمواقع مهمه مراجعه
گردید و جواب محکم دادند که بسفارت سفارش محکم گردید جمیع را
تحیت مشتاقانه برسانید مستعجل مرقوم گردید و علیک البهآء الأبهی
عبدالبهآء عبّاس

چند مکتوب مؤخرا از طهران رسید که لاک و مهر ابداً نداشت پاکت را
تبدیل نموده بودند یعنی پاکت اصلی را پاره نموده در پاکت دیگر گذاشته
و بر آن معامله مهر پوسته مجری کرده بودند که کسی نفهمد که باز
کرده اند شما ملتفت این خیانتها باشید لهذا پاکت را باسم

اقا احمد یزدی در پورتسعید با مهر و لاک بواسطه شخصی که پوسته‌چی‌ها
نشناسند سفارشی ارسال دارید عبدالبهاء عباس مقابله شد

* ص ۲۲ *

هو الله ای ثابتان بر میثاق جناب زائر ذکر هر یک از شما را نمودند و رجای
نامه‌های منفرداً فرمودند ولی این آواره صحرای محبت‌الله را هزاران
مشاغل و شواغل مانع و حائل و مکاتیب از مشارق و مغارب چون سیل
سائل و جیش صائل با وجود این بهر یک منفرداً تحریر نامه مستحیل لهذا
خطاباً بکلّ این مکتوب مرقوم میگردد تا مانند ریحی مختوم قلوب را نشئه
بخشد و روح را فرح و انبساط ابدال دارد ای یاران ثابت فیض
الهی مانند باران بهاری بعالم انسانی افاضه نموده و پرتو نور مبین روی
زمین را رشک بهشت برین کرده ولی افسوس که کوران محروم و
غافلان محجور و افسردگان مأیوس و پژمردگان مخمود و این فیض
بی پایان مانند سیل روان بمصدر اعلی دریای پنهان راجع مگر
نفوس قلیله نصیبی میبرند و اشخاص معدوده بهره میگیرند تا چه کند قوت
بازوی دوست امید است که در مستقبل خفتگان بیدار شوند و غافلان
هوشیار گردند و محرومان محرم اسرار گردند حال باید یاران بدل و
جان سعی بلیغ نمایند و جهد شدید مبذول دارند تا بنیان بیگانگی
برافتد و انوار وحدت انسانی یگانگی بخشد امروز اهمّ امورات اتحاد و
اتفاق احبای الهی است که با یکدیگر یک دل و یک جان شوند تا
توانند مقاومت خصومت اهل عالم کنند و تعصبات جاهلیه ملل و
مذاهب را ازاله نمایند هر فردی از افراد بشر را تفهیم نمایند که کل

* ص ۲۳ *

باریک دارید و برگ یک شاخسار ولی تا نفس احبّا اتحاد و اتفاق
کلی نیابند چگونه توانند که احزاب سائره را با اتحاد و اتفاق

بخوانند جان نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش
در کائنات خارجه تفکر کنید تا عبرت حاصل شود سحاب متفرق فیض
باران ندارد و در اندک مدّت متلاشی شود گله پراکنده در تحت
تسلط گرگ افتد طیور متفرقه بچنگل باز مبتلا شود چه برهانی اعظم
از این که اتحاد و اتفاق سبب ترقی و حیاتست و اختلاف و افتراق
مورث ذلت و هوان و اعظم اسباب خذلان و خسران مظاهر مقدّسه
آلهیه بجهت ظهور وحدت انسانی مبعوث شده اند و تحمّل صدهزار
مشقّت و بلا نموده اند تا جمعی از بشر احزاب مختلفه در ظلّ کلمة الله
مجتمع و متحد گشته وحدت عالم انسانی را در نهایت حلاوت و لطافت
و ملاحظت در عرصه وجود جلوه دهند پس باید یاران الهی را آرزو
چنان باشد که عموم بشر را متحد و متفق نمایند تا از این صهبای ظهور
و کأس مزاجها کافور نصیب موفور برند ملل مختلفه را متحد نمایند و
شعوب و قبائل متقاتله را متحابه کنند اسیران نفس و هوی را آزاد نمایند
و محرومان را محرم اسرار فرمایند بی نصیبان را بهره از موهبت ایام بخشند
و فاقدان را برگنج روان هدایت کنند و این موهبت بگفتار و کردار و رفتار
ملکوت اسرار ممکن است و بدون آن مستحیل تأییدات الهیه
کافل این مواهب است و فیوضات قدسیه واهب این زعائب

* ص ۲۴ *

یاران الهی از ملکوت رحمن مؤید و بجیوش هدایت کبری موفق لهذا هر
صعبی آسان شود و هر مشکلی بنهایت سهولت انجام جوید ملاحظه نمائید
چون اتحاد و اتفاق در میان خاندانی واقع شود چه قدر امور سهل
و آسان گردد و چه قدر ترقی و علویّت حاصل شود امر منتظم گردد
و راحت و آسایش میسر شود خاندان محظوظ ماند مقام محفوظ شود
سبب غبطه عموم گردد و روز بروز بر علویّت و عزّت ابدیه بیفزاید
و چون این دایره اندکی اتساع یابد یعنی اهل قریه ای بمحبت و
اتحاد پردازند و الفت و یگانگی خواهند و مؤانست و مهربانی
کنند چه قدر ترقی نمایند و چگونه محفوظ و مصون گردند پس این دایره
را اندکی واسعتر نمائیم یعنی اهل مدینه ای بتمامها اگر روابط اتحاد و
اتفاق را محکم سازند در اندک زمانی چه قدر ترقی نمایند و بچه
قدرت و قوتی تجلی فرمایند و چون دایره اتحاد پیشتر اتساع یابد

یعنی اهل اقلیمی قلب سلیم یابند و بصمیم دل و جان اتحاد و اتفاق
جویند و با یک دیگر مهربان گردند آن اقلیم سعادت ابدیه یابد و
عزت سرمدیه جوید و ثروت کلّیه رسد و راحت و نعمت موفوره
یابد حال ملاحظه نمائید که اگر جمهور طوائف و احزاب و قبائل و
تمام دول و ملل و جمیع اقلیم عالم در ظلّ خیمهٔ یکرنگ وحدت عالم
انسانی آید و باشراقات شمس حقیقت اعلان عمومیت بشر فرمایند
جمیع ملل و مذاهب دست در آغوش یک دیگر کنند و انجمن عمومی تأسیس

* ص ۲۵ *

نمایند و افراد بشر را با یک دیگر نهایت ارتباط بخشند آنوقت چگونه
خواهد شد شبهه نیست که دلبر رحمانی با جنود مواهب عالم انسانی
و تأییدات ربّانی در نهایت صباحت و ملاحه در انجمن عالم
جلوه نماید پس ای یاران الهی تا توانید بر اتحاد و اتفاق با
یکدیگر کوشید زیرا کل قطرات یک بحرید و اوراق یک شجر
و لثالی یک صدف و گل و ریاحین یک ریاض پس از آن
در تألیف قلوب سائر ادیان بیکدیگر جانفشانی نمائید و با
هر فردی از افراد انسانی نهایت مهربانی کنید نفسی را بیگانه
نخوانید و شخصی را بدخواه مشمرید چنان رفتار نمائید که جمیع
خلق خویش و پیوندند و آشنا و ارجمند چنان سلوک
نمائید که این جهان فانی نورانی گردد و این گلخن ظلمانی
گلشن رحمانی شود این است وصیت عبدالبهاء این است نصیحت
این عبد بی نوا و علیکم البهّاء الأبھی ع ع مقابله شد

طهران محفل ایادی امرالله علیهم بهاء الأبھی
پس بواسطهٔ جناب منصور رحمانی و آقا میرزا علی اکبر بیخطّ خوش طبع
شود و باطراف ارسال گردد

هو الله (ص ۲۶) شرق و غرب خصوصاً احبای ایران عموماً علیهم بهاء الله الأبھی

ای احبای الهی و اماء رحمن جمهور عقلا برآنند که تفاوت عقول و آراء از تفاوت تربیت و تعلیم آدابست یعنی عقول در اصل بتساویست ولی تربیت و تعلیم آداب سبب گردد که عقول متفاوت شود و ادراکات متباین این تفاوت در فطرت نیست بلکه در تربیت و تعلیم است و امتیاز ذاتی از برای نفسی نیست لهذا نوع بشر عموماً استعداد وصول باعلی المقامات دارند و برهان بر این اقامه نمایند که اهالی مملکتی نظیر افریقا جمیع مانند وحوش ضاربه و حیوانات بریه بی عقل و دانشند و کلّ متوحّش یک نفس دانا و متمدّن در مابین آنان موجود نه و بعکس آن ملاحظه مینمائید که ممالک متمدّنه جمیع اهالی در نهایت آداب و حسن اطوار و تعاون و تعاضد وحدّت ادراک و عقل سلیم هستند الا معدودی قلیل پس معلوم و محقّق شد که علوّ و دنوّ عقول و ادراکات از تربیت و تعلیم و عدم آنست شاخ کج بتربیت راست شود و میوه برّی جنگلی ثمر بستانی شود و شخص نادان بتعلیم دانا گردد و عالم توحّش بفیض مربّی دانا جهان تمدّن گردد علیل بطبابت شفا یابد و فقیر بتعلیم فنّ تجارت غنی شود و تابع بسبب کسب کمالات متنوّع عظیم گردد و شخص ذلیل بتربیت مربّی از حسیض خمول باوج

* ص ۲۷ *

رفیع رسد اینست براهین آنان انبیاء نیز تصدیق این رأی را میفرمایند که تربیت نهایت تأثیر در بشر دارد ولی میفرمایند عقول و ادراکات در اصل و در فطرت نیز متفاوتست و این امر بدیهی است قابل انکار نه چنانکه ملاحظه مینمائیم اطفالی هم سن و هم وطن و هم جنس بلکه از یک خاندان و تحت تربیت یک شخص پرورش یابند با وجود این عقول و ادراکاتشان متفاوت یکی ترقّی سریع نماید و یکی پرتو تعلیم بطئی گیرد و یکی در نهایت درجه تدنّی ماند خرف هر چه تربیت شود لؤلؤ لثلا نگردد و سنگ سیاه گوهر جهانتاب نشود و حنظل و زقوم بتعلیم و تربیت شجره مبارکه

نگردد یعنی تربیت گوهر انسانی را تبدیل نکند و لکن تأثیر کلی نماید و بقوه نافذه آنچه در حقیقت انسان از کمالات و استعداد مندمج و مندرج بعرضه ظهور آرد تربیت دهقان حبه را خرمن کند و همت باغبان دانه را درخت کهن نماید لطف ادیب اطفال دبستان را باوج رفیع رساند و عنایت مربی کودک حقیر را بر سریر اثر نشانند پس واضح و مبرهن گردید که عقول در اصل فطرت متفاوتست و تربیت را نیز حکمی عظیم و تأثیری شدید اگر مربی نباشد جمیع نفوس وحوش مانند و اگر معلم نباشد اطفال کل مانند حشرات گردند اینست که در کتاب الهی در این دور بدیع تعلیم و تربیت امر اجباریست نه اختیاری یعنی بر پدر و مادر فرض عین است

* ص ۲۸ *

که دختر و پسر را بنهایت همت تعلیم و تربیت نمایند و از پستان عرفان شیر دهند و در آغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این خصوص قصور کنند در نزد ربّ غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند و این گناهیست غیر مغفور زیرا آن طفل بیچاره را آواره صحرای جهالت کنند و بدبخت و گرفتار و معذب نمایند مادام الحیات طفل مظلوم اسیر جهل و غرور و نادان و بی شعور ماند و البته اگر در سن کودکی از این جهان رحلت نماید بهتر و خوشتر است در این مقام موت بهتر از حیات و هلاکت بهتر از نجات و عدم خوشتر از وجود و قبر بهتر از قصر و تنگنای گور مطمور بهتر از بیت معمور زیرا در نزد خلق خوار و ذلیل و در نزد حق سقیم و علیل و در محافل خجل و شرمسار و در میدان امتحان مغلوب و مذموم صغار و کبار این چه بدبختی است و این چه ذلت ابدیست پس باید احبای الهی و اماء رحمان بجان و دل اطفال را تربیت نمایند و در دبستان فضل و کمال تعلیم فرمایند در ان خصوص ابداً فتور نکنند و قصور نخواهند البته طفل را بکشند بهتر از اینست که جاهل بگذارند زیرا طفل معصوم گرفتار نقایص گوناگون گردد در نزد حق مؤاخذ و مسئول و در نزد خلق مذموم و مردود این چه گناهست و این چه اشتباه اول تکلیف یاران الهی و اماء رحمان آنست که بای وجه کان در تربیت و تعلیم اطفال از ذکور

و اناث کوشند و دختران مانند پسرانند ابداً فرقی نیست

* ص ۲۹ *

جهل هر دو مذموم و نادانی هر دو نوع مبعوض و هل یستوی الذین
یعلمون و الذین لایعلمون در حق هر دو قسم امر محتوم اگر بدیده
حقیقت نظر گردد تربیت و تعلیم دختران لازم تر از پسرانست
زیرا این بنات وقتی آید که مادر گردند و اولاد پرور شوند و
اول مربی طفل مادر است زیرا طفل مانند شاخه سبز و تر هر طور
تربیت شود نشو و نما نماید اگر تربیت راست گردد راست شود
و اگر کج کج شود و تا نهایت عمر بر آن منهج سلوک نماید پس ثابت و
مبرهن شد که دختر بی تعلیم و تربیت چون مادر گردد سبب محرومی
و جهل و نادانی و عدم تربیت اطفالی کثیر شود ای یاران الهی و
امآء رحمان تعلیم و تعلم بنص قاطع جمال مبارک فرض است هر کس
قصور نماید از موهبت کبری محروم ماند زنهار زنهار اگر فتور
نمائید البتّه بجان بکوشید که اطفال خویش را علی الخصوص دختران
را تعلیم و تربیت نمائید و هیچ عذری در این مقام مقبول نه تا عزّت
ابدیه و علویّت سرمدیه در انجمن اهل بها مانند شمس ضحی جلوه و طلوع
نماید و قلب عبدالبهاء مسرور و ممنون شود و علیکم بهاء الأبھی ع ع
مقابله شد

هو الأبھی

ابهر احبای الهی علیهم بهاء الله الأبھی

* ص ۳۰ *

هو الأبهی الأبهی ای یاران حقیقی اگر چه مدّت مدیدیست که بآن یاران معنوی مکاتبه و مخاطبه نمودم ولی هر دم یادتان مونس جان بود و ذکرتان مورث روح و ریحان حضرت ابن ابهر علیه بهاء الله الأبهی همیشه در محضر مدح ستایش مفصّلی از آن یاران حقیقت مینمود پس از قلّت مخاطبات و مکاتبات شکایت نمائید اذیت اهل بغضاء از جمیع طوائف و مخابرات متتابع با جمیع اقطار مانع از ارسال نامه در هر دمست و الا در عالم قلب و روح یاد یاران را سبب فتوح شمارم و برائحه طیبه محبت دوستان در اهتزاز و التذاذ آیم و وصیت مینمایم شما را که جمیع همّت را در الفت و محبت و اتحاد و اتفاق مبذول دارید تا هر یک در نزد دیگری ساجد گردد و هر یک در محبت دیگری جانفشانی نماید و حقیقت کامرانی تحقّق یابد نیت را باید الله کرد اگر چنانچه از بعضی دوستان قصوری صادر گردد دیگران باید بذیل ستر بپوشند و در اکمال نواقص او کوشند نه آنکه از او عیب جوئی نمایند و در حق او ذلّت و خواری پسندند نظر خطاپوش سبب بصیرت است و انسان پر هوش ستار عیوب هر بنده پر مصیبت پرده دری شأن و حوش است نه انسان پردانش و هوش احبّا چون گلهای گلشن عنایتند هر چند هر یک رنگ و بوئی خاص خویش دارند ولی وحدت فیض نیسانی و وحدت شعاع آفتاب

* ص ۳۱ *

آسمانی و وحدت ارض بوستانی جامع این اجناس و انواع است و سبب وحدت در مبدء و معاد پس نباید نظر باختلاف احساسات جزئیّه نمود بلکه باید نظر بوحدت اصلیه کرد و قل کلّ من عند الله گفت و از شرور نفس و هوی نجات یافت ای دوستان حق انوار عنایت از هر جهت بر شما دمیده و نسیم فضل از هر طرف بشما وزیده بحر الطاف بهر شما متموج است و نسیم عنایت بر شما متهیج آفتاب حقیقت از عالم غیب نور افشان و ابر موهبت بر

مزارع در فیضان و این عبد در عبودیت آستان مقدّس همراز و نیاز شما
دیگر چه خواهید دیگر چه طلبید شادی کنید مسرور باشید محظوظ
باشید مشعوف باشید و بشکرانه این نعمت عظمی قیام نمائید ع ع

مقابله شد

۹

هو الله

طهران و سائر ولایات ایران احبّای الهی علیهم بهاء الأبهی

جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی طبع نموده ارسال بولایات نمایند ع ع

یا صاحبی السّجن

هو الله ای یاران رحمانی از ایران حوادثی متتابع میرسد که سبب تأسف
و احزانست و یاران الهی با قلبی سوزان و چشمی گریان استماع
آن اخبار مینمایند از قرار معلوم علمای رسوم را آتش حسد در

* ص ۳۲ *

دلها چنان شعله زده که زمام اختیار از دست رفته بی مها با آتش فتنه و
فساد افروختند و بدون سبب علم عداوت و بغضا برافروختند و
دست بخون مظلومان و مقربان درگاه کبریا آلودند این حرکت یاغیان
منبعث از حسد طاغیان و باعث شدت غیظ و غضبست زیرا ملاحظه
نمودند که نفحات قدس آفاق را معطر نموده و بارقه هدایت و نور
حقیقت در شرق و غرب منتشر گشته بقوه برهان عاجز از مقاومت
گشتند بلکه بحجّت قاطعه و دلیل واضح و برهان ساطع مغلوب و
مهمزوم و منکوب شدند جند هنالک مهمزوم من الأحزاب لهذا دست
بسلاح عاجز زدند و آغاز ردائل کردند و علم فساد افراختند و بعناد پرداختند

خون مظلومان هدر نمودند و دست تطاول گشودند این سلاح مرد عاجز است
و صفت شخص فاجر در هر عصر چنین بوده است یزید پلید و ولید عنید
و خولی کولی و سنان کَشخاَن و شمر بدچهر چون از مقاومت حجت و
برهان حضرت سیدالشهداء روحی له الفداء عاجز و قاصر شدند بهجوم و
ورجوم برخواستند و فتوی بر قتل شاه شهیدان دادند و دست بخون
مبارکش بیالودند این سلاح شخص عاجز است و صفت مغلوب فاجر
باری همیشه چنین بوده محزون مگردید همین برهان جلیل بر حقیقت این امر
عظیمست و الا باید برهان عظیم و ثعبان مبین را مقاومت نمایند
و بدلیل و براهین پردازند این درندگی در عالم انسانی سبب سرّیندگیست
و ضربت علیهم الذلّة و المسکنة برهان این درماندگی اگر از سرّ نهانی

* ص ۳۳ *

و بلای ناگهانی و خسران مبین که در پی دارند خبر شوند فریاد و
فغان آغاز کنند و سر به بیابان نهند و واحسرتا گویند و واسوئتا
بلند کنند عصبه بغضاء و ثلّة حمقاء یعنی گروه طاغی یاغی در صحرای
کربلا شاد و خرم بودند و همواره پیش خویش و بیگانه افتخار مینمودند که
الحمد لله مظلوم آفاق با اهل و عیال محاصره گشته و از حرارت عطش جگرها
سوخته و جمیع اموال تالان و تاراج شده و جسد مبارک پاره پاره گردیده
و خون مطهر خاک سیاه را رنگین نموده سرها بر نیزه رفته و اعداء
بر ستیزه برخواسته خاندان نبوت اسیر شده و طفلان بی گناه دستگیر
گشته ولی چندی نگذشت بر کلّ واضح و مبرهن شد که این غلبه نبود
مغلوبیت بود قاهریت نبود مقهوریت بود مسرت نبود نقت
بود ربح عظیم نبود خسران مبین بود سبب شهرت نبود مورث
لعنت بود باری ای یاران الهی شما باید بالعکس مقابله نمائید
یعنی زخم ستمکاران را مرهم نهید و درد ظالمان را درمان شوید اگر
زهر دهند شهد دهید اگر شمشیر زنند شکر و شیر بخشید اگر
اهانت کنند اعانت نمائید اگر لعنت نمایند رحمت جوئید در
نهایت مهربانی قیام نمائید و باخلاق رحمانی معامله کنید و ابداً بکلمه
رکیکی در حقشان زبان میالائید حرمت کنید و موهبت طلبید و

نورانیت جوئید و روحانیت بخواهید که خدا هدایت نماید و از این درندگی و خونخواری و تیز چنگی و گرگی و پلنگی نجات بخشد الحمد لله

* ص ۳۴ *

اعلیحضرت شہریاری و حضرت صدارت پناہی عادل و باذل و کامل و مہربانند و بقدر امکان حمایت و حراست میفرمایند لہذا آنچه واقع شود از تعدیات علمای رسوم و فقہای ظلوم و عوام جہولست کہ مانند گرگان حرون بر اغنام الہی ہجوم نمایند بمرجعی جز حکومت حضرت شہریاری مراجعت ننمائید و جز بحضور ہمایون زبان شکایت نگشائید دادخواہی از اعلیحضرت پادشاہی نمائید و کيفر بجناب صدر موقر برید و این شکایت از جور و طغیان و دادخواہی از ظلم و عدوان اہل طیالسه نظر بنص صریح است کہ میفرماید چون ظلم و ستم بینید از سریر تاجداری کيفر طلبید و بعدالت اعلیحضرت شہریاری پناہ برید امتثالاً للأمر دادخواہی نمائیم و فریاد رسی جوئیم و آلا ما جمیعاً الحمد لله در سبیل الہی جانفشانیم و بغیر از جانبازی و قربانی آرزوئی نداریم ملاحظہ نمائید کہ حواریون حضرت مسیح اگر شہید نشدہ بودند ایامی چند زیست نمودہ عاقبت بیقین مردہ بودند حال آن شہادت بہتر بود یا زندگی بی ثمر و ہم چنین در صحرائ کربلا نفوس مبارکی ببشارت کبری جام شہادت در سبیل کبریا نوشیدند و سرمست صہبای محبت اللہ گشتہ و رقص کنان و پاکوبان و ہلہلہ زنان بقربانگاہ عشق شتافتند و اگر این نبود باز البتہ مردہ بودند حال کدام یک بہتر و خوشتر و دلکشتر است ما باید بموجب نصوص آلیہ عمل نمائیم و آنچه واقع شود و ہر ظلم و تعدی کہ صادر گردد دادخواہی از حکومت شہریاری نمائیم و بسریر اعلیحضرت تاجداری صادق و در شدت تعلق

* ص ۳۵ *

طهران احبّای الهی علیهم بهاء الله الأبهی

بواسطه جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی طبع شود و باطراف ارسال گردد

هو الله ای بندگان آستان مقدّس الهی شمس حقیقت از افق عالم اشراق فرمود
و در قطب آفاق در نقطه احتراق بدرخشید تا جهان را روشن نماید و جهان
ملکوت تشکیل فرماید و بنیان کمالات انسانی تأسیس نماید رذائل را
بنیاد براندازد و فضائل را بنیان برافزاید لهذا نصائح و وصایای
فرمود و شریعت سمحه بیضائی تأسیس کرد که کافل نورانیت عالم
انسانیت و ضابط عفت و عصمت و استقامت احبّای رحمانی
پس یاران باید که این خیمه برافرازند و دوستان شاید که این نار
موقده برافروزند حضرت مسیح روحی له الفداء در انجیل خطاب
بحواریین میفرماید که شما ملح ارضید اگر فاسد گردد جهان بچه چیز
نمکین شود باری مقصود اینست ما که بنده آن آستانیم باید بوصایا
و نصائح جمال مبارک قیام نمائیم و نافه مشکبار بر جهان و جهانیان
نثار کنیم راه تقدیس پوئیم و راز تنزیه گوئیم و سبیل طهارت کبری
پوئیم بگفتار و کردار و رفتار آیت موهبت پروردگار شویم و سبب تنبه و

* ص ۳۶ *

تذکر هر هوشیار کلمات مکنون را از بر نمائیم و وصایای حضرت بیچون را
عمل نمائیم و رفتار و کرداری نمائیم که سزاوار نسبت بآستان مقدّس است
و شایان عبودیت درگاه احدیت من چون نظر بخویش کنم شرمسار گردم
و از خجلت عرق بجبین آرم زیرا بآنچه شایسته و سزاوار است قیام ننموده‌ام
و تا بحال موقّ نگشته‌ام بلکه انشاء الله شما مؤید و موقّ گردید و بتقدیس

و تنزیه و هدایت و تقوی با خلق بیامیزید تا هر قرین نفعه بهشت برین
استشمام نماید و هر ندیم آثار خلق عظیم مشاهده کند و جمیع ملل شهادت
دهند که بهائیان مصابیح آفاقند و آیات طلوع و اشراق بهائی را
بصفت شناسند نه باسم و بخلق پی برند نه بجسم یعنی چون شخصی
یابند در گفتار آیت توحید و در رفتار جوهر تجرید و در کردار حقیقت
تقدیس فریاد برآرند که این بهائیت اگر چنین شویم نور مبین در
جبین بتابد و الا یا اسفا علینا علی ما فرطنا فی حبّ الله
الهی الهی ترانی

شیء قدیر ای یاران الهی شرکت خیریه از تأسیسات ربّ البریه
است زیرا مربی ایتام و کافل راحت فقرا و عجزا و مساکین انام است

* ص ۳۷ *

و سبب تعلیم اطفال و تبلیغ امر حضرت رحمان باید این شرکت خیریه
را نهایت اهمیت بدهید تا نقوسی از مبلغین تعیین گردند و در اطراف
به تبلیغ پردازند ترتیل آیات نمایند و نشر نفعات کنند و تلاوت
کلمات فرمایند هر نفس که معاونت بشرکت خیریه نماید در جمیع مراتب
تأیید و توفیق الهی شامل گردد و هر نواقص کامل شود سبب عزت
ابدیه آن نفوس گردد یا احبّاء الله علیکم بهذا الامر المبرور و الحظّ
الموفور والسعی المشکور و سوف یرون انّ کلّ جمعیة خیریه اصحت
مؤیدة بجنود من الملائع الاعلی و غدت منصوره بجیوش من المملکوت الأبهی
و علیکم البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

هو الله

ایران طهران عموم احبای الهی علیهم بهآء الله الأبهی
نسخ متعدده باطراف ارسال گردد

هو الأبهى الأبهى وائى اتقرب اليك يا الهى فى جنح هذه الليلة الظلماء وانا جيک
بلسان سرى مهترأ بنفحاتک التى انتشرت من ملکوتک الأبهى
واقول رب لا احصى ثناء عليك ولا اجد لطیور الأفکار صعوداً
الى ملکوت قدسک تقدست بکینونتک عن کل ذکر وثناء و تزهدت

* ص ۳۸ *

بهويتک عن محامد اهل الانشاء لم تزل کنت فى تقدیس ذاتک
متعالياً عن ادراک العارفين من الملاء الأعلى ولا تزال تكون فى تنزيه
حقیقتک ممتنعاً عن عرفان الواصفين من سکان جبروت العلى الهى
الهى مع هذا الامتناع كيف اذکرک بذکر او اصفک بوصف
تعالیت يا الهى و تقدست عن کل النعوت والأوصاف الهى
الهى ارحم عجزى وانکسارى وفتوى وذلى و مسکنتى و انالتى كأس عفوک
و موهبتک و حرکتى بنفحات محبتک و اشرح صدرى بنور معرفتک و
طیبت نفسى باسرار توحیدک و احنى بنسائم رياض رحمانیتک حتى
انقطع عن دونک و اتوسل بذیل ردآ کبرياتک و انسى ما سواک
و استنس بنفحات ايامک و اتوفق على الوفاء فى عتبة قدسک و على القيام
بخدمة امرک و على الخضوع و الخشوع عن احبائک و الانعدام و الفنا
فى محضر اصفیاتک انتک انت المؤید الموفق العلى الکریم الهى الهى
اسئلک باسراق انوار طلعتک التى اشرفت بهاء الآفاق و بلحظات
عين رحمانیتک التى شملت کل الأشياء و تموجات بحر عنایتک
التى فاضت على الأطراف و بأمطار سحاب موهبتک التى هطلت على
حقائق الممكنات و بانوار رحمتک التى سبقت الموجودات بأن تؤید
الأصفیاء على الوفاء و توفق الأجباء على خدمة عتبتک العلىا و تنصرهم
بجنود قدرتک التى احاطت الأشياء کلها و تنجدهم بجيش عرمرم
من الاملاء الأعلى اى رب انهم ضعفاء بابک و فقراء فى فنائک

و مضطربون الى فضلك و محتاجون الى تأييدك و متوجهون الى ملكوت
توحيدك و مشتاقون بفيوضات موهبتك اى ربّ صفّ ضمائرهم
بانوار تقدسيك و طيب سرائرهم بموهبة تأييدك و اشرح قلوبهم
بنفحات السرور و الحبور المنتشرة من بيتك الأعلى و نور بصائرهم
بمشاهدة آياتك الكبرى و اجعلهم آيات التقديس و رايات التنزيه تحقق
فى قطب الامكان على عموم الورى و اثر كلامهم فى القلوب التى
كانت كالصخرة الصماء حتى يقوموا على عبوديتك و ينقطعوا الى ملكوت
ربوبيتك و يتوجهوا الى جبروت قيوميتك و ينشروا آثارك و يتنوروا
بأنوارك و يتبنوا اسرارك و يهدوا عبادك الى الماء المعين عين التسليم
التي نبتت و فارت فى بحوبة فردوس احديتك و ينشروا شرع
الانقطاع على سفينة النجاة و يسيروا فى بحار معرفتك و يسطوا اجنحة
التوحيد و يطيروا بها الى ملكوت وحدانيتك يصبحوا عباد ينطقون بالتعوت
من الملاء الأعلى و يثنى عليهم اهل ملكوتك الأبهى و يستمعوا نداء هواتف
الغيب بالبشارة الكبرى و يناجوك فى الأسحار بابدع الأذكار شوقاً
الى لقاءك يا ربّي المختار و يبكوا بالعشى و الأشرار توقاً الى الورود
فى ظلّ رحمانيتك العظمى اى ربّ ايدهم من جميع الشئون و انصرهم
فى كلّ الأحوال بملائكة قدسك التي هم جنود لا يرونها و كتائب
غالبة على جيوش الملاء الأدنى أنك انت المقتدر العزيز القوى
المحيط و أنك لعلّى كل شىء قدير پاک يزدانا خداوند مهربانا

آوارگان کوی توئیم و مشتاقان روی تو و عاشقان خوی تو بیچارئیم
افتاده ایم ذلیم حقیریم ضعیفیم رحمتی فرما و موهبتی عنایت کن
از قصور درگذر و خطایای بی پایان بپوش هرچه هستیم از توئیم و
آنچه گوئیم و شنویم وصف تو گوئیم و روی تو جوئیم و در ره تو
پوئیم تو خداوند مهربانی و ما گنهکار بیسر و سامان پس اى ابر
رحمت رشحاتی اى گلشن عنایت نفحاتی اى بحر موهبت موجی و
ای آفتاب عنایت پرتوی رحم فرما عنایت کن قسم بجمالت
که جز خطا متاعی نه و بغیر از آمال اعمالی نه مگر پرده ستاریت بپوشاند
و حفظ و حمایت شامل حال گردد و الا این ضعف را چه توانائی

که بخدمت پردازند و این فقرا را چه غنائی که بساط عزّت
 بگسترانند توئی مقتدر و توانا تأیید کن توفیق بخش این نفوس
 پژمرده را برشحات ابر موهبت طراوتی عنایت کن و این حقائق
 مبتدله را باشراقات شمس احدیت روشنائی بخش این ماهیان
 تشنه لب را بدریای رحمت افکن و این قافله گمگشته را به پناه
 احدیت دلالت کن گمگشتگان را بعین هدایت دلالت کن
 و آوارگان را در پناه عزّت ماوی بخش تشنگان را از سلسبیل
 موهبت بنوشان و مردگان را بحیات ابدیه زنده کن کوران را
 بینا فرما و کران را شنوا کن و گنگان را گویا نما و افسردگان را
 برافروز غافلان را هشیار کن و خفتگان را بیدار نما و مغروران را

* ص ۴۱ *

متنبّه در هر کار توئی مقتدر توئی بخشنده توئی مهربان آنک
 انت الکریم المتعال ای یاران الهی و یاوران این عبد فانی
 شمس حقیقت چون از مطلع آمال فیض نامتناهی مبذول داشت و
 افق وجود بپرتو تقدیس منورگشت چنان جلوه فرمود که ظلمات
 دهماء مضمحل و معدوم گردید لهذا خطّه خاک غبطه افلاک شد
 و عرصه ادنی جلوه گاه ملکوت اعلی گشت نفحات قدس وزید و روائح
 طیبه منتشر شد نسائم ربیع الهی بمرور آمد و اریاح لواقع فیوضات
 نامتناهی از مهبّ عنایت بوزید صبح نورانی دمید و بشارت
 موهبت کبری رسید نوبهار الهی در عالم امکانی خیمه و خرگاه زد
 ارض وجود بحرکت آمد و خطّه شهود مهترگشت خاک افسرده ریاض
 باقیه شد و ارض میتة حیات ابدیه یافت گل و ریاحین عرفان روئید
 و سبزه نوخیز معرفه الله دمید عالم امکان مظهر فیوضات رحمان
 شد و حضرت شهود جلوگاه غیب مکنون گردید ندای الهی بلند شد
 و بزم الست آراسته گشت کأس میثاق بدور آمد و صلای عمومی
 بلند شد قومی سرمست آن صهبای الهی شدند و گروهی محروم از آن
 موهبت عظمی نفوسی از پرتو عنایت بصر و بصیرت روشن نمودند
 و طائفه از نغمات احدیت بوجد و طرب آمدند مرغانی درگلشن
 تقدیس آغاز نغمه و ترانه نمودند و بلبلانی بر شاخسار گل رحمانی

فریاد و فغان کردند ملک و ملکوت تزیین یافت و رشک

* ص ۴۲ *

بهشت برین گردید ولی هزار افسوس که غافلان هنوز در خواب
غفلت گرفتار و بیخردان از این موهبت مقدسه بیزار کوران
محبوبند و کران محروم و مردگان مأیوس چنانچه میفرماید اولئک
یسوا من الآخرة کما ئیس الکفار من اصحاب القبور شما ای
یاران رحمانی بشکرانه ربّ ودود زبان گشائید و بحمد و ستایش
جمال معبود بپردازید که از این کأس طهور سرمستید و از این جام
صهبا پرنشئه و انجذاب از نفحات قدس مشام معطر نمودید و
از رایحه قمیص یوسف وفا دماغ معنبر کردید شهد وفا را از دست
دلبر یکتا چشیدید و مانده ابدیه را در خوان نعمت حضرت احدیت
تناول نمودید این موهبت از خصائص حضرت رحمانیت است
و این فضل و جود از نوادر عطایای ربّ ودود در انجیل میفرماید
المدعوون کثیرون و المختارون قلیلون یعنی امت دعوت بسیارند
ولی نفوسیکه بفضل و موهبت هدایت مخصص میگردند کمیاب
ذلک من فضل الله يعطيه من يشاء و الله ذو فضل عظیم ای
یاران الهی شمع میثاق را اریاح نفاق از اهل آفاق احاطه نموده
و بلبل وفا را زاغان جفا اهل قبور هجوم نموده حمامه ذکر را جغدان
بیفکر در صدند و غزال صحرای محبة الله را درندگان در پی روان
لهذا خطر عظیمست و عذاب الیم احبای الهی باید چون حبل
متین باشند و چون بنیان رزین رصین از شدائد بلایا مضطرب

* ص ۴۳ *

نگردند و از عظام رزایا محزون نشوند توسل بذیل کبریا جویند
و توکل بجمال اعلی نمایند تکیه بر عون و عنایت ملکوت قدیم کنند
و اعتماد برصون و حمایت ربّ کریم در هر دمی از شبم عنایت
پرطراوت و لطافت گردند و در هر نفسی از نفثات روح القدس
زنده و تازه و خرم شوند و بر خدمت حضرت ربوبیت قیام کنند و در
نشر نفحات الله منتهای همّت را مبدول دارند امر مبارک را
حصن حصین باشند و جنود جمال قدم را قلعه رزین و رصین بنیان
امر الله را از هر جهت حافظ امین گردند و افق مبین را نجم منیر شوند

زیرا ظلمات ده‌مآء امم از هر جهت در هجوم است و طوائف عالم در فکر محویت نور معلوم با وجود هجوم جمیع قبائل چگونگی می‌توان دمی غافل بود البتّه هوشیار باشید و بیدار و در حفظ و حمایت امر پروردگار الیوم الزم امور تعدیل اخلاقت و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار باید احبابی رحمن بخلق و خوئی در بین خلق مبعوث گردند که راتحه مشکبار گلشن تقدیس آفاق را معطر نماید و نفوس مرده را زنده کند زیرا مقصود از جلوه الهی و طلوع انوار غیب غیر متناهی تربیت نفوس است و تهذیب اخلاق من فی الوجود تا نفوس مبارکی از عالم ظلمانی حیوانی نجات یافته بصفتی مبعوث گردند که تزیین حقیقت انسانیت ناسوتیان لاهوتیان شوند و ظلمانیان نورانیان گردند محرومان صرف محرم راز ملکوت شوند و معدومان محض مانوسان جلوه لاهوت شوند

* ص ۴۴ *

بی نصیبان از بحر بی پایان نصیب برند و نادانان از معین حیوان دانائی سیراب شوند درندگان ترک درندگی کنند و تیز چنگان در نهایت بردباری باشند اهل جنگ صلح حقیقی جویند و درندگان تیز چنگ از سلم حقیقی بهره برند ناپاکان از عالم پاکی خبر گیرند و آلودگان از جوی تقدیس نصیب برند اگر این فیوضات آلهیه در حقائق انسانیه جلوه ننمایند فیض ظهور بی ثمر ماند و جلوه شمس حقیقت بی اثر گردد پس ای یاران الهی بجان و دل بکوشید تا از خلق و خوی مبارک نصیب و بهره گیرید و از فیوضات تقدیسش قسمتی برید تا آیات توحید شوید و رایات تجرید گردید و حقیقت تفرید را جوئید و در این گلشن الهی بنگمات رحمانی آغاز نغمه و ترانه نمائید طیور شکور گردید و در گلزار وجود آوازی بنوازید که محیر عقول و شعور گردد در قطب امکان علمی افزایش که پرچم موهبت باریاح عنایت موج زند و نهالی در مزرعه وجود و باغ شهود غرس نمائید که ثمرش در نهایت طراوت و حلاوت باشد قسم بمرئی حقیقی که اگر بنصائح الهی که در الواح نورانی نازل عامل گردید این خاک سیاه آینه ملکوت اعلی شود و این حیز ادنی کاشف ملکوت ابهی گردد ای یاران الهی الحمد لله فیوضات غیبی شمس حقیقت از جمیع جهات محیط است و ابواب رحمت از جمیع اشطار مفتوح وقت استفاضه است و هنگامه استفاده

وقت را غنیمت شمیرید و فرصت را از دست مدهید از شئون

* ص ۴۵ *

این عالم ظلمانی بکلی بیزار گردید و بشئون و آثار حقائق ملکوتیه
واضح و آشکار شوید تا ملاحظه فرمائید که پرتو خورشید یزدان
در چه درجه روشن و درخشنده است و آثار عنایت از غیب احدیت
چگونه باهر و ظاهر و لائحت است ای یاران الهی الحمد لله اعلی حضرت
شهریاری در نهایت مهربانی و حضرت صدارت پناهی در منتها درجه
عدالت و رعیت پروری باید دوستان شبانه روز بدعای
ابدیت این دولت قوی الشوکه پردازند و بشکرانه دادخواهی و
فریاد رسی و مهربانی اعلی حضرت تاجداری قیام کنند زیرا این از
احکام مبرمه الهیه است که در جمیع کتب سماویه نازل و علیکم التّحیه والتّناء

ع ع

حضرات منتسبین الحمد لله بفضل جمال قدم در نهایت ثبوت و رسوخ
و فارغ از دون حق و خادم امر علیهم بهاء الله الأبھی

ع ع

مقابله شد

(در طهران جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی طبع فرمایند و بهر ولایتی یک نسخه
ارسال دارند ع ع)

بطهران بتعجیل نزد جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی ارسال شود ۹
در جمیع ولایات احبای الهی علیهم بهاء الله الأبھی
بتعجیل طبع فرموده بتمام ولایات ارسال دارند

هو الله مهم است * ص ۴۶ * لك الحمد يا الهى و لك الشكر يا محبوبى على ما علت كلمتك و تمت نعمتك و سبقت رحمتك و بلغت حججتك و كملت موهبتك و ظهرت آياتك و ارتفعت راياتك و اشرفت انوارك و شاعت و ذاعت آثارك و ذلت الرقاب لعظمتك و خضعت الأعناق لسلطنتك و ارتجت الأرض من ندائك و تجددت الكائنات فى قميص بديع بقدرتك و عطائك و ارتفعت خيام دينك المبين فى كل قطر و اقليم و ضربت اطنابها خيام مجدك فى كل سهل و نجد و بطون اوديه و على كل تل رفيع قد عسعس ظلام الظلال و تنفس صبح الهدى على الآفاق و انتشر النور فى كل الأطراف و هبت نسيم الألطاف على كل الأكناف و نفحت نفحات القدس و عطرت مشام المخلصين برائحة محبتك فى يوم الاميثاق و لك الشكر لك الحمد و لك البهاء و لك الثناء و لك الفضل و لك الجود و لك الاحسان و لك الأنعام رب رب ايد عبادك الأبرار على تأسيس مشارق الأذكار ايد فى كل الأقطار حتى يرتفع ضجيج التهليل و التكبير الى ملكوت الأسرار و يرن صوت التقديس و التنزيه فى آذان ملاء الأعلى المرتفع من مجامع الأخيار و قدر لكل نفس تسعى فى هذا الأمر العظيم ما قدرته للأصفياء فى جبروتك الأبهى انك انت المقتدر العزيز القوى القدير اى ياران روحانى عبدالبهاء الحمد لله كه اشراق شمس حقيقت از غيب احديت و مركز رحمانيت آفاق را احاطه نموده وصيت جمال مبارك روحى لاجبائه الفداء عالم وجود را حرکت آورده آوازه امرالله جهانگير گشته و پرتو هدايت كبرى مانند

* ص ۴۷ *

صبح مبین فلک اثیر را منیر فرموده از محافل علیا ضجیح تهلیل و تکبیر بلند است و از مجامع عظمی صوت محامد و نعوت جمال ابهی گوش زد هر مستمند و ارجمند انوار در انتشار است و اسرار ظاهر و آشکار عالم بشر در حشر مستمر است و جهان انسانی مصدر سنوح رحمانی صلح و صلاحست و آشتی و راستی و فلاحست محبت بعمومست و الفت با کل امم و ملل در هر مرز و بوم الطاف جمال ابهی ریشه بغضا را برانداخته و علم رأفت کبری در ذروه علیا برافراخته بنیاد نزاع و جدال را بر باد داده و اساس بغض و عناد را محو و زائل نموده با جمیع طوائف امر

بمحبّت فرموده و بشهرياران عادل مملکت حکم اطاعت و صدقت نموده تا همه ياران باکلّ عالميان متّفق و مهربان گردند و با جميع در نهايت خلوص تمکين حکومت نمايند و بپاکی طينت رعيت صادق شوند ملاحظه نمايند اين چه موهبت عظيم است و اين چه حکمت بديع و ليس ذلک الا من فضله و رحمة على العالمين ای ياران عبدالبهاء الحمد لله بعون و عنایت جمال ابهي در عشق آباد تأسيس مشرق الاذکار بنهايت حرّيت و اقتدار گردیده و جميع ياران در نهايت اهتمام باين خدمت پرداخته اند بجان و دل در کوششند و مافوق طاقت در اين مورد جانفشانی نمايند ولی چون اين مشرق الاذکار بنهايت آزادگی تأسيس ميگردد و مأمور بنيانش حضرت فرع جليل جناب حاجی ميرزا محمدتقی افغانند و بالوکاله از عبدالبهاء باين خدمت قيام فرموده اند و صيت اين مشرق الاذکار

* ص ۴۸ *

در اطراف افتاده لهذا بايد در نهايت اتقان مگمل بنا گردد و بايد جميع احبّاء و اصفیاء بقدر امکان در تأسيس اين بنیان معاونت نمايند تا بزودی اتمام يابد و تأخير سبب تسرير قلوب غافلان گردد و تأثير در دلهاي خيبرخواهان نمايد و تشويش اذهان آزادگان کند ربّ ربّ ايد الأبرار على خدمة امرک في کلّ الاقطار و وفقهم ببذل الروح والأموال في تأسيس مشارق الاذکار حتى تكون اوکاراً لطيور القدس في الأسحار و يرتفع منها صوت الاذکار بفنون الألحان من ابداع الأوتار و يذكرک جواهر الوجود بمزامير آل داود عند الركوع و السجود يا ربّي الودود أنت المقتدر العزيز الکریم الوهاب ع ع مقابله شد

در طهران جناب آقا ميرزا علی اکبر ميلانی طبع فرمايند و بهر ولايتی یک نسخه ارسال دارند

ع ع

طهران جناب آقا ميرزا علی اکبر ميلانی طبع نموده و نسخ متعدده بأطراف ارسال دارند

احبّای الهی عليهم بهاء الله الأبهي

يا صاحبي السجن

هو الله الهى الهى ترى حالى وضرى وبلائى وذلى وابتلائى وتوجعى
وتفجعى وترعزعى واضطرابى وتشاهد ان اهل ابغضاء كيف
هجموا على عبدالبهاء وكيف سلوا عليه سيوف الجفأ وصوبوا اليه
سهام الأفتراء واحاطوه من كل الجهات وسقوه سم الروى ورموه

* ص ٤٩ *

رمى الهلاك فى كل آن الهى الهى كل الأحزاب قاموا بأشد عقاب
على عبدك الذى قصد باب احديتك وسجد على تراب العبودية تضرعاً
الى فناء احديتك و انفق روحه فى سبيلك وترك كل راحة فى
محببتك فحزب الفرقان قد قام بكل طغيان وحزب البيان ضربوا السهام
والسنان وقاموا بكل افتراء وبهتان و حزب الانجيل جرّعى سم النقيع
لتبتلى الى ملكوتك الجليل وعصبة الجفأ وثلة البغضاء التى نقضت
الميثاق قد قامت بكل نفاق والقوا الشبهات وارجفوا فى كل البلاد
ونشروا اوراق الشقاق فى الآفاق ونسبوا عبدك بكل فضيحة العباد
وحرفوا الواحك وغيروا كلماتك آملاً بتغيير ميثاقك وتبديل عهدك
الى ان سعوا فى سفك دمي بكل قوة واجتهاد وزوروا عن لساني
كلمات مفتريات وسعوا بها عند اولياء الأمور والولاة فى هذه الجهات
حتى يرمونى فى براء لا قرار لها وانك لعليم بكل هذا فكيف تركتنى بين يدي
هولاء وودعتنى تحت تسلط اهل البغضاء ولم يرفعنى اليك فى جوار
رحمتك الكبرى ربّ ربّ قد ضاق الفضاء واشتدّ البلاء وازمن الداء
وصعب الدواء واستضعف الشفاء فلا كاشف لهذا الضر إلا انت ولا
مجير لهذا المستجير إلا انت ربّ ارحمنى بفضلك وجودك وخلصنى من
غمار هذه البحار برحمتك وعنايتك حتى يستريح فؤادى فى مقعد الصدق
عتبة ملكوتك ويرتاح روحى فى ساحة الغفران حضرة رحمانيتك فوعزتك
انّ هذا هو الموهبة العظمى لعبدك هذا بهذا الاثناء ربّ ربّ قرب لى

* ص ٥٠ *

كأس الروى واسكرنى بصهباء الفداء وارفعنى اليك يا ربى الأبهى
 أنتك انت المقتدر العزيز الأكریم الوهاب و أنتك انت الرحمن الرحيم
 ای بندگان حضرت یزدان بلاىای عبدالبهاء دم بدم در تزايد است
 و هجوم اهل بغضاء در تتابع هر دمى ضربتى زنند و در هر آنى جام سم قاتلى
 دهند روزى اوراق شبهاتى نشر کنند وقتى رسائل افترائى انتشار
 دهند زمانى فرياد و فغان بر آرند يومى واويلا بلند کنند گاهى تحريف
 كلمات نمايند وقتى در نزد حكّام سعائى مجرى دارند و عبدالبهاء را
 بهر فتنه و فساد نسبت دهند ساعتى فتواى قتل دهند دمى
 رئيس المشركين نامند و هادم دين مبین گویند و شجره نفي خوانند
 خلاصه بهر وسيله بر ضرر عبدالبهاء قيام نمايند و اين عبد ضعيف نحيف مظلوم
 در مقابل اين قوم عنود دمى نياسايد و نفسى نتواند و آنى سر ببالين راحت
 نهد چنانكه در اين ايام شخصى از اهل جهرم كه از يد و يوم ميثاق الى
 الآن باشد نفاق قيام نموده بود و بجمع بلاد و بخط خویش در حق مركز
 ميثاق مفتریاتى چند انتشار داده بود و جميع رسائل اهل نقض را در
 هندوستان طبع نموده بود و باطراف منتشر کرده بود با جناب حاجى
 محمود اوزى بأرض اقدس آمده كه من با جناب حاجى محمود محض تجسس
 و تفحص آمده ام و مقصودمان تحررى حقيقت است بارى با احببى الهى
 ملاقات نمود و سؤال و جوابى كرد حضرت حاجى محمود الحمد لله
 مانند جبل راسخ ثابت بر ميثاقد ولى آن شخص عنود حيله و تزويرى نمود

* ص ۵۱ *

كه بكلى از نقض بيزار شده و جميع شبهات زائل گشته ولى يكديقه
 آرزوى ملاقات دارم عبدالبهاء در جواب مرقوم نمود كه آنچه
 اين شخص ميگويد مخالف حقيقت است مقصود او مانند مقصود آقاخان
 كرمانيست كه از حزب يحيى بود و بأرض مقدسه وارد شد و اظهار
 اشتياق تشرف بساحت اقدس نمود جمال مبارك فرمودند مقصد
 او چيز ديگر است ولى ضرر ندارد بيايد تا آنكه بساحت اقدس مشرف شد
 و چون مراجعت كرد رساله اى منتشر نمود مضمون اينكه من محض فحوص
 بارض مقدسه رفتم و ملاقات نمودم و چنين و چنان ديدم و شنيدم
 و مسائل خویش را جواب نيافتم بعد بقبرص رفتم آنچه سؤال نمودم
 جواب شافى كافي شنيدم و مفتریات چندی نسبت بجمال مبارك داد
 و طبع نمود و منتشر كرد حال اين شخص جهرمى را نيز مقصد چنانست

لهذا سزاوار ملاقات نیست ولی احباً بسیار اصرار نمودند نهایت
چند دقیقه ملاقات شد حال مانند آقاخان کرمانی با رؤساء ناقضین
عکاً رساله تالیف نموده و بسرعت تمام با خرطومى بهندوستان عزیزمت
نموده تا بکمال سرعت آن مفتریات را طبع نمایند و الواح مبارک را که
تحریف نموده اند نشرکنند بلکه سبب تزلزل ضعفاً گردد حال ای
احبای الهی بقوتی رحمانی و قدرتی ربّانی و تأییدی آسمانی و عون
عنایتی یزدانی و ثبوت و رسوخى وجدانی و الهاماتی الهی و نفعاتی
قدسی و انجذابى صمدانى و قلبى نورانى و روحى سبحانى مقاومت سهام

* ص ۵۲ *

شبهات نمائید و خطاب و کتاب هر ناقض مردود را سبب ثبوت و
رسوخ کنید زیرا اهل یقین از شبهات اهل حجاب بر ایمان
و ایقان بیفزایند اعراض آنها سبب شدت اقبال مؤمنان گردد
و انکارشان باعث تمکین و قرار موقنان شود باید چنان ثبوت و
رسوخى بنمائید که مانند غضنفران الهی در میدان عرفان جولان
دهید و روبهان نقض هر یک بحفره یأس و خذلان و زاویه نومیدی
و خسران فرار نمایند تبّاً لهم و سحقاً لهم و تعساً لهم الی یوم یبعثون
سبحان الله با وجود آنکه قوه میثاق را مشاهده نموده اند که علم عهد
در جمیع آفاق بلند شد و پرچم پیمان بموج آمد و اهل نقض بنکبت دائمه
و خسران مبین و ذلت کبری مبتلا شده اند باز متنّبّه نمیشوند
و متذکّر نمیگردند اینست قهر الهی اینست غضب ربّانی اینست
ذلت یهود اینست شأن قوم عنود ذرهم فی خوضهم یلعبون و دعهم فی غمراتهم
یخوضون الا انهم من اهل الخسران فسوف ترونهم هباً منبثاً و لیس لهم ذکر و لا اثر فی
جمیع البلدان
و علیکم التحیة و اثناء ع مقابله شد

هو الله ای دوستان مهربان نامه های مفصل که از طهران رسیده
چون منادی اختلافست ملاحظه فرمائید که در این قلب
مجروح چه تأثیر نمود . جمیع یاران حقیقی در سبیل جمال مبارک جانفشانی
کردند آیا در میان آنان هیچ بوئی از اختلاف آراء بود
آنها بنفس طاهره و قلب منجذب و انقطاع از ما سوی الله اعلاء
کلمة الله نمودند باری من از روی محبت مینگارم الحمد لله کل
شما را مقصود خدمت بامرالله و جانفشانی در سبیل الهیست و طلب
رضای جمال مبارک پس باید با جمیع این مذاکرات و مکالمات
بی نتیجه را که سبب اختلافست و نهایت منجر بعداوت و بغضا میگردد
بکلی فراموش کنیم و به تبلیغ امرالله پردازیم که روح حیاتست و
سبب نجات عزت کل در آنست و موهبت الهی در آن
آشکار و نمایان اینگونه منازعات و مجادلات بیگانگان
قبول نمایند تا چه رسد بما ملاحظه کنید چه قدر مجالس انتخاب
میشود در عالم چه قدر محافل عظیمه تأسیس میگردد نه صدائی نه
ندائی نه نزاعی و نه جدالی ما باید سررشته بعالم انسانی بدهیم
و سبب الفت و یگانگی شویم و بعون و عنایت جمال مبارک
دشمنان را با یکدیگر دوست نمائیم و خون خود را در پای هریک
نثار کنیم پس سزاوار اینست که برای یک انتخاب محفلی که

صرف باید روحانی باشد و تعلق بجسمانی ندارد این همه مهمه و دمدمه
و زمزمه حاصل شود و این امور را نفوسی معدوده خفياً سبب هستند
و عبدالبهاء واقفست ولی ملاحظه میشود که چون میانه احباً
نزاع افتد از این نزاع بیم آنست که عاقبت جمعی از احباً از
صراط مستقیم الهی منحرف شوند حال اگر بر ما که بندگان جمال
ابهایم این گوارا چه عیب دارد عبدالبهاء حرفی ندارد بحال
خود دوباره از شرق بغرب رود و در آن بیابانها نعره و
فریاد زنان در صحرائی از اینجهان بجهان دیگر شتابد که
هیچکس خبری از او نیابد و علیکم البهء الأبھی عبدالبها عبّاس
مقابله شد

هو الأبهى احبّاي الهى در آستانه و تفليس و بادكويه و انزلى و رشت و قزوين
و قم و كاشان و قمصر و مازگان عليهم بهاء الله الأبهى ملاحظه فرمايند
يا صاحبى السّجن

هو الأبهى الأبهى الهى الهى ترانى بكلّ ذلّ و انكسار انا حبك فى خفيات قلبى و
سراى روحى و اقول ربّ ربّ احرس احبّائك فى حصنك الحصين و
بعقلك المتين و انظر اليهم بعين عنايتك و رعايتك و احفظهم
بلحظات حمايتك و كلائتك و اجعلهم آيات التوحيد النّازلة

* ص ۵۵ *

من سماء تقديسك و صنهم عن شئون الهوى و متابعة النفس الامّارة
بالسؤاى ربّ احفظهم من الغرور و أتباع خطوات مصدر الشرور
و اجذبهم بنفحات قدسك و اجعلهم ثابتين على امرك و ناصرين
لذكرك و مبشّرين لنفحاتك لئلا يهنوا و لا يفترّوا عند ما يدوق
عبدك هذا مرّ البلاء و يخوض فى غمار البلايا فى سبيلك او سيق
الى مشهد الفداء فى محبّتك او القى فى بئر ظلماء او طوّحته
طوائح البغضاء الى اقصى برية من الغبراء اى ربّ اشدد
ازورهم و قوّ ظهورهم و اشرح صدورهم برحمتك الاكبرى
انك انت العزيز المقتدر الكريم اى احبّاي الهى
درىاى بلايا در تلاطمست و امواج رزايا در تهاجم دقيقه بر عبد بها نميگذرد
مگر آنكه بسهام شديدّه از جهات متعدده وارد و ذاب كاسره
و سباع مفترسه از جهات عدیده در هجوم كأس احزان سرشار است
و سحاب آلام مدرار با وجود اين الحمد لله شب و روز
بذكر ياران الهى مستبشر و بياد دوستان معنوى متذكّر مقصود
اينست كه آنچه وارد گردد و هر مصيبتى كه رخ نمايد بعبد البهّاء
مبادا دوستان را فتورى و ياران را قصورى حاصل گردد
بلكه بايد بيشتراز بيشتدر و له و انجذاب آيند و در نشر امر الله
كوشند يوم ثبوت آن يومست كه انوار استقامت كبرى
از وجوه احبّاء لمعان نمايد و هم چنين بايد كه جميع ياران الهى

در نهایت خضوع و خشوع و تذلل و انکسار بعبودیت یکدیگر قیام نمایند و در منتهای اتحاد و اتفاق و الفت و یگانگی بکوشند الیوم هر خاضع و خاشعی که بهیچوجه راثحه وجود در او نیست و به بندگی جمیع دوستان قائم در ملکوت ابهی رویش چون مه تابان تابنده و درخشنده و هدایت بخشنده ایادی امرالله چون سرچ نورانیه اند در هر امری قراری دهند و اتقان نمایند و یا اکثریت آراء حاصل گردد کلّ باید اطاعت و انقیاد کنند و هم چنین بر جمیع دوستان الهی بنصّ قاطع رحمانی فرض است که بجان و دل حضرت شهریار عادل را دعا کنند و در اطاعت و انقیاد سعی بلیغ مجری دارند و البهّاء علیکم ع ع

مقابله شد

طهران احبّای الهی علیهم بهاء الله الابهی

بخط مبارک

جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی بخط بسیار خوشی طبع نموده نشر نمایند ع ع
یا صاحبی السّجن

هو الله ای دوستان معنوی و یاران حقیقی عبدالبهّاء هر چند آفت وبا جمیع انحاء اقلیم مقدّس ایران را بزلزله و لوله انداخت و آشوب و فتنه برپا نمود و از اینجهت دل و جان آوارگان اسیر اندوه و احزان شد و شب و روز بدرگاه یزدان عجز و نیاز گشت که ای

دانای راز هر چند گنه کاریم و تبه کار ولی بخشش یزدانی و عفو و غفران رحمانی مشروط بلیاقت و استعداد انسانی نه این بلای ناگهانی را از کشور ایرانی مندفع فرما تا بندگان آسایش

جان یابند و راحت وجدان جویند الحمدلله که محض فضل و احسان این بالای بی‌امان در مدتی قلیله مندفع شد اما در سائر جهان مدتی مدیده امتداد یافت چنانکه چندی پیش در حوالی این بقعه نورآء جز مدینه عکا از حجاز و مصر گرفته تا شام و بیروت و حما و حمص و طرابلس و یافه و قدس و غیره دو سال این بلا مستولی بود تا بعراق رسید و از عراق بایران افتاد و اما سرعت اندفاع این آفت از مملکت ایران از میمنت نیت مبارکه مرکز سلطنت عظاماست چه در ایام سلف مرض و با در آندیار افتاد و هفت سال امتداد یافت حال باین زودی زوال یافت و این مجرد از نوایای مقدسه اعلیحضرت شهریاری و معدلت حضرت صدارت پناهی بود و فی الحقیقه اعلیحضرت تاجداری رعیت پرور و مهربانست و جناب صدر محرم عادل و آزموده و با عزم و کاردان این بعد از بدایت وزارت حضرت صدارت تا بحال ساکت بود تا بعد از فحوص و تحقیق بیان نماید فی الحقیقه بصرافت طبع و طیب خاطر در فکر راحت و آسایش عموم رعایاست از خدا خواهیم که اعلیحضرت شهریاری را مؤید و جناب صدارت پناهی را

* ص ۵۸ *

بتوفیقات عظیمه موفق فرماید از قرار مسموع رأی جهان آرای پادشاهی و حسن تدبیر جناب صدارت عظمی تعلق بر آن گرفته که در هر شهری بجهت فصل دعوی و قطع مرافعه و احقاق حقوق عباد مرکزی مخصوص تعیین گردد و مرافعه حصر در آن مرکز میشود این قضیه بسیار مفید است و سبب آسایش و راحت قرب و بعید اگر چنین گردد اس اساس مدنیت کبری که در سائر اقالیم برپا است خیمه و خرگاه در ایران زند این اول اصلاح مملکت انشاء الله موفق بر اجرا گردند و نادانان دست از بیحیائی بردارند و اطاعت و انقیاد قوانین و احکام عادلانه نمایند ای یاران الهی عبدالبهاء از جمیع شماها راضی و نظر بتعلق شما بدرگاه احدیت و تحقق تام بمحبت حضرت رحمانیت مینماید امروز جمیع ملل عالم بر ذائل

عالم شیطانی آلوده و از فضائل جهان الهی بیزار و آزادند
کل خونخوار و تیزچنگ و بی انصاف و بیدرنگند ملاحظه نمائید
که در اقلیم منشوریا چه حشر و نشوریست فاعتبروا یا اولی الابصار
همه این منازعات بر سر خاکست و عاقبت این خاک ناپاک
مانند ثعبان بی باک جمیع افراد انسان را فرو برد نفسی را
باقی نگذارد و با وجود جور و جفا این خاک سیاه معشوق
کل است و دلبرفتان آفاق چه قدر بی فکریست و چه قدر نادانی
که بجهت این خاک تباہ آفت جسم فتنه جان چنین جانفشانی‌ها

* ص ۵۹ *

میشود و خونها ریخته میگردد و شهرها خراب میشود و جان و
مال بتالان و تاراج میرود چه بسیار پدر مهربان که بر قتل پسر آه و
انین نماید و بسا مادر که در ماتم فرزند سرشک رنگین ببارد
چه بسیار اطفال معصوم یتیم و محزون گشته‌اند و چه بسیار
نساء که قرین و همنشین محترم را در خاک و خون مشاهده کردند
اینست نتیجهٔ مدنیت امم و ملل عالم فاعتبروا یا اولی الابصار در
میان این جمهور فرق عالم حزب الله را آرزو چنان که خدمتی
بعالم انسانی نمایند و این غوائل را بقوت برهان و تأیید یزدان
و همت بی پایان بلکه انشاء الله زائل کنند علی العجاله نیت
حزب مظلوم خیر است و عزم جزم تا توفیقات الهیه چه کند
و تأییدات رحمانیه چه نماید والله یؤید من یشاء علی
ما یشاء و انه لعلی کل شیء قدير ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الأبهی ای یاران حقیقی عبدالبهاء حضرت ابن اصدق بقعه مبارکه وارد
و بطواف مطاف ملا اعلی فائز و در انجمن رحمن حاضر و در
کمال روح و ریحان ملاقات میشود روزها زیارت تربت مقدسه
مشغول و شبها بالفات یاران رحمانی و عبدالبهاء مألوف
و در نهایت تبتل و تضرعند از حق میطلبیم که موفق در جمیع شئون

* ص ۶۰ *

و مراتب گردند تا بعبودیت آستان مقدس چنانکه باید و شاید
مؤید گردیم ع ع مقابله شد

بواسطة جناب حاجی میرزا عبدالله صحیح فروش
طهران احبای الهی و جناب میرزا علی اکبر میلانی طبع نموده بجمیع اطراف ارسال
دارند
یا صاحبی السجین

هو الله اناجیک یا الهی مکباً بوجهی علی التراب منتظراً لبدايع
الطافک متمرغاً جبینی بالثری تذلاً لعزک و سلطانک متضرعاً الی
ملکوتک مبتهاً الی جبروتک راجياً عفوک و غفرانک طالباً فضلک
واحسانک و لم ادر بای وجه اقبل الیک و بای قلب اتوکل علیک
و بای روح اتضرع بین یدیک و لایلیق التوجّه الیک الا الوجوه الناضرة
و لایستحق النظر الیک الا الاعین الناظرة و لا ینبغی الأنجذب
بنفحات قدسک الا للارواح الهائمة فی بیداء محبتک و ائی
مع هذه الغفلة و النيسان ائی لی هذه الموهبة و الوجدان فو عزتک
اختجل ان اذکرک و یاخذنی الحياء ان اثنی علیک و ائک
تسمع یا محبوبی ضجیجی فی بطون اللیالی و صریخی فی خلواتی و جلواتی
و ادعوک و ارجوک ان لا تجعلنی متعرضاً للأفتتان و عرضاً لسهام
الامتحان لانی ضعیف ذلیل بباب احدیتک اسیر حقی بین

* ص ۶۱ *

بریتک و ائک تشهد یا الهی ان منتهی منیتی و اعظم بغیتی الفناء
فی ساحة قدسک و المحو و المحاق تحت شعاع شمس قیومیتک الهی الهی
قدر لی مقاماً هباءً منبثاً و اجعلنی فناءً بحثاً محضاً و احفظنی من
ظنون خلقک و اوهام بریتک حتی لا یذکرونی الا بهذا الفناء

ولا يثنوا علىّ إلا بأنعمامى فى عتبتك العليا ولا يصفونى إلا بأنى
 رق من الأرقاء ولا ينعنونى لصفة و بمنقبة و شان و كمال الآ
 بعدالبهآ ربّ ائى برى عن كل ذكر و ثنا الا الفقر و الفقدان
 فى هذا الميدان و العجز و النسيان فى حيز الأمكان ربّ ايد عبادك
 ان يذكرونى بما اتمنى و لا يزيدوا عمّا ظهر من قلمى بهذا ...^٦
 لأنّ هذا جئتى المأوى و مسجدى الأقصى و سدرتى المنتهى و غايتى القصوى
 و منتها منيتى عبدالبهآ ربّ ائى خائض فى غمار النسيان
 و غريق فى بحار الفقدان و مرّى على تراب الذلّة و الهوان و
 ادعوك فى هذا الأوان ارحمنى بفضلك و احفظنى تحت جناح
 كلائتك و احرسنى بعين رعايتك و اشملى بلحاظ عين رحمانيتك
 فأغفرلى ذنوبى و استر عيوبى و اكشف كروى ائك انت الكريم
 ائك انت الرّحيم و ائك انت العزيز القدير اى ياران الهى
 اين عبد در حالت محو و فنا و محق و بينوا از دوستان در نهايت
 رجا استدعا مينمايد كه آنچه از قلم اين مسجون صادر آنرا تابع
 و قائل و معتقد گردند غير از آن كلمه ئى بر لسان نرانند و نعت و

* ص ٦٢ *

ستایشى ننمائيد و مقام و مركزى نجوئيد و مدح و ثنائى نگوئيد
 و آن اينست كه اگر نفسى از مقام اينعبد پرسش نمايد جواب عبدالبهآ
 اگر معنى غصن استفسار كند جواب عبدالبهآ اگر معانى سورة غصن
 طلب نمايد جواب عبدالبهآ اگر معانى فرعيت منشعب خواهد جواب
 عبدالبهآ خلاصه بكلمه عبدالبهآ كل اكتفا كنند و بدون آن كلمه اى
 حتّى كلمه غصن در تحرير و تقرير خویش بر زبان نرانند و از اين
 كلمه بهیچوجه تجاوز نگردهد و حرفى و گفتگوئى نشود و اگر چنانچه نفسى حرفى
 ديگر بر زبان راند اين عبد را هدف سهام نمايد و سبب احزان شود
 زیرا نهايت آرزو و منتهى آمال عبدالبهآ آنست كه در آستان
 مقدّس عبد صادق باشد اين موهبت در جميع عوالم اين عبد را
 كفايتست سبحان الله در بعضى موارد سؤال و جواب از كيفيت
 توجه ميگردهد و حال آنكه اين ذكر لزوم ندارد زیرا اينعبد نفسى را

^٦ كلمه اى خوانده نشد.

بتوجه دلالت نمود تا بحث در کیفیت آن گردد عبدالبهاء
کل را بکلمه علیا خواند و بعبودیت آستان مقدس امر کند و به تبلیغ
امرالله و نشر نفحات الله و اعلاء کلمه الله تشویق و تحریص کند و
این از او امر قطعیه ربّ الوجود است تعلق باین عبد ندارد و
همچنین از جمیع یاران الهی رجا مینمایم که بموجب وصایا و نصایح
جمال مبارک حرکت کنند تا آنکه در عالم وجود سراجی برافروزند
و حجابات ملل عالم بسوزند و بنار محبت الله بگدازند و به تبلیغ امرالله

* ص ۶۳ *

بشتابند و باحیاء نفوس برخیزند و دشمنان را مظهر احسان کردند
و اعدا را مائده سما شوند بأهل جفا بصرف وفا رفتار کنند
خائنان را امین و امان کردند کاذبان را صدق لسان بیاموزند
اهریمنان را فرشتگان کردند خونخواران را مرهم دل و جان شوند
نومیدان را مرکز امید کردند و محرومان را نصیب جزیل بخشند هذا
نصحی و ذکری و رجائی و منائی هنیئاً لمن وفقه الله علی
هذه المواهب و تسیر له هذه الرغائب و حرسه من التوائب و
علیکم البهآء و علیکم الثناء و علیکم التحية من جمال الله الأبھی یا
احباء الله ع ع مقابله شد

واشنگتون بواسطه جناب آقا میرزا احمد جناب
مستتریمی علیه بهآء الله الأبھی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای دوست روحانی من مکتوبی که بتاريخ ۱۳ اگست ۱۹۰۶ مرقوم
نموده بودی رسید و از قرائتش سرور حاصل گردید زیرا
دلالت بر اتحاد و یگانگی یاران غرب مینمود که الحمدلله بسبب
امضای آن دو نامه جمیع الفت و اتحادی تازه حاصل نمودند

از خدا خواهیم که روز بروز بر این اتحاد و اتفاق بیفزاید

* ص ۶۴ *

ای بنده الهی باید منتهای سرور و شادمانی بنمائی که باین خدمات مکلف و موفق میگردی در خصوص مشرق‌الاذکار مرقوم نموده بودی اگر ممکن شود که در واشنگتون تأسیس مشرق‌الاذکار گردد بسیار مناسب و سبب تأیید کلی شود پس در فکر تهیه و تدارک سرمایه ساختن باشید نقشه مشرق‌الاذکار عشق آباد در دستت فرستاده‌اند نزد شما بهمان طرز نقشه‌هایی دیگر بکشید و بفرستید اینجا ضرر ندارد و علیک التحیة والثناء ع ع مقابله شد

احبای الهی و دوستان حقیقی و آیات رحمانی در جمع بلدان و (خط مبارک) اقالیم در شرق و غرب علیهم بهاء الله الأبهی جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی مرقوم نموده طبع نمایند و بجمیع اطراف علی‌الخصوص خراسان بفرستند و در طهران انتشار دهند ع ع

هو الله ای یاران با وفا ای بندگان صادق حضرت بهاء الله نیمه شب است و جمیع چشمها آسوده و کافه نفوس در بستر راحت سر ببالین نهاده مستغرق در دریای خوانند و عبدالبهاء در جوار روضه مبارکه بیدار و در نهایت تضرع و ابتهاج مشغول بمناجات که ای پروردگار مهربان شرق در هیجانست و غرب

* ص ۶۵ *

در موج بی پایان نفحات قدس در انتشار و انوار شمس حقیقت از ملکوت غیب ظاهر و آشکار ترتیل آیات توحید است و تموج رایات تجرید بنگ^۷ سروش است و نهنگ محویت و فنا در خروش از هر کرانه فریاد یا بهاء الأبهی بلند و از هر طرف ندای

^۷ در کتاب من مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۱ صفحه ۱۸۲ «بانگ» مندرج است.

یا علی الاعلی مرتفع ولوله در جهان نیست جز غلغله جلوۀ دلبر یکتا
و زلزله ئی در عالم نه جز اهتزاز از محبت محبوب بیهمتا احبای الهی
در جمیع دیار با نفس مشکبار چون شمع روشنند و یاران رحمانی
در جمیع اقالیم مانند گلکهای شکفته از طرف چمن دمی نیاسایند
و نفسی بر نیارند جز بذکر تو و آرزویی ندارند جز خدمت امر تو
چمنستان حقیقت را بلبل خوش الحانند و گلستان هدایت را
شکوفه‌های معطر بدیع الالوان خیابان حقائق را طراحی گلکهای
معانی نمایند و جویبار هدایت را مانند سروروان بیاریند افق
وجود را نجوم بازغند و مطالع آفاق را کواکب لامع مظاهر
تأییدند و مشارق نور توفیق ای خداوند مهربان کل را ثابت و
مستقیم بدار و الی الأبد ساطع و لامع و پرانوارکن تا هر دم
از گلشن عنایت نسیمی وزد و ازیم موهبت شبنمی رسد رشحات
سحاب محبت طراوت بخشد و نفحات گلشن وحدت مشامها
معطر کند ای دلبر آفاق پرتو اشراقی ای محبوب جهان جلوۀ
جمالی ای قوی قدیر حفظ و امانی ای ملیک وجود ظهور قدرت و

* ص ۶۶ *

سلطانی ای خدای مهربان در بعضی بلدان اهل طغیان در هوج و
موجند و محرکین بی انصاف شب و روز در اعتساف ظالمان چون
گرگ در کمین و اغنامی مظلوم و بی ناصر و معین غزالان بر وحدت را
کلاب در پی و تذروان کوهسار هدایت را غرابان حسد در عقب
ای پروردگار حفظ و حمایت فرما ای حافظ حقیقی صیانت و حمایت
کن در پناه خویش محروس دار و بعون خود از شرور مصون بدار
توئی حافظ حقیقی و حارس غیبی و نگهبان ملکوتی و مهربان آسمانی
ای یاران الهی از جهتی رایت حق بلند است و ندای ملکوت
مرتفع و امرالله در انتشار و آثار الهی واضح و آشکار شرق منور است
غرب معطر است جنوب معنیر است شمال مشک اذفر است
و از جهتی بیوفایان در نهایت بغض و عدوان و در غایت افساد و
طغیان هر روزی نفسی علم خلاف برافرازد و در میدان
شبهات بتازد و هر ساعتی افعی ای دهان بگشاید و سم
قاتل منتشر نماید احبای الهی در نهایت صدق و صفا و بیخبر از

این حقد و جفا ماران بسیار نرم و پرمدارا و در نهایت وسوسه
و دسیسه و حيله و خداع بيدار باشيد هوشيار باشيد المؤمن
فطین و زکی و الموقن قوی و متین دقت نمائید اتقوا من
فراسته المؤمن انه ينظر بنور الله مبادا کسی سرّاً رخنه‌ای کند
و فتنه اندازد حصن حصین را سپاه رشید باشید و قصر مشید را

* ص ۶۷ *

لشگر شجاع بسیار مواظب باشید و شب و روز مراقب گردید
تا معتسفی صدمه‌ای نزنند لوح ملاح القدس را بخوانید تا بحقیقت
پی برید و ملاحظه نمائید که جمال مبارک وقایع آتیه را از پیش
بتمامه خبر دادند انّ فی ذلك لعبرة للمبصرین و موهبة للمخلصین
عبدالبهاء در آستان مقدس خاکسار و در نهایت خضوع و خشوع
و بیقرار شب و روز مشغول نشر آثار و اگر فرصتی یابد بمناجات
پردازد و تضرع و زاری و تبتّل و بیقراری نماید که ای پروردگار
بیچارگانیم چاره‌ای فرما بیسر و سامانیم پناهی بخش پراکنده‌ایم
مجتمع فرما گمگشته‌ایم بگله خویش پیوسته کن بی نصیبانیم بهره و
نصیب بخش تشنگانیم بچشمه حیات دلالت کن ضعیفانیم
قوتی ده تا بنصرت امرت بر خیزیم و در سبیل هدایت جانفشانی
کنیم اینست روش و پرستش بنده جمال مبارک و لکن بیوفایان
خفی و جلی لیلاً نهاراً در کوششند که امرالله را متزلزل نمایند
شجره مبارکه را از ریشه براندازند و این عبد مظلوم را از خدمت
محروم نمایند و سرّاً فتنه و آشوبی افکنند که عبدالبهاء را بکلی
محو و نابود کنند بظاهر اغنامند و در باطن گرگ درنده
بزبان شیرین و بدل سم قاتل ای یاران امرالله را محافظت
نمائید بحلاوت لسان گول مخورید ملاحظه کنید که مقصد هر نفسی
چیست و مروج چه فکر است فوراً آگاه شوید و بيدار گردید

* ص ۶۸ *

و احتراز نمائید ولی ابداً تعرّض منمائید و نکته مگیرید و بدمّت
نپردازید او را بخدا واگذارید و علیکم البهآء الأبھی عبدالبهآء عبّاس
شب ۲۶ محرّم ۱۳۳۹ در بهجی مقابله شد

عنوان پاکت

ط بواسطه جناب آقا میرزا علی اکبر علیه بهآء الله الأبھی
هو الله طهران بواسطه جناب میرزا علی اکبر میلانی جناب آقا میرزا سید تاجر خان
علیه بهآء الأبھی

یا صاحبی السّجن

هو الأبھی ای شعله افروخته بنور محبت الله نفوسی بمثابه شجره سراج و عود
قطران و درخت چراغ از کثرت ...^۸ بمجرّد تماس نار شعله زنند
و بدرخشند و پرتو افشانند این نفوس از حیثیت خلق و خوی
و تنزیه و تقدیس و لطافت و صفا نهایت استعداد را دارند
این است که بمجرّد القاء کلمه و ظهور فیض آیت هدی گردند و موهبت
ملا اعلی و نفوسی بمثابه احجار و صخورند پرتو نور نگیرند و اگر هزار سال
تماس بنار کنند و الفت به شرار شعله زنند و افروخته
نشوند حال الحمد لله شما از شعله نار محبت الله برافروختی و
پرده او هام بسوختی در دبستان توحید از ادیب هدی درس

* ص ۶۹ *

عشق آموختی و علیک التّحیه و الثّناء ع مقابله شد

هو الله ترانی یا الهی فی هذا الجبل الرّفیع و المقام الباذخ المنیع مأوی کلّ
رجل عظیم و ملاذ کلّ جلیل و تبتل قد آوت الیه الفتیه المتوقده

^۸ کلمه ای خوانده نشد.

الأحشآ بنار محبة الله فى القرون الأولى معهد الأنبيآ ملجآ
حضرت ايليا آوى اليه الأشعيآ ومرّ عليه روح الله يسوع المسيح
عليه التحية و الثنآ موطأ قدمى ربّ الجنود فى المقام الأعلى ربّ
هذا جبل سميّه فى التّوراة بكرمل ونسبة اليك فى بطون الرّبر
و الألواح ربّ ائى اناجيك فى هذا المقام الأعلى جنح الليالى
الظلمآ و ادعوك بقلب خافق و دمع وافق مبتهلاً اليك و
متضرعاً بين يديك و اقول ربّ قد تسعرت نيران القتال
فى الاودية و الحزون و البطاح و اشتعلت نار الحرب حتّى فى
غمار البحار و اوج الهوآ بالوبال و الدمار فالتهب الأرض
بنيرانها و احاطت البحار زوابعها و صواعقها و طوفانها ربّ
قد تضرّغت النفوس و حشرجت الصّدور و زلزلت الأرض
و ضاقت حتّى على الوحوش و الطيور مضطربة فى اوكارها و مرتعدة
فى مراتبها و مغائرها لا نسمع الا حنين الأيما و انين اليتاما و

* ص ٧٠ *

زفراة الأمهات و عبرات الابآ فى المؤتفكات و لا نرى
آلا دموعاً هامعة من كلّ امرأة ثكلاء و قلوباً ملتهبة من كلّ اب
فاقد الأبناء فالمدائن دمرّت و الأقوام بترت و الأطفال
يتمّت و النساء ايّمت و ليس هذا آلا من غفلتنا عن ذكرك
حرباننا عن محبّتك قد التهينا بأنفسنا و اخذتنا سكرة الهوى
وسلكنا منهج الغفلة و العمى قد تركنا سبيل الرّشاد و اخترنا
طريق العناد و نسينا الوصايا فى الصحف الأولى و تركنا النصائح
فى اللّوح المحفوظ و الرّق المنشور الاية الكبرى ربّ ربّ ائى
اقروا اعترف بالخطايا اننا قد استحقنا كلّ بليّة دهمآ و كلّ رزية
صمآ بما اكتسبت ايدينا فى هذه النشئه الفانية الدّنيا ربّ
انّ العقول قد ذهلت و النفوس قد سمّت و الوجوه اغبرت
و ما بقى آلا اعين عميآ و آذان صمآ و السن بكمآ و قلوب غافلة
عن ذكرك طاغحة بشهوات النّفس و الهوى ربّ قلت فى كتابك
المبين و نبأك العظيم بنصّ صريح لا يغير الله ما يقوم حتّى يغيروا
ما بانفسهم و لما نسوا الله فانساهم انفسهم ربّ ان الأحزاب
قد توغّلوا فى ميادين الكفاح و التّزال و لا يرد هذا السّيل الجارف

والحرب الطحون ألا برحمتك التي احاطت ما كان وما يكون ربّ
لا تعاملنا بسوء اعمالنا ولا تؤاخذنا بذنوبنا وخطايانا فالتقائص
من خصائص كلّ ممكن الوجود فى حيز الشهود والعفو والغفران ما عودت به

* ص ٧١ *

من فى الوجود ربّ لا يلىق للحضرة الالوهية الالفضل والرحمة بكلّ
خاط ساقط فى وهدة الذلّ والمسكنة ولا يظهر كمال الربوبية إلا بنقائص
العبودية ربّ انّ الاشعة الساطعة من شمس الحقيقة كاشفة للظلام
الديجور والماء الطهور يزيل كلّ ضرر وكدر فى حيز الوجود ربّ انّ
الخطايا زيد رابى وعفوك طمطم طامى والذنوب الشجر الرقوم
النّامى وعفوك نيران لهيها شديد حامى ربّ اكشف الحجاب
واقشع هذا السحاب المتكاثف على الآفاق وادفع هذه النيران
وسكن هذا الطوفان حقنا للدماء ورافة بالاياما ورحمة لليتاما حتّى
تسكن الزوابع وتخمد الصواعق وتنقطع السيول وتظهر الطول و
تطمئن النفوس وتنشرح الصدور ونشكر على فضلك الموفور يا
عزيزيا عفور ربّ قد صرحت فى الصّحف والالواح بوصاياها لو
القيت على الصخرة الصماء لا نفجرت منها الأنهار وهبطت من
خشية العزيز الجبار ولكن القلوب اشدّ قوة من الصّخور والنفوس
فى غفلة وغرور فلا تغنى الآيات والتندر اهل الشرور ربّ
قد شاع وذاع وصاياك فى مشارق الأرض ومغاربها ودعوت الكل
على الحبّ والوفاق وترك الشقاق فى الآفاق حتّى يصافح مشارق
الأرض ومغاربها يعانق اهل الأرض باديها حاضرها ويجتمع شملها
ويلم شعنها ويزول ظلامها ويشرق انوارها ولكن عميت الأعين والأبصار
وصمت الآذان وقست القلوب والأسرار كالصّخور والأحجار و

* ص ٧٢ *

ذهلت العقول والألباب ونسيت النفوس نصوص الكتاب واعدتهم

بسؤ الحساب فاستحقت شديد العقاب وحقّت عليها كلمة العذاب
ربّ لاتؤاخذنا بالدّنوب والعتار ولا تجعلنا عبرة لأولى الأبصار
واهدنا سوى الصّراط نتيقّظ من رقد الهوى و ننجو من الغفلة والعمى
وانقذنا يا ربّ الأيات من حفرة الشهوات و نجنّا من الهفوات ربّ
قد نسنيها الوفاء وآنسنا الجفآء و جالسنا اهل البغى و الفحشاء و ليس لنا
منقذ الا انت و لا مغيث الا انت و لا مجير الا انت قد توكلنا
عليك و سلمنا الامور اليك عاملنا بفضلك و عفوك و لا تؤاخذنا
بعد لك و سخطك انك انت الكريم انك انت الرّحيم و انك
انت التّواب و انك انت الغفّار ربّ انّ حزب الأبرار و رهط
الأخيار و ثلة الأحرار في كلّ الديار متوجّهون اليك في العشى و الأبرار
يتضرعون بين يديك في جنح الليالى و بطون الأسحار ينوحون يناح
الثكلاء في الليالى الدّهماء يحترقون بنار الأسى و الجوى و الم النوى
يشتاقون اللقاء و لو بشقّ الأنفس و قطع الحزون و التّلول و طى
الاودية و الرّبى و لكن حال دون ذلك هذه الحروب التّاسفة للجبال
حتّى انقطع الأخبار و شدت الأبواب ربّ آنسهم فى وحشتهم و
انقذهم من دهشتهم و هبى لهم من امرهم رشداً ربّ انك التّعلم
تحسّرى و تلهّفى و حرقتى و لوعتى فى فرقتهم و فرط اشواقى الى
لقائهم و شغفى فى حبّهم و لعى بذكرهم و ولهى فى مشاهدتهم فذكرهم

* ص ٧٣ *

ذخرى و اورادى فى الليالى و انهارى و اذا جنّ ليلى هام قلبى بذكر
وجوههم النورآء احن اليهم حنين الورقاء الى الرياض الغنآء ربّ
ربّ افتح الأبواب و هبىء لنا الأسباب و امنّ السبيل و مهد الطّريق
حتّى يجتمع شمل المخلصون فى المجامع العليا و يلمّ شعث المنجذبون بذكرك
فى المحافل الاكبرى و يحدثوا بنعمتك بين الورى و يذوقوا شهد اللقاء
و تدركهم نسمات القبول فترنّحهم كانها صهبآء انك انت المقتدر
العزير الوهّاب و انك انت الكريم الرّحيم المختار عبدالبهآء عبّاس
مقابله شد

طهران جناب آقا میزا علی اکبر میلانی طبع و نشر فرمایند

یا صاحبی السّجن

هو الله سبحانه اللهم يا الهی ترانی مکباً بوجهی علی تراب الذل والانكسار و
اتذلّل الی ملکوتک الأعلى و اتشوق الی مشاهد الکبریاء خاضعاً
لسلطنتک خاشعاً لعظمتک متضرعاً الی حضرة رحمانیتک مبتهلاً الی
ملکوت فردانیتک مقراً بالحظاء متمنياً للعطاء مستکشفاً للغطاء
منتظراً لفيض سحاب رحمتک علی المعاهد و الرّبی ربّ قد احاطت
قدرتک الأشیاء و ظهرت سلطنتک و عظمتک و سلطانک ظهور الشمس
فی کبد السّماء و نفذت کلمتک فی حقیقة الأکوان و ارتفع نداءک
فی قطب الأمکان و انتشرت انوارک السّاطعة الفجر علی مطالع الآفاق

* ص ۷۴ *

و اشتهرت آثارک البديعة الأشرار فحارت من مشاهدة البصائر
و الاحداق فما من ارض الأشاع فیها صیت امرک الکریم و ما من
اقلیم الا و ارتفع فیہ علمک المبین فاستقرّ نداءک کلّ الوری و اهترّ
منه المنجذبون بنفحاتک الطیبة الشّدا لک الحمد یا الهی علی هذه الموهبة
الکبری علی الأصفیاء و لک الشکر علی هذه الرّحمة العظمی علی الأرقاء
النقباء بما جعلتهم آیات التوحید فی هذا العصر المجید و رایات التقدیس
فی هذا القرن الجدید ربّ ربّ اید الضعفاء بشدید القوی و
اجر الادلّاء فی جوار رحمتک العظمی و اشدد ازور نفوس تهلّلت
وجوههم بأنوارک و تهلهلت السنهم بذکرک و ثنائک و اجعلهم اشجار
حدیقتک النوراء و ازهار شجرتک الطوبی و اوراق سدرتک المنتهی
و اوراد جنتک العلیا انک انت الکریم الرّفیع الجناب رحیب
الفناء و وسیع الرّحاب و انک انت المجیر المنعت العزیز العیم الکریم
الوهاب ای یاران عبدالبهاء این عبد را آرزو چنان که
بهریک از یاران نامه مخصوص بنگارد و بوفایا قیام نماید و بیاد یاران
خامه و بنان بیارآید ولی چه توان نمود که فرصت مفقود و مهلتی

نیست و نبود مشاغل مانند امواج و غوائل بمثابة امطار دمی
نیاسایم و آنی مهلت نیابم هر روز اوراق از جمیع آفاق آید
از ده یک را جواب ممتنع و محال با وجود این اوراق مهمه را چاره
جز جواب نه و قضایای لازمه را جز ترویج و تسهیل و تسطیر علاجی نیست

* ص ۷۵ *

لهذا معذرت خواهم و معافیت طلبم که نظر از قصور بپوشند و
بآنچه ممکن است قناعت نمایند ای یاران عبدالبهاء شرق
منور است غرب معطر است و جهان در جنبش و حرکت ولوله در
آفاق افتاده و زلزله بآرکان عالم رسیده صیت بزرگواری
کلمة الله بگوش جهانیان رسیده و آوازه امرالله جهانگیر گردیده
وقت فرح و شادمانیست و هنگام سرور و کامرانی باید بوصایا
و نصائح جمال مبارک قیام نمود و بأعمال و افعالی قیام کرد که
سبب نورانیت عالمست و ظهور رحمانیت بین امم جمیع من
على الأرض یعنی کل قبائل و شعوب هر یک تیشه در دست گرفته
و ریشه یکدیگر را قطع نمایند خونریزند و فتنه انگیز تیز چنگند و
بد اندیش هلاک یکدیگر خواهند و اضمحلال همدیگر جویند ولی قدرت
آسمانی و قوت یزدانی و ید اقتدار الهی خیمه وحدت عالم انسانی
در قطب امکان بلند نموده و علم صلح اعظم و دوستی و محبت و راستی
و حق پرستی بلند کرده یاران خادم این خیمه اند و دوستان جنود
این علم پس باید بآنچه لایق و سزاوار است برخیزند و شور و ولهی
انگیزند و بر مشامها مشک معطر بیزند و بمذاقها شهد و شکر ریزند
آیات هدی گردند و بشارات ملأ اعلی شوند و لشکر ملکوت ابهی
نزاع و جدال را بنیاد براندازند و حرب و ضرب را آثار از عالم
امکان زائل نمایند شجره بیگانگی از ریشه قطع نمایند و در گلشن

* ص ۷۶ *

آفاق نهال یگانگی بنشانند نار بغض و عداوت خاموش کنند
و دریای الفت و محبت بجوش و خروش آرند آئین نفاق از لوح
آفاق نسخ نمایند و آیات وفاق ثبت فرمایند خار و خس کره و

عدوان از مزرعة امکان بر اندازند و بگل و رياحين اتحاد و اتفاق
بياريند و تربيت نفوس فرمايند و زبان بوصايا و تعاليم جمال مبارك
بگشايند اى ياران وقت هيجان جان و وجدانست و هنگام جولان
در ميدان جانفشانى كنيد و مهربانى نماييد و بهدايت نفوس انساني
پردازيد شمعى روشن كنيد و گلشنى بيارائيد ايام بگذرد و زندگاني
بى اثر و ثمر ماند تا وقت هست و تير در شصت شكارى بيفكنيد و
صيدى بنمائيد اين صيد رضاي آلهى و اين شكار موهبت رحمانى يعنى
عمل بموجب تعاليم يزدانى و عليكم البهاء الأبهى ع ع
مقابله شد

شرق و غرب عموم احببى الهى عليهم بهاء الله الأبهى

هو الله لك الحمد يا الهى بما فتحت ابواب ملكوت العظمة والجلال على
وجوه احبائك وظللت عليهم بشجرة رحمانيتك وادركتهم بنسمات
القبول من رياض فردانيتك وانزلت من سماء الجود ماء طهوراً
وظهرت به قلوب احبتك واحببت بنفثات روح القدس ارواح الذين

* ص ۷۷ *

قاموا على خدمتك و ايدتهم بملائكة قدسك و جنود لم يروها
من الملائكى تأييداً من عندك و توفيقاً من لدتك حتى
يقوموا على اعلاء كلمتك و نشر نفحاتك و ترتيب آياتك و ترويج
كل بك و بث تعاليمك و تعميم فيضك و تثبيت ميثاقتك و
رفع خيام توحيدك الضاربة الاطناب على الملل و النحل فى
قطب الآفاق المجللة بفيض الأشراق رب انا عجزاء ايدنا
بقدرتك و اسراء اظهرنا على الكل بقوتك فمن يا الهى للاسير
ظهير الآ انت و من للمستجير مجير الآ انت و من للضعيف نصير الآ
انت رب رب انت الا باهر فى هذه الاجنحة المنكسرة و انعم بالقوادم
للطيور المتدلة حتى تطير ملاً اوج الفلاح و ترفرف فى فضاء
النجاح و تبسط الجناح فى علو علويتك الأبهى و سمو العظمتة
الملائكى و تقر اعينهم بمشاهدة الأنوار و تتلذذ آذانهم
بأستماع الأسرار و ينتشروا فى مشارق الأرض و مقاربها و
ينطقوا بالثناء عليك فى مجامع الوفاق و يبشروا بظهور

ملکوتک فی قطب آفاق مندفعه دموعهم من الآفاق منجدة
قلوبهم الى الأشرار و يتهلوا اليک و يتضرعوا بين يديک
ينشرح صدورهم بآيات توحیدک و تقرّ اعينهم بمشاهدة
اعلام نصرتک بين بریتک اللهم اجعل سرورهم ببشارة
ظهورک (۱) و حياتهم بنفثات روح قدسک و سلوة قلوبهم بشمول

و حورهم بتشعشع نورک و سکونهم بشمول عنایتک و شفائهم ببديع ذکرک

* ص ۷۸ *

الطافک منيتهم انتشار امرک و نعتهم اعلاء کلمتک انک انت
المؤيد المقتدر الحی العزيز المعطى الجميل و انک لعلی کلّ شیء قدير
ياران مهربان عبدالبهاء مدّتی بود که در تحریر و تقرير تأخير شده
زیرا اين بنده آستان کبرياء عبدالبهاء چهار سال متمادياً در خاور و
باختر سفر مينمود و ندا بظهور ربّ الجنود مينمود تا غرب منور گردد
و شرق معطر شود لهذا در جميع مجامع و صوامع نعره يا بهاء الأبهی
بأوج ملاً اعلى متواصل شد و فرياد يا على الاعلى ببارگاه حضرت
کبريا متتابع گشت ملتئی نماند که در معابد موجوده تبليغ امر مليک وجود
نشد و فرقه نماند که در محفل ترتيل آيات ربّ و دود نگردد
در کنائس مسيحيان نفخ روح شد و در معابد يهود بشارت ظهور
ربّ الجنود منتشر گشت در دارالفنونهای اوروپ و امريک نظير
اکسفورد انگليز و دارالفنون کاليفورنيا که اول مدارس عالمست
خطاب منيع گشت و بيان فصيح شد منجمله در دارالفنون سانفرانسيسکو
در مقابل صد و هشتاد و پنج پروفيسور و هزار و هشتصد تلامذه بيان
بليغ گرديد در مجامع سياسوفيهها و روحيون و اسپرانتوحتی در مجمع زنادقة
امريکا خطابههای بديع مجرى گشت و در جميع اينمواقع و محافل و
کنائس و معابد بفضل و عنایت جمال مبارک نفسی مقتدر بر کلمه
اعتراض و احتراز نشد کلّ اصغای تعاليم و براهين مينمودند و
جميع در وقت خروج اظهار تشکر ميکردند و اين بعون و عنایت

* ص ۷۹ *

جمال مبارک بود که در جميع مواقع تأييدات ملکوت ابهی موج ميزد
و صريخ عبدالبهاء باوج ميرسيد و البتّه در جرائد امريک و اروپ

که اثر کلک ملل سائره است قرائت نموده اید الحقّ ما یشهد به عموم الازکیاء این مندرجات جرائد اثر خامه ملت روح و ملت کلیم و فلاسفه و پروفیسور و ارباب اقلام و ادبای غرب است مثلاً جریده دارالفنون اعظم کالیفورنیا و جریده اکسفرّد و دارالفنون شهیر انگلترّا و روزنامه کریستچن کامانولث و جریده سانتجری و هرالّد و استاندارد و جرائد غربی نیویورک جمیع این اوراق بقلم فلاسفه و پروفیسور و ادبای باختر تحریر یافته و این نیست مگر از فضل و موهبت جمال مبارک که اراده مطلقه نشر امرالله در جمیع اقطار تعلّق یافته و تأیید عبد آستان نمود باری عبدالبهاء هر چند خود را قطره داند ولکن محیط اعظم ممدّ آن و بمثابه ذره شمرد ولکن خورشید انور مؤید آن اینهمه آوازه ها از شه بود یعنی بتأیید او باری البتّه جسد عنصری و قوای بشری تحمّل این مشقّت مستمرّی نماید و اگر بدرقه عنایت نبود استخوان این ناتوان البتّه میگداخت ولی عون و صون حضرت مقصود نصیر و ظهیر عبدالبهای علیل و ضعیف بود لهذا از شدّت تعب و شکستگی در اعصاب خستگی حاصل شد و از هجوم علل در جسم فتور حاصل گشت ولکن الحمدلله روح چنان قوتی یافت که این ضعف عظیم

* ص ۸۰ *

و فتور شدید بآنندک مدّتی بکلی زائل گشت لهذا دوباره عنقریب عبدالبهاء بتحریر و تقریر خواهد پرداخت و مقصود دیگر نیز در این سکون و سکوت بود که احبّای الهی روش عبدالبهاء گیرند و چنان آهنگی بلند کنند و ثبوت و استقامتی نمایند که از بقا و فنای عبدالبهاء فتوری در نشر نفعات الله حاصل نگردد بلکه کلّ مانند دریا بجوش آیند و بمثابه طیور ملأ اعلیٰ بخروش تا نفوسیکه منتظر فوت و موت این بنده آستان الهی هستند خائب و خاسر شوند و بدانند که علو امر مبارک و سمو کلمه الله منوط و مشروط ببقای عبدالبهاء نه سبحان الله چه قدر عجب است وقتیکه حضرت اعلیٰ روحی له الفداء شهید شدند اعداء گفتند که این امر بکلی از میان رفت بعد ملاحظه کردند که بالعکس از شهادت حضرت اعلیٰ اعداء کلمه الله شد بعد منتظر صعود جمال مبارک شدند که بعد از صعود جمال مبارک شجره مبارکه از ریشه برافتد الحمدلله که بعون و عنایت جمال مبارک خائب و خاسر شدند حال

مدعیان و ناقضان منتظر فوت و موت عبدالبهاء هستند که یا گرفتار دارگردد و یا در قعر دریا مقرر جوید و یا بدورترین دیار و قلاع سرگون شود و یا بسبب علل و امراض ترک این آواز و راز نماید تا آنرا جولانگاهی پیش آید هیئات هیئات امرالله بقوت ملکوت ابهی از جمیع این مخاطرات محفوظ و مصون خواهد ماند

* ص ۸۱ *

خواه عبدالبهاء موجود و خواه مفقود آیا از صعود آن دو آفتاب درخشنده فتوری در امرالله ظاهر شد تا از فنای این بنده دو درگاه وهنی در امرالله حاصل گردد هیئات هیئات فسوف ترونهم فی خسران مبین چنانکه بعد از صعود در بدایت بحبوحه نقض و طغیان خیر داده شد که فسوف ترون الناقضین فی خسران مبین حال ملاحظه مینمائید که بمطابق خیر تحقق یافت پس مطمئن باشید که این اوهام حاضره نیز مثل تصورات ماضیه است و همچنین بعضی میگویند که عبدالبهاء مشرف بر وداعست و قوای او رو بانحطاط و ناتوانی لهذا عنقریب این عوارض سبب خاتمه زندگانی گردد نه چنانست الحمدلله بعنایت جمال مبارک هر چند جسم در بلایای سبیل مبارک بگمان ناقضان و ناقصان ناتوان آید ولی قوای حقیقی در نهایت جوانی و توانی و الحمدلله حال بفضل موهبت جمال مبارک قوه جسمانی نیز حاصل و سنوحات رحمانی شامل و بشارات ربّانی واضح و فرح روحانی لائح امید چنانست که من بعد در تحریر و تقریر تلافی مافات گردد ای یاران باوفای جمال مبارک از الطاف بدیعه آن دلبر یکتا امید چنانست که جوش و خروشی جدید در یاران الهی پدید شود تا از آهنگ ملکوت ابهی که عیب امکان را باهتزاز آورده سرور و وجدی عظیم یابند

* ص ۸۲ *

وکلّ بر آلاء کلمه الله قیام کنند تا نفحات الله خاور و باختر را جنت ابهی نماید و ابر موهبت روی زمین را گلشن برین کند و نسیم عنایت دشت و صحرا را معطر و معنبر فرماید و این

به تبلیغ امرالله و توضیح برهان الله و اقامه دلائل و حجج الهی و هدایت من علی الارضت ملاحظه کنید که حواریین حضرت مسیح معدودی قلیل بودند ولی چون از فیوضات حضرت مسیح مملو گشتند و وصایا و نصایح حضرت مسیح چون روح در عروق و شریان سریان یافت بقسمیکه جز حبّ و ذکر حضرت مسیح در وجود نماند و قیام به تبلیغ کردند واضح است چه اثر و ثمری عظیم حاصل شد حال ما نیز باید چنین بنمائیم ای احبّای الهی الیوم هر نفس مبلّغی مؤید است و مبلّغین صف اول مقرب درگاه کبریا و مستمد از ملکوت ابهی لهذا باید احبّای الهی نهایت محبت و احترام و رعایت را در حقّ مبلّغین مجری دارند و در هر جا وارد گردند سرور و حبور حاصل یابد اما اوصاف مبلّغین در الواح الهی نازل مطابق آن اوصاف عمل فرمائید الله الذی لا اله الا هو اگر پشه ضعیفی الیوم بصفات مبلّغین متّصف گردد و ندا بملکوت الهی نماید پشه طائر آسمانی شود و ذباب فانی عقاب اوج رحمانی گردد و قطره موج دریا زند و ذره روشنائی آفتاب دهد از جمیع اطراف فریاد این المبلّغین بلند است و از ملکوت

* ص ۸۳ *

ابهی ندای این المنجذبین این المنقطعین این الطیبین الطاهرین بگوش هوش میرسد زیرا استعداد عجیبی در آفاق ظاهر شده است تا این ندا استماع کنند ای یاران الهی همتی نمائید تا این شمع شاهد هر انجمن گردد و این آهنگ الهی سبب شادمانی هر انسانی شود و علیکم البهّاء الأبهی اللهم یا من ماج بحور الطافه وهاج نسیم عنایتی علی کلّ قائم علی اعلاء کلمته وکلّ سارع الی مشهد الفداء تقلب طافح بالحبّ والولاء و نطق بالثناء بین الوری علی جماله الأبهی ربّ اید کل من دلع لسانه بالبیان فی نشر نفحاتک و انجذب منه شقایق البرهان ایضاحاً لحجّتک و تلاطم کالططمّام الجهنّم القمقام بذکرک و تغرّد هدیور الورقاء فی ریاض معرفتک وزئر زئیر الضرغام فی ایکه موهبتک ربّ جرعههم کأساً طافحه من الهدی و رتّهم بسلاف الصهباء و انطقهم بأبدع البرهان و الهمهم بالحجج و البیان و علّمهم جواهر البیان انک انت الکریم انک

انت المؤید القوى العزیز القدير لا اله الا انت رب اللطيف الرحيم

در بهار آينده هر کس مستطیع باشد یعنی مصارف تامّ کامل حضور و رجوع داشته باشد که بروح و ريحان بياید اگر استيدان تشرف باستان مقدس کند اذن داده میشود حال حکمت منع از حضور معلوم شد که در این ایام انقلاب چه قدر مشقّات حاصل میشود

* ص ۸۴ *

فأعتبروا يا اولی الألباب پس واضح شد که آنچه مرقوم میگردد مبنی بر حکمت بالغه است عبدالبهاء عباس مقابله شد

بواسطه جناب آقا سيد اسدالله عليه بهاءالله

هو الله

قم مهتر سیاوش و مهتر بهمن و رستم و مهربان و کیخسرو و هرمز و رستم عليهم بهاءالله
خط مبارک

هو الله ای یاران یزدانی آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید جوهر معانی بود و لطائف اسرار محبت یزدانی ستایش و نیایش در جهان آفرینش پاک یزدان را لائق و سزاوار که پرتو تقدیسی از افق حقیقت بر فرق یاران فارسیان مبذول داشت که روشنائیش خاور و باختر را فراگرفت زهی بخشش خداوند بی همتا که فراموش شده گان را شهیر آفاق فرمود و گوشه نشینان را شهرة کوی و بازار بینویان را نوا بخشید و معتکفان زاویه خمول را باوج قبول کشاند امیدوارم که جمیع آمال و همه آرزو حاصل گردد ع
مقابله شد

* ص ۸۵ *

جناب آقا کیخسرو زردشتی فارسی عليه بهاءالله الأبهي
خط مبارک

هو الله ای مرد پارسی سلطنت خسروی هر چند قطعه آسیا را بتزلزل
آورد ولی عاقبت چون باد بی بنیاد بود ولی تو در ظلّ عنایت
جمال مبارک سلطنت باقی جاودانی یافتی که افسرش همیشه تابنده
است و دیهیمش همواره درخشنده ع ع
مقابله شد

جناب کیخسرو جناب رستم فارسی جانشان خوش باد

یا صاحبی السّجن

هو الأبهی ای دو اختر خاور یار مهربان خوشا بجان شما که پرتوی از
آفتاب آسمانی یافتید و بهره از جهان یزدانی گرفتید بوی
دلجوی گلشن بهشت برین را یافتید و در گلبن بخشش خداوند
بی مانند پرورش یافتید بخشش و دهش و آمرزش خداوند آفرینش
بهر شماست شادمانی کنید کامرانی نمائید پیمانۀ پیمان بدست
گیرید و در این بزم یزدانی سرمست شوید این باده آماده و
نوشانوش در این جشن افتاده تا که بیهوش گردد پرچوش شود
و بخروش آید و بانک سروش شنود جانتان خوش باد و دلتان
شاد و خرم ع ع مقابله شد

* ص ۸۶ *

بواسطة جناب زائر مشهدی رضا و جناب زائریدالله علیهما بهاءالله
قم احبای الهی علیهم بهاءالله الأبهی
آقا میرزا کیخسرو پارسی آقا میرزا جواد تاجر تبریزی آقا میرزا
عبدالعلی آقا میرزا علی اکبر آقا عباس آقا علی اولاد مرحوم
مشهدی عبدالرزاق تبریزی آقا محمداسماعیل تبریزی آقا مشهدی
تقی همدانی آقا مهدی همدانی آقا میرزا غلامحسین همدانی
آقا میرزا احمد یزدی آقا میرزا تقی یزدی آقا میرزا عبدالمجید یزدی
آقا مشهدی حسین نداف اردکانی آقا محمدابراهیم نداف
اردکانی غلامحسین نجار آقا سید مهدی رضوی آقا
حبیب الله صفار علیهم بهاءالله الأبهی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای یاران عزیز عبدالبهاء شب و روز بدرگاه حضرت بی نیاز
عجز و زاری کنم و تضرع و بیقراری نمایم و شما را الطاف حضرت
حی قدیر طلبم سر باستان حضرت دوست نهم و طلب عون و
صون در این حشر مستمر جویم در انقلاب ایران الحمد لله
خیر خواه عموم بودید و در صلح و سلام جمهور میکوشیدید نه با
حزبی الفتی داشتید و نه از گروهی کلفتی ترقی ایران خواستید
و علویت ایرانیان آرزو نمودید و بخدمات آنان مشغولید
بخیر خواهی جانفشانید و در الفت و محبت بین احزاب

* ص ۸۷ *

جهد بلیغ و سعی شدید دارید اما هموطنان بعضی ندانند اگر طعنه ای
زنند یا جفائی روا دارند شما باید به عکس آن معامله نمائید یعنی در
مقابل طعن و لعن مدح و ستایش کنید و در عوض سمّ نقیع شهد و
شیر دهید بجان و دل ایران و ایرانیان را بپرستید بلکه بجمیع
اهل عالم خیر خواه و مهربان باشید و تا توانید بالتیام احزاب
مختلفه پردازید و اگر جنگ و جدالی برخیزد و نزاع و خلافی
روی دهد و امکان التیام نباشد کناره گیرید و بدعا پردازید
که خداوند مهربان آن تفرقه را بجمعیت مبدل نماید و آن
پیشانی را بمجموعی منتهی کند خرق را التیام دهد و زخم را مرهم
نهد و کلفت را بالفت فرماید ای پروردگار این
حزب مظلوم را موقت نما که بخدمت عالم انسانی مؤید گردند تا
دست تجاوز ظلم و عدوان کوتاه گردد و بارقه عزت ابدیه
عالم انسان منتشر شود عدل و انصاف تأسیس گردد بنیان
جور و اعتساف برافتد الفت بی پایان بمیان آید و وحدت
عالم انسانی جلوه کند تعصب دینی و وطنی و جنسی و سیاسی از
میان برخیزد و یگانگی و آزاده گی بنیاد بیگانگی براندازد و
روی زمین بهشت برین گردد و شرق و غرب آیات باهره نور
مبین شود توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی بخشنده و
درخشنده و مهربان ع ع مقابله شد

* ص ۸۸ *

طهران جناب مهدیخان پسر فرخ خان علیه بهاء الله الأبھی

هو الله ای بنده آستان مقدس مکتوبی که مدت مدیدی پیش مرقوم
نموده بودی در این ایام بحیفا رسید از مضمون مفهوم شد
که از کاشان بطهران عزیمت کرده اید و در اینمدت براحه و
خوشی گذرانید و در گوشه ئی فراغت تام نموده اید و از
یاران الهی علی الخصوص من ادرك الرفیق الاعلی مقعد صدق
عند ملیک مقتدر مرحوم خواجه ربیع فوق العاده اظهار ممنونیت
نموده بودید این بسیار سبب سرور شد از الطاف الهی
امیدوارم که کمال صحت و عافیت حاصل نمائید و آنچه که
نهایت آرزوی دل و جان در جهان جانانست بیابید حضرت
اخوی محترم مختار وفادار را تحیت مشتاقانه برسان و علیک
التحیة والثناء ۱ ربیع الثانی ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس
مقابله شد

هندوستان حضرت شهید ابن اسم الله الأصدق علیه بهاء الله

هو الله مکتوب اخیر نیز ملاحظه گردید از عدم مرادۀ احببا با بیگانگان
مرقوم نموده بودید این ملاحظه بسیار بجا و بموقع احبای الهی باید

* ص ۸۹ *

بجمیع وسائل تشبث نمایند تا با اغیار یار گردند یعنی نهایت مهربانی را
نمایند تا بیگانه آشنا گردد و محروم محرم راز شود و این ممکن نه مگر ببذل
تمام همّت در صفحات هند باید در نقاطی که صیت حق منتشر علمی
بلند نمائید که تا ابد آباد پرچمش موج زند و این ممکن نه مگر بتأیید
ملکوت ابھی امیدوارم که آن برسد و اما در خصوص سید محمد مرقوم
نموده بودید ذرهم فی خوضهم یلعبون عنقریب خود را در خسران
مبینی یابد که فریاد یا حسرة علینا برآرد شما اعتنا باین نفوس ننمائید

این نفوس ضعیفه که نهایت بستگی را باینجهان فانی دارند البتّه
در امرالله نباشند بهتر و خوشتر است در انجمن الهی اگر اسیر
هوای نفسانی موجود نباشد البتّه بهتر و روحانتر است این نفوس
از اصل توجّه بحق نداشتند تا آنکه حال توجّه بحق داشته باشند
لهذا از وجودشان چه ثمر و عليك التّحیة و الثّناء بدون امضای مبارک
مقابله شد

هو الله^۹

اسامی نفوسیکه رجاء عنایت دارند و از ساحت قدس
جمال مبارک جلّ اسمه الاعظم تأیید و توفیق میطلبند احبّای قم
استاد رضای ندّاف آقا یدالله ندّاف آقا علی محمدندّاف

* ص ۹۰ *

آقا حبیب الله ندّاف آقا شکرالله ندّاف آقا میرزا جواد تبریزی
آقا میرزا عبدالعلی تبریزی آقا میرزا محمدتبریزی آقا رستم خسرو
آقا رستم تیرانداز آقا مهربان کیخسرو آقا مهربان سرخاب
آقا هرمزدیار خدابخش محمدآبادی آقا رستم هرمزدیار آقا تقی همدانی
آقا مهدی همدانی آقا میرزا احمد یزدی آقا میرزا تقی یزدی
آقا عبدالحمید یزدی استاد محمدنجّار استاد قلی نجّار
استاد غلامحسین نجّار استاد ابراهیم حلّاج آقا حسین حلّاج
استاد اسماعیل نجّار استاد ابراهیم نجّار آقا حبیب الله صفّار آقا سید مهدی
عطار

خطّ مبارک

^۹ در حاشیه این لوح مبارک نوشته شده: این چند سطر با اسامی مسطوره در صفحه بعد عریضه آقا کیخسرو است
که لوح مبارک به افتخار آنها در ذیل عریضه مرقوم فرموده اند.

هو الله هر چند یاران قم را نامه های متعدّد مرقوم شده ولی کیخسرو پارسی
آرزوی یاد تازه ای نموده و ذکر تازه ای خواسته است تا
بمقتضای مهر و محبت وفا نمایند فی الحقیقه با وفاست و اسیر
عشق و محبت احبّاء الله و دوستان الهی چون چنین تعلق با یکدیگر
داشته باشند شبهه نیست که در دو جهان کامران گردند ع ع مقابله شد

طهران حضرت ایادی امرالله شهید ابن شهید علیه بهاء الله

یا صاحبی السّجن

هو الله یا من انجذب بمغناطیس محبة الله قد مرّ نسیم رحیم من

* ص ۹۱ *

ریاض جنّة الأبھی فنفتح فی قلبک روح الهدی و انعش
مشامک بنفحات القدس المنبئة من حدائق الملاء الاعلی
إذا اشکر الله علی هذا العطاء و تمسک بالعروة الوثقی و اهتز
طرباً من الطاف ربک الأبھی بما اختارک لجه اجتباک و
لمعرفة و انتخبک حتّی تنادی بذکره بین العالمین و علیک
التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

هو الله ای دوستان راستان صبحست و دلبر امرالله در نهایت صباحت
و ملاحظت جلوه بافاق نموده و بنور اشراق رواق اطباق را روشن کرده
و مانند مه تابان ایوان کیوانرا زینت بخشیده بشر و شجر و مدر و
حجر را بحرکت آورده نداء یا بهاء ابهاست که از ملأ اعلی
بلند است و ترانه سبوح قدوس رب الملائکة و الروحست که
گوش زد هر هوشمند ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار
فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست عالم امکان در
جوشش است و امیر لامکان در بذل و بخشش نفحات قدس در
مرور است و افواج عون و عنایت ربّ غفور در صدور و عبور
نسیم رحیم جنّت ابهاست که شرق و غرب را معطر نموده و

* ص ۹۲ *

نور مبین افق اعلی است که خاور و باختر را منور کرده جنت ابهی
در قطب امکان خیمه و خرگاه زده و بهار روحانی اقالیم ربانیرا سبز و
خرم نموده آیات توحید است که در مجامع رحمانیان در ترتیلت و
محامد و نعوت ربّ جلیل است که بالحن بدیع ترنم اهل تجرید است
صیت امرالله است که ولوله در آفاق افکنده و آوازه جمال
مبارک است که جهانگیر گشته و لرزه بارکان امکان انداخته
آهنگ ملکوت ابهی بگوش مشتاقان متواصلت و بانک طیور حدائق
ملاً اعلی باذان روحانیان متتابع متواصل ولی افسوس که غافلان
در خمودت بی پایان و جمودت عالم امکان حجر و مدر متأثر و آنان
در خواب غفلت و فتور مدهوش و محروم و محجوب و منزجر با دیده کور
این اشراق النور فریاد برآرند و باگوش کرا این نغمات طیور الملکوت
نعره زنند البتّه مزکوم از مسک مسموم محرومست و علیل از مائده
ربّ جلیل ممنوع باری ای یاران بانجدابی روحانی و
سنوحاتی رحمانی و قوتی ملکوتی و نفسی مسیحائی و ید بیضائی کلیمی و
شعله و خلتی خلیلی و صفوتی آدمی و سفینه نوحی و نورانیتی محمّدی
و روحانیتی علوی و موهبتی ابهائی و رحمتی ربّانی و نیتی سبحانی
نطقی الهی قیام بر نشر نفحات الهی و سطوع انوار ربّانی و اعلآء
کلمه جمال رحمانی و رفع اعلام موهبت صمدانی نمائید تا آنکه
بفیوضات آسمانی عالم امکانیرا نورانی نمائید و بموجب تعالیم

* ص ۹۳ *

الهیة ترتیب و تنظیم عالم وجدانی نمائید ای یاران دزدان
در کمینند و خائنان گوشه نشین هیکل امرالله را از تیر و
تیغ نادانان محافظه کنید و سراج کلمه الله را از اریاح بغضا
حمایت و صیانت فرمائید امروز از جهتی روح حیات در سریانست
و از جهتی دیگر اریاح کریهه نقض پیمان در هیجان این روح مصوّر
است و آن موت مجسم این نور تابانست و آن ظلمت بی پایان
این عذب فراتست و آن ملح اجاج این حیات ابدیست و آن
ممات سرمدی پس بکمال اطمینان و استقامت و ثبوت و رسوخ
حصن امرالله را از هجوم مارقین محفوظ و مصون دارید الیوم آنچه

اعظم امور است محبت و الفت و اتحاد و اتفاق و انقطاع
و آزادگی و تقدیس و پاکی و جانفشانی و شادمانی احبای الهی است
اگر الفت کامله و محبت خالصه حاصل مگردد جمیع این زحمات
و مشقات هدر رود و عاقبت کل قرین خسران مبین گردند مقصد
از جلوه حق و طلوع آفتاب حقیقت غلبه نور محبت الله است
تا ظلمات شقاق و نفاق محو از آفاق گردد و وحدت روحانیه
جلوه نماید جمیع احباب حکم نفس واحد دارند و جمیع اسماء
و صفات عبارت از شخص واحد چون این موهبت میسر گردد
عالم ظلمانی جهان نورانی گردد و کشور ناسوتی مرآت جلوه
لاهوته شود امیدوارم که بفضل بی پایان و بخشش حضرت یزدان

* ص ۹۴ *

موفق و مؤید گردند ای یاران الهی ابرکثیفی که الیوم حایل و
مانع درخشندگی شمس حقیقت است غمام نفس و هوی است و سحاب
کبر و غرور بلهائ آنچه سبب بزرگواری عالم انسانیت خصوع و خشوعست
و محویت و فنا زیرا تذلل و انکسار تاج و هاج عبدالبهاست و محویت
و فنا و نیستی بی منتها اکیلل جلیل این بنده آستان حضرت کبریاء
ما باید بکلی از وصف وجود فانی گردیم بلکه نیست و مفقود شویم تا
سزاوار الطاف و عنایت خداوند بیچون گردیم هر یک غبار رهگذر
جمیع احبای شویم و خادم حق و هادم بنیان نفس و هوی زیرا زینت
ایوان الهی باین دو بیت ربانیت نار عشقی بر فرورز و جمله هستیها بسوز
پس قدم بردار و اندر کوی عشاقان گذار تا نگردی فانی از
وصف وجود ای مرد راه کی چشی خمر بقا از لعل نوشین نگار
ای احبای الهی معنی یوم یعنی الله کلاً من سعته این نیست که
متبادر باذهانست مقصد اینست که آن کنز بی پایان پنهان ظاهر
و عیان میگردد کل از آن ثروت طافحه بهره مند و مستغنی شوند
نه اینست که هیچیک از احباب محتاج دیگری نه البتّه اطفال شیرخوار
فقیر ثدی و پستانند و کودکان محتاج مربیان و جوانان مستفیض
از هوشمندان و هوشمندان مستحقّ ارشاد و هدایت مقربان
البتّه باید صغیر تمکین از کبیر نماید و مبتدی پیروی منتهی فرماید
و هم چنین مقربان درگاه کبریاء باید هیکل وجود را بموهبت ملکوت ابهی

* ص ۹۵ *

بیارایند تا انوار تقدیس بر جمیع آفاق بتابد ای یاران الهی
استقامت و مقاومت و پرده دری و کشف غطا آنچه باید و شاید
عبدالبهاء مینماید ملاحظه میفرمائید که فرداً و حیدراً بعون و عنایت
جمال ابهی مقاوت با من علی الأرض مینماید هر چند هزار تیر جفا
از هر بیوفائی پُرانست و این سینه هدف اسهام و سنان جیوش
امم و جنود ملل در نهایت هجوم و بدخواهان حضرت احدیت در
نهایت اذیت با وجود این این عبد مهین بتأیید نور مبین در
مقابل روی زمین درغایت متانت و تمکین قائم و ثابت و نابت
دیگر احباً باید ملاحظه حکمت نمایند آنها نیز پرده دری نکنند
در هر صورت اگر پرده رقیقی بر کار باشد بهتر است زیرا سبب
مخالطه و معاشرت و مؤانست و مکالمه است بکلی اگر حجاب
برداشته شود فصل واقع گردد و چون فصل واقع شد نشر نفحات
فتور یابد زیرا کسی نزدیک نیاید تا کلمه حق استماع کند و از
این گذشته حکومت نیز در مشقت و مشکلات افتد اعلیحضرت شهریاری
فی الحقیقه رعیت پرور فریادرس است و ترقی خواه و دادگستر و جناب
صدارت پناهی در نهایت خیر خواهی و رئوف و مهربان بر جمیع اهالی
ولی عوام همج رعاعند و هر دم اسیر هر خداع اتباع هر ناعقدند و
مغلوب هر ریح عابق فزع عمومی کنند و فتنه جوئی در هر بر و بومی
حکومت با وجود کمال عدالت عاجز از حمایت گردد مثلاً واضحاً

* ص ۹۶ *

بأفضای بهائیان تلغراف بحکومت نمودن یا بیاریس و امریک رأساً
تلغرافاً مخابره کردن موافق حکمت نه ای احبای الهی تا توانید از
عقل و حکمت تجاوز ننمائید زیرا حکمت میزان امرالله است یعنی در محلی که
تشهیر لزوم قطعی نباشد البتّه قدری ملاحظه بهتر است قدری تفکر
فرمائید که چگونه سطوت امرالله آفاق را حیران نمود و شمس حقیقت از افق
بلا اشراق فرمود با وجود اینهمه سفک دماء مطهر و بلاای متتابعه و
تعرضات مترادفه در ازمنه سابقه شمع رحمانی روشنتر شد و پرتو
شمس حقیقت شدیدتر گردید آهنگ نهنگ الهی را خروش بیشتر شد
و دریای عطای ربّانی را موج و جوش عظیمتر گشت و عنقریب ملاحظه خواهید

نمود که فوج فوج مانند موج بساحل نجات توجّه نمایند ای احبّای
الهی هر دم بدعای بقای اعلیحضرت تاجداری زبان بگشائید و بخدمتمش
بشتابید و در تبعیت خلوص نیت و صداقت و اطاعت و انقیاد
ظاهر فرمایید و علیکم التحية والتّناء ع ع مقابله شد

هو الله ای دوستان حقیقی شما آگاهید که در ایران حاسدان و علمای رسوم
بهم پیوستند و اتّفاق نمودند و بر جفا و افتراء در حقّ این مظلومان قیام
نمودند و بهر دسائس و وسوس تشبّث نمودند تا آنکه بر حکومت مشتبّه

* ص ۹۷ *

کردند که بهائیان خدا نکرده خائنانند و طاغی و یاغی بحکومت شهریار
تا آنکه دولت ابد مدّت ایران را بر آن وا داشتند که سی سال این طایفه
بهائی را از نظر اندازد بعد از سی سال حقیقت آشکار گشت و در
نزد حکومت عادلّه واضح و مشهود و مثبت و مبرهن شد که جمیع این
و حکایات مفتریاتست بلکه این طایفه مطیع و منقاد دولت و خیرخواه
و رعیت صادقه شهریار لهذا اعلیحضرت شهریار ایران دامت شوکه
بحفظ و حمایت مظلومان پرداختند و بقدر امکان از دست ستمکاران
و مدعیان محافظه و صیانت فرمودند ایدالله شوکه و زاد توفیقه
و جعله نائلاً الی اعلی درجه الفلاح و النّجاح بجاه الملاً الاعلی بعد از ظهور
این حقیقت حکومت دست تطاول جفاکاران را کوتاه نمود و درگاه
پادشاهی ملجأ و پناه مظلومان گشت حال بعینه مثل سابق حال
ایران از طرفی جمعی از مفتریان و از طرف دیگر اصحاب اغراض از جمله
بعضی نفوس از اهالی اینجا با برادر مهر پرور میرزا محمّد علی بالاتّفاق بر
مفتریاتی چند قیام نموده اند هر چند بعضی از آن مفتریات مسموع و بعضی
دیگر مجهول و لکن فی الحقیقه از قرائن معلوم و بدر بار اعلیحضرت دولت
علیه عثمانیه تبلیغاتی نموده اند بعینه مثل حال سابق در ایران بقسمی که
بلازمان آستان پادشاهی را بتشویش انداخته اند لهذا کمیسیونی
تشکیل فرموده بجهت تفتیش باینجا فرستادند و مشغول هستند از
جمله مفتریات اینکه جمع کثیری را در این صفحات ما بهائی نموده ایم

ولی این قضیه واضح و آشکار است که صرف مفترياتست و کومسيون تحقیقات و تدقیقات عمیقه در این فرموده و واضح و آشکار گشته هر چند اعضای کمسیون بی غرضند ولی بحسب روایت بعضی اعدا از اهالی و مأمورین این بلد در این تحقیق و تفتیش ذی مدخلند دیگر تا کار بکجا انجامد و شما میدانید که جمال مبارک باو امر قطعیه ما را از نشر طریقت در ممالک دولت علیه منع فرموده اند و از آن گذشته در حق اعلیحضرت پادشاه عثمانیان ایده الله علی حفظاً لمظلومین چه قدر دعاها فرموده اند و ستایش در الواحها کرده اند علی الخصوص در محاربهٔ اخیره وقتی که اردوی محارب نزدیک اسلامبول رسید انوقت دعائی در حفظ و صیانت اعلیحضرت پادشاه عثمانیان و مقرر سریر سلطنت عظمی فرموده و بهمهٔ شماها مکتوباً امر فرموده اند که آن دعا را سحر و صبحگاه بخوانید با وجود این حال باز مدعیان و بدگویان و دشمنان و مفتریان کار را مشتبه نموده اند از خدا بخواهید و تضرع و زاری نمائید و دعا کنید که خداوند همچنان که حقیقت حال را بعد از سی سال بر پادشاه عادل ایران واضح و مشهود فرمود بهمچنین حقیقت حال را کما هی حقها بر حکومت عادلۀ عثمانیان نیز واضح و آشکار فرماید جز دعا چاره ای نیست اما شما از تعالیم و وصایا و نصایح جمال مبارک بقدر سرسوزن تجاوز نمائید بهمان قسم که در الواح تجلیات و اشراقات و کلمات و بشارات و مکاتیب مثبت بهمان نوع حرکت نمائید بجمیع ملل

عالم مهربان باشید و بجمیع ادیان از اعظم خیرخواهان چشم از تعصب کورانه بپوشید و بنظر حقیقت نظر کنید جمال مبارک خطاب بجمیع بشر میفرماید همه بار یک دارید و ثمر یک شاخسار نوع بشر مانند شجر است و افراد بمنزلهٔ برگ و شکوفه و ثمر اگر این صنوف ثلاثه بعضی برتر و بهتر ولی باید در میان کل ارتباط و الفت و محبت باشد تا شجره نوع بتمامه نشو و نما نماید لهذا بجمیع نوع انسان باید وفا پرور و مهربان بود عدم راستی و نادرستی و عدم حقیقت پرستی مذموم و مقدوح و ممنوع خواه با آشنا و خواه با بیگانه خواه با دوست و خواه با دشمن زیرا عدم راستی و خلاف دوستی در هر صورت خیانت است و شقاوت پس عداوت و دشمنی بعضی نفوس را بهانه

نمائید و از آنچه مکلف بآن هستید از موَدّت جمیع نفوس
و مهربانی با جمیع خلق و صداقت با کلّ بشر و خیر خواهی عموم اهل عالم
از هر ملت و مذهب و آئین رو برنگردانید بلکه انشاءالله صدمات
و بلا یای پنجاه ساله اولیای الهی و غربت و کربت هدر نرود و در این جهان
ظلمانی نورانیت محبّت عمومیّه منتشر گردد و بغض و عداوت از
بین بشر بقدر امکان زائل شود و ارتباط حبّ و یگانگی در ایران
چنان احاطه کند که عالم انسانی شجر رحمانی گردد و نتیجه و ثمر بخشد
و الا فی الحقیقه عالم بشری ثمر است بلکه مورث ننگ و سبب ظهور
دنائت در هر اقلیم و کشور گردد ایدوستان حقیقی مبادا از آنچه

* ص ۱۰۰ *

واقع شده و میشود دلگیر شوید و محزون و دلخون گردید این جهان مانند
سراب بی پایانست زندگانی در این عالم فانی هیچ حکمی ندارد
دریای هستی موجی برآرد و بعد از دقیقه ای چند مساوی و هموار گردد
کأن لم یکن شیئاً مذکوراً لهذا این آوارگان خواه ایامی
چند آواره در گوشه و زاویه ماند و خواه از این جهان بجهان دیگر شتابد
در هر صورت شما توجّه بدرگاه احدیت نمائید و تضرّع بحضرت رحمانیت
فرمائید تا شما را موفق بر آن نماید که بموجب تعالیم و وصایای
جمال مبارک آیات باهره صدق و امانت و دیانت و حسن نیت
بجمیع دول و ملل باشید در هر مملکتی که هستید بحکومت آن مملکت
بنصّ جمال مبارک باید صادق و امین و خیر خواه باشید و بمثل آن
اقلیم در نهایت امانت و راستی و درستی رفتار کنید الهی الهی
اید احبائک المخلصین علی العمل بتعالیم البهّاء و القیام بنصائح البهّاء
و التمسک بوصایا البهّاء و وفقنی علی هذا و جمیع احبائی بل کلّ الوری
علی ما تحب و ترضی حتّی يتموّج بحر الایتلاف و یسکن طوفان الاختلاف
فی کلّ الأطراف الهی الهی اسئلك بجمیع انبیائک و رسلک
و اصفیائک و اولیائک ان توفّقنی و کلّ احبائک بل جمیع خلقک
علی الصّدق و الأمانة و التّقوی و الالفتة و المحبّة بین الوری و التّشبّث
بذیل الکبریّاء و الخلوّص لک الدّین فی جمیع الشّئون و الأحوال انک
انت المقتدر العزیز الوهاب ای دوستان حقیقی دیروز شهرت

* ص ۱۰۱ *

یافته و از نفوس موثوق شنیده شده که اخوی میرزا محمدعلی غیر از آنکه محرک لایحه مفتریات بوده بلکه تقریری داده که حضرت بهاءالله طریقتی موافق شرع انور داشتند ولی عباس افندی تغییر و تبدیل داده و مخالفت شریعت نموده مابهیچوجه با او نیستیم و از او بیزاریم و هم چنین شنیده شد اخوی مذکور بعضی نوشته‌ها اختراع نموده و نسبت بمن داده و سرّاً باین و آن نشان میدهد سبحانالله از یکطرف من را غاصب میگوید و خود را جانشین جمال مبارک می‌شمارد و باطراف و اکناف باحباباً مینگارد و از طرف دیگر تبرّی میجوید ولی الحمدلله اولیای انور از این نکته غافل نیستند و لابد تحقیق این مطلب را خواهند نمود و هر چند برادر بمن چنین نسبتها میدهد و حال آنکه شما میدانید که خود او دعوای جانشینی مینماید باز من نسبت باو در نزد اولیاء امور کلمه ئی جز خیر ذکر نکرده‌ام و نخواهم نمود و امور را تفویض بخدا کرده‌ام و خواهم نمود و شما را بخدا سپردم ع ع مقابله شد

بواسطة حضرت شهید جناب ابوالحسن ایرانی علیه بهاءالله الأبهی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای بنده حق شکرانه خداوند یگانه را که هدایت کرد و

* ص ۱۰۲ *

موهبت بخشید پرده او هام بسوخت و شمع هدی برافروخت تا آنکه هوشیار شدی و بیدار گشتی و براسرار اطلاع یافتی امیدوارم که از غیر حق بیزار شوی و مشام برائحه طیبه گلشن ملکوت ابهی مشکبار نمائی و علیک بهاءالله الأبهی ع ع مقابله شد

بواسطة حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق علیه بهاءالله جناب دکتور طاشجیان جناب کیوان جناب مارکار جناب نرسیس جناب کالوس

یا صاحبی السّجن

هو الله ای ابناء ملکوت حضرت سلیل اسم الله الأصدق و همچنین یاران دیگر که از آنحدود و ثغور عبور و بارض اقدس حضور میجویند نهایت مدح و ثنا از فرط محبت و شدت انجذاب و توجه تام و ثبوت بر پیمان آن یاران مینمایند که این نفوس مبارکه فی الحقیقه زنده بنفحه مسیح و مفتون آن وجه صبیح و سرگشته صحرای محبت رب جلیلند نفوسی از سلاله انبیاء از فریسیان معتکفان در قدس الاقداس که شب و روز منتظر ظهور حضرت مسیح ملیح بودند چون طلعت موعود تورا اشراف نمود فریسیان غافل و ذاهل و حضرت مسیح را مسیح نامیدند و آن وجه صبیح را قبیح شمردند بعل ذبول نام نهادند و در بین خلق انتشار دادند و الی الآن

* ص ۱۰۳ *

منتظر آنند که موعود تورات من بعد آید و مسیح صحیح از مکانی مجهول با لشکری افزون از یاجوج و ماجوج بیاید و همچنین کاهنان ترسایان در این عصر اشراق نیر آفاق دیده بر هم نهادند و از مشاهده انوار جمال بيمثال محروم گشتند مانند فریسیان بهانه ای جویند و اعتراضی بنمایند و حجبات خلق را افزون خواهند آن یاران باید بشکرانه پردازند که الحمد لله بسر حقیقت پی بردند و نداء ملکوت الله شنیدند و طریق را مستقیم کردند و رب الجنود را شناختند و بملکوت الله در آمدند و امید چنانست که بثبوت و استقامت حیات ابدیه یابند و در جهان بی پایان بانوار تقدیس و تنزیه بدرخشند اجازه حضور خواسته بودید این ایام حکمت اقتضا نمی نماید بایامی دیگر مرهون گردید و علیکم البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

بواسطة آقا میرزا حسین ابن شهید طهران جناب مشهدی اکبر علیه بهاء الله

یا صاحبی السجین

هو الله ای بنده الهی اشعار بلیغ و فصیح و در نهایت ملاحه و حلاوت
بود تلاوتش سبب سرور گشت انشاء الله چندی ورزش
میفرمائید و درست بقواعد نظم اطلاع می یابید و قصیده

* ص ۱۰۴ *

درستایش جمال ابهی روحی لاجبانه الفداء میفرمائید ع
مقابله شد

بواسطه حضرت شهید علیه بهاء الله جناب آقا حبیب الله علیه بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای یار عزیز از ملا اعلی آهنگ خوشی بلند و از حدیقه بقا
رائحه طیبه ای منتشر الحمد لله آن آهنگ شنیدی و آن رایحه استشمام
کردی بوی قمیص یوسفی یافتی و بمصر الهی پی بردی و مانند یعقوب
دیده بینا کردی امیدوارم که جمال یوسف الهی مشاهده
نمائی و بمقام مکاشفه رسی و علیک البهائه الأبهی ع
مقابله شد

هو الله

بواسطه حضرت شهید ابن شهید جناب مشهدی اکبر علیه بهاء الله

یا صاحبی السّجن

هو الله ای بنده الهی بزرگواری در عبودیت جلیل اکبر است نه
سلطنت خاور و باختر نفوس مقدسه همواره تمنای بندگی آستان
نمایند و بندگی حق در عبودیت یاران باید انسان جوهر خضوع
شود و حقیقت خشوع فانی محض گردد و فارغ از هر مرض تا آنکه
سزاوار عبودیت درگه پروردگار شود و علیک التحیه و الثناء ع

* ص ۱۰۵ *

بواسطه جناب آقا سید مهدی حضرت شهید سلیل
اسم الله الأصدق علی بهاء الله الأبھی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای سرگشته دیار در سبیل پروردگار الحمد لله نتایج این سفر را
ملاحظه نمودی و اطمینان بر ایمان افزودی و لیطمئن قلبی تحقّق یافت
شکر کن خدا را که مشغول بخدمت آستان جمال ابهائی و بوفاً
قیام نمودی چه موهبتی است اعظم از این و چه عنایتی است
اکبر از این که انسان در ره آن دلبر مهربان سرگشته کوه و دشت
و بیابان باشد امیدوارم که در این سفر نتایج جانپور حاصل
گردد الحمد لله بستگان آنحضرت در طهران در نهایت
راحت و همواره سفارش نگاشته میگردد مطمئن باشید و
خود در نهایت انقطاع و انجذاب و طرب و وله و سرور و
حبور بخدمات مجلی طور باشید تا تأییدات ربّ
غفور بینید و نصرت جنود ملکوت مشاهده کنید و علیک التحیة و الثناء
ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الأبھی

ورقه زکیه لقائیه علیها بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند

* ص ۱۰۶ *

هو الأبھی ای امه الله ورقه زکیه لحاظ عین الله التّأطره شامل آن ورقه
مطمئننه است و الطاف ربّ رحیم محیط بر تو است ظلّ سدره منتهی بر تو
واقع و سایه شجره سیناء بر تو ممدود بر تو نیر اعظم بر فرقت
فائض و سحاب رحمت جمال قدم بر حدیقه وجودت فاطر دیگر در
این عالم وجود چه میطلبی و چه آرزو داری قائنات طاهرات

آرزوی ذرّه از این حسنات را مینمودند و در حسرتش جان باختند
نرسیدند و توفائز شدی و البهائ علیک ع ع مقابله شد

طهران بنات و ذریات حضرت من فاز بالرفیق الأعلى جناب
اسم الله الأصدق علیهنّ و علیهم بهاء الله الأبھی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای سلالة آن نفس مقدّسه رحمانیه مکتوبی که در بیان تشکر از همت
آقا میرزا ارسطو در تعلیم لسان انگلیسی مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید
و انشاء الله من نیز تحسین بلیغ خواهم نمود و جناب آقا میرزا
ارسطورا بجهت این خدمت مسرور خواهم کرد اما شما که ذریه
آن نفس مقدّسید و سلالة آن نور انور باید پی او گیرید
و در مسلک او سلوک نمائید آن نفس مبارک در مدّت حیات

* ص ۱۰۷ *

در هر دمی جفائی دید و زحمتی کشید جانفشانی نمود و اخلاق
روحانی بنمود شما نیز باید باطوار و گفتار و رفتاری ظاهر
و آشکار گردید که آن روح مجرد در ملکوت ابهی زبان بتحسین گشاید
و بثبوت و رسوخ شما مسرور گردد و روح و ریحان یابد و علیکم
التّحیة و الثّناء ع ع مقابله شد

طهران بواسطه حضرت شهید ابن شهید امّاء الرّحمن
ورقه طیبه ضیاء الحاجیه ورقه موقنه والده شان و ورقه روحیه لقائیه
و ورقه نوریه هویه و ورقه نورا و روحا و ورقه بدیعه طیعه
علیهنّ بهاء الله الأبھی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای ورقات روحانیات طوبی لکنّ بما انجذبتن بنفحات الله
و استضائت قلوبکّن بنور الهدی و اشرقت وجوهکّن بشعاع

محبة الله لعمرى لو سجدتن شكر الله على ممر القرون والاصول
والدهور والاحقاب على هذه الموهبة الكبرى لعجزتن في
ايفاء شكرها ولكن الآن مستورة عن الأنظار لا يعلمها إلا
اولو البصائر والافكار السامية الآثار مستشرق هذه الأنوار
وتظهر هذه الآثار ويتحقق ان العبودية الى العتبة السامية هو اكليل

* ص ۱۰۸ *

جليل مثلثاء ابهى جواهرها على الآفاق وعلينك التّحية والتّناء ع ع
مقابله شد

خط مبارک هو الأبهى

ورقة طيبه روحا عليها بهاء الله الأبهى ملاحظه نمايند

هو الأبهى اى ورقة مطرزه صد هزار اماء كه سالهاى بيشمار بأنواع مشقات
عبادات قيام نمودند و بدرگاه احديت عجز و نياز آوردند و گريه و
زارى فرمودند كه بانى از اين ايام فائز شوند و لمعه نورى از شعله
طور مشاهده نمايند عاقبت در صحراى حرمان جان دادند و در قربانگاه
عشق بحسرت تمام فدا شدند و تو زحمتى نكشیده و مشقتى تحمّل
نموده و تعب عبادتى نديده محض فضل و جود باين احسان مالك
غيب و شهود رسيدى و ايام الله را ادراك نمودى و برحمت
و عنایت بى منتهى رسيدى و البهاء عليك ع ع
مقابله شد

خط مبارک هو الآء بهى

ط امة الله ضياء الحاجيه عليها بهاء الله الأبهى ملاحظه نمايند

هو الأبهى * ص ۱۰۹ * اى امة الله شكر كن حى قيومى را كه ترا از بين ربّات حجال
امتياز داده و بتاج و هاج عرفان سرت سرفراز نموده اين اكليل

محبّت الله گوهر درج عنایتست که بر مشارق و مغارب آفاق
اشراق نموده دیگر چه جوئی و چه خواهی الحمد لله در کنیزی جمال قدم
طوقی مرصع بجواهر اسم اعظم در گردن داری و حلقه زرین از اعلی
علیین در بردگی آن روح مصور در گوش داری و البهاء علیک
عبدالبهاء ع مقابله شد

هو الأبهی

امه الله ضلع حضرت اسم الله الأصدق التی فازت علیها
بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

هو الأبهی ای ورقه موقنه مبتهله زکیه طیبه ثابتة فائزه حمد کن جمال قدم
و اسم اعظم را که در ایام الله بلقائى محبوب آفاق و مقصود جواهر وجود
از اهل وفاق فائز شدی و جام کلام الهی را از ید ساقی عنایت
نوشتیدی و ببصر ظاهر و بصیرت باطن جمال بی زوال را مشاهده
کردی و ندای جانفزای الهی را بسمع خویش از فم مطهر شنیدی
و در ساحت اقدس باصغای کلمه جامعه اختصاص یافتی و در ظلّ شجره

* ص ۱۱۰ *

معرفت الله و دوحه محبت الله آیت هدی رایت تقی حضرت اسم الله
در آمدی و شب و روز محامد و نعوت جمال قدم را از آن لسان صدق
مبین استماع نمودی و بذریه طیبه موقّ گشتی که از جهت اعراق و اخلاق
هر دو منشعب از آن شجره مقدّس است جان بشکرانه این مواهب جلیله
شب و روز را در مجامع اماء الله بذکر و ثنائی حضرت کبریاء مشغول شو
و چنان حرارتی برانگیز که سردفتر شیدائیان جمال جانان گردی
و سالار سودائیان روی رحمن هر افسرده را تازه و زنده نمائی و هر
پژمرده را لطیف و با طراوت بی اندازه و البهاء علیک و علی
اماء الرحمن هناک ع ع مقابله شد

طهران بواسطه حضرت شهید ابن شهید جناب مشهدی اکبر علیه بهاء الله

یا صاحبی السّجن

هو الله ای بنده حقّ از قرار معلوم مانند نجوم از مطلع خضوع و خشوع
طالع و لائحه و در محضر یاران الهی فانی و خاضع و مبتهل خدمت دوستان را
تقرّب آستان دانی و بندگی یاران را آزادگی دو جهان شمری اگر
چنین است یقین بدان که نور منیر چنان فیضی بجبین فرماید که مانند
صبح مبین روشن و تابنده و درخشنده گردد و عليك التّحیة و الثّناء

ع ع مقابله شد

* ص ۱۱۱ *

طهران بواسطه حاجی میرزا عبدالله جناب میرزا منصور نوری علیه بهاء الله
الأبھی
یا صاحبی السّجن

هو الله ای بنده حق اگر در جواب نامه فتوری واقع گمان قصور مفرمائید
این از کثرت امور موفور است آنی فرصت نیست من در حقّ شما
بملکوت الهی عجز و زاری نمایم و فیض نامتناهی خواهم امیدم
چنان است که اسباب راحت فراهم آید فرصت بیش از این
نیست معذور بدارید نامه جوف را بجناب امین برسانید ع ع
مقابله شد

بادکوبه بواسطه حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق

طهران امة الله المقربه ورقه مطمئنه ضیاء الحاجیه علیها بهاء الله الأبھی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای کنیز عزیز الهی الحمد لله در یوم ظهور مظهر الطاف ربّ غفور بودی
و بعد از افول شمس حقیقت مستفیض از ورد مورود و ثابت بر پیمان

حضرت ودود عبدالبهاء از ملکوت ابھی طلب عون و عنایت نماید
تا در هر دمی حضرت شهید بموهبتی موفق گردد الحمد لله خادم امر است
و قائم در خدمت بهندوستان شتافت و علم ذکر الهی برافراخت
و در آن اقلیم ولوله ای انداخت بعد مأمور بقفقاز و عشق آباد شد
و انشاء الله آن خدمات را نیز انجام خواهد داد از جمله در مرو اسباب

* ص ۱۱۲ *

تأسیس مشرق الاذکار فراهم آورد و نقشه بارض مقصود فرستاد
و الآن در آنجا مباشرت بمسافرخانه و مکتب شد تا اطفال یاران را
بتربیت الهی تربیت نمایند و دولت بهیه روس محض بنای مشرق الاذکار
زمینی در مرو مجاناً داد و باذن ایمپراطوری مشرق الاذکار بنا خواهد
شد باری شما باید فکر کنید که حضرت شهید بخدمت مشکور
مشغول و بفیض موفور مشمول حال بجهت تمشیت بعضی از امور آن
ارض مأمور بطهران شد عنقریب خانه و لانه و آشیانه آن کنیز عزیز
الهی را روشن نماید امة الله الموقنه نفس مطمئنه والده محترمه را از
قبل عبدالبهاء تحیت محترمانه برسان و علیک البهاء الأبھی ع ع
مقابله شد

بواسطه حضرت شهید ابن شهید علیه بهاء الله هو الأبھی
ط امة الله ضیاء الحاجیه علیها بهاء الله الأبھی

خط مبارک

هو الأبھی ای امة الله ای کنیز بهاء حضرت شهید ابن شهید ذکر شما را در ذریعه
خویش نمودند و استدعای عنایتی کردند این عبد از موهبت خاصه اسم اعظم
جمال ابھی همیشه منتظر که آن امة جمال ابھی چنان اشتعالی در بین اماء الرحمن
اندازد که مرکز حرارت محبت الله گردد فضل حق در حق شما عظیم است عظیم
لطف جمال مبارک شامل آن خانواده مستقیم بر میثاق قدیم پس مسرور باش و خوشنود

* ص ۱۱۳ *

که در ظلّ الطاف ملیک وجودی ع ع مقابله شد

خط مبارک هو الأبھی

ط ورقة طیبه زکیه موقنه امه الله ضیاء الحاجیه علیها بهاء الله الأبھی ملاحظه
نمایند

هو الأبھی ای امه الله و بنت امته و اخت امته جناب ابن اسم الله علیه بهاء الله
الأبھی الآن که که صبحست حاضرند و ذکر احتراق و اشتیاق و شدت
تأثر و تحسّر و تاوّه و تلّهف آن امه الله را از فرقت پر حرقت
محبوب آفاق فرمودند و خواهش این را کردند که بذکر شما این
قلم مشغول گردد لهذا خامه را برداشته و فوراً این مکتوب
نگاشته شد که مطمئن باش در کلّ احیان در این محضر مذکوری
و در این انجمن موجود چه که اگر بتن دوری بروج نزدیکی و از
بصر ممنوعی ببصیرت فائزی بجسم بعیدی بروج قریبی و در
آستانه مبارک یادت در السن و قلوب اماء الرحمن موجود پس
شکر کن الطاف حضرت حی قیومرا که در ایام ظهور بعنایت و
الواح متعدده فائزگشتی و در این اوان
حرمان نیز در فناء رحمن بابدع ذکر
مذکوری ع ع مقابله شد

* ص ۱۱۴ *

بواسطة حضرت شهید ابن الشّهد علیہ بهاء الله الأبھی

خط مبارک

هو الله خویشان و ذوی القربا و ذریه حضرت اسم الله اصدق المستقرّ فی بحبوحه
الملکوت الأبھی علیهم بهاء الله الأبھی

خط مبارک

هو الله ای ذوی القربای آن نجم هدی الحمد لله از شمس هدایت مقتبس گشتید
و از دریای عبودیت مستفیض و مستمد ماء معین را از عین تسنیم نوشیدید
و نور منیر را در صبح مبین مشاهده نمودید و بر عهد و پیمان جمال قدیم ثابت
و مستقیمید آن جوهر تقی و لطیفه نورا در ملکوت ابهی متباهی
که آن خویشان الحمد لله از بیگانگان دورند و از آشنایان و
یاران مرکز پیمان پس شکر کنید که خویش و آشنای آن شخص
جلیلید و ثابت بر عهد ربّ قدیر نظر عنایت محبوب یکتا با
شماست و البهاء علیکم ع ع مقابله شد

رشت حضرت ایادی امرالله حضرت شهید سلیل حضرت
اسم الله الأصدق علیه بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای منادی پیمان نامه قزوین ملاحظه گردید با نهایت محبت و

* ص ۱۱۵ *

مهربانی و سرور و شادمانی امیدم چنانست که ایام را بگذرانی
از قلت فرصت جواب مختصر مرقوم می گردد جناب آقا میرزا
اسدالله مازندرانی اگر بتوانند بنجف بشتابند و در نهایت
مدارا با شخص مذکور ملاقات نمایند بسیار موافق جناب مدبر را
تحیت ابدع اعلی ابلاغ دارید همواره در نظرند و پیش بصرند البتّه
بجهت فراغت از گیر و دار ممنون و متشکرند حضرت فرمان
نصر و ناصر را از قبل من نهایت خلوص و محبت دل و جان
و انعطاف وجدان ابلاغ دارید و این اشخاص را بسیار
کتمان دارید و علیک البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله ای سلیل آنشخص جلیل شخص محترم نجف را اگر ممکن بود که خود شما
نیز ملاقات می نمودید و اگر ممکن نه در پرده مکاتبه می گردید بهتر بود

علیک البهآ ع ع مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو الله امة الله المقربيه هويه امة الله النّاشئه روحا امة الله المؤيده طليعه
عليهنّ البهآ الأبهي

هو الله ای کنیزان مقربۀ جمال ابهي صور شعائيه شما رسيد ملاحظه گرديد

* ص ۱۱۶ *

الحمد لله نورانيت ايمان در جبين ظاهر و باهر اميدوارم که روحانيت
کبری حاصل گردد و ينبوع عرفان در سينه نبعان نمايد زبان
بذکر دلبر مهربان ناطق شود و دل بمحبت حضرت رحمان گلشن
اسرار گردد و شب و روز فکر و ذکرى جز اشتغال بحجّت و برهان
و اشتغال بعشق حضرت يزدان نماند و عليکنّ التحية و الثناء ع ع

مقابله شد

خط مبارک هو الله

خا ورقه متعاليه امة الله والده حضرت شهيد ابن شهيد عليه بهآ الله الأبهي

هو الله ای قرينه آن جوهر وجود آن باز سپيد اوج ملکوت هر چند بلانه و
آشيانه عزت عروج فرمود ولی بازی که مظهر هب لی من لدنک
ذلياً يرثنى و يرث من آل داود يادگار گذاشت که شکار افکن
و پرواز و تيز چنگ و منقار است پس شکر کن که در کاشانه اين
دار دنيا نیز تنها نمانده ای و آن عقاب سماء و عنقاء ملکوت
ابهي از افق غيب ندا مينمايد که ای ضجيع بحر موهبت پر موج است
و بشائر عنایت خاصه الهيه از اوج عزت قديمه متتابع و پرتو
مواهب شامل کلّ آن خانمان و دودمان ع ع

خط مبارک هو الأبهی
ورقة طيبة هويه عليها بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الأبهی ای امه الله عليك بهاء الله شكر كن حى قديم را بر شاطی بحر
عظیم وارد شدی و در جنت نعیم داخل شدی و از کوثر و تسنیم
نوشیدی و در فردوس محبت الله وارد شدی از دست ساقی
عنایت مکلم طور کأس مزاجها کافور کشیدی و در حدائق محبة الله
از پستان معرفت الله مکیدی آثار باهره این فیوضات عظمی را
در ملکوت ابهی مشاهده خواهی نمود و ندای یا لیت قومی يعلمون را
بآهنگ ملاً اعلى خواهی بنواخت و البهاء عليك و على الورقات
الطيبات ع ع مقابله شد

هو الله

طهران ورقات شجرة روحانيه

امه الله لقائيه و امه الله هويه و امه الله روحا و امه الله طليعه
و امه الله ضياء الحاجيه عليهن بهاء الله الأبهی

يا صاحبى السّجن

هو الله ای اماء رحمن چون ورقات طيبات ثابتات راسخات
تمسك بشجرة مبارکه دارند از فيض ابر عنایت و رشحات

سحاب موهبت همواره در نهایت طراوت و لطافتند و در
جنت ابهی در غایت سبز و خرمی از فضل قدیم ربّ کریم
مستدعیم که آنورقات را بنفحات گلشن ابهی در جمیع اوقات
روح و ریحان افزایش و چنان مشتعل فرماید که شعله نار عشق بعنان
ملاء اعلیٰ رسد و علیکن التّحیة و الثّناء ع ع مقابله شد

خا ورقه طیبه بنت شهید علیها بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند
خط مبارک

هو الأبھی ای ورقه طیبه منجذبه بنفحات الله آنچه بلسان گفتمی و بر اوراق شرح
نمودی و در بیان سفتی و در قلب و جنان آرزو داشتی جمیع مسموع و
معلوم و مشهود حمد کن ربّ قدیم و نور مبین و آفتاب فلک علین
را که چنین بخششی از سلطان آفرینش یافتی که بکوی دوست راه شناختی
و بساحت الطافش شتافتی و روی از دوش تافتی و از نار جمالش
گداختی و بیچنین موهبتی که منتهی آمال اماء الرحمن بود رسیدی و حلاوت
عنایت از کأس بقا چشیدی طوبی لک و لکل امة فازت بما
فرت بفضل مولاک القدیم بشری لک ثم بشری لک من هذا الفضل
العظیم در خصوص خانه آنچه را جناب ابن اسم الله الأصدق علیها
بهاء الأبھی مصلحت دانند مجری دارید این قضیه تفویض بایشان شد

* ص ۱۱۹ *

ما قبول کردیم آنچه را شما خواستید و تقدیم نمودید فسوف یعطیک
ربّک اجر ذلک فی ملکه و ملکوتہ انّه علی کلّ شیء قذیر ع ع
مقابله شد

هو الأبھی

ضلع جناب ابن اسم الله الأصدق امة الله ضیاء الحاجیه علیه و
علیها بهاء الله الأبھی ملاحظه نماید
خط مبارک

هو الأبهى ابته الورقه الطيبه الزكية المطمئنه بفضل ربها احى الله قلبك بنفثات
روحه و اقر الله عليك بمشاهدة انواره و شرح الله صدرك بآياته
وانعش الله فوادك بنسائم جوده و رفع الله لك ذكرك باشتعالك
بالتار الموقدة فى سدره سينائه و طيب الله رياض قلبك نصيب
الطافه جناب ضيف كريم چندى بود كه بزيارت بتراب آستانه
مبارك مشرف بودند و حال طبل مراجعت بكوفتند از فضل
قديم و جديد سلطان اقاليم ارواح اميد قوى و رجای أكيد
است كه در اين سفر چون روح جديد در اجسام قديد تأثير
شديد نمايند در اين ايام كه مونس اين عباد بودند در حين زيارت
مطاف ملاً اعلیٰ بالتيا به از شما و جميع منسوين زيارت
مينمودند و همچنين بالوكاله بنام ان ورقات ضيافت مينمودند و

* ص ۱۲۰ *

جميع مقبول افتاد و البهاء عليك ع ع مقابله شد

هو الأبهى

ورقة طيبه صمديه عليها بها الله الأبهى ملاحظه نمايند
خط مبارك

هو الأبهى اى ورقة نضره زكیه در اين عصر جديد و قرن بدیع كه مواهب حضرت
محبوب يكتا چون شمس بقا در كبد سماء ظاهر و آشكار است اماء
جمال كبرياء بايد از بحر اعظم اغتراف نمايند و از الطاف ربّ اكرم
اقتراف كنند دل بمحسوب قدم بندند و تعلق بملكوت ابهى
يابند از نار محبت الله چون شعله نورانى باشند و از نسائم
موهبت الله رحمت رحمانى باشند آيت انجذاب گردند و سراج
ذكر ربّ الارباب اماء ارض را نور هدايت باشند و ورقات
آفاق را بشارت عنایت و الروح عليك و على اماء الرحمن ع ع
مقابله شد

بواسطه حضرت شهید ابن اسم الله الأصدق امة الله المنجذبه ضياء الحاجيه
بگم سلطان خديجه سلطان والده آقا سيد مهدي قدسيه
لقائيه ضيائيه ثنائيه حشمت لميعه بتول شوكت ثابتة

* ص ۱۲۱ *

والده ميرزا زمان ضلع ميرزا زمان گلین خانم اخت شهید
هويه لقائيه روحا طليعه عليهنّ بهاء الله الأبهي

يا صاحبى السّجن

هو الله ايتها الاماء المنجذبة بنفحات الله تا بحال در میان اماء رحمان
تأسيس درس تبليغ نشده بود حال بفيوضات مختصة جمال ابهي در
طهران اماء رحمان موفق بتأسيس شدند خبر تشكيل انمحفل سبب
حصول سرور وروح وريحان موفور گرديد كه الحمدلله وورقات
منجذبه بشور ووله آمدند وبتحصيل درس تبليغ موفق گشتند اميد
چنانست كه در مدتی قليله آن كنيزان عزيز الهی در دلائل منقوله
و معقوله بقسمی مهارت يابند كه هريك در مقابل علماء من على الارض
بدليلی قاطع و بيانی واضح و برهانی لامع و نطقی بليغ و كلامی فصیح
لب بگشايند اگر اين محفل چنانكه بايد و شايد موفق گردد و
ترقی نماید و اخبار و آيات و احاديث كه دالّ بر طلوع شمس
حقيقت است حفظ فرمايند و در استدلال كافی وافى ملكه حاصل
نمايند دلائل عقليه بر اثبات الوهيت و وحدانيت
آلهيه و نبوت انبياء و ولايت اولياء اقامه كنند البتّه تأييدات
ملكوت الهی پياپی رسد و نفوسى از وورقات طيبه در انجمن
عالم بيان و تبیان و اقامه برهان چنان جلوه نمايند كه عالم نساء
را زينت بخشند و ثابت كنند كه در اين كور بديع نساء

* ص ۱۲۲ *

هممعنان رجالدند بلکه در بعضی موارد سبقت گیرند ملاحظه نمائید که در این امر بدیع چه قدر رجال باعلی معارج عرفان عروج نمودند و بیانی واضح و برهانی قاطع و لسانی فصیح و نطقی بدیع داشتند و لکن ورقه مبارکه جناب طاهره چون در سلک نساء بود بی نهایت جلوه نمود و سبب حسرت عموم گردید اگر از رجال بود ابداً چنین جلوه نمینمود پس بدانید که عظمت امر چنان در عروق و اعصاب عالم نفوذ نموده که اگر یکی از ورقات منجذب گردد و در اقامه دلائل و براهین و بیان حجج قاطعه ملکه حاصل کند و زبان بگشاید در انجمن عالم چه قدر جلوه نماید ای ورقات طیبه قسم بجمال معبود و سر وجود که اگر در این میدان جولان نمائید فیوضات جمال مبارک مانند آفتاب در مرایای قلوب تجلی نماید چنان ترقی نمائید که کل حیران گردید حتی ورقات منجذبه باید در اوقات معاشرت و الفت با یکدیگر صحبت از گرمی هوا و سردی آب و لطافت باغ و گلزار و طراوت چمن و جویبار ندارند بلکه مکالماتشان محصور در ذکر و ثنا و بیان ادله و برهان و نقل احادیث و آیات و اقامه بینات باشد تا چنان گردد که جمیع خانه های احباب محفل درس تبلیغ شود اگر چنین مجری دارید در نهایت سرعت فیوضات ملکوتیه چنان تجلی نماید که هر یک از اماء رحمان کتاب مبین شود و اسرار حضرت رحمان رحیم بیان

* ص ۱۲۳ *

نماید و علیکن البهء الأبھی ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله

ورقه موقنه ضلع حضرت شهید ابن الشهدید جناب ابن اصدق علیها بهاء الله الأبھی

هو الأبھی ای ورقه مبتله مطمئنه شکر کن حی قدیمرا که در ظل جمال مبین وارد گشتی و از کأس تسنیم نوشیدی و از شهد الطاف چشیدی و منتسب حضرت شهید ابن الشهدید علیه بهاء الله الأبھی گردیدی و الیوم در ملکوت ابھی مذکوری و در ملاء اعلی مشهور فاشکری الله

على هذا الفضل الذى احاطا لعالمين و أنك انت سوف
تشاهدين آثار هذه المواهب التى تشعشت
انوارها ع ع مقابله شد

هو الأبهى
ط جناب على همدانى واخويشان على محمد عليها بهاء الله الأبهى ملاحظه نمايند
خط مبارك

هو الأبهى اى دو برادر چون دو پيكر در سبيل جمال الهى مصائب و شدائد

* ص ۱۲۴ *

عظيم تحمّل نموديد فسوف يقطع الله دابر الذى ظلمكما محزون مياشيد
مغموم نگرديد اين بلايا را جمال قدم روحى لاجبائه الفدا بنهايت سرور و
حبور بر نفس مبارك قبول فرمودند و اين كأس چون حنظل را مانند شهد در
نهايت روح و ريحان چشيدند اذن حضور انشاء الله من بعد خواهد
رسيد الامور مرهونه باوقاتنا الآن بجهت آنکه مشغول بجزئى شغلى
گرديد و برکت از خداست چيزى جزئى حواله شد فكم من
فئة قليلة غلبت فئة كثيرة چون توکل شود البتة تأيد ميرسد
والبهاء عليكما ع ع مقابله شد

بواسطة حضرت شهيد سليل اسم الله الاصدق
امة الله المقربه هويه بنت شهيد ملاحظه نمايند
طلب الطاف بجهت من صعد الى الله رفعت عليها بهاء الله الأبهى

يا صاحبى السّجن

هو الله اى پروردگار آمرزگار رفعت زيرک اين طفل کودک سراج
محفل بود و مرغ خوش الحان آن منزل تلاوت آيات مينمود
و بابدع الحان ترتيب کلمات ميکرد بلبل گويا بود و باهنگ
ملاً اعلى دمساز حال از گلخن فانى بگلشن باقى پرواز نمود تا در
ملکوت راز بنغمه و آواز پردازد اى پروردگار الطاف

* ص ۱۲۵ *

بی پایان شایان کن و غفران رایگان فرما توئی آمرزنده و مهربان
ع ع مقابله شد

حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق علیه بهاء الله الأبھی
خط مبارک

هو الله ایها الشّهِید سلیل اسم الله الجلیل از روزی که عازم آن صفحات
شدید تا بحال ابداً خبری مرقوم نفرموده اید که در لاهای چگونه
واقع شد حتی از سلامتی وجود شریف ننگاشتید باری منتظر ورود
اخبار شما از مخایره با مجلس لاهای هستیم البتّه بزودی همّت
نمائید و بنگارید و اگر ممکن تلغراف بنزید بحضرات متعلّقات
آنجناب نامه مرقوم و ارسال شد عبدالبهاء عبّاس مقابله شد

خط مبارک هو الله

طهران امة الله المطمئننه حرم حضرت شهید ابن اسم الله الأصدق علیها
بهاء الله الأبھی

هو الأبھی ای امة الله المنجذبه در این ساعت که هیکل آفاق در وجد و
شادمانیست زیرا یوم دلالت جمال سبحانیست و عبدالبهاء با
نهایت بشارت بتهنیت تو مشغول پس ممنون باش و خوشنود

* ص ۱۲۶ *

و مسرور باش و محظوظ ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الأبھی

امة الله آغا شاهزاده علیها بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند

هو الأبهی ای ورقه ثابتہ راسخہ بر عهد و پیمان الہی الیوم ورقہ نئی از اوراق
 سدرہ مبارکہ چون ثابت بر پیمان گردد نابت در اعلیٰ فروع سدرہ
 سیناء شود و چون بقوت تقی و نور ہدی قیام بر خدمت امر اللہ
 و اعلا کلمۃ اللہ نماید چون ستارہ روشن از افق عالم درخشندہ
 و تابندہ گردد موهبت ایام عظیمست عظیم و الطاف ربّ
 کریم جلیل است جلیل یک عمل خیر و یک حرکت اللہ الیوم حکم
 صد ہزار میرات و حسنات دارد و یکنفس در این عصر حکم صد ہزار
 سال عبادت ملکوت ابھی آیتنہ جهان نمای الہی و مرآت کائنات
 رحمانیست گاہ سمت کوه دارد چہ حسنات و چہ سیئات
 قطرہ صفت بحر دارد چہ اعمال صالحات و چہ افعال منہیات
 پس شکر کن حضرت ذوالجلال را کہ خدماتت در دیوان الہی بقلم
 جلی مقید و مثبت و در ایوان روحانی رحمانی اجر جزیت مقدر و
 موجود رعایت و محبتی کہ بمنتسبین جناب ابن اسم اللہ الاصدق
 نموده اید عند اللہ محبوب و مذکور و البہاء علیک ع ع

* ص ۱۲۷ *

در یوم مولود باسم آن امة اللہ ضیافت شد و حرم جمیعاً در
 روضہ مطہرہ بالتیابہ زیارت کردند مقابلہ شد

طهران

حضرت شہید سلیل اسم اللہ الاصدق علیہ بہاء اللہ الیوم
 یا صاحبی السّجن

هو اللہ ای منادی پیمان الحمد للہ بانچہ مرقوم شد و تعلیماتی کہ دادہ گشت
 موفق شدی و تاسیس مجلس درس تبلیغ بجهت و رقات طیبہ
 گردید حال لازم است کہ تشویق و تحریص نمائید کہ محفل درس
 تبلیغ نساء تعدد یابد و این اول محفلی کہ تشکیل شدہ شبہہ نیست
 کہ سبب تاسیس محافل کبری گردد باید چنان تربیت نمود تا در

اندک زمانی دوشیزه‌گانی و نسائی در کمال فصاحت و بلاغت
بتبلیغ امر حضرت احدیت پردازند و رجال را از هر ملل بقوت
برهان عاجز و قاصر نمایند این قضیه نهایت اهمیت را دارد
بدرجه‌ای که وصف نتوانم اگر احبای الهی نتایج این قضیه را
کشف نمایند یقین است که نیاسایند راحت نمایند مگر
آنکه تعلقات خویش را از نساء بر این امر عظیم تحریض و تحریص
فرمایند نامه بنام ورقات طیبه که مباشرت تحصیل درس تبلیغ
نموده‌اند مرقوم گردید در جوف است برسانید و انتشار دهید

* ص ۱۲۸ *

مناجاتی در ذکر شهدای سبیل الهی مرقوم گردید و ارسال شد سواد
آن در جوف است ملاحظه نمائید ع ع مقابله شد

بواسطه حضرت شهید ابن شهید علیه بهاء الله الأبهی

خط مبارک

هو الله

جناب نور محمد خان جناب میرزا محمد علی جناب عبدالحسین خان
جناب شکر الله جناب ابوالقاسم جناب ابوالحسن عطار جناب
میرزا احمد طیب جناب عبدالباقی عطار علیهم بهاء الله

هو الله ای یاران حق از عون و الطاف حضرت احدیت امیدوارم
که احبای خویش را از جمیع احوال و اخلاق اهل بارگاه قدس و ملاء اعلی
نصیب و بهره بخشد و ملکوتی و روحانی نماید و خاضع و خاشع
فرماید و منقطع از ماسوی الله کند و متحد و متفق نماید تا در عبودیت
آستان مقدس با عبدالبهاء انباز گردند و در نزد کل یاران در کمال
عجز و نیاز مبعوث شوند اهل بها چشم از سیئات بپوشند و
بغیر از حسنات نبینند و در ظل کلمه آلهیه سبب اتحاد و اتفاق
من علی الارض گردند و شب و روز مقصدشان نشر نفحات
باشد و اثبات آیات بینات ای احباً مظاهر عنایت

کلمه وحدانیت و مطالع الطاف ربوبیت ربّ فردانیت
والبهاء علیکم ع ع مقابله شد

هو الله

همدان بواسطه حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق احبای الهی علیکم بهاء الله
الأبھی حضرات خرازی فروشها جناب میرزا یوسف ولد میرزا نصرالله جناب
حاجی میرزا نورالله جناب آقا میرزا نصرالله خلف مرحوم میرزا یعقوب
جناب میرزا سلیمان جناب آقا اسحق بزّاز جناب حاجی رحیم
جناب حاجی آقا جان نراقی جناب میرزا مراد زرگر جناب آقا محمد
رضای جدید و جناب حاجی حکیم داود و جناب حکیم موسی جناب آقا
هارون ولد الیاهو جناب آقا جان آقا یوسف علیهم بهاء الله الأبھی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای بندگان صادق ربّ الجنود خدماتی که در اعانه مدرسه تأیید نموده
و مینماید سزاوار تحسین و ستایش است از الطاف حی قیوم
یقین و محتوم است که انواع الطاف شامل و برکت آسمان نازل
گردد تأسیس دبستان علم و عرفان از برای کودکان از فرائض
قطعیه اهل ایمانست چون آن یاران در این مورد تعهد جانفشانی
نموده اید و اعانه بدبستان تأیید مینماید عبدالبهاء در نهایت
عجز و انکسار بملکوت اسرار ستایش و نیایش نماید و شما را

برکت و آسایش طلبد تا در نهایت راحت و سرور بحسن خدمت
مشکوره موفق و منصور گردید ای پروردگار این نفوس خوش

رفتار را در دو جهان عزیز بدار و مظاهر الطاف بی پایان نما توئی
مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بیهمتا ای یاران فرصت
بیش از این نیست و علیکم البهآء الأبھی ع ع مقابله شد

طهران حضرات ایادی امرالله علیهم بهآء الله الأبھی
یا صاحبی السّجن

هو الله ايتها النفوس المبارکه نامه شما بدقت تمام ملاحظه گردید از
مساعی حمیده و همم جلیله دوستان نهایت سرور حصول یافت
توجه بآستان مقدّس شد و طلب تأیید و توفیق گشت زیرا
امور مرهون بعنایت است و تأیید حضرت احدیت لهذا
امید چنان است که تأییدات غیبیه و توفیقات لاریبیه
بحصول پیوندد عبدالبهآء جمیع غوائل هاجمه و مشاغل لازمه را
ترک نمود و جمیع امور را وا گذاشت و سفر نمود با وجود اینکه محرومی
از آستان مقدّس بسیار مشکل و صعب بود و سبب حزن و اندوه
و سه مرض مزمن جسمانی مستولی و ابداً طاقت و تحمّل حرکت نداشت
باز توکل بر جمال بیمثال نموده باطراف جهان شتافت زیرا

* ص ۱۳۱ *

مشاهده کرد که تأیید در تبلیغ است و توفیق در نشر نفعات الله
و نعم الرفیق شب و روز جز بیان حجج و برهان و اعلاء کلمه یزدان
و بشارت بطلوع صبح هدی و مژده باسراق شمس حقیقت شغلی
نداشت هر چند الطاف جمال مبارک همیشه شامل بود ولی در این
سفر بحری بی پایان عنایت بدرجه ای بود که مجرد دست بردن
بکلافه ای فوراً سر رشته در دست بود بهرجهت که توجه میشد
ابواب مفتوح مشاهده میگشت و سبب این بود که از هر فکری فارغ
بود و لسان بذکر حق ناطق و نام مبارک ورد دائم و نفعات
روح القدس مؤید جان و دل و آلا این ذره را چه قدرتی و این قطره
را چه وسعتی باری ایران ویران و جمیع خلق مشغول بیکدیگر جانها
بامان آمده و دلها از پریشانی فریاد و فغان نماید استعداد

عظیم حاصل گشته باید یاران الهی علی‌الخصوص حضرات ایادی امرالله
 دقیقه‌ای آرام نگیرند جمیع فکر را در آن حصر نمایند که این بنیاد
 الهی بلند شود و نسیم رحمانی ایران را معطر کند پس ای حضرات
 ایادی امرالله در حق من تضرع و ابتهال کنید من نیز در حق شما
 عجز و زاری کنم که قوتی آسمانی و موهبتی رحمانی و نصرتی ملکوتی و
 تأییدی ربّانی و فتوحی لاهوتی حاصل گردد کلاً موفق بآنچه باید و
 شاید شویم تا انوار صبح هدایت را در خاور و باختر منتشر کنیم
 مانند نفوس مبارکی که در ظلّ حضرت مسیح بودند بجانفشانی برخیزیم

* ص ۱۳۲ *

و بمنتهای وفا موفق شویم و همواره بخاطر آریم که آن دلبر باوفا
 چه جفا کشید و چه قدر زحمت و بلا دید و چگونه اسیر سلاسل و اغلال بود
 تا ما بیچارگان را چاره دهد و ما ذلیلان را در ملکوت خویش عزیز
 فرماید بشکرانه این الطاف باید در هر دم صد جان نثار نمائیم
 عبدالبهاء از شدت شرم و حیا بجمال ابهی قسم که آرزوی فنا
 نماید زیرا در مقابل این عنایت نفسی بشکرانه نکشید و تا بحال بقطره‌ای
 از خدمت موفق نشد مگر آنکه حضرات ایادی امرالله تضرع بملکوت
 ابهی نمایند و این بی بهره را نصیبی از موهبت خدمت طلبند بلکه
 من بعد حرکت مذبوحی نمایم و جان و دل تسلّی جوید و بذره‌ای از
 عبودیت موفق شود و علیکم البهّاء الأبهی ع ع
 یا ایادی امرالله بجهت نصرت و قوت حضرات ایادی امرالله بهر وسیله
 تشبّث گشت که مافوق آن تصوّر نمیشود حتی مکاتیب مفصله عبدالبهاء و
 البتّه ملاحظه بتکرار خواهید فرمود بلی در چند سنه پیش چنین بنظر آمد که
 هر یک حکم دورای داشته باشند یا بیشتر و این را من فکر کردم محض محبّت
 ولی بعد ملاحظه کردم که در مستقبل بکلی شریعت الله مختل میگردد زیرا البتّه
 اصحاب نفوذ از ملوک و غیره یک وقتی پیدا خواهند شد و این را قیاس
 خواهند نمود هر یک از برای خویش تعدّد آراء بلکه تا صد قرار خواهند گذاشت
 و بکلی مشورت را منسوخ و مهمل خواهند نمود و اساس شریعت الله منهدم خواهد
 گشت لهذا موقوف نمود حال ایادی امرالله الحمد لله مؤید بمحبّت عبدالبهاء

* ص ۱۳۳ *

هستند این از هزار رأی بهتر است باید بعون و عنایت جمال مبارک
روحی لعتبه تربته الفدا بچنان نورانیته موفق شوند که کلّ بقلب و جان تعلق
یابند و علیکم بهاء و لكم العزة الابديه فی الاخرة و الأولى ع ع
مقابله شد

همدان بواسطه حضرت شهید ابن اسم الله الاصدق
جناب آقا یهودای آقا اسمعیل جناب آقا سلیمان آقا اسماعیل کاشانی جناب
آقا یهودای آقا الیاهو جناب آقا عاشور جناب حاجی حکیم هارون جناب
حاجی مراد یوحنا خان جناب حاجی میرزا طاهر جناب آقا مهدی آقا اسماعیل
جناب آقا مهدی آقا یاری جناب حکیم موشی حیم جناب آقا عزیز ولد
الیاهو جناب آقا سلیمان آقا اسماعیل جناب حاجی موسی کلیمی جناب
آقا یهودا آقا سلیمان جناب آقا عدرا ولد یوسف جناب آقا میرزا
سلیمان آقا یعقوب جناب آقا مراد الیاهو حکیم دانیال جناب حاجی
حکیم داود جناب آقا داود آقا ابراهیم کاشانی جناب حکیم عزیز جناب
آقا مراد آقا جان آقا افرایم جناب حاجی مهدی آقا رفیعا جناب
آقا اسحق آقا یوسف عراقی جناب آقا حیم ملاً یوسف جناب آقا عدرا
حکیم بابا جناب آقا الیاهو آقا العازار جناب آقا یوسف آقا العازار
جناب میرزا ابراهیم ولد رفائیل جناب آقا یوسف آقا شمعون جناب
آقا بنیامین خرازی فروش جناب حاجی یهودای آقا مراد جناب

* ص ۱۳۴ *

آقا میرزا عبدالرحیم خان حافظا الصّحه جناب آقا هارون شالوم جناب
آقا یوسف استاد یعقوب جناب آقا شالوم جناب آقا موسی آقا
یوسف عراقی جناب آقا مهدی آقا رحیم جناب آقا اسحق آقا یوسف عراقی
علیهم بهاء الله الأبھی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای یاران ربّانی من این یقین و مسلم است که حضرت بیچون در جمیع
شئون بغنای مطلق موصوف و برحمت واسعه مشهور و بفیض ابدی مألوف
و بعبط بر عالم وجود معروف ولی نظر بحکمت بالغه و امتحانات فارقه تا

آشنا از بیگانه امتیاز یابد حقوق بر عباد خویش واجب و مفروض فرمود
 نفوسی که اطاعت این امر مبرم نمودند ببرکت آسمانی موفق و در دو جهان
 روی روشن و مشام از نسیم عنایت معطر کردند از جمله حکمت های بالغه اینکه اعطای
 حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس گردد و نتایج عظیمه بارواح و قلوب بخشد
 و در موارد خیریه مصروف گردد حقوقی که در سنه ۱۳۲۶ جمع نموده بودید در
 درگاه احدیت مقبول شد و البته بواسطه یاران صادق در مواضع لازمه
 مصروف گردیده مدرسه تأیید را بسیار اهمیت دهید بجمع وسائل تشبث
 نمائید که ترقی عظیم نماید و در بین مدارس ایران ممتاز و شهیر گردد زیرا تعلق
 باین امر خطیر دارد عبدالبهاء از سعی و کوشش شما با نهایت رضا بدرگاه
 کبریا تضرع و زاری نماید و شما را در هر روزی تأییدی جدید خواهد و علیکم
 البهاء الأبھی ع ع مقابله شد

* ص ۱۳۵ *

ط مناجات طلب مغفرت بجهت ورقه متصاعده الی الله امة الله آقا
 شاهزاده علیها بهاء الله

خط مبارک

هو الله اللهم یا من سبقت رحمتک و عظمت مغفرتک و جل احسانک و شاع عفوک
 و ذاع صیت فضلک و سطعت انوار غفرانک فی افق الامکان اتی بکل
 عجز و ابتهاج اتضرع الیک یا ذا الجلال ان تشمل امتک المتصاعده الیک
 بلحظات عین الرحمانیه و تلبسها خلع العفو من حلال الجنة الربانیة و تنور
 وجهها بنور العفو و الصفح فی ظل شجرة الوجدانیه ای رب ادرك امتک الربانیة
 بنفحات قدس مغفرتک المعطرة الروحانیة و انزلها نزلاً مبارکاً و اضمد جرح
 بمرهم اللقاء و ادخلها فی حدیقة قدسک حیث تشاء و انزل علیها ملائكة
 رحمتک تثری و ظلل علیها شجرة طوبی ائک انت الغفور الکریم الوهاب
 ع ع مقابله شد

طهران بواسطه حضرت شهید ابن اسم الله الأصدق علیه بهاء الله الأبھی
 اماء رحمن

خدیدجه سلطان بیگم سلطان لقائیه هویه روحا طلیعه بتول حشمت
 قدسیه شوکت منور منیره ثنائیه هویه تاج ماه قدسیه

ملوک فروغ ثابتہ بھیمہ محترم لقائیہ طوبی لقائیہ قدسیہ روحی
سرور بتول آغا جان ماہ سلطان بزیمہ طائرہ آغا بیگم معصومہ

* ص ۱۳۶ *

کشور طوبی میرزا باجی شمس جهان لمیعه امة البهء ضیاء الحاجیه علیها و
علیہن بہاء اللہ الأبھی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای ورقات رحمانیہ اماء رحمان نامہ های شما نفعه مشکبار بود و نافه اسرار
زیرا ترتیل آیات توحید بود و بیان ایمان و ایقان بطولع نور مبین از قرائت
نهایت مسرت حاصل گردید و فرح و انبساط روحانی رخ داد و شکرانه
بدرگاہ اسم اعظم تقدیم شد کہ الحمد لله اماء رحمان بتحصیل علم و عرفان مشغولند
و بتتبع حجت و برهان مألوفند عبدالبهء در نهایت عجز و نیاز بملکوت راز
تبتل نماید و از برای آن کنیزان عزیزان تأیید غیبیہ و الہامات لاریبہ
طلبد تا در زجاج قلوب سراج موهبت کبری برافروزد و انوار یقین قلوب
را افق مبین فرماید دیدہ ہا مشاہدہ آیات کبری کند و صدور منشرح بفیوضات
ملاً اعلی شود ہر دلی دفتر اسرار گردد و ہر فکری کتاب مبین الہام شود ملاً اعلی
ادراکات لوح محفوظ گردد و عقول و نفوس رق منشور شود و جمیع اسرار وجود
و حقائق و معانی سرسجود مفہوم و معصوم گردد الہی الہی ہولاء اماء اخترتہن
من بین امائک و اجتیبتہن لاقتباس تجلیاتک و اصطفیتہن لأعلاء کلمتک و
نشر نفعاتک و اوقدت فی قلوبہن نار محبتک و شرحت صدورہن
بآیات توحیدک رب اجعلہن ناطقات بحججک و برہانک و منبأت
بقدرتک و سلطانک و ناشرات للوائک و رافعات لرایات احدیتک
و تکفہرات من افق موهبتک و منجذبات الی طلعتک و مبشرات بأمرک

* ص ۱۳۷ *

و منذرات من قہرک و مرتلات لألواحک و کاشفات الأسرارک انک
انت المؤید لمن تشاء بما تشاء و انک انت القوی المقندر العزیز المحبوب

مقابله شد

ع ع

همدان جناب میرزا یوحنا خان جناب حاجی یهودا جناب آقا سلیمان
 جناب آقا اسماعیل جناب آقا شالم جناب آقا یهودا خلف مرحوم الیاهو
 جناب حاجی میرزا طاهر جناب آقا یهودا آقا مطیا جناب آقا یهودا
 آقا سلیمان جناب آقا عزیز جناب آقا هارون نجل آقا حیم جناب
 حاجی موسی جناب حاجی مهدی جناب حاجی حکیم هارون جناب
 حکیم عزیز جناب میرزا نورالله جناب آقا اسحق جناب حاجی رحیم
 جناب آقا علی اکبر آنتیکه چی جناب آقا میرزا محمد رضای جدید جناب
 حافظ الصّحه جناب آقا مهدی بزّاز جناب حاجی میرزا آقا جان جناب
 حاجی میرزا یوسف جناب آقا محمد باقر نراقی علیهم بهاء الله الأبهی
 یا صاحبی السّجن هو الله

ای یاران عبدالبهاء شکر کنید خدا را که بنور هدی روی روشن و
 خوی مشکبار شد در یوم ظهور بظّل ربّ غفور در آمده از شوائب شکوک
 محفوظ و مصون ماندید دیده بینا گشودید و آثار تجلی خداوند یکتا
 مشاهده نمودید شعله طور و لمعه نور از فراز سینا چنان تجلی نمود که
 ساحت دلها و فضای جانها تابنده و درخشنده گردید این الطاف

* ص ۱۳۸ *

شایان شکرانه حضرت بدیع الاوصافست و اگر در قرون و اعصار زبان بمحامد و
 نعوت پروردگار پردازد از عهده این شکر بر نیاید لهذا بکمال عجز و انکسار بعتبه
 مقدسه پروردگار تضرّع و زاری میگردد که بلسان کبریا شکرانه الطاف خویش
 از قبل احبّا فرماید ای یاران الحمد لله در جمیع موارد قائم بخدمتید و
 خدماتتان در آستان مقدّس مقبول و محبوب و امید چنانست که در آینده بیشتر از بیشتر
 در تنظیم امور و تأسیس دبستان و ترفیه ایتم بکوشید رمس معطر حضرت متصاعد
 الی الله من ادرك الرفیق الاعلی جناب اسم الله الأصدق را تعمیر مکمل فرمائید
 و آنچه مصروف گردد دین عبدالبهاست مرقوم دارید ارسال میشود ع
 مقابله شد

خط مبارک

هو الله ای منادی پیمان و ایادی حضرت یزدان نامه مرسوله از مرو ملاحظه گردید سبب
 نهایت سرور شد نقشه بنا بسیار مقبول و مرغوب بهمین قسم بنا نمایند و خود
 آنحضرت بسبب قضیه زمین ابتیاعی طهران که شخصی مدعی بیع شرط شده است

باید موقت بطهران تشریف ببرید و بعضی از بزرگان و امانا طالب اطلاع مطالبند
آنان را نیز ملاقات فرموده زیرا این کار از شما بر میاید بعد از اتمام این امر
بیادکویه مراجعت میفرمائید ع ع مقابله شد

* ص ۱۳۹ *

هو الأبهی ای مشتاق جمال ذی الجلال علیک بهاء الله و جوده و فضله فی جمیع الشئون
الحمد لله که انوار عنایت از افق ابهی طالع و لائح و فیوضات رحمانیت از غمام
فضل وجود متتابع و متماطر نظر عنایت الهیه شامل حال دوستانست و سیل
الطاف از یمین و یسار در فیضان پس ای احبای جمال قدم بشکرانه این فضل
اعظم بر نصره امر قیام نمائید که در ملکوت ابهی با رخی روشن وارد گردید و الروح
والبهاء علیک و علی اهل البهاء ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الأبهی ای بنده درگاه حق در حالتی بذکر تو مشغولم که نه قلم یارای تحریر دارد و نه
لسان توانائی تقریر در شدت انجذاب و اهتزاز همراز و دمساز تو گشتم و در منتهای
اضطرار و اشتعال بیاد تو افتادم خدا میداند که چه حالت دارم اگر نفعه
از این بوستان بمشامت رسد قلم از دستت اوفتد و نامه از هم در رفته
پاره پاره گردد بلکه از شعله نار محبت الله بسوزد با وجود این من بیاد تو
مشغول ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الأبهی ای شمع محفل عرفان نفسی از نفوس مبارکه در ورقه منشوره اش نام آنحیب روحانی

* ص ۱۴۰ *

را مذکور داشت از قرائت آن اسم فرح روحانی رخ داد و گشایش
وجدانی حاصل شد از اسم نفحات مسمی استشمام شد و از اشارات
ذکر شئون مذکور مشهود گردید از شدت ارتباط قلوب اعراض
حکم جوهر پیدا نموده و مجاز تأثیر حقیقت یافته الفاظ قوت معانی جسته

و عبارات حقیقت اشارات و بشارت معانی مجرّده شده کلمه حکم کتاب گرفته و حرف سمت فصل خطاب یافته جمیع این فیوضات از فضل وجود سلطان وجود است که در این عصر جدید و قرن بدیع باحبّای رحمن عنایت گردیده والروح و البهء علیک ع ع مقابله شد

هو الأبهی ای مشتاق جمال ذوالجلال علیک ثناء ربّک و بهائه و فضله و احسانه و جوده و عنایتہ امروز شأن نفوسی که در ظلّ کلمه الهی هستند اینست چون نجات ریاض الهیه بهر مشامی رسند چون طیب معنوی معطر نمایند و چون نسائم گلزار احدیت ربّانیه هر مرده ای را جان بخشند و چون شجره طیبه ثمرات شهیه بار آورند و چون طیور هوای عرفان در اوج عنایت حضرت رحمن بر پرند الیوم هر کینونتی لطیف تر گردد نورانی تر میشود و هر قلبی استعدادش بیشتر شود انوارش تابانتر گردد و البهء علیک ع ع مقابله شد

* ص ۱۴۱ *

اللهمّ یا الهی انت الذی احاطت قدرتك ملکوت الاشیاء و تموّجت البحر فضلک و غفرانک علی ارواح الاصفیاء اسئلك بسماء رحمتک و شمس موهبتک و افق فضلک و طمطام جودک و نیر احسانک و سحاب الطافک ان تغرق من رفعتہ الیک فی لجج رحمانیتک و نشمله بلحظات اعین غفاریتک و تحیزه فی جوار رحمتک الکبری و ملکوتک الأبهی و تدیم علیه سجال موهبتک العظمی فی فردوسک الاعلی انک انت الملك الفضال الجواد الکریم ع ع مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو الله سبحانه اللهمّ یا الهی انی اتوجّه الیک بوجه ناظر الی ملکوت رحمانیتک و قلب خافق بمحبّه طلعة فردانیتک و روح مستبشر بنفحات قدسک

وعين منتظرة لبشارات عفوك ومغفرتك اي ربّ انّي سقيم
اشفنى بلطفك وجودك واتيّ عليل ابرئني من كل داء بفضلك
واحسانك ربّ قد اشتدّ على الاسى واستغرقت في بحر الجوى
لما سمعت الناعيّ يعنى بصعود امتك الطيبة الطاهرة الورقة الثوراء
وآية محبتك الغراء وهى راجعة عن طواف التربة المباركة المعطرة
الأرجاء متحمّلة مشقّة الطريق وتعب السبيل وهينة العظم علية الجسم
نحيفة الأعضاء نحيلة الجوارح ملتبهة الاحشاء...^{١٠} الدموع...^{١١} الفواد

* ص ١٤٢ *

بنار محبتك وكانت تقطع البحور والجبال وبطون الاودية والاكام
متذكّرة بذكرك منجذبة اليك نحن الى رياض ملكوتك مشتاقّة
للقائك متمنية مشاهدة جمالك متعطّشة الى الورد المورود فى
سبيلك والصعود الى سماء قريبك فسمعت نداءها واجبت دعائها
ويسرّت نيتها وسمحت بفضلك بغيثها ورفعته اليك فى
مدينة سميت بمدينة عشقك ومعشورة حبك مرتفع منها نداء احبائك
متاجح فيها نار محبتك محشور فى خلالها زمرة اصفائك فقاموا على
خدمتها وكرموا مشاها واهتموا باحتفالها وشوا تشييعاً لنحشها
والقلوب مشحونة بالحسرات والعيون فائضة بالعبرات والنفوس
من شدة المصاب فى سكرات الى ان اوروها فى...^{١٢} و
غابت عن الاعين اشعة شمسها ونصرة وجهها وبشاشة مطلعها
اي ربّ طيب تربتها نصيب موهبتك التى انعمت بها على قرينها
اي ربّ أنّها قرينه عبدك الذى خضع لسلطانك واذعن ببرهانك
وانجذب الى جمالك واستشرق من انوارك عندما بنغ كوكب الهدى
من مطلعك الأعلى وقام على خدمة امرك وتحمل كل مصيبته فى سبيلك
واعتق البلاء ابتلى باشدّ العقاب وسؤ العذاب من الذين غفلتاً
عن ذكرك ثم دخل باب حطتك وانس بجمال قدسك وقاسى كل
بلاء بالحسن المنيع ووقع تحت مخالبا ذئاب كاسرة واسنان كلاب
خاسرة الى ان نجيت بفضلك وجودك وخلصته من قيود اهل البغضاء

^{١٠} كلمه اى خوانده نشد.

^{١١} كلمه اى خوانده نشد.

^{١٢} كلمه اى خوانده نشد.

و كبول عصبه الضغينة و العدوان فقام على نشر نفحاتك فى كل مكان
و زمان و اقامة برهانك لكل انسان و نشر آثارك و بيان اسرارك
و توضيح لأوامر و تشريح المسائل و تأويل المتشابهات و تفسير الآيات
البيانات و ازالة الشبهات بما الهمة بتفسير الكلمات و اكرمه بهبات
وافرات ثم قدرت له بفضلك و جودك الوقوع فى السجون مراراً
و تحت السلاسل و الأغلال كراراً و لم يزل يتقبل القيود و يستقبل الكبول و
يتمنى البلاء فى حبك و التجرع من كأس الجفاء فى سبيلك و الكواسر
المفترسه عن يمينه و الجوارح الكاسرة عن يساره و جنود الظلم الغائرة
عن ورائه و هو يدعو الناس الى منهجك القويم و صراطك المستقيم
و لا يفتر فى ذكرك و لا يهن فى اعلاء كلمتك و لا يسكت عن بيان
برهانك الى ان تشرف بمشاهدة انوارك فى العراق و الفوز بتقبيل عتبة
قدسك فى الآفاق و فاضت عليه غيوث عطائك و ماج عليه بحور
الطافك و استغرق فى لجة احديتك ثم ارجعته الى البلاد حتى
يهدى العباد و يدعوهم الى سبيل الرشاد و بذل الجهد الجهد فى
هداية اهل ذلك القطر السحيق فأحى معالم ذكرك و اهتّم بتشعشع نورك
و خاض غمار البلاء فى سبيلك و وقع فى كل بئر لقرار لها . . . ١٣ بالبلاء
فى محبتك الى ان وهن عظمه و . . . ١٤ جسمه و غارت قواه و ارتعشت
اعضاه مع ذلك سعى للورود فى السجن الاعظم و الوفود على باب بيتك
الأكرم و احتفلوا احبائك بملقاه و اغتنموا رؤياه ببشاشة كبرى و

فاض عليه بحر موهبتك العظمى و تشرف بالمشول و الاصغاء و نال الطافاً
لا يحصى و طفح كأس قلبه بصهباء الاعطاء و فاضت عيناه بدموع السرور
فى محضر اللقاء و شكرك على هذا الفضل العظيم و الجود المبين و امرته بالرجوع
الى تلك المعاهد و الربوع التى انتشر فيها ذكرك و ارتفع فيها بذلك
حتى يسقى الظماء من معين الحيات و و يطعم الجياع من موائد السماء فرجع
متهلل الوجه متشعشع الجبين قرير العين مستبشر الروح بعناياتك الطافحة

١٣ كلمة اى خوانده نشد.

١٤ كلمة اى خوانده نشد.

الكأس عليه من كل الجهات وهو مع جسمه النحيف يقطع السبيل ويقيم
الدليل على فيضان بحرك العظيم و سطوع نورك المبين و تشریح اياتك
بين العالمين و اقامة بيناتك للظالمين الى ان فدى روحه في
سبيلك و سعد اليك و ورد عليك و اكرمت مثواه و يسرت مناه و
زينت ماواه و هو الشهيد في هذا الكور الجديد حيث قدرت له
اجر من سفك دمه في سبيلك و فاض روحه في محبتك اى رب
هذه امتك التى كانت قرينة له و شريكة في كل بلاء و صاحبته
في المصائب العظمى و الرزايا التى لا يتحملها الا كل نفس منقطعة منجذبة
مشتعلة بنار محبتك بين الاحياء اى رب اعل مقامها و اسمح بمرامها و حقق
مناها و ادخلها في فردوسك الأبهى في ظل شجرة انيسا جوار رحمتك
الكبرى و شرفها باللقاء و اغرقها في بحر العطاء حتى تتباهى بمواهبك
التى لا تحصى انك انت الكريم انك انت الرحيم و انك انت
الغفور العفو الرؤف المنان القديم ع ع مقابله شد

* ص ١٤٥ *

بواسطة جناب سر رشته دار جناب رضا خان سرتپ عليه بهاء الله

يا صاحبى السجن

هو الله اى سرتپ در صف و تپ ملاً اعلى درآ و صف جنگ روحانيان بيارا
بقوة ايمان و ايقان هجوم كن و بسلاح صلاح شبيخون زن و بنار
محبت الله قيامتى بر پا كن تا لشكر ضلالت متلاشى شود و صفوف
نفس و هوى در هم شكند و قوه جنود هدى ظاهر و آشكار شود
حرب جسمانى را رونقى نه و ثمر و نتيجه نيست ايامى چند مذکور و بعد از
مدتى قليله مظفر مقهور گردد و غالب مغلوب شود اما جنود الهامات
غيبية چون بر ظنون غالب و قاهر شود لشكر اوهام چنان متلاشى
و پريشان گردد كه اثرى باقى نماند پس اين ظفر و غلبه را مركزز خاطر
بدار و عليك التحية و الثناء ع ع مقابله شد

هو الله

ق امة الله ضلع جناب آقا محمد جواد عليها بهاء الله الأبهي

الله ابهي اي امة الله ورقة مطمئنه كه بنسيم جانبخش الطاف جمال ابهي مهتر
و برشحات سحاب غيامتش مخضر و بفيض احسانش پرتراوت است فخر و مباهات
بر حوريات فردوس مينمايد و در غرفات قدس در ظل شجرة انيسا

* ص ۱۴۶ *

بدايع الحان بمحامد و نعوت حضرت حي قيوم قيام كند پس تو
بكوش تا در ثبوت آيت مستقر باشي چه اقدام در تزلزل و اضطراب
است ع ع مقابله شد

طهران بواسطة جناب آقا محمد علي عليه بهاء الله الأبهي
جناب آقا ميرزا علي اكبر و جناب آقا علي اصغر عليهما بهاء الله الأبهي

هو الله اي دو برادر مانند دو پيكر جوزا را بفارسي دو پيكر نامند و آن برجی
است در آسمان كه مزین بچند ستاره است از اجتماع آن
ستاره ها تشبيه بدو تن نموده اند لهذا دو پيكر ناميده اند حال
شما دو برادر چون در برج هدايت طلوع نموديد شبهه نيست كه
مانند دو پيكر يا فرقدان در افق ايمان روشن و تابان خواهيد
شد و مظهر الطاف بي پايان خواهيد گشت و مورد عنايت
حضرت يزدان خواهيد شد ثبوت و رسوخ بر پيمان جاذب
توفيقات حضرت رحمن است تا بتوانيد بكوشيد كه ثابت و
مستقيم بر صراط نباء عظيم و متمسك بر پيمان مليك كريم مانيد و
عليك البهاء الأبهي عبدالبهاء عباس مقابله شد

* ص ۱۴۷ *

خط مبارک

هو الله ای امین عبدالبهاء فیوضات ارسال میگردد فی الحقیقه زحمات شما و حاجی در آستان حضرت دوست مانند آفتاب آشکار است و این از این جهت است که از خود بیخبرید و از خود خیالی ندارید منتهای آرزوی شما خدمت بعبته مقدسه جمال ابهی روحی لعتبه تربته الفداست هنیئاً مرئياً لکما هذه الکأس الطافحة الدافقة برحیق موهبه الله احبای باوفای ایران الحمدلله در وقت سفر عبدالبهاء بارویا در نهایت ثبوت و استقامت جلوه نمودند فی الحقیقه یاران قدیم بسیار عزیزند زیرا مؤمن ممتحن و مجربند در بوتۀ هزار بلایا گداخته شده اند و در سیل الهی هزار صدمات دیده اند و از هر جام مصیبتی زهر مهلک در راه محبت الله چشیده اند لهذا عبدالبهاء نهایت اشتیاق از جان و دل بمشاهده روی یاران ایران دارد ولی عوانان هنوز مانع از حضورند اگر عبدالبهاء بآن صفحات شتابد تا روی یاران بیند فوراً ضوضاء برخیزد لهذا مجبور بر آن است که بدیاری دیگر سفر نماید که شاید عاجزانه در عبودیت آستان مقدس حرکتی نماید اما هوای یاران ایران چنان در سر است که دریای اشتیاق در دل و جان موج زند دعا کنید که روزی آید که این موانع زائل گردد تا عبدالبهاء بنهایت آرزوی خویش رسد ایرانیان گوش بنصائح عبدالبهاء نمی دهند

* ص ۱۴۸ *

و بموجب تعالیم جمال مبارک نظم مملکت نخواهند تا کل راحت و آسایش یابند لهذا خداوند چنین اسباب فراهم آورده است که عبدالبهاء سفر کشور فرنگ نماید و در بهار بامریک شتابد که شاید در خدمت آستان مقدس نفسی کشد لیس ذلک علی الله بعزیز ولی در خویش ابداً لیاقتی نبیند مگر آنکه الطاف حق شامل گردد ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله ای امین من میدانمی که حضرت اسم الله الأصدق علیه بهاء الله الأبھی چه قدر جانفشان بود و بچه مثابه خدمت باستان مقدس نمود و چه قدر خالص و پاک و تابناک بود لهذا عبدالبهاء زیارتی بجهت آن شخص جلیل مرقوم نمود که در مرقد پاک او تلاوت نمایند ولی قبر نورانیش در این مدت ساخته نشده است که زیارت خوانده گردد زیرا کسی اگر از خارج بر قبر مرور نماید نشناسد لهذا اگر ممکن خود شما و اگر ممکن نیست جناب شهید ابن اصدق بهمدان روید و دوپست تومان خرج آن قبر لطیف نمائید و بسازید
ع ع مقابله شد

* ص ۱۴۹ *

خط مبارک

هو الله ای ثابت صادق خدمات فائقه جناب حاجی غلامرضا محض محبت بایشان و شما مقبول گردید ولی بشرط آنکه از مبلغ موجود دیگر چیزی ابداً ارسال ندارند و در تجارت اندازند نفس جناب حاجی خدمت مجسم است علی الخصوص حال که باید معاونت شما را نیز بنماید و علیه البهء فی جمیع الشؤون والاحوال ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو محرمانه ای امین عبدالبهاء در بدایت ربیع الاول سنة ۱۳۳۰ مبلغ سیصد جینه که از طهران ارسال نمودی بجا رسید زیرا سفر امریک در پیش و جمعیت همراه و مصرف بی پایان یعنی برج و آلا خرج در نهایت قناعت در اسکندریه ملاحظه نمودید در پاریس یک روز بخشش برجی ششصد لیره شد ولی خرج جمیع ماها یعنی با همراهان با وجود گرانی پاریس نیم لیره و قس علی ذلک از امریک سه هزار و کسور جینه

بجهت مخارج طریق ارسال نمودند ولی بتمامه قبول نشد و اعاده گشت و مقصد چنانست که حتی مهمانی قبول نگردد و در این حکمت کلیه است باری جمیع یاران الهی را تحیت ابدع ابهی ابلاغ نمائید و رجای آن دارم که ششماه قصور مرا عفو نمایند

* ص ۱۵۰ *

زیرا در امریک بدرجه مشغول ملاقات و مکالمات و صحبت در محافل کبری و نطق در مجامع عظمی هستم که ابدأ فرصت تحریر ندارم انشاءالله بصون و عون جمال مبارک مراجعت میشود و تلافی مافات میگردد اگر ممکن بجهت مصروف امریک چیزی تلغرافاً نزد آقا احمد ارسال دارید و اگر ممکن نیست لزوم ندارد خود را در مشکلات قرض میندازید و علیک البهء الأبهی ع در دهم ربیع الاول سنه ۱۳۳۰

مکاتیب را احباب باسم آقا احمد و از آقا احمد باسم من ارسال دارند مانند سابق تغییر ندهند و از هر کس ارسال میدارند در پاکت باسم من باشد که من تسلیم آنان نمایم مقابله شد

خط مبارک

هوالمقتدر القدیر ای امین جمال مبارک حمد خدا را که این مسافه بعیده طی نمودی تا در لندن و پاریس همدم و انیس گردیدی بسا روز و شب که بذکر حضرت دوست و یاد یاران دمساز و همراز بودیم و ستایش یاران ورد زیان تو بود و سبب روح و ریحان این آواره کوه و صحرا و سرگشته و گمگشته بادیه و دریا شد الحمدلله که جمیع دوستان گلستان محبت الله را گل صد برگ خندانند و جویبار حقیقت را گل و ریحان

* ص ۱۵۱ *

و در امرالله ثابت و راسخ چون جبال ثابت و اعلام ناشره ای امین ملاحظه میفرمائی که ابدأ فرصت نگاشتن نه دیگر تواز قبل من عذر بخواه که در این سفر تحریر معسور بود و در ارسال رسائل معذور

بودم انشاء الله بعد از ورود بارض مقدّسه دوباره مباشرت
میگردد امید چنانست که تلافی مافات شود ای امین الحمدلله
موفق بآن شدی که ذکر خیر جمیع یاران و اماء رحمن بنمائی و آنچه
گفتی صحیح و مطابق واقع بود فی الحقیقه احبای ایران در سبیل
الهی جانفشانند و هر یک مانند سراج و هاج درخشنده و تابان
در راه خدا هر بلائی دیدند و هر صدمه ئی کشیدند و هر جام تلخی
نوشیدند گهی اسیر زنجیر بودند و گاهی در تحت تهدید شمشیر
جمعی رقص کنان در میدان فدا شتافتند و در قربانگاه عشق علم
افراختند و خانمان بیغما و تالان و تاراج دادند این نفوس
نفیسنند و این اشخاص بندگان صادق جمال مبارک حال تو
جمیع را از قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دار و کلّ را به تبلیغ امرالله
دلالت نما ملاحظه فرمائید که عبدالبهاء با وجود ضعف و ناتوانی
چگونه سربکوه و بیابان نهاده آنی فراغت ندارد و دقیقه ای
شب و روز راحت ننماید و در هر مجمعی فریاد برآرد و در هر محفلی
در آید و نعره یا بهاء الأبهی زند یاران باید همّتی فرمایند و پراکنده
در اطراف شوند و شب و روز مشغول بهدایت خلق گردند تا این

* ص ۱۵۲ *

جهان جنت ابهی گردد و سراج هدایت کبری در هر مشکاتی روشن
شود زیرا شرف مطلع شمس حقیقت است و منبت شجره مبارکه
و علیک البهء الأبهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

خط مبارک

هو الله یا حضرت امین علیک الطاف ربک الرحمن الرحیم الآن که در محیط اعظم آب
در کشتی آتشی در بین امواج سیر و حرکت میشود و من بیاد تو پرداختم
و این نامه مینگارم ولی از حرکت کشتی تحریر مشکل است مختصر اینست
که من جمیع امور را بحال خود گذاشته حتی ورقه مبارکه روحا در حالت خطر
بود و در نهایت انقلاب با وجود این چند روز تأخیر سفر را جائز ندانسته
اورا بجمال مبارک تسلیم نمودم و رضا برضای او دادم و الآن در دریا
در نهایت ضعف و بیمار هستم ولی شفای جان و دل حتی جسم توجه
بملکوت ابهست الحمدلله بیاد آن روی تابان حضرت جانان

و آرزوی کوی دلبر مهربان اوقاتی میگذرد و امید چنانست که در
این سفر مانند پشهٔ ضعیف اقلأ پرواز و حرکتی در بیشه عبودیت
جمال مبارک گردد آنه یؤید من یشآء بفضلہ وجودہ جمیع یاران الہی را
تحت ابدع ابھی ابلاغ دارید
ع ع مقابله شد

* ص ۱۵۳ *

خط مبارک

هو الله ای امین عبدالبهاء باز آمدیم باز آمدیم از راه فرنگستان آمدیم
بندهٔ آستان آمدیم از گلشن و گلستان آمدیم ولی افسوس
که باقلیم قبطیان آمدیم زیرا منجمدند و مخمود و باردند و غیر محمود نار
ذات الوقود این قوم را حرارت بخشد بالعکس اهالی غرب قوم فرنگ
که بسیار مستعد هستند و علیک البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله ای امین عبدالبهاء آفرین از ملاً اعلی بشنوزیرا در خدمت
باستان مقدس صادقی و در عبودیت جمال ابھی سهیم و قرین
عبدالبهاء شکر کن حضرت کبریا را که بچنین موهبتی موقق و موید شدی
مدح و ستایشی که در حق جمیع احبآء الله و اماء رحمن نموده بودی
فی الحقیقه جمیع مقرون بصواب الیوم اهل ملکوت از استقامت
و ثبوت احبآء و اماء الرحمن در نهایت بشارت و سرورند
و از این استقامت عنقریب نتایج عظیمه ظاهر خواهد شد الحمد لله
شرق پر اشتعالست و غرب پر انجذاب
و علیک البهآء الأبهی
ع ع مقابله شد

* ص ۱۵۴ *

خط مبارک

هو الله ای امین عبدالبهاء نامه های شما از عشق آباد و بادکوبه جمیع رسید از
تمشیت امور و تأدیة قروض حضرت افنان نهایت روح و ریحان
حاصل گردید اینست خدمت امرالله پس شکر حضرت بیچون نما که
چنین بخدمات گوناگون موفق شده و میشوی و این بدین سبب
است که از خود اراده ای نداری فانی در نوایای خیریه هستی نعوت
و اوصافی که در حق احبای عشق آباد نموده بودی جمیع عین واقع فی الحقیقه یاران
عشق آباد ثابت بر عهد و پیمانند و مستقیم در موارد امتحان از
آزمایش فتور نیارند بلکه بر ثبوت و رسوخ بیفزایند لهذا البتة
این طوفان امتحان بنشینند دوباره سود بمیان آید زیان موقت
اهمیتی ندارد زیرا دوباره برکت رخ بگشاید چندین مرتبه
این عقده مشکل گشا واقع شد بانابه و بدعا در روضه مبارکه
انحلال یافت یاران شرط فرموده بودند که دوباره افراط در
خرید نفرمائید باعتدال تجارت کنند ولی قدری در وعد
فتور نمودند و خرید موفور فرمودند لهذا این مشکلات حاصل
گشت باز بتدریج رفع خواهد شد بار دیگر روز تجارت آمد
جناب شیخ محمدعلی فی الحقیقه جانفشانست آنچه در حق او ستایش
نمائی سزاوار است موقست و مؤید جمیع یاران را تحیت ابدع
ابهی ابلاغ دارید سندی که حضرت افنان میرزا محمود بشما داده
که عندالطلب تأدیة نمایند آن سند را بخود ایشان

* ص ۱۵۵ *

تسلیم نمائید عبدالبهاء عباس مقابله شد

خط مبارک

هو الله ای امین عبدالبهاء نامه های متعدد شما وصول یافت و با وجود
قلت فرصت بنهایت دقت قرائت گردید زیرا مندرجات
جمیعاً مقارن حقیقت بود چون آن امین پر تمکین ابداً از خود

خیالی ندارد و هوسی در سر ندارد بلکه فانی محض است و
فادی بحت از یاران الهی ستایش نماید و از اماء رحمن نیایش
از نفسی شکایتی ندارد و در تزییف کسی حکایتی نکند لهذا موفق
است و مؤید و مقرّبست و مجرب در خصوص امة الله حکیم خاتون
ابداً و همی مکن جمیع اهل حرم از او راضی و او در کمال شکرگذاری
مطمئن باش ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله ای امین نور مبین فی الحقیقه بجان و دل در خدمات میکوشی
در عالم وجود هیچ مقصدی جز خدمت آستان مقدّس نداری
در جمیع موارد برستی و درستی و حق پرستی قیام ستایش جمیع یاران

* ص ۱۵۶ *

مینمائی و بنعت و توصیف جمیع اماء الرحمن میپردازی با کسی غرض و مرضی
نداری با کل خوشی و صادق و محبّ و مهربان طوبی لک من ذلک
ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله یا امین عبدالبهآء در اقلیم مصرم و شب و روز بدکریاران مشغول از مجمع
صلح عمومی امریک و از مجمع وحدت نژاد و از والی بستن امریک
و از اعظم و اکابر آن دیار و از مشاهیر و از احبّاً متتابعاً رسائل
دعوت نامه میرسد لهذا مجبور سفر امریکا هستیم با وجود ضعف
زیاد جسد و خستگی از کثرت اشغال و کثرت تحریر و بیداری شب
قوای جسمانی بکلی بتحلیل رفته باز باید این سفر طویل و عریض بشود
چاره نیست و مملکت امریک بسیار وسیعست و همه جا باید رفت
ولی توکل بجمال مبارک نموده بعون و عنایت او حرکت میشود شما

تضرّع و زاری فرمائید و از اسم اعظم روحی لعتبة تربته الفداء عبدالبها را
تأیید طلبید که شاید قدمی در این سفر در عبودیت بردارد و نفسی در
خدمت کشد زیرا تا بحال بقطره‌ای موفق نشده است و جز
خجالت و شرمساری بضاعتی ندارد جمیع یاران الهی را بکمال اشتیاق
تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید علی‌الخصوص جناب حاجی غلامرضا را

* ص ۱۵۷ *

وعلیک البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو الله ای امین عبدالبهآء نامه‌ها رسید فی الحقیقه در نهایت زحمتی و متحمل
مشقت و آنچه ستایش در حق احبای الهی و امآءرحمن نمودی جمیع
مطابق واقع من نیز چنین دانم و مطلعم و من شهادت میدهم که تو
خیرخواه عمومی و شاهد صادق لهذا در حق نفسی آنچه شهادت خیر
دهی مطابق واقع زیرا از خود غرضی نداری و در فکر نفس خویش
نیستی جمیع فکر منطف برضای جمال مبارک است و مقاصدت
خیر عموم جمیع یاران الهی را بکمال اشتیاق تحیت ابدع ابهی
ابلاغ نما من در محافل و مجامع عمومی شب و روز فریاد میزنم و
ما عدای این از کثرت مراجعت اهل مسائل فرصت تحریر یک
کلمه ندارم لهذا مختصر می‌نگارم که در هر جایی پیش منی از من
انفکاک نداری باید در آن صفحات بخدمات پردازای جمیع یاران
الهی و امآءرحمن را فرداً فرداً تحیت محترمانه برسان ع ع
مقابله شد

هو الله * ص ۱۵۸ * ای امین عبدالبهآء نامه بیست سوم رجب رسید خدمات

تو همیشه در نظر است آنی فراموش نگردد فی الحقیقه بجان و دل
میکوشی که خدمتی باستان مقدس نمائی غرضی نداری و مقصودی
جز رضای الهی نجوئی از طول سفر در بحر و بر مشقت عظیمه شام و

سحر و عدم راحت و بیخوابی و خطابه‌های مفصل در مجامع عمومی ضعف
و انحلال جسمانی حاصل از طلوع آفتاب تا نیمه شب در آمریکا
یا سؤال و جواب بود یا نطق و خطاب از عدم موافقت هوا
و تب عصبی در هر روز این قالب ترابی تحمّل ننموده بنهایت
ضعف و انحراف رسید لهذا از ورود پورتسکید تا بحال صحت
بکلی مختل و قوی زائل ولی چند روز است در رمله قوتی حاصل
و تحریر ممکن لهذا مشغول بنوشتن گشتم جمیع احبای الهی را از قبل
عبدالبهاء نهایت محبت و اشتیاق ابلاغ دار شب و روز
بیاد دوستانم و سر بر آستانم و طلب تأیید ملکوت ابهی مینمایم
امیدم چنانست که من بعد مکاتبات مسلسل شود و بعون و عنایت
جمال مبارک قلم بحرکت آید و با یاران الهی مکاتبه شود و تلافی مافات
گردد و علیک البهّاء الأبهی عبدالبهّاء عبّاس
مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو * ص ۱۵۹ * ای امین عبدالبهّاء دو مکتوب از شما رسید و مضامین معلوم گردید
حمد خدا را که عبدالبهّاء در این ایام بعد از سجن چهل سال از انتشار
نفحات الله در اروپا در نهایت روح و ریحانست تأییدات
اسم اعظم و توفیقات جمال قدم جمعی از نفوس این بلاد را مظاهر
سنوحات رحمانیه نموده و تاج هدایت کبری بر سر گذارده بنظر چنان
میآید که بفیض ملکوت ابهی امرالله قوامی عظیم در این اقلیم خواهد یافت
این موران ضعیف را قوه حرکتی نبود ولی برکت ملکوت الهی شامل
شد و مدد باین پشه شکسته بال رسید آنچه شد تأیید او بود
والّا ما را چه لیاقتی و چه قوه و استعدادی الحمدلله ملیک مقتدر
با جنود ملائکه مقرّبین جنگ میفرماید و در شرق و غرب فتوحات
عظیمه مینماید این عبد از کثرت مراوده و معاشرت فرصت تحریر ندارد
لهذا دو ماهست که ابداً بنگاشتن جواب یاران نتوانستم
پرداخت شما عذر بخواهید از این قضیه بسیار شرمسارم ولی
چه توانم مجبورم و معذور تو الحمدلله بخدمت موقّعی و در حضور یاران
الهی خاضع و خاشع ستایش از احبای عشق آباد و مرو و بادکوبه و
سمرقند سائر جهات ترکستان از رجال و نساء و اطفال نموده
بودی فی الحقیقه عین واقع است آن نفوس مبارکه را نهایت

آرزو انجذاب بنفحات الله و انقطاع از ماسوی الله و اعلاء
کلمة الله و خدمت بامر الله است فرداً فرداً هر یک را از

* ص ۱۶۰ *

قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دار و تحیت ابدع ابھی برسان
الحمد لله کل در عبودیت آستان مقدس شریک و سهیم عبدالبهاء
هستند و بجان و دل انیس و ندیم حرکت جناب آقا شیخ علی اکبر
بسمت مازندران بسیار خوب واقع تلگراف که از عشق آباد باسم
مستر دریفوس بود نرسیده من بعد اگر تلگراف مینمائید وجه را دو
مقابل بدهند تا حتماً برسد و جواب بخواهند جناب آقا حسینعلی را
تحیت ابدع ابھی برسان جناب آقا علی اکبر عباس اف و جناب
آقا مشهدی یوسف و جناب حاجی عبدالرسول و سائر احباب را
فرداً فرداً از قبل من نهایت مهربانی تبلیغ نما حضرت افنان سدره
مبارکه جناب آقا میرزا محمود را نمیدانم بچه لسان ذکری از خلق و خوی
او نمایم الحمد لله عالم افنان بوجود ایشان روشن است همین قدر بس
است شما بهر سمت که مصلحت بدانید حرکت نمائید ع ع
مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو الله ای جناب امین الحمد لله خود حاضر شدی و ملاحظه نمودی که این عبد
در دریای مشاغل و غوائل و اوراق و مکاتیب باطراف غرق است
دقیقه ئی آرام ندارد و ابداً راحت نجوید با وجود این مکاتیب از ده
یک جواب مرقوم میگردد بلکه بعضی اوقات از بیست یک زیرا

* ص ۱۶۱ *

فرصت مفقود و اگر ده کاتب متماداً بنگارند از عهده بر نیایند
تا چه رسد بیک قلم ولی احبای الهی کلاً و طراً در جمیع احوال
و احیان در محفل دل و جان حاضر و در شبستان فوآد و وجدان
مانند شمع لائح یاران ترک و تاجیک و فرس و امریک مسلمان

و کلیمی و زردشتی و مسیحی کل مانند امواج در هر آن از پیش نظر دل
و جان میگذرند نامه مفصل بانان مرقوم گردید و در طهران طبع شد
و انتشار بجمیع جهان گشت همین نامه دلیل کافی وافی است که عبدالبهاء
یک نفس از یاد احباً فراغت ندارد و علیک البهء الأبهی ع ع
مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو الله ای امین عبدالبهاء نامه های شما رسید و سبب فرح و سرور گردید
زیرا مژده از انجذاب و انبساط یاران داد و بشارت ترقی امرالله
بسبب خلوص و ثبوت و استقامت دوستان حتی ستایش اصفیاء
بود و ناطق بنعوت و اوصاف احباً شکر خدا را که چنین نفوسی در
ظلّ امرالله مبعوث شدند که جانفشانی نمایند و تأیید و توفیق آسمانی
بانظار بنمایند علم وحدت عالم انسانی برافرازند و جهان را از قید
جهل و نادانی برهانند بنیاد تعصب براندازند و اساس تقرب بارگاه
کبریا بنهند این نفوس جواهر وجودند و لطائف موجود الحمدلله در

* ص ۱۶۲ *

آفاق ندای الهی بلند است و از هر سمت نفوس انسانی بظلّ شجر رحمانی
میشتابند آهنگ ملاً اعلیٰ بجمیع اقالیم رسیده و نغمات طیور
گلشن ملاً اعلیٰ ارکان عالم را باهتزاز آورده و با وجود این خراطین
در فکر آند که این بنیان متین براندازند و اشعه ساطعه نور مبین
پوشانند از آهنگ بلبل وفا بیزار کنند و با زاغ و زغن گلخن
جفا همدم و همراز نمایند بحر محیط را از موج باز دارند و ماء منتن غدیر را
ماء حیات گویند و بنوشانند از نهر فرات محروم کنند و از ملح
اجاج سیراب نمایند هیهات هیهات اگر شهناز عندلیب
را از جهان منقطع شود نعیب زاغ بد آواز مقبول آذان اهل راز
نگردد و رائحه طیبه جنت علیا اگر منقطع شود رائحه خبیثه دفراء
مقبول اهل انتباه نشود این وهم است وهم و اشعه ساطعه
میثاق بر صدور و اعین اهل نفاق سهم است سهم باری یاران الهی را
از قبل عبدالبهاء هر یک پیام اشتیاق برسان و تحیت ابدع ابهی ابلاغ
فرما و بگو که اسیر چاه عبدالبهاء مظلوم بکشور ماه کنعانی رحلت نمود
و از فیوضات عتبه مقدسه امید چنان دارد بلکه در سفر بخدمتی موفق

گردد و بعبودیتی قیام نماید ای یاران الهی وقت میدانست و هنگام
بدل همّت و جانفشانی هر وقت چنین فرصت بدست نیاید
هر نفسی بفکر خود مشغول و بترویج مقاصد سیاسی مألوف و در
نزاع و جدال شب و روز فرصت امر دیگر ندارد پس باید یاران

* ص ۱۶۳ *

ید بیضا بنمایند و بهدایت کبری قیام فرمایند حال وقت تخم افشانست
و هنگام استفاضه از ابررحمت نیسانی جمیع دوستان در بارگاه
احدیت جمال مبارک مذکور بالطاف و عنایت مشمول و در
ملاّعلی باحسن محامد و نعوت موصوف و علیک البهّاء الأبھی ع ع
مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو الله ای امین ربّانی در عالم ایجاد جمیع کائنات در نهایت ارتباط
و از این ارتباط تعاون و تعاضد حاصل و تعاون و تعاضد سبب
بقاء حیات اگر تعاون و تعاضد دقیقه ئی از حقایق اشیاء
برداشته گردد جمیع کائنات انحلال یابد و هبّاء منبثا گردد مثلاً
از نفس حیوانات عنصرهائی که الیوم تعبیر بهیدروجن و کاربون
مینمایند منتشر و این سبب حیات نباتات و از نباتات و اشجار
عنصر ناری منتشر که تعبیر به اوکسیجن مینمایند و این سبب حیات و
بقاء حیوان و قس علی ذلک تعاون و تعاضد در بین جمیع کائنات
حاصل و همچنین اعظم تعاون بین نوع انسانست که بدون آن
رفاهیت و معشیت و زندگانی بکلی مستحیل زیرا هر نفسی
بنفسه بدون معاونت سائر نوع ابداً زندگانی نتواند بلکه حیران
و سرگردان گردد و بالاخصّ بین احبّای الهی که آنرا روابط معنویه

* ص ۱۶۴ *

و صوریه هر دو حاصل این ارتباط حقیقیست که تعاون و تعاضد و تناصر از
لوازم ذاتیه آنست بدون آن مستحیل و محال زیرا احبّای الهی ریاحین
یک حدیقه اند و امواج یک بحرند و نجوم یک آسمان و پرتویک
آفتاب از هر جهت وحدت ذاتیه وحدت نورانیه وحدت آسمانیه

وحدت صوریه محقق و ثابت حال یاران غرب را نهایت آمال و آرزو بنای مشرق‌الاذکار است و چون در آن خطه و دیار بناء گران و قیمت دار مبلغ موفور باید تا تأسیس بنیان خانه و قصور گردد تا چه رسد به بنیان مشرق‌الاذکار که باید در نهایت علو و سمو و انتظام باشد پس یاران الهی باید از هر کنار باعانت برخیزند و بجان و دل در این مورد انفاق نمایند تا در جهان شایع و عیان گردد که بهائیان شرق و غرب حکم یک خاندان دارند و روابط یک دودمان ترک و تاجیک و فرس و امریک و هند و افریک حکم یک جند و یک جیش دارند و بدون طیش بمعاضدت و معاضدت یکدیگر برخیزند و این عمل مبرور در درگاه ربّ غفور مقبول و محبوب در تأسیس مشرق‌الاذکار در عشق آباد فی الحقیقه یاران بنیاد وحدت انسانی گذاشتید تا آن بنیان بلند گردید و همچنین حال الحمد لله از جمیع اقالیم عالم بقدر امکان اعانت پیایی بمشرق‌الاذکار امریک ارسال میگردد شما بجمیع یاران الهی ممنونیت عبدالبهاء را در این خصوص ابلاغ دارید فی الحقیقه این همت یاران شایان شکرانیت است زیرا از طهران و خراسان و شیراز و جهرم و اطراف اصفهان

* ص ۱۶۵ *

حتی دهات و قرای خراسان و شیراز و یزد اعانت ارسال گردید این انفاق در سبیل نیر آفاق سبب سرور قلوب روحانیانست و از یوم آدم تا بحال چنین امری واقع نشده که از اقصی بلاد آسیا اعانت بجهت اقصی بلاد امریکا ارسال گردد از رنگون اعانه بشیکاگو و از جهرم شیراز و خیر القری ترشیز اعانه بمشرق‌الاذکار در قطب امریک میشود این نیست مگر بعون و عنایت جمال مبارک و تأیید و توفیق آنشمس حقیقت و نصرت و معاونت آن نیر اشراق که آفاق را ارتباط عطا فرموده العزه لرب الجنود و العظمة لذلك الحنون الودود والقدرة والقوة للحی القيوم الذی جعل الآفاق تتحدّ و یجتمع کالتجموم فی افق السجود الهی الهی لک الفضل لک الجود لک الحمد و لک الشکر علی ما انعمت علی هؤلاء الفقراء و آویت هؤلاء الضعفاء فی کهف حفظک و حمایتک و وفقتمهم علی خدمة امرک و ایدتهم علی عبودية عتبتک العالیه ربّ قد فدوا اموالهم و انفسهم فی سبیلک و انفقوا فی محبتک و لم یضروا سعياً و لم یألوا جهداً فی نشر آثارک و اعلاء کلمتک و اشاعة ذکرک بین عبادک و

اظهار ماثرک بین خلقک انک انت القوی المقتدر العلی الاعظیم
وانک انت الرحمن الرحیم
ع ع مقابله شد

* ص ۱۶۶ *

یا امینی الامین نامه بیست و دوم شوال سنه حالیه رسید و از مضمون
نهایت انشراح و انبساط حاصل گردید زیرا بلسان فصیح ناطق بعلویت
فطرت و سمو منقبت و فوران نار محبت و ثبوت و استقامت احباء الله
و اماء رحمان بود الیوم اعظم امور استقامت بر امر رب غفور است و
اقتباس از زجاجه نور الیوم امر الله مانند سراج در اوج اعظم میدرخشد
و جمیع انظار واله و حیران که امری باین عظمت چون مه تابان الی الان
در حیز امکان ظاهر نشده چون دقت فرمائی نداء یا بهاء الابهست
که زمزمه آفاقت و یا علی الاعلی است که دمدمه شرق و غربست
بیگانگان نیز شهادت بر عظمت امر الله میدهند در جمیع صحائف و جرائد
غرب از عموم مذاهب و ملل شهادت بر عظمت امر موجود و اقرار بر اینکه
جمال مبارک شخص شهیر آفاق و معلّم اعظم عالم انسانی است مصرّح و مذکور
و این اختصاص بامر مبارک دارد زیرا در سایر دورها بتصریح قرآن
ان هذا الا بشر مثلکم و افتری علی الله ام به جته فریاد می زد و ما
نری لکم علینا من فضل بر زبان میراندند و اذا راوک ان یتخذونک
الا هزوا اهذا الذی بعثه الله رسولا میگفتند اما در این دور جمال مبارک
بالعکس السن جمیع بشای جمیل ناطق نهایت اینست که اعتراف بمظهریت
کلیه ندارند ولی کل مقرر که عظمت امر جمال مبارک مثل آفتاب ظاهر
و باهر ای امین از برای هر فردی از افراد احباء الله و اماء رحمن نامه
مخصوصی میطلبی با وجود آنکه میدانی فرصت و مهلت ندارم مجرد

* ص ۱۶۷ *

ذکر اسما ممکن نیست وقت کفایت نکند تا چه رسد بتحریر لهذا
این نامه را بجهت هر فردی از افراد تحریر نمودم که عکس برداری
و بهر یک فرداً فرداً بدهی تا هر یک بدانند که این نامه مخصوص اوست
تو میدانی من چه قدر بیاران و اماء رحمن مهربانم اگر قصوری صدور یابد
مجبور است و اما نفوس مبارکی از احببا و اماء یزدان که پرواز بگلشن

حضرت رحمن نمودند و توشفاعت طلب مغفرت از برای آنها نمودی
عبدالبهاء در وقت اسحار که بدایت طلوع صبحگاه است طلب
مغفرت از برای آن مقریان درگاه الهی میکند و بدرگاه جمال مبارک
تضرع و زاری مینماید تا آن نفوس مبارکه را در ملکوت خویش داخل و
در محفل تجلی در بحر انوار مستغرق و خالد فرماید و علیک البهآء
الأبھی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

هو الله ای امین الهی مناجاتی در طلب مغفرت بجهت مرغ آشیان الهی
نفس مبارک آقا سید نصرالله بملکوت ابھی شد و دو هفته پیش
ارسال گشت ای امین الحمد لله در اروپا حاضر شدی و ملاحظه
نمودی که عبدالبهآء با نهایت ضعف بنیه شب و روز در خدمت
آرزوی جانفشانی مینمود وجد و سرورش نشر نجات الله بود

* ص ۱۶۸ *

و راحت جان و دلش اعلاء کلمة الله دیگر نه فکری نه ذکری نه آرزوی
نه مقصدی امیدم چنانست که با یاران الهی در این عبودیت سهیم و
شریک گردم بلکه آنان سبقت و پیشی گیرند هر چند روی زمینند
ولی در ملاء اعلی سیر نمایند قصد چنین است که عنقریب عبدالبهآء
از این دیار رو بسجن اعظم شتابد بلکه نهایت آرزو حاصل گردد
طلعت مقصود روحی الأحبآئه الفداء مسجوناً بافق تقدیس صعود فرمود
چه قدر بیوفائست که آزادی قطع انفاس حیات نمائیم و بجهان
دیگر شتابیم و اما جناب حاجی غلامرضا فی الحقیقه بنهایت
همت بخدمت پرداخت من بسیار از او شرمسارم و اما بنیان
حضرت نصرالله و فتح قریب مبارکست و علیک البهآء الأبھی
عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو از طهران سه فقره از طرف آقا سید نصرالله و حاجی غلامرضا در اروپا
رسیده ولی مبلغ مهم یعنی چهار صد لیره نسخه اولش را باسم آقا سید

محسن به پرت سعید فرستاده بودند و نسخهٔ ثانی باینجا رسیده هنوز وصولش معلوم نه باطراف بنویسید هرکس چیزی میفرستد باید بتوسط آقا احمد یزدی و از او بهر جا که باشیم یا به آقا میرزا محسن برسد و هم چنین مبلغی که مرقوم نموده اید که برات پرت سعید خریدید جوف خط آقا میرزا محسن میفرستید به پرت سعید هنوز وصولش نیامده

* ص ۱۶۹ *

یاحتمل رسیده باشد ولی خبر وصولش باینجا نرسیده براتی که هزار جینه بطهران بحاجی غلامرضا شد و دادند رسید ولی در زمان انقلاب دو هزار جینه از امة البهء بارنی قرض شده بود حال هزار جینه آن داده میشود ع ع مقابله شد

هو الله ای امین عبدالبهء نامهٔ پنجم ذی العقده سنهٔ حالیه رسید از اتحاد و یگانگی شما با جناب باقراوف مرقوم بود باید چنین باشد تا جاذب تأیید نور مبین گردد جناب مشارالیه الحمد لله در جمیع شئون مؤیدند و موفق ببرکت الهی با آن دوشخص تاجر تازه تصدیق بنهایت روح و ریحان معاشرت کنید و از تنزیه و تقدیس بندگان الهی صحبت بدارید نفوسی که خواهش اذن طواف مطاف ملاء اعلی نمودند مأذونند اما بشرط آنکه مستطیع باشند تا براحه بیایند و براحه مراجعت کنند از پیش مکتوبی که خواسته بودید مرقوم و ارسال شد البتّه تا بحال رسیده و علیک البهء الأبھی
عبدالبهء عبّاس مقابله شد

* ص ۱۷۰ *

هو الله ای امین عبدالبهء این واضح و مشهود است که در هیچوقت از خود خیالی نداشته ئی و همواره نیت خالص در فکر خدمت امرالله بوده ئی و الحمد لله موفق و مویدی از اوضاع ایران مرقوم نمودی که کسادبست و

گرانی تا ایران بانوار ایمان روشن و تابان نگردد یعنی تا بانوار
 تعالیم جمال مبارک آفاق ایران روشن نشود راحت و آسایش و فلاح
 و نجات و ترقی در جمیع مراتب حاصل نگردد و الا احزاب مختلفه همواره
 در نزاع و جدالند و سبب ویرانی ایران اما مکاتیب حرم ارباب
 جمشید نرسید از قبل من باو تحیت و مهربانی ابلاغ دارید
 و بگوئید اعمال کل واضح و مشهود و اکثر مسموع و لکن در نزد خدا
 ستاری مقبول نه پرده دری آفرین بر نظر پاک خطا پوش باد
 تا توانی دل را قوی کن و برکن شدید توجه نما گسسته پیوسته
 گردد پس از ابر بارانست و بعد از باران آفتاب گنج در
 ویرانه است و ستاره در شب درخشانده و علیها البهآ الأبهی
 اما همشیره حرم ارباب جمشید باو نامه مرقوم شد و ارسال گردید
 آنچه بورقه محترمه ثمره تأدیه نمودید بسیار مقبول و بمیرزا علی ولد
 آقا میرزا محمد محرر آن مبلغ را بدهید ولی نامه را نگاه دارید و اما
 بجناب آقا میرزا مهدی ولد حاجی عمه خانم از پیش نامه مرقوم شد و
 ارسال گشت و همچنین مناجات مفصلی در حق مرحوم آقا سید نصرالله

* ص ۱۷۱ *

نزد شما ارسال شد وصول هیچیک نرسید و اما مسئله جناب
 آقا میرزا لطف الله بجناب آقا میرزا ارسطو خان بگوئید که تحصیل
 طب بسیار مشکل است اگر جناب میرزا لطف الله در یک
 صنعت دیگر آسانی داخل شوند بهتر است آقا میرزا لطف الله
 در لندن فی الحقیقه بخدمت مشغول است و بسیار جوان آراسته
 و موفق و موید است و اما مسئله محافل متعدده بسیار خوب
 ولی محفلی که جمال مبارک تأسیس فرموده آن محفل الهیست آسمانیست
 ربانیست صمدانیست زیرا شمع آن محفل جمال مبارکست
 و انوار از آن محفل بجمیع آفاق ساطع و آن محفل تبلیغست هر محفل
 تبلیغی انجمنی از انجمنهای عالم بالاست یک مهر عبدالبهآ عبّاس
 ولی بزرگ نباشد و مرّع باشد از برای من حک کنید و بفرستید
 ولی بخط بسیار خوش و علیک البهآ الأبهی عبدالبهآ عبّاس
 جناب امین چند شب است که نخوایدم و در حالت تب این
 نامه ها مرقوم گردید معذور دارید عبدالبهآ عبّاس
 مقابله شد

خط مبارک

هو الله نامه بتاریخ بیست و سوم رجب سنه حالیه رسید الحمد لله خدماتت
در درگاه الهی مقبول و شخصت باستان مقدس منسوب

* ص ۱۷۲ *

تحریر متعدده از شما رسید و همچنین اجوبه متعدده ارسال گشت
البته تا بحال رسیده براتی که از عشق آباد و بادکوبه ارسال
نموده بودید هر دو رسید و نزد افنان آقا میرزا محسن ارسال
شد که قبوضات مرقوم نماید و بفرستد تا مهر شود و ارسال گردد
و علیک البهاء الأبهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

خط مبارک

هو الله جناب امین مبالغی که از پیش ارسال نموده بودی اخبار بوصول شد
و همچنین چهار صد و سیصد جینه اخیر جمیع واصل شد مکاتیب
آنجناب را نزد افنان آقا میرزا محسن فرستادم جواب
مرقوم خواهد فرمود بجان عزیزت که ابداً فرصت یک کلمه
تحریر ندارم دیروز در دو کلیسای عظیم در محضر هزاران
نفوس مفصل صحبت شد اثبات امر مبارک و نبوت
حضرت رسول علیه السلام در کمال وضوح گردید سبحان الله بعون و
عنایت جمال مبارک نفسی اعتراض ننمود بلکه کلّ بکمال سکون
و سکوت اصغاً مینمودند احبّاء جمیعاً مبهوت بودند و چون از
کلیسا وقت خروج ملاحظه گردید که جمیعاً دست میخواستند بگیرند
و ابداً طاقت ندارم لهذا از راه پنهان فرار نمودم بکشیش

* ص ۱۷۳ *

گفتم که مرا از راهی باتومبیل برسان که کسی مرا نبیند از
راه پنهان بیرون رفتم و چون باتومبیل رسیدم دوان دوان
بعضی آمدند و دست گرفتند و اظهار ممنونیت نمودند و
کشیش خواهش کرد که دفعه ثانیه خطابی بشود ولی من

عذر آوردم که میخوام بشهر...^{۱۰} بروم مقصود اینست بدانی
فرصت ندارم و غیر از این دو کلیسا دیروز در محفل خصوصی
اجباً و ملاقات خصوصی با جمعی ملاحظه کن که چه خیر است
لهذا از یاران عذرخواهی نما ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله جناب امین نامه مرسل از بادکوبه رسید و همچنین نامه ای
که بتاريخ ۹ ربیع الثانی این سنه بواسطه دریفوس رسید قبض
صد دانه نگین اعظم در جوفست حال که املاک بخارا را فروش
نخواهند بکشید که ورثه بزودی بالاتفاق املاک عشق آباد
را بفروشند و قرض را بدهند شما متصل بورثه بنویسید و
بیدار کنید و الا مثل حکایت جناب حاجی میرزا حسن
میگردد مادام چنین است ششصد و هفتاد جینه که داده اند
بس است زیرا مقصود صاف نمودن دین حضرت افنان بود

* ص ۱۷۴ *

از قرار معلوم این دین صاف نخواهد شد صد جینه که حاجی غلامرضا
با دویت جینه که بعد فرستادند کل در پاریس رسید در
امریک از حضرت افنان و عباس اوف وجوه رسید و همچنین دویت
جینه باقروف رسید مطمئن باش و هر چه در پاریس رسید بجناب
حاجی و جناب باقروف رسیدش مرقوم گشت اگر چیزی رسیدش
نرفته است نرسیده است شما از حضرات استفسار نمائید
باری جناب امین شما بسیار زحمت میکشید از الطاف جمال مبارک
ترا عون و صون و عنایت و حمایت میطلبم عبدالبهاء عباس مقابله شد

خط مبارک

هو الله ای امین عبدالبهاء چند روز است که وارد پورت سعید شده ایم
و حضرات مسافرین یعنی چهل نفر یکدفعه وارد مشغول بانها هستیم

^{۱۰} کلمه ای خوانده نشد.

آنچه ستایش در حق یاران هر جا مرقوم نموده بودی سبب روح
و ریحان گردید عبدالبهاء را در اینجهان سرور و فرحی جز بنفحات
معطره گلشن قلوب احباً نمانده در یوم ظهور سرور بمثل حضور
مجلی طور داشت لکن بعد از آنکه شمس حقیقت در افق پنهان
و غیب امکان متواری گشت دیگر شادمانی جز بترقیات روحانی
یاران رحمانی ندارد لهذا هر وقت که در نامه خویش ستایش از

* ص ۱۷۵ *

یاران و اماء رحمن مینمائی سبب نهایت مسرت میگردد جناب
حاجی غلامرضا فی الحقیقه در خدمت جانفشانی مینماید طوبی له و
حسن مآب و علیک و علیه البهء الأبھی
ای یار قدیم آنچه از طهران نزد افنان میرزا محسن ارسال شد و
آنچه از عشق آباد بواسطه جناب آقا میرزا محمود ارسال گشت کل
رسید ولی قبوض مفرده فرصت نیست معذور دارید بقدر
امکان قصور نخواهد شد جمیع یاران الهی را صغیراً کبیراً رجلاً
نساءً از قبل عبدالبهاء تحیات محترمانه برسان و علیک
البهء الأبھی عبدالبهاء عباس مقابله شد

هو الله جناب امین مکتوبی که در ردّ مفتریات اهل نجف مرقوم شد و
ارسال گشت که مضمون در بین احباً نشر شود معلوم می شود که
یحیائی ها در میان احباً بتزویر داخل شده اند و حوادث می گیرند
و بخارج بهزار علاوه میرسانند و این مکتوب ردیه معاذالله
بدست یحیائی ها خواهد افتاد و با هزار علاوه بنجف
خواهند فرستاد البتّه صد البتّه ضبط نمائید که بدست
احدی ولو آشنا نیفتد و علیک البهء الأبھی ع ع مقابله شد

* ص ۱۷۶ *

یا صاحبی السّجن

هو الله یا امینی نامه ای که بجناب افنان آقا میرزا محسن مرقوم نموده بودی
ملاحظه گردید مختصر جواب مرقوم میشود بسالار اجازه تشرّف
داده شد و همچنین بسلیل مرحوم قوام دیوان اما امة الله المنجذبه
فائزه در این ایام باید در طهران باشند و مکتوبی مخصوص باو مرقوم

گشت در جوف است برسانید بجناب آقا میرزا اسماعیل نامه ئی
 مرقوم گردید آن نیز در جوف است برسانید اما جناب آقا میرزا
 آقا خان بواسطه جناب آقا سید اسدالله چند مرتبه باو
 مکاتبه شد فی الحقیقه آن جوان نورانیست رحمانیست منجذب
 ملکوت الهیست ای امین عبدالبهاء اشهد بالله همیشه در کمال
 خلوص جانفشانی نموده ای و خدمت بامرالله مینمائی فی الحقیقه مقصدی
 جز رضای الهی نداری و عبدالبهاء از درگاه جمال ابهی همواره از برای
 تو تأیید و توفیق میطلبد مطمئن باش زیرا از خود خیالی نداری
 و فکری نمائی فانی در امری و ثابت بر میثاق و از جمیع یاران
 و اماء رحمان ستایش مینمائی البتّه تأیید حاصل گردد و توفیق
 رفیق شود ای جناب امین آنچه بشما رسید کل بدر ب خانه
 رسید اگر در قبض فرد فرد مشاغل مانع است قبض عمومی اسماء
 مهر نموده ارسال داشتیم الحمدلله که بکمال خلوص موقّف
 بر خدمت امری و علیک البهّاء الأبھی ع ع مقابله شد
 * ص ۱۷۷ *

خط مبارک

هو الله ای امین من برات مبلغ هزار جینه امانت حاجی غلامرضا علیه بهاء الله
 نسخه اول و ثانی رسید نفس برات ها امانت گذاشته شده است
 از پیش مرقوم گشت که اگر این مبلغ اراضی در حیفا بجهت حاجی
 خرید شود ابداً اراضی حال مداخلی ندارد هر کس می خرد بفکر
 آنست که در مستقبل اراضی بیشتر ترقی مینماید و منفعت می کند
 و اراضی فی الحقیقه ترقی خود را نموده و باین مبلغ تجارت جزئیه در
 این صفحات میشود تجارت جناب حاجی در طهران البتّه
 بهتر است حال یا مرقوم نمائید که این مبلغ اعاده گردد و یا آنکه
 در اینجا از برای ایشان اوراق بنک عقاری یعنی اوراق تالیه
 گرفته شد زیرا این بنک بسیار معتبر است و در سال صد
 منفعت میدهد و اوراقش رو بترقیست و قرعه نیز دارد
 که ممکن مبلغ کلی از قرعه در آید دیگر اختیار با جناب
 حاجیست زود مرقوم فرمائید که چه نوع مصلحت میدانند
 برات اعاده گردد یا اوراق خریده شود و علیک البهّاء ع ع
 مقابله شد

خط مبارک

هو الله جناب امین در مازندران بعضی آثار در سرای خانه موجود

* ص ۱۷۸ *

اگر چه لشگر ظلم خراب نمود ولی جزئی که اثر کلک حضرت مرحوم
میرزا در آن است موجود و حفظ لازم لهذا مبلغ صد تومان
بجهت آقا میرزا فضل الله ارسال دارید والسلام ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله ای بنده با وفای جمال ابهی نامه شما ملاحظه گردید اما قضیه امه الله

حکیم خاتون اسباب سرور بود در اندرون ولی خود او گمان
مینمود که اسباب زحمت است و هر چه میگفتند که تو تسلی قلوب
هستی نه زحمت نفوس قبول نمی نمود در هر جا باشد در صون
حمایت الهیست الحمد لله که امور حضرت ابتهاج ابتهاج یافت
در خصوص محافل مرقوم نموده بودید محفل اتحاد محفل اختلافست
چند نفری حیائی در آن داخل از جمله تمدن متوحش محرمانه مرقوم میگردد
تا میتوانید بال و پراین محفل را بشکنید تا بکلی نسخ شود باری
دویست جینه که بتاریخ دهم رمضان حاجی غلامرضا ارسال نموده
بود رسید عبدالبهاء عباس مقابله شد

خط مبارک

هو الله جناب امین بعد از تشریف بردن شما حرم میرزا جعفر وارد حیفا شد

* ص ۱۷۹ *

و بخیال رفیق سفر تشویق حکیمه خاتون نمود که هوای عشق آباد چنین
است مریم سلطان سالها که ناخوش در ارض مقدس بود
چون بعشق آباد آمد شفا یافت باری بکلی حکیمه خاتون را مشتاق
عشق آباد نمود بغتة وارد پورت سعید شدند ولی باذن و اجازه

ورقة عليا و في الحقيقة ميرزا جعفر تا پورتسعيد نهايت رعايت را
مجري داشت ولي حرمش عزمش را تغيير داد گفتند كه ما
يك سر بعشق آباد نميرويم بجاهای ديگر ميرويم لهذا امة الله
حكيمه خاتون را با دوزن از اهل آذربايجان و احمد اوف ارسال
عشق آباد نموديم و ببادكوبه و عشق آباد سفارش مخصوص بخط خود نوشتم
و بافتان نوشتم كه چون هواي همشيره اش نيز در سرافتاده اگر
چنانچه بهمراهي خود ببرند موافق و بخود حكيمه خاتون اذن و اجازه
دادم كه هر وقت بخواهد مراجعت نمايد و عليك البهاء الأبهي
عبدالبهاء عباس مقابله شد

يا صاحبى السجن

هو الله اى امين عبدالبهاء از جناب كيومرث پور خسرو پارسي نامه اى
بنام شما وارد شد در آن نامه مرقوم نموده كه اداره جهانيان
شيراز تلغرافى بطهران زده اند كه جناب كيومرث بجهت
* ص ۱۸۰ *

فروش مال التجاره روانه روسيه شوند و بعد از آنجا مراجعت بطهران
نمايند و عازم يزد گردند و خواهش اجازه حضور در اين سفر نموده اند
شما بايشان نامه اى از قبل من در هر كجاست مرقوم نماييد كه اجازه
حضور دارند جناب آقا سيد باقر روضه خوان كاشي را تفقد حال لازم
زيرا در نهايت اضطرار است و عليك البهاء الأبهي ع ع مقابله شد

خط مبارك

جناب امين اين نامه در اسكندريه مرقوم شد ولي از عدم مجال تا بحال
ارسال نگشت در خدمت فى الحقيقة جانفشاني از الطاف جمال مبارك
ترا عون و عنائتي مخصوص طلبم در اورپا دقيقه اى از هجوم عموم مجال
ندارم شب و روز مشغولم كه شايد بعبوديتى بقدر عجز خویش موفق شوم
ولى هيئات هيئات با وجود حرمان چگونه احسانى حاصل شود استحقاقى
ندارم باري از عدم فرصت نصف شب است از خواب برخوایم
كه بتحرير پردازم از عشق آباد هزار ذهب و همچنين ارساليه بعد
رسيد و در مصرف لازمه باهظة اورپ صرف شده و ميشود
جميع ياران را تكبير ابدع ابهي ابلاغ داريد ع ع
قبر منور جناب اياى حاجى آخوند را و مرقد مطهر شهيد سليل جليل

ملا علی جان را بکمال سرعت در نهایت اتقان بنا و تعمیر فرمائید
ولو مردم بعد خراب نمایند ع ع مقابله شد

* ص ۱۸۱ *

یا صاحبی السّجن

هو الله ای امین عبدالبهاء نامه مورّخه ۱۴ صفر سنه ۱۳۳۰ وصول یافت
از عدم فرصت مختصر جواب مرقوم میگردد شش هزار تومان
قرض اول ما بجناب حاجی و این قرض ثانی که تازه کردیم آن
نیز چهار پنج هزار تومان میشود از این قرار حال یازده هزار تومان
مدیونیم این قرض از سال گذشته تا بحال مجبوری بود حال چون
سفر امریکا در پیش بود لهذا این قرض ثانی شد باری من بعد
آنچه میرسد باید ادای این قرض بشود ما در آمریکا بانچه حاضر است
اداره و اکتفا مینمائیم شما در فکر این باشید که قرض داده شود
بار قرض بسیار سنگین است نمیخواهم که مدیون باشید جناب
آقا میرزا علی اکبر رفسنجانی وجودشان در طهران لازم بلکه الزمست
و باید لسان انگلیسی را بخوانند و مهارت پیدا کنند اگر در
لسان انگلیسی مهارت داشتند در این سفر مفید بود و لکن حال
بقایشان در طهران مفیدتر است بشرط آنکه در تحصیل انگلیسی
نهایت همت را مبذول دارند بامه الله المقربه فاطمه سلطان
همشیره حضرت علی قبل اکبر از قبل من تحیت ابدع ابهی برسان و
بدرگاه الهی عجز و زاری میشود که از جمله زائرات محسوب شده الطاف
مخصوصه شمول یابد و علیک البهء الأبهی ع ع مقابله شد

* ص ۱۸۲ * یا صاحبی السّجن

هو الله ای امین عبدالبهاء بجناب آقا سید مهدی نامه مفصل مرقوم گردید
و قضیه اسیر زنجیر ظالمان آقا میرزا اسدالله و دستگیر ستمکاران بی انصاف
جناب آقا میرزا عبدالحسین مرقوم گردید البتّه ملاحظه خواهید نمود بعد از
مطالعه بدون اسم آقا سید مهدی طبع و نشر بلاد نمائید امه الله

المقرَّبَه حَكِيمَه خاتون الحمد لله در نهایت تبتّل و سکون در اندرونند ابداً
اسباب صداع نیستند بلکه سبب سرور عمومند اما مسئله جناب
سلیل حضرت شهید آقا میرزا عزیزالله این استعفا انشاءالله سبب
ارتقا میگردد زیرا عزیز عزیز اینعبد است اما مسئله جلال الدوله
باید که بوساطت شما و یاران الهی انشاءالله بنحو خوشی و مروّت و
انصاف و مهربانی بگذرد تا سبب سرور عبدالبهاء گردد هر چند
بحسب نظام و قانون امریست گذشته ولی نظر باخلاق و صفات
و مروّت و انصافی که ما مأمور بآنیم باید مجری بداریم تا ثابت و
محقق گردد که اهل بها اهل وفا هستند و بموجب مروّت و رحمت
واسعه که مأمور بآنند معامله مینمایند و اما مسئله جناب حاجی غلامرضا
و خرید ملک در حیفا و مشغول شدن بتجارت در آن ولا این ایام
جائز نه زیرا املاک حیفا بسیار ترقی نموده و وارداتی ابداً ندارد قیمت
محض است و بس مثلاً زمینی که یک پاره واردات ندارد ده هزار
تومان خرید و فروش میشود بامید آنکه قیمت پیدا خواهد نمود و این
* ص ۱۸۳ *

مبلغ در این صفحات حکم هزار تومان دارد و از این گذشته تجارت
در حیفا مختل و جناب حاجی غلامرضا باید در طهران بخدمت قیام
نماید و اما قضیه قرض دادن بشما هر نوع مصلحت بدانید مجری بدارید
و اما مسئله حرم محترمه حضرت شهید دشت بلا حاجی حیدر
فی الحقیقه چنانست که مرقوم نموده بودید این ورقه محترمه فی الحقیقه
فخر رجالت زیرا با وجود شهادت قرین بی نظیر و شهادت صهر عزیز
در نهایت تسلیم و رضا است صابره است و شاکره ثابت است
و راسخه نامه مخصوص بان محترمه مرقوم گردید برسانید ع ع مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو الله ای امین عبدالبهاء نامه شما را در دریای محیط بحر آتلانتیک جواب
مرقوم مینمایم ولی مختصر زیرا تفصیل امکان ندارد در خصوص ده هزار
تومان قرض مرقوم نموده بودید این قرض بارگراست من بعد
ابدأ پاره واحد ارسال ننمائید تا آداء این دین شود از قبل حدیثی
روایت میکنند لا و جمع کوجع العین ولا همّ کهمّ الدّین البتّه
این را بکوشید تا تصفیه گردد اما چهل و هفت جینه سیاوش
مکتوب شما در دریا باز شد و جناب سیاوش مراجعت

بأرض مقصود نمودند به آقا میرزا محسن مرقوم شد که این وجه را

* ص ۱۸۴ *

تأدیه نماید ولی وصول مشکل است زیرا جناب سیاوش پیش از وصول آنمکتوب به آقا میرزا محسن بایران مراجعت خواهد نمود لهذا نهایت عذرخواهی بنمائید و این مبلغ را فوراً بایشان تأدیه کنید و لو بقرض باشد و مکتوب جوف را با کمال خجلت بجناب سیاوش برسانید و همچنین نامه ئی بانجال امجاد ملا اسمعیل کاشانی ارسال شد آن را نیز برسانید من الآن این نامه را در این محیط اعظم در حالت ضعف و ناتوانی و انقلاب از دریا بشما مینگارم لهذا اگر مختصر است معذور دارید جمیع یاران الهی و امآء رحمن را از قبل من تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید تمنای عبدالبهآء از کل این است که شب و روز بدرگاه جمال ابهی عجز و نیاز نمایند و مرا تأیید و توفیق در این سفر پر خطر رجا کنند زیرا سفر مطول است و جسم ابداً تحمل انقلاب دریا و مشقت صحرا ندارد اما فضل بیمنتهای جمال ابهی مؤید بشدید القوی کند ناتوان توانا گردد و بی اختیار خود را در آتش و دریا افکند پشه بی توشه شیر بیشه الطاف شود و مور محقر غضنفر صندر گردد و بعوضه ای عقاب کاسر اوج اعظم شود و علیک البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو الله * ص ۱۸۵ * اللهم یا من سبقت رحمته و کملت نعمته و احاطت قدرته و

تمت حجته و ظهرت آیاته و علت کلماته و انتشرت بیناته و ارتفعت رایاته لک الشکر علی ما اولیت و لک الحمد علی ما اعطیت و لک المن علی ما آتیت سبحانک سبحانک ما اعظم شأنک و ما اظهر برهانک و ما اوفرا احسانک و لقد كانت اللیلة الظلماء احاطت الأرجاء و غیوم الظلمة الدھماء غطت وجه الارض و السّماء فاحتجبت الأبصار عن مشاهدة الآیات الكبرى و طمست البصائر و عجزت ان تجد علی النار هدی و حارت النفوس فی تیه الضلالة و العمی و ضل ذووا العقول فی هیماء الحیره و الشقی و انوا انین الثکلاء و ضجوا ضجیح الظمان فی بیداء شاسعة الأرجاء

فانفلق الصّبح برحمتك الكبرى وانتشرت بارقة الهدى من الافق
الأعلى على وجه السّماء وظهرت النقطة الأولى ببشارات ظهورك
ونفحات قدسك وآيات توحيدك بين الورى فبشروناوى
ونطق واثنى عليك فى الصّحف والواح شتى فلک الفضل على
هذه الموهبته الّتى ترنمت بها نفوس الأصفیاء ولك الجود على
ما وفقت كلّ صدوق ودود على السّجود عند بزوغ شمس الحقيقة
على آفاق الوجود ولك العزّة والجلال ولك القدرة والجمال
ولک السّلطنة والأسقلال ولك الملك والملکوت و
لك الرّفعة والجبروت ولك الرّبوبیة والآهوت على ما

* ص ١٨٦ *

اظهرت جمالك من افق الشّهود وكشفت الحجاب ورفعت
التّقاب عن طلعتك النّوراء فى اليوم الموعود وتجلّيت على كلّ
موجود بأنوار ساطع من الفجر الموعود واقمت القيامة واظهرت
الطّامة وزلزلت الأرض ونسفت الجبال وسجّرت البحار و
كورت الشّمس وحسفت الأقمار ونثرت النّجوم واظهرت
الآثار ومدّدت الصّراط واظهرت الأشراف ووضعتم الميزان
وسعرت التّيران وازلفت الجنان فالمخلصون فى جنّات و
عيون والمحتجبون فى خوضهم يلعبون فاولو الأبصار شاهدوا الأنوار
وأما كيففوا الأنظار احتجبوا فى ظلام حالک عند بحبوحة النّهار
والآذان الصّاغية الواعیه التّذت باصغاء النّداء و
أما الصّم الأغنيا احتارت وقالت لماذا هذا الطّرب و...^{١٦}
والالسن الناطقة ولعت بالشكر والثناء وأما الیکم اصبحت
كالصخرة الصّماء وطابت القلوب وانجذبت النّفوس و
انشرحت الصّدور و صفت الضّمائر واظهرت السّرائر وبعثت
الحقائق فاقتبست واستضائت واهتدت واشتعلت
والتهبت ونادت وصاحت وقالت يا بشرى للمخلصین
ويا بشرى للتّائظین ويا طوبى للمقرّین وفرحاً للمشتاقین
ويا سروراً للمنجدین ويا طوعاً للمشتاقین سبحان من
اشرق بالصّبح المنیر سبحان من اظهر النّور المبین سبحان من

* ص ١٨٧ *

^{١٦} كلمه ای خوانده نشد.

تجلی علی الكائنات بالفيض الجلیل سبحان من انار الأفق الأعلى
 بضيآء كشف دجى اللیل البهیم سبحان من انزل مائدة
 من السّمآء سبحان من فجر الأعين من الصّخرة الملسآء سبحان
 من انزل من السّمآء ماء طهوراً سبحان من سقى المخلصین كاساً
 كان مزاجها كافورا سبحان من احيى الأرض المية الهامدة
 سبحان من انبت القطع المتجاوره سبحان من سقاها بماء واحد
 من عين جاريه سبحان من افق الحدائق الزّاهيه باكل متفاوته
 ثمرة بالغه سبحان من بدء الخلق الجديد سبحان من بشرّ فى
 يوم الوعيد سبحان من احيى الكائنات سبحان من انشاء الموجودات
 سبحان من مهد السبيل سبحان من اظهر الدليل سبحان من ظهر
 فى القرن البديع سبحان مؤسس هذا العصر الجديد فلك الحمد
 يا الهى على ذلك ولك الشكر يا مولائى على هذا الفضل العظيم
 ائک انت الکریم و ائک انت اللطيف و ائک انت الرّحمن الرّحيم
 ياران رحمانى عبدالبهآء در ايندم نامه ئى از امريك
 رسيد و بشارت آن داشت كه آن خطه غرب شرق گرديد يعنى
 انوار شمس حقيقت تايبد و چنان درخسيد كه بارقه صبح
 هدايت دميد و هر مشتاق بمقصود خویش رسيد آهنگ
 اهل بهاست كه متواصل بملاً اعلى است و نعمة جانبخش يا
 بهآء الأبهاست كه گوش زد ملل و امم آنجاست از فرارى كه

* ص ۱۸۸ *

مرقوم نموده اند در يوم ولادت در بيست و چهار شهر جشن وجد
 و طرب فراهم آوردند و آن روز را بنهايت شادمانى و كامرانى
 گذراندند دعوت عمومى نمودند و خوان نعمت گسترده و بذكر
 حق مشغول شدند و يكديگر را بشارت دادند و از اين بيست و چهار
 شهر و محفل مكاتيب تبريك و تهنيت رسيد ملاحظه نمائيد
 كه قوه نافده كلمه الله چه تأثيرى در وجود بخشيد و چگونه
 جهان را بجنبش و حرکت آورده كه در ممالك امريك در يوم
 مولد چنين ترزين و شليك گرديده و دور نزديك شده و
 آداب و رسوم تاجيك انتشار يافته اينست قدرت نافده
 كلمه الله و اينست قوه قاهره ارادة الله اى ياران الهى و

اماء رحمان جناب امین نہایت ستایش و مدح و توصیف
مینماید کہ الحمد للہ در جمیع اطراف مدن و قری احباً مظاہر الطافند
و مطالع عدل و انصاف سمیعند و مطیع سلیمند و مستقیم بترتیل
آیات مشغولند و بترویج بینات مألوف در نہایت شوق و
شورند و سرمست صہبآ طہور بپرستش و ستایش اسم اعظم
مشغولند و بعبودیت آستان مقدس مانوس و بوصایا و
نصائح الہی عامل و از ہر جہت در خصائل و فضائل انسانی
کامل در نہایت اتحاد و اتفاقند و در غایت انجذاب و
اشتیاق بجمیع نفوس مہربانند و با کل طوائف در نہایت

* ص ۱۸۹ *

روح و ریحان دشمنان را غمخوارند و جفاکاران را یار وفادار
بیگانگان را خویشند و اغیار را نوشند نہ نیش خادم عالم
انسانیند و مظهر اخلاق رحمانی طوبی لکم من ہذہ الشہادۃ
المنبأۃ من حسن اخلاقکم و بدیع اطوارکم جناب امین فی الحقیقہ
خیرخواہ جمیعند در یوم ظہور امین جمال مبارک بود و در ایام
میثاق ندیم این مشتاق لہذا شہادتش مسموع و مقبول و گواہیش
مطلوب و محبوب ای یاران الہی از قرار مسموع جمعی از
علماء اصولیان و مشایخ شیخیان دائماً بتحریک فساد مشغولند
و در مقابل حکومت بتعصب و عناد قیام نمودہ اند قدری امور را
مشوش کردہ اند سبحان اللہ این چہ غفلتیت و نادانی و چہ
جہالتیت و نافرمانی کہ اقلیم ایران از تعصب علماء رسوم
ہمیشہ از موہبتی محروم شد ہر وقت حکومت عادلہ نیت
خیری فرمود و تأسیس اصلاح و انتظام نمود پیشوایان نادان معارضہ
نمودند و محاججہ کردند و مانع اصلاح امور خیرہ شدند انصاف
باید داشت نیت اعلیحضرت شہریار از جمیع سروران و پیشوایان
ایران بہتر و خالصتر زیرا یگانہ آرزوی تاجداری راحت و
آسایش اہالی و عمران و آبادی مملکت شہریارست پادشاہ
مہربانرا دقیقہ ئی آرام نگذارند تا بصرافت طبع و طیب
خاطر بقدر امکان اصلاحات جاری فرماید و این نادانی و

جهالت اختصاص باهالی ایران ندارد اهالی مملکت دولت علیه عثمانیه نیز در نهایت جهل و نادانی آراء مختلفه و احزاب جاهله حکومت ملوکانه را دقیقه ای آرام نگذارند تا بمشیت امور داخله گردد و تعدیل مداخله خارجه شود با وجود آنکه اعلیحضرت شهریار پادشاه عثمانی در نهایت کاردانی من جمله برهان بر این مدعا حفظ این آوارگان از تسلط یاغیانۀ اعدا اگر امور در دست دیگران بود از فساد و فتنه دشمنان داخل و خارج خاکستر این مسجون نیز بباد رفته بود ولی وقار و تمکین و فکر دورین و حقیقت جوئی و موشکافی اعلیحضرت پادشاه عثمانی سبب شد که این آوارگان با وجود هجوم مفتریان و جمهور بدگویان الی الآن محفوظ مانده اند ما از دعاگویان این دو پادشاه عادلیم و ممنون این دو شهریار باذل سبحان الله از جمله مفتريات اینکه ما نعوذ بالله منکر حقیقت و حقیقت شمس هدی و سراج ملاً اعلی رسول کبریا حضرت محمد مصطفی علی التحیه و الثناء هستیم و استعفرالله در رد بر آنحضرت کتبی تألیف نموده ایم یا حسرة علی الذین قاموا بهذا البهتان العظیم و حال آنکه جمیع یاران الهی مطلع بر اسرارند که این آواره زندانی جان خویش را فدای تراب اقدام آنحضرت مینماید و جمال مبارک روحی لاجبانه الفداء در رساله ایقان بچه دلائل قاطعه و براهین واضحه اثبات

نبوت حضرت رسول روحی له الفداء میفرمایند و حضرت اعلی چه قدر در مناجات صلوات بر آنحضرت مرقوم نموده اند با وجود این بی انصافان گویند معاذ الله ما منکر آن حضرتیم و بیوفایان آشنا نیز سرّاً تصدیق مینمایند سبحان الله ما اگر انکار انبیاء و اولیای الهی نمائیم دیگر خود چه گوئیم سبحانک اللهم هذا بهتان عظیم باری مقصود اینست که مملکت ایران بسبب مداخله بیخردان و پیشوایان نادان در تدنیست و نیت خالصه اعلیحضرت تاجداری در فکر ترقی اقلأ شماها که خیرخواه دولتید و صادقید و مطیع حکومتید و موافق همواره بخدمت پردازید و هریک که در دربار دولت مستخدم گردید باید بنهایت راستی

و حقیقت پرستی و عفت و پاک دامن و تنزیه و تقدیس
و عدالت و انصاف سلوک و حرکت نمائید و اگر چنانچه
معاذ الله یکی ذره‌ای خیانت کند و یا در امور موکوله خویش
تهاون و سستی نماید و یا خود مقدار دیناری بر رعیت تعدی
کند و یا آنکه منفعت خصوصی خویش جوید و فوائد شخصی طلبد
البته محروم از فیوضات حضرت پروردگار شود زنه‌ار زنه‌ار
در آنچه تحریر یافت قصور ننمائید و علیکم التحية و الثناء ع ع
مقابله شد

* ص ۱۹۲ *

جناب آقا سید نصرالله باقروف را از قبل من نهایت اشتیاق
و سلام و پیام برسانید که سید ناصر مکتوب بسیار مفصلی مرقوم
نموده و شکایت زیاد کرده است که وصف ندارد معلوم است که
این جوان بی فکر و اطلاع از کار خویشست هر چه خواب ببیند
آنها را بیداری گمان میکند لهذا محض اینکه بیدار شود بحقیقت
حال پی برد جناب آقا سید نصرالله بواسطه چند نفر از
احباب که واسطه در میان شوید و او را تفهیم نمایند شاید راحت
شود و بحساب خود پی برد حال چنان معلوم میشود که نمیداند ع ع
و بقدر امکان آقا سید نصرالله بکوشند که او را بفهمانند
و راضی کنند و ساکن کنند و از این هیجان آرام نمایند و ملاحظه
او ننمایند بلکه ملاحظه مرحوم آقا سید اسدالله را فرمایند ع ع
جناب حاجی غلامرضا معین شما تعیین شد و از پیش مرقوم شد
البته تا بحال رسیده است ع ع
صد لیره بجهت ضعفای بازماندگان شهدای یزد نزد افغان سدره
مبارکه آقا سید مهدی ارسال دارید ع ع
از پیش تکرار بتکرار مرقوم شد که انقلاب ایران اشتداد خواهد یافت و
شدت و اضطراب ازدیاد خواهد نمود حال همانست که مرقوم گردید ع ع
بحضرت حکیم الهی نامه‌ای مرقوم و ارسال رأسا گردید ع ع
جناب عزیز عبدالبها را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ دارید و همچنین اخوی ایشان میرزا
ولی الله خان را ع ع مقابله شد

* ص ۱۹۳ *

بواسطه جناب معاون التجار جناب آقا محمد تقی گروکانی علیه بهاء الله الأبهى
يا صاحبى السّجن

هو الله اى ثابت بر ميثاق حقّا كه مستقيم بر امر اللهى و مستقرّ در
محبّت الله ارياح افتتان ترا نلغزاند و شدت امتحان ترا
اضطراب ندهد مانند جبل عظيم راسخ و متينى و بمثابة علم
مبين در نهايت ثبوت و تمكين تأسى بجمال مبارك نمودى و
تحمل بلايا و مشقت كردى موهبتى اعظم از اين نيست و
مسرت و بشارتى اتم نه پس در بين ابرار فخر و مباهات نما و
عليك البهّاء الأبهى ع ع مقابله شد

بم حضرت آقا ميرزا على آقا عليه بهاء الله الأبهى

هو الأبهى اللهم يا كثير العطاء و عافى الخطا و وافى النداء و كافى المحن و شافى السّقم
أتى الود ببابك الرّحيب و عتبتك الفسيح و ادعوك مبتهلاً اليك
متضرعاً بين يديك ان تنزل على عبدك هذا غيثاً هاطلاً و فيضاً
شاملاً من ملكوتك الأبهى حتى تأخذه نشوة الصّهباء من دنان
رحمتك فى الملاء الأعلى و يترنح ترنح النّشوان و تطربه نغمت عندليب
البقاء فى الالوج الاعلى فى رياض احديتك المؤنقة الازهار المتدفقة
الانهار ربّ انه اسير عنايتك و نصير احبتك و ظهير ارقائك

* ص ۱۹۴ *

لا يألو جهداً فى اعلاء كلمتك بين برّيتك و بثّ آثارك للمخلصين
من عبادك ربّ اجعله سراجاً منيراً و شعاعاً لميعاً و نوراً ساطعاً
و نجماً لامعاً فى افق العرفان يهدى الى الرّشد و ينادى باسمك
فى كلّ صقع و مكان و يكشف الغطاء عن ابصار الورى و يريهم
اياتك الكبرى و يسمعهم نغمت طيور القدس على سدره المنتهى
ربّ اشدد ازره و قوّظهره حتى يرفع علم الفلاح و النّجاح يتموّج
فى اوج العلى على رؤس اهل الولاة أنّك انت القوى المقتدر
المهيمن المعطى الوهاب و عليه البهّاء الأبهى ۱۶ ذيقعه ۱۳۳۸ حيفا

بم حضرة ذوالفضل الجليل مظهر اللطف الخفى سمى اسدالله الغالب على الهمم حقيقاً
بالمواهب عليه كل تحية وثناء

هو الأبهى حمداً لمن اشرفت الارض بنوره واضاءت السماء بظهوره وتجلّى
بالطور الايمن البقعة المباركة وادى طوى باشعة ساطعة على الارحاء
واهترت حقائق الاشياء وخصعت وخشعت وتذلت و
استفاضت واستفادت من تلك الموهبة الكبرى والهداية
العظمى ونطقت بالتهليل والتكبير فيهذا العصر الجليل والقرن الكريم
بالثناء على ربها والتعوت على بارئها فزلزلت اراضى النفوس

* ص ١٩٥ *

فأخرجت ائقالتها وحدثت اخبارها ويا اوحى اليها من السر المكنون
والرمز المصون فطوبى وبشرى لها والتحية والثناء على
صبح الهدى ونير الملاء الاعلى ومصباح اوج العلى يوقد ويضيئى
من الافق الأبهى التقطه الأولى المبشرة بطلوع شمس الحقيقه من
مطلع البهاء وعلى من انجذب بنفحاتها وانشرحت صدره
باياتها والتد سمعه بمناجاتها وفتح عليه ابواب المعانى بكلماتها
الى الابد الآباد ايها الفاضل الجليل ذو الوجه الجميل والقلب المنير
اتى بكل تدلل وانكسار اناجى ربى المختار واتضرع تضرع
المعانى الى المليك الجبار واطلب لك العون والصون
من هجوم الاشرار وان ينطق لسانك ويطلق نباك حتى
تنادى بذكر ربك بين الأبرار ويتحرك انا ملك بتنميق البرهان
واقامه الحجّة القاطعه على اهل الظنون والأوهام تعدى الناس
الى سبيل الهدى وتذكرهم بايات ربك الكبرى وتكشف عن
اعينهم الغطاء بظهور البراهين الساطعه على ظهور مكلم الطور من
سيناء الظهور فاران القدرة والقوة فى يوم الحشر والنشور
وانك انت يا ايها الفاضل الوقور قم على خدمة امرالله بقوة تزلزل
به اركان الجهل والشور ويتلاشى بها الغيوم المتكاثفه فى افق الوجود
حتى تظهر شمس الحقيقه باشعة ساطعة على مشارق الارض ومغارها
ان ربك يؤيدك على هذا السعى المشكور والفيض الموفور و

* ص ۱۹۶ *

علیک البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس ۶ محرم ۱۳۳۹ حیفآ
مقابله شد

طهران جناب آقا غلامعلی دوا فروش

هو الأبهی ای بنده آستان جمال مبارک الحمد لله صحیح و سالم در صون حمایت
آلهیه رجوع بایران نمودید و امور مؤید بفضل موفور و وصایای
عبدالبهآء مستمراً در قلب مذکور و این جاذب تأییدات
مشکوره ربّ غفور و علیک التحیه و الثناء مقابله شد
۲۲ صفر ۱۳۳۹ حیفآ عبدالبهآء عبّاس

ایران طهران در خیابان ناصریه جناب آقا غلامعلی دوا فروش ملاحظه فرمایند
خط مبارک

هو الله ای بنده الهی مکاتیب جناب آقا سید نصرالله و حاجی و
دیگران جمیع رسید مطمئن باش همواره بساحت کبریا
عجز و انابه مینمایم و دوستان دل و جان را الطاف بی
پایان میطلبم عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

* ص ۱۹۷ *

هو الله

بواسطه جناب حاجی میرزا عبدالله

طهران جناب غلامعلی ابن من فاز بالرفیق الاعلی غلامحسین علیه بهآء الله
الأبهی
یا صاحبی السّجن

هو الله ای بنده جمال ابهی خوشا بحال تو که منسوب درگاه احدیتی
و سلیل آن شخص جلیل اهل حقیقت و برادرزاده نفسی مبارکی
که موقّ بخدمت درگاه احدیت این مواهب جمع شده
امیدوارم که در جمیع مراتب سبب تأیید و توفیق گردد اشتیاق
من بیش از شماسست ولی حکمت چنین اقتضا مینماید که صبر

و تحمّل نمائید و حضور را بوقتی دیگر مرهون کنید مطمئن باش
بمحض جواز اجازة حضور داده میشود و علیک التحیة و الثناء ع ع
مقابله شد

لندن جناب آقا غلامعلی دوا فروش علیه بهاء الله الابهی

هو الله ای بنده آستان حق نامه شما از اسلامبول رسید و تفصیل معلوم
گردید چه بسیار اغنیا که در این سالهای جنگ فقرا
گشتند و چه بسیار عزیزان که ذلیل شدند حتی ملوک
مملوک شدند و شاهنشاهان معدوم و تباه گشتند تاج و تختها به هم خورد
و افسردیهم بخاک مذلت افتاد لکن الحمد لله احبای الهی درصون حمایت
حق محفوظ و مصون ماندند اگر چنانچه در ریح و سود فتوری واقع گشت حضرت ودود تلافی خواهد فرمود از خدا
خواهم که در این سفر مسرور باشی و علیک البهاء الابهی ۸ اپریل ۱۹۲۰ عبدالبهاء عباس مقابله شد
طهران جناب آقا غلامعلی دوا فروش

هو الله ای ثابت برپیمان مکاتیب متعدده از شما رسید در باب انتخاب اعضاء محفل روحانی از پیش بنهایت وضوح
مرقوم گردید از آن واضحتر ممکن نیست به موجب آن مجری دارند هر توضیحی از آن واضحتر نمیشود و اما در خصوص
پنجم جمادی الاول عید مبعث حضرت اعلی روحی له الفدا در ایام مبارک چنین معمول میشد ولی حضرات احبای
امریک و اوروپ بحساب سنوی میگیرند تا ایام عید تصادف به ایام نقاهت و صعود جمال مبارک ننماید من نه ترویج
نمودم و نه منع کردم زیرا این امر راجع به بیت العدل عمومیست هر وقت تشکیل شود آنچه بیت العدل قرار دهد همان
معمول به است اما ما بموجبی که در ایام مبارک معمول بود مجری میداریم و

* ص ۱۹۹ *

علیک البهاء الابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد.

طهران جناب میرزا غلامعلی دوا فروش علیه بهاء الله الابهی

هو الله ای ثابت بر پیمان پاکت‌های نمره صد و شصت و چهار و شصت و پنج و شصت و شش و شصت و هفت رسید در خصوص محافل همان است که مرقوم نمودید محفل اتحاد سبب اختلاف شد زیرا توحش الملک در آن محفل رکن رکین بود با وجود آنکه عبدالبهاء از پارسال این خبر میداد که این شخص منافق است بعد توبه‌نامه نوشت و ایضاً در محفل اتحاد چند نفر سرراً همداستان دارد بسیار عجیب است که محفل اتحاد با وجود آنکه رائحه خوشی از آن میوزد شعبها تأسیس کرده‌اند و احباً نیز سکوت نمودند بسیار عجیب است همین سرّ خفی را باید احبا کشف کنند بدانند که در این ضمن فساد عظیمی میشود و لکن بعضی ساده هستند گمان نمودند که جمیع اعضای محفل اتحاد را مقصد خدمت است لهذا بآن پیوستند و اگر بر آنها واضح شود که بعضی از اعضای محفل همداستان توحشند

* ص ۲۰۰ *

البته اجتناب کنند پارسال مرقوم شد که حضرت مسیح میفرماید چراغ را کسی زیر فانوس حدید نمیگذارد یعنی مذاکرات سریه بین نفوس معدوده مخالف امر آلهیست و سبب فساد و در بغداد شخصی از مشایخ طریقت در حضور مبارک در خلوت رسید و استدعای سرّی از اسرار نمود فرمودند ما اسرار را با طبل و دهل چهاراً بر ملا زدیم سرّی نداریم پس از این ترتیب در طهران مقصدی دارند و مجلسی تشکیل نموده‌اند که اسرار داشته باشد و هریک از اعضای آن محفل محفل سرّی تشکیل نماید و بتسلسل برود این سبب وهم حکومت گردد که حضرات حکومت خفیه تأسیس نموده‌اند و این سبب فساد عظیم شود زنه‌ار از چنین تأسیس البته این قضیه را موقوف نمائید در سنه گذشته این مرقوم شد و چنان مظنون بود که این مجلس فسخ شده حال یکدفعه دیدیم که با کوس و دهل صدایش بلند شد و خلاصه بعضی اعضا را مقاصد خفیه اینکه احباً را بکلی یکدفعه در دام قوم لئیم اندازند یعنی جمیع یاران را از صراط مستقیم بلغزانند ابداً کسی فکر نکرد که این سرّ مکنون چه خبر است و این فراموش خانه چه چیزست و مقاصد چه سبحان الله با وجود آنکه سال گذشته عبدالبهاء چنین جوابی بطهران مرقوم نمود با وجود این احباً ملتفت

مکرو خدعه بعضی از اعضای اتحاد نشدند باری این اتحاد
نیست این اساس اختلافست این هادم بنیان الهی است
من تقرّب الیه فلیس له من الطاف ربّه من نصیب این
نفوس را نصیحت نمائید که جعدان بیوفا بازان سپید
الهی را گمراه نتوانند نمود و طیور شب شمس حقیقت را
پنهان نتوانند کرد اینست که محافل خفیه خفا شبها در
ظلمات تحت الارضی تشکیل نمایند و با یکدیگر براز گویند
که آفتاب تاریک است قصد آن دارند این گلپاره‌ها
کز حسد پوشند خورشید ترا و علیکم البهّاء الأبهی
عبدالبهّاء عبّاس مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو الله ترانی یا الهی معترفاً بروحی و ذاتی و حقیقتی و کینونتی بعجزی و فقری و
فنائی و اضمحلالی و مقراً بذهولی و فتوری و قصوری عن ادراک
ادنی آیه من آیات فردانیتک فکیف احصی ثناء علیک کلت
اجنحة افکاری عن الصعود الی ذروة الوجود فکیف الوصول الی غیب
بهّاء سماء احدیتک و ائی لعناب اوهامی ان تنسج بلعابها
علی القمة الشاهقة من حقیقة الأمکان فکیف اعلی قباب قدس
رحمانیتک تنزهت یا الهی عن کلّ ذکر و ثناء فکیف ذکر هذه الذرة

الفانیه و تقدّست عن کلّ فکر و شعور و بیان فکیف نعوت هذه القطرة المتلاشیه
کلّ البحور متعطّش لفیوض رحمانیتک و کلّ الشّمس محتاجة الاشراف نور
فردانیتک فکیف هذه الحقیقة البالیة و العظام الخالیة ربّ ربّ
کمل عجزی و ظهر فقری و ثبت ذلّی و بان احتیاجی فی بیان نعت من
نعوت احبائک فکیف عتبه قدسک اذاً یا الهی اعنّی بقوّتک
و قدرتک و امددنی بالهامات غیب احدیتک علی الثناء علی
احبّتک الذین طابت ضمائرهم بنفحات قدسک و ارتاحت

سرايرهم بفيوضات انسك و صفت حقائقهم بآيات توحيدك و
اشرقت بواطنهم بفيوضات شمس تفريدك و اقبلوا بقلوبهم الى مطلع
رحمانيتك و قرت اعينهم بمشاهدة انوار ربانيتك و علت فطرتهم
بسطوع اشعة نير الوهيتك و ارتفعت اعلامهم فى بلادك و شاع و ذاع عليهم
فى مملكتك و دخلوا فى ظلّ وجهك و استفاضوا من فيض احديتك و منهم عبدك
الجليل و رقيقك النبيل الحقيقة النورانية و الشعلة الرحمانية و الآياته
الفردانية الذى تحمّل كلّ بلاء فى سبيلك و احتمل كلّ مصيبة فى محبتك و ابتلى بكلّ
رزية فى صراطك و قاسى كلّ عذاب اليم فى امرك فأمن بمشرك العظيم فى
مبدء الاشراق و استضاء بصبحك المبين الساطع على الآفاق و انجذب
انجذاباً سريع الى مشهد الفداء فى موطن جمالك الأبهى فى تلك القلعة
العصماء و تعذب عذاباً لا يحصى و تحمّل الجوع و العطش و البلاء تحت رشق النبال
ورش الرصاص مع ذلك هو يذكرك بلسانه و فى خفى جناحه مبهتلاً اليك

* ص ٢٠٣ *

منقطعاً عن دونك مناجياً الى ملكوت قدسك و يقول ربّ لك الشكر
على هذه الموهبته التى قدرتها لخيرة خلقك و خصصت بها برّة عبادك
حيث جعلتنى انيساً لحضرة قدوسك و نديماً لمظهر سيّوحك
الذى قام عليه طغاة خلقك و ظلمة عبادك و طعنوه بالسّنههم الحداد
و سنتهم النافذة فى القلب و الفواد ثمّ اخرجوه مع عبادك
عن تلك الملجأ الحصين بقسم لو يعلمون عظيم و الا قاندهم انه الصادق
الأمين ثمّ خانوا و طغوا و بغوا الى ان قطعوا اجساد احبائك
ارياً اربا و سالت الدماء و تقطعت الأعضاء و تفرقت الأجزاء
و اصبحت اللّحوم طعوماً للطيور و العظام تحت الرّغام و انقذت يا الهى
هذا العبد من يد العدوان بقدرتك الغالبة على الامكان تمهيداً
لما بقى له من الازمان حتّى يتهىّ الاستشراق من ظهور نيرك الاعظم
الساطع الفجر على الآفاق و يستفيض من السحاب المدرار و يعترف
من بحر الأسرار و يشرب من عين التسنيم و يترنح من نسيم فصلك
العظيم فعاش يا الهى تحت نصال البغضاء و نبال العداوة و الملامة
الكبرى يشتمه الأعداء بما اقبل الى جمال فردانيتك و يشتمه العذال
بما توجه الى ملكوت رحمانيتك و هو يا الهى معتك فى زوايا التيسان
مختفى عن اهل العصيان يتجرّع كلّ يوم كأس البلاء و يذوق كلّ آن

مرّ القضاة الى ان ارتفع النداء من حظيرة البقاء في الزوراء فلبى لندائك
واستضاء من بهائك وتهلل وجهه بمشاهدة ضيائك وقرت

* ص ٢٠٤ *

عينه بالنظر اليك والتوكل عليك فقام يدعو النفوس الزكية الى
مركز رحمانيتك ويدل الارواح المقدسة الى مطلع فردانيتك
ويتلو آياتك وينشد كلماتك ويجذب قلوب احبائك ويشير بظهورك
في تلك الانحاء ويشيع طلوع نورك في تلك الاصقاع فوفقته
يا الهى على خدمة امرك واعلاء كلمتك ونشر دينك وترويح
آثارك لك الحمد يا الهى على ما وفقته وايدته وخصصته بالواح
مقدسة من عندك وخاطبته بكلمة الرضاء من عندك حتى تمكن
من هداية النفوس الى معينك ودلالة الاعين الى نور مبيك ولم يزل
تتوالى عليه آثار فضلك وتتابع عليه اشراقات شمس جودك الى ان
تنزل اركان الوجود وانكسر ظهور اهل السجود وقامت الرزية الكبرى
واشتدت المصيبة العظمى واضطربت قلوب الاحباء فكان ناصحاً
اميناً للاتقياء وسلوة لقلوب محترقة بنار الجوى ومعزياً للأصفياء و
مشوقاً للكلى على الاستقامة العظمى بعد صعود جمالك الأبهى واشتدت
عليه الأحزان واثقلت عليه وطنها الآلام حتى سمع نداء الميثاق و
تلى كتاب العهد المنشور فى الآفاق فانشرح صدره وقرت عينه و
طابت نفسه وانكشف ظلامه وخف الآمه فشد رجاله الى عتبتك
المقدسة المعطره الأرجاء وورد فى بقعتك النوراء ومرغ جبينه
بتراب فنائك و عطر مشامه بنفحات قدسك واستفاض من
فيوضات روضتك النوراء ورجع الى تلك الاقاليم الشاسعة الارجاء

* ص ٢٠٥ *

منادياً بأسمك مستبشراً بذكرك معلناً لعهدك مروجاً لميثاقك
وما وجد يا الهى من اذن داعيه الا أسمعها ونفساً مستعدة
الأ أحيائها وروحاً منتظرة الأ بشرها وحقيقة زكية الأ أنعشها وما
مضت عليه مدة الأ انبعث فى قلبه الأشواق وزاد روحه يوماً فيوماً

اشتياًفاً الى مشاهدة الارض المقدسة وزيارة التربة المطهّره الى ان
اخذ زمام الصبر من يده فتوجّه الى البقعة النورانية و التربة المطهّرة
الرحمانية مرة ثانية مع وهن القوى و ضعف الأعضاء و تسلط الداء و عدم
الإقتدار على حركة ما فكان يا الهى سائقه شوقه و حامله حبه قائده
عشقه و جاذبه مرقد الجمال الأنوار و التراب المطهّر المعطر و دليله فى السبيل
آيات توحيدك الساطعة من هذه البقعة المباركة المقدسة العلياء
فتشرف بالعتبة المقدسه النورا و عفر وجهه و شعره بتراب
هذه الأرض التى لم يزل جعلتها مركز آياتك الكبرى و مطلع انوارك
التى اشرفت به الارض و السماء و مكث مدة من الزمان بفضلك
و جودك فى هذا المكان و هو طريح الفراش عليل المزاج نحيف
الأعضاء مرتجف الأركان و لكن يا الهى كلما شم رائحة الروضة
الغناء و الحديدية العليا انتعش منه الروح و تجدد له الحياة فرجع
الى وطن جمالك الأبهى و تزود بركة من حديقتك الغناء مستبشراً
ببشارة كبرى معتمداً على نشر آياتك فى الجزيرة الخضراء موطن
جمالك الأبهى فاستبشر الاحباء يا محبوبى برجوعه الى تلك الأنحاء

* ص ٢٠٦ *

وزادوا انجذاباً الى ملكوتك الأبهى و اشتعالاً بالنار الموقدة فى
سدره سيناء فتواردت عليه اوراق الشبهات من اهل
الأرتياب و سكت لعلمهم ينتهوا فى العدو و البغضاء
ثم لم يرفائدة من السكون و عدم الاعتناء فكتب جواباً قاطعاً
و ارسل سيفاً صارماً لاحد المرتابين و بكته على الذنب العظيم و دعاه
الى الصراط المستقيم و هداه الى النور المبين لعل يتذكر بالذکر الحكيم
ثم جذب القلوب الى العهد القديم و قاد النفوس فى منهج القويم
و ساق الطيور الى الماء المعين و لم يأل جهداً يا الهى فى خدمة امرك و
اعلاء كلمتك و نشر دينك الى ان انتهت انفاسه و طابت
نفسه بالصعود الى ملكوت رحمانيتك و اشتاق روحه يا محبوبى
الى الطيران الى ذروة ربانيتك فرج اليك مستبشراً ببشارتك
منجذباً بنفحاتك منشرحاً بتجلياتك منجذباً للوفود عليك
و النظر اليك و الحضور بين يديك الهى الهى بارك و روده و احسن
وفوده فى نزلك الأعلى و حديقة قدسك العليا و اجره فى
جوار رحمتك الكبرى و اسقه كأس العطاء و اكشف له الغطاء

حتّى يتشرف بمشاهدة اللقاء ويتفياً في ظلال السدره المنتهى ويترنم
على شجرة طوبى بابدع الألحان وفنون الأنغام يا ربى الرحمن و
ايدكل من يتنسب يا الهى بما ايدته به فى غابر الزمان واجعلهم
شركائه فى الأخلاق كما جعلتهم منشعبين منه فى الأعراق حتّى

* ص ٢٠٧ *

يسقوا زرعه ويخرجوا شطأه ويوقدوا سراجة ويحيوا معالمه
العظيمه ويعظموا شعائره القديمه أنك انت الكريم أنك
انت العظيم وأنك انت الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد

بواسطه جناب شهيد ابن اسم الله الأصدق
جناب شيخ حبيب قمى عليه بهاء الله الأبهى
يا صاحبى السجن

هو الله اى حبيب دل و جان شكر كن خدا را كه مورد امتحان شدى
و در افتتان شديد افتادى الحمد لله ملال نيافتى كلال نياوردى
و از زوجه حلال گذشتى سلسيل شماتت اعدا در سبيل كبرياء
چون سبيل شود عاشقان تشنه گردند و مشتاقان از حرارت
عطش بگدازند بگوشند و بجوشند و بخروشند تا بنوشند
حال الحمد لله تو جامى از اين عذب فوات نوشيدى و از اين
شهد بقا چشيدى و در طوفان شماتت و ملامت اعداء
ثابت قدم ماندى غصه مخور رفيق منى مرا هم از اين
جام نصيبى و از اين شهد بهره اى بود الى الآن هر وقت بخاطر
آيد سبب شادمانيست و علت سرور و كامرانى زيرا در سبيل
الهى يكى از بنات اعمام از صغرسن باراده مبارك نامزد

* ص ٢٠٨ *

اين عبد شد چون ببغداد آمديم عم بزرگوار بساحت اقدس
شتافت و گريه كنان رجائى تحكيم و توثيق اين ارتباط نمود
ولى اين عبد قبول نمينمود عاقبت بامر قطعى جمال مبارك قبول نمودم
مع ذلك همواره آرزوى تجرد داشتم تا بادرنه آمديم در ادرنه
بوديم كه عمه خانم بزرگ چون ارتباط به يحيى داشت محض
سرور خاطر آن كوشيد تا آن بيچاره را بيسر صدر اعظم ميرزا

علیخان داد از قرار مذکور گریه کنان هراسان و لرزان
رفت و ایام معدود نگذشت که بمرض سل مبتلا گردید مسلماً
وفات نمود رحمة الله علیها اگر چه اطناب و اسهاب گردید
ولی مقصود اینست که شما بدانید رفیق هم دارید تنها نیستید
امیدواریم که انشاء الله در ملکوت ابھی بلقay حوریات
معانی مسرور و مشعوف شوی تلافی مافات خواهد شد
غصه مخور زیرا عدد حوریات معانی غیر متناهیست در حدیث
سبعین الف حوریه ذکر شده و علیک البهآ الأبهی

ع ع

خط مبارک

انشاء الله یبدل درهمک بدینار ع ع
مقابله شد

هو الله * ص ۲۰۹ * جناب امین سرالواح را کاتب مرقوم مینماید زیرا عبدالبهآ فرصت

ندارد لهذا سرنامه ملا باقر کاشانی درست مرقوم نشده

مبالغی که ارسال بلندن و پاریس در اسکندریه نمودید کل رسیده

مطمئن باشید در نامه خویش از هرگونه مطالب که مصلحت

میدانید مأذونید که مرقوم نمائید ع ع

محرمانه در خصوص اعانه بر سائر ملل همّت فرمائید علی الخصوص اگر

حکومت تکلیف نماید

هو جناب امین سیصد جینه که آخر فرستاده بودید با هشتصد

جینه برات تلغرافی هر دو رسید ع ع

محرمانه از قرار تحریر میرزا محمد علی خان بهائی و دیگران بعضی

از احباب از گرسنگی و استغنائی طبع در سؤال فوت

شده اند و بکسی ابراز احتیاج ننموده اند شما تحرّی این

نفوس فرمائید و بهر وسیله باشد قوت برسانید و بمیرزا

حبیب پسر آقا رضا هر قسم باشد مهربانی بکنید محرمانه

است ع ع مقابله شد

طهران حضرات اعضای محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبھی
* ص ۲۱۰ *

خط مبارک

هو الله ای یاران عبدالبهاء الحمد لله آنچه از کلک پیمان در سنین هیجان و
نهایت نفوذ و اقتدار مجلسیان در عراق و اعصاب و شریان ایرانیان صادر در
این ایام ظاهر و آشکار گشت تا کلّ یقین نمایند که این قلم ملهم است
اساس شور از اعظم تأسیسات آلهیه ولی باید اساس تقوای الهی و خیر خواهی
عمومی باشد اما مجلس معهود در دست علماء سؤ و آمت یحیای بیوفا
بود و مقصود نهایت استبداد و استیلاء و عاقبت بر قطع شجره مبارکه
قیام مینمودند با وجود مداخله این نفوس مانند ملک الاخرسین و صور
و ناقور و شیخ الممالک و سید جمال چگونه موفق و مؤید میشدند ان الله
لا یصلح عمل المفسدین باری حال باید حکومت بشکرانه این تأیید
بعدل و انصاف پردازد و خونخواهی حضرت فاضل جلیل شهید و
سید یحیی در سیرجان فرماید زیرا آن بزرگوار را چند ماه پیش در
نهایت ظلم و عدوان ستمکاران شرحه شرحه نمودند و همچنین حکومت
باید نهایت حمایت از مظلومان آفاق نماید تا این تأیید و توفیق مستمر
باشد شکر نعمت نعمت افزون کند و لئن شکرتم لأزیدنکم
در خصوص جناب شیخ الرئیس احباً باید ساکت و صامت باشند و
بموجب نصوص الهی بنهایت اخلاق روحانی معامله کنند اگر
نفسی جزئی نسیانی نمود باید نوعی حرکت و معامله کرد که خود
او ملتفت گردد و علیکم البهّاء ع ع مقابله شد

* ص ۲۱۱ *

خط مبارک

هو الله

طهران حضرات اعضای محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبھی

هو الله ای محفل مقدّس جناب شیخ الرئیس بعضی اوقات در منبر بکنایه و اشاره
و تلویح تبلیغ نموده اند لهذا عبدالبهاء این خدمت ایشان را فراموش ننماید
و البتّه احباً در حق ایشان جز ذکر خیر ننمایند و باید مراعات و احترام مجری

دارند آنچه واقع شد گذشت لو کنت فظاً غلیظ القب لانفضوا من حولک ما مأمور بآنیم که با دشمنان با نهایت محبت و مهربانی معامله نمائیم تا چه رسد بدوستان و علیکم البهء الأبھی ع ع مقابله شد

خط مبارک

طهران اعضای محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبھی

هو الله ای بندگان مقرب جمال مبارک مسئله ارتباط شرق و غرب اهمیت حاصل نموده است بعضی نفوس نهایت همت در این خصوص دارند و باید یک کمیته اجرائیه بجهت ارتباط شرق و غرب انتخاب شود تا مشغول باین کار شوند و همچنین قضیه تبلیغ را در این ایام فترت اهمیت بدهید مانند عبدالبهء دقیقه ای آرام نگیرید و نفس راحتی بر نیارید باید همدم و همقدم و در عبودیت آستان مقدس شریک و سهیم باشیم ع ع مقابله شد

* ص ۲۱۲ *

محرمانه

طهران اعضای محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبھی

یا صاحبی السجن

هو الله ای بندگان جمال ابھی بکرات و مراتب بجمیع اطراف حتی با افراد احباً مرقوم گردید که ما را مدخلی در امور سیاسی بنص قاطع الهی نه حتی تکلم بکلمهئی ارا اینخصوص جائز نیست و این واضح و مشهود است که کلمه الله حصن حصین است و صون مبین و حال نیز بنهایت تأکید تحذیر میشود که احبای الهی را بکلی از مداخله و مکالمه در امور سیاسی منع نمائید ولی بر ما فرض و واجب است اطاعت بحکومت در نهایت صداقت و امانت و دیانت و همچنین حسن معامله با عموم ملت بلکه جمیع ملل عالم یعنی خیر کل بخواهیم و محبت و مهربانی بنمائیم و پرستاری کنیم و غم خواری نمائیم و بتربیت نفوس پردازیم و ترویج اخلاق الهی نمائیم دیگر ابداً مدخلی از امور سیاسی نداریم حال همچه معلوم میشود که بعضی احبا رأی مخصوص دارند و تأکیدات منصوص را تأویل نمایند و حال آنکه آنچه از این قلم جاری بیان نص قاطع الهیست ابداً در اجراء تراخی جائز نه و این از شرط اساسیه ثبوت بر میثاق است احبای الهی باید شور در امری مجهول نمایند اما امری که از قلم میثاق صادر شود لازم ندارد همان حکم الهیست چرا بیان کتابست مثلاً ملاحظه فرمائید همین مسئله را که حکومت محترمه در آذربایجان

سی سال حمایت مظلومان نمود و اگر این حمایت نبود ملت یکنفر از اولیای الهی باقی نگذاشته بود و چنین همت و عدالت و مروّتی را * ص ۲۱۳ *

نباید فراموش نمود زیرا در زمان شاه مرحوم در یزد ملت اندکی فرصت یافت بآن ظلم شدید پرداخت و اگر در سائر جهات نیز فرصتی حاصل میگردید البته جمیع را قتل مینمودند محافظه حکومت بود که اندکی سبب حفظ و امان بود حال نیز در آذربایجان ملاحظه نمائید که حضرت عطار مظلوم را شخص خونخواری بشدت ضرب شهید نمود و شکوه بمجلس ملت نمودند و کیفر خواستند نتیجه این شد که مجلس آن غدار خونخوار را بکیفر...^{۱۷} باشی کرد و همچنین در خراسان حکومت معاونت مظلومان فروغ خواست و متعذیان را آغاز زجر کرد چون کار بمجلس ملت رسید بشدت عدوان بر خواستند و آن مظلومان را امر کردند که بسلاسل و اغلال احضار کنند و حال نیز شما از جواب مجلس بفخرالدین کاشی بیدار شوید که مرقوم نموده اند حال وقت این کار نیست معنی چنین است که بگذارید تا ما تمکنی بیابیم آنوقت مباشرت بآنچه خواهید بنمائید حال وقت آن نیست روزنامه حبل المتین طهران را البته قرائت کرده اید پس ملتفت بعواقب امور باشید در هر صورت حامی این مظلومان بر خیزند در این شبهه منمائید ما چهل سالست که این همه زحمت کشیدیم تا در نزد حکومت واضح و مبرهن شد که صادقیم و خیر خواه و محبیب و منقاد حال اگر چنین باشد که احبای الهی هر یک * ص ۲۱۴ *

آنچه مصلحت بداند مجری بدارند البته این زحمات چهل ساله هدر رود و این مظلومان تحت هجوم کل واقع گردند بر فرض استقرار مجلس و استحکام مشروطیت باز کار در دست حکومتست الآن در دول سائر با وجود مشروطیت حامی مظلومان حکومتست اگر امپراطور آلمانیا نبود بیست سال پیش جمیع کلیمیان را ملت محو مینمود و در ممالک روس ملاحظه نمائید که متعرض کلیمیان آیا دولت بود یا ملت علی الخصوص ملتی که طینتش بخونخواری و درندگی و تعدی مخمر باشد باری مقصود اینست زنهار زنهار در امور سیاسی قطعاً مکالمه ننمائید و بصدقت بحکومت معامله نمائید کاری بکاری نداشته باشید و با هیچ حزبی همداستان نگردید مطیع حکومت باشید و خیر خواه ملت و بتبلیغ امر الله و نشر نفحات الله مشغول گردید و بتربیت

^{۱۷} کلمه ای خوانده نشد.

نفوس پردازید تا انشاء الله این احزاب ...^{۱۸} طیور حدیقه عدل و انصاف شوند و این ذاب کاسره اغنام الهی گردند و این کلاب خاسره غزالان صحرای محبت و وداد شوند و دیگر آنکه بساط تبلیغ باید در جمیع احیان ممدود گردد زیرا تأیید الهی موکول بر آن اگر نفسی بجان و دل در نهایت همت کمر بر تبلیغ امرالله نیندد البتّه از تأیید ملکوت ابهی محروم ماند ولی باید که بحکمت باشد و حکمت اینست که بمدارای الهی و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربّانی تبلیغ نماید نه اینکه بصمت و سکوت پردازد و بکلی فراموش نماید خلاصه احبّای الهی را فرداً فرداً بتبلیغ امرالله تشویق نمائید که حکمت

* ص ۲۱۵ *

مذکوره در کتاب نفس تبلیغ است ولی بمدارا تا تأییدات الهیه احاطه نماید و توفیقات صمدانیه رفیق گردد عبدالبهاء را نهایت آرزو تأیید و توفیق اجزای محفل روحانیت قسم بجمال قدم روحی الأحبائه الفداء که در لیالی و اسحار در شبهای تاریک عجز و نیاز بدعا پردازم و در حق شما تأیید و توفیق خواهم و علیکم البهّاء الأبھی
خط مبارک
ما وقتی از مجلس ستایش نمائیم که با حکومت امتزاج شیر و شکر نماید و سبب ترقی مملکت شود و مروج عدالت گردد آنوقت دعا نمائیم و تأیید خواهیم و تعهد و کفالت توفیقات الهیه کنیم و امیدواریم که
چنین گردد ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو در محفل شور مفتوح گردد

هو الله ربّ و مؤید کلّ جمع انعقد لاعلاء کلمة رحمانیتک و موفق کلّ عصبه

کلّ الاشیاء انک انت سمیع الدعا و انک لعلی کلّ شیئی قدیر
الیوم محفل شور را اهمیت عظیمه و لزومیت قویه بوده و بر جمیع اطاعت

^{۱۸} کلمه ای خوانده نشد.

فرض و واجب علی الخصوص که ارکان ایادی امر هستند ولی باید

* ص ۲۱۶ *

بنوعی مذاکره و مشاوره کرد که اسباب کدورتی و اختلافی فراهم نیاید و آن
اینست حین عقد مجلس هر یک بکمال حریت رأی خویش را بیان و کشف برهان
نماید اگر دیگری مقاومت میکند ابدأ او مکدر نشود زیرا تا بحث در مسائل
نگردد رأی موافق معلوم نشود و بارقه حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار
است در نهایت مذاکره اگر اتفاق آراء حاصل گردد فنعم المراد و اگر
معاذ الله اختلاف حاصل شود باکثرت آراء قرار دهند و چون قراری
از قرارهای شور را احباً یا بعضی استنکاف نمایند اجزاء با کسی معاتبه و
مجادله نمایند سکوت کنند و باین عبد مرقوم دارند و دیگر آنکه مذاکره در
محفل شور را کسی نباید نقل کند و در بدایت اجتماع باید طلب توفیق خاص
بجهت اعلیحضرت شهریارى نمایند و التماس تأیید تام بجهت حضرت
صدارت پناهی کنند و ابدأ در مجلس شور از امور سیاسیه دم نزنند
بلکه جمیع مذاکرات در مصالح کلیه و جزئیة اصلاح احوال و تحسین اخلاق
و تربیت اطفال و محافظه عموم از جمیع جهات باشد و اگر چنانچه
نفسی بخواهد کلمه از تصرفات حکومت و اعتراضی بر اولیاء امور نماید
دیگران موافقت نمایند زیرا امر الله را قطعاً تعلق بامور سیاسیه نبوده
و نیست امور سیاسیه راجع باولیای امور است چه تعلق بنفوسی دارد
که باید در تنظیم حال و اخلاق و تشویق بر کمالات کوشند باری هیچ
نفسی نباید که از تکلیف خود خارج شود ع ع
خط مبارک

هو الله اول فریضه اصحاب شور خلوص نیت و نورانیت حقیقت

* ص ۲۱۷ *

و انقطاع از ما سوی الله و انجذاب بنفحات الله و خضوع و خشوع بین احبّاء
و صبر و تحمّل بر بلاء و بندگی عتبه سامیه آلهیه است و چون باین صفات
موفق و موید گردند نصرت ملکوت غیب ابهی احاطه نماید ثانی فریضه
اثبات وحدانیت جمال غیب ابهی و مظهریت کامله ربّانیه حضرت نقطه اولی

و عبودیت محضه صرفه ذاتیه کینونیه باطنه حقیقیه صریحه عبدالبهاء بدون
شائبه ذکری دون آن و هذه غایتی القصوی و منتها معارجی العلیا و
جنتی الماوی وهی نور وجهی و منیه قلبی و شفاء صدری و فرة عینی
و رواء غلّتی و برد لوعتی و براء علّتی و من اعتقد بغير هذا فقد خالف
عبدالبهاء ثالث فريضه ترویج احکام آیهه در بین احباء از صلاة
و صیام و حج و حقوق و سائر احکام الهیه بالتتام و همچنین دائماً
تشویق و تحریص کل احباً بموجب نصوص قاطعه آیهیه بر اطاعت و
خدمت سریر سلطنت عادلّه شهریاری و صداقت و امانت در خدمات
اعلیحضرت دادپرور تاجداری و تمکین از اولیاء امور حکمرانی رابع
فريضه حفظ و صیانت عموم احباء در جمیع موارد و مواقع و تمشیت
امور عمومیه از قبیل تربیت اطفال و تهذیب اخلاق و تعلیم علوم نافع
از جمیع جهات و تأسیس مدارس و مکاتب بجهت ذکور و اناث
و تکفل فقراء و ضعفاء و صغار و ایتام و ارامل و ایامی و تدبیر وسائط
صنعت و کسب و توسیع احوال عموم خامساً منع عموم از آنچه
سبب فتنه و فساد و عدم مداخله در امور سیاسیه بالکلیه و عدم

* ص ۲۱۸ *

مکالمه در این خصوص ولو بشقّ شفه و دلالت بر تمکین در جمیع احوال و سکون
و محبت و دوستی با عموم سادساً مدارا با اهل فتور و تشبث بجمیع وسائل
در ارجاع آن نفوس بر میثاق حضرت رحمن ع ع مقابله شد

طهران اعضاء محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبهی
خط مبارک

هو الله ای نفوس محترمه از تمدن الملک مکاتیب دیروز در خصوص کنگره
لندن رسید محض اطلاع شما ارسال گشت از برای احباً بخوانید در
شب و روز بدرگاه جمال مبارک در نهایت عجز و نیاز لابه و زاری نمایم
و شما را تأیید و توفیق خواهم عازم آن آفاق غریب که شاید حرکت
مذبوحی در عبودیت آستان مقدس جمال ابهی نمایم در نهایت تعجیل
مرقوم گردید معذور دارید ع ع مقابله شد

طهران اعضاء محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السّجن

هو الله ای امنای عبدالبهاء مستر در نفوس از پاریس مرقوم نموده و بنهایت الحاح اصرار فرموده که بکتابخانه عمومی پاریس بعضی رسائل خطی از نفوس مهمه

* ص ۲۱۹ *

مانند یحیائیهام متتابعاً میرسد و مقصد آنان اینکه عظمت امرالله و نفوذ کلمه الله را مانع و ترویج اوهمات خویش نمایند و چون در کتبخانه عمومی رسائلی که بخط مرقوم باشد از این امر نیست لهذا ارباب معارف چون رسائل خطی را بیشتر اهمّیت میدهند آن رسائل مهمله را قرائت میکنند لهذا لازم است بلکه فرض و واجب رسائلی خطی بابدع خطوط مرقوم گردد و ارسال پاریس شود که بکتابخانه عمومی دهیم و چون در بقعه مبارکه آثاری در دست نیست لهذا بسیار مشکلت حصول این قضیه و همچنین خطاطی موجود نه پس مجبور بآن شدم که این تکلیف را بشما نمایم که در هر سه ماهی یک رساله باحسن خطوط مرقوم نموده و تذهیب و تجلید کرده نزد مستر در نفوس بفرستید که او بکتابخانه عمومی برساند این قضیه بسیار لازم است و آن رسائل باید عبارت از تجلیات و اشراقات و کلمات و بشارت و طرازات و امثالها و کتاب ایقان و الواح مهمه مبارک و مکاتیب مهمه این عبد باشد و تأکید میکنم که بسیار لازم است و علیکم البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

طهران

اعضاء محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبهی

* ص ۲۲۰ *

یا صاحبی السّجن

هو الله ای یاران عزیز عبدالبهاء جناب عضد السلطان عازم طهران گشت قدری

پژمرده و پریشانند الحمد لله توجه بملکوت ابهی نموده اند و اقتباس از سراج هدی فرموده اند در حق ایشان نهایت محبت و مهربانی نمایند و از هر جهت دلالت بر رضای الهی و تمسک بذیل کبریا و تبرّی از ماسوی بنمایند و علیکم البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

بواسطة جناب آقا میرزا علی اکبر
طهران اجزاء محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السّجن

هو الله ای یاران عبدالبهاء جناب میرزا علی اکبر فی الحقیقه بخدمت مشغول و تا
بحال اسباب معیشتی فراهم بود حال آن اسباب مقطوع شد باید
بهمت یاران محفل روحانی از برای او مشغولیتی فراهم آید که سبب
راحت و آسایش فکر او گردد و در خدمات سابقه دوام نماید
و علیکم البهاء الأبھی ع ع مقابله شد

بواسطة جناب یونس خان

* ص ۲۲۱ *

طهران انجمن محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السّجن

هو الله ای انجمن روحانی نامه شما رسید مختصر جواب مرقوم میگردد معذور
دارید در خصوص ارسال معلّمه و معلّم بتأکید سه هفته پیش بجناب
آقا میرزا احمد مرقوم گردید مجدداً باز نگاشته میگردد در فکر توسیع
دائرة تبلیغ باشید زیرا روز میدان است و یوم جولان هر شهسوار
که سمند همت در این میدان براند یقین است بچوگان عنایت
گوی موهبت بریاید و علیکم البهاء الأبھی ع ع مقابله شد

محرمانه

طهران انجمن محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبھی
یا صاحبی السّجن محرمانه

هو الله ای یاران عزیز عبدالبهاء هرگاه ملاحظه نمائید که بانتخاب عمومی
محفل روحانی را نفوذ ازدیاد حاصل گردد و نفسی را مجال اعتراض
و احتراز نماند و کلّ اذعان قرارهای محفل روحانی مینمایند در

اینصورت انتخاب عمومی بهتر و خوشتر است بلکه انشاءالله آن محفل بدرجه ئی رسد که بنیان وحدت عالم انسانی را تأسیس نماید و نهایت اتحاد و الفت و یگانگی حاصل گردد در اینخصوص مشورت

* ص ۲۲۲ *

بنمائید و نتیجه قرار را ارسال نمائید و علیکم البهآء الأبهی ع ع
مقابلہ شد

طهران اجزاء محفل روحانی علیهم بهآء الله الأبهی

یا صاحبی السّجن

هو الله جناب میرزا شکرالله خان باج مالو نامه ای نوشته و خواهش
تأسیس محفل مقدّسی در طهران نموده بد فکری نکرده فی الحقیقه اگر
محفلی یعنی انجمنی نفوس مبارکی واقفی با اطلاعی تأسیس شود که
هر نفسی را وهمی یا شبهه ای حاصل شود آن انجمن نواری در رفع
شبهات بیانی کافی و وافی نماید و همچنین بوعظ و نصائح پردازد
تا سبب انتباه قلوب غافله گردد و علّت خضوع و خشوع نفوس
متکبره شود بسیار موافق و مناسب است از عدم فرصت مختصر مرقوم شد
و علیکم البهآء الأبهی مقابلہ شد

طهران یا صاحبی السّجن

اعضای محفل روحانی علیهم بهآء الله الأبهی

هو الله ای یاران روحانی عبدالبهآء جناب میرزا احمد سهراب از امریک
نامه ئی نگاشته که بجهت اعضآء کمیته مجری انجمن ارتباط شرق و
غرب نفوسی انتخاب گردد و مکتوب در جوف ارسال میشود

* ص ۲۲۳ *

ملاحظه خواهید نمود لهذا نفوسی را انتخاب نمائید در طهران که در این جمعیت مجریه اعضا نامیده شوند و همچنین بسائر محافل اطراف سواد این مکتوب را با سواد مکتوب جناب میرزا احمد ارسال دارید که هر محفلی پنج نفر انتخاب نمایند جریده نجم باختر اهمیت پیدا نموده البته ترویج بین احبباً نمائید قیمتش قلیل است و تحصیل نموده ارسال امریکا نمائید که سبب ترویج خواهد گشت از قرار مسموع تا بحال از بابت این روزنامه نجم باختر پنجاه تومان بامریکا رفته این مبلغ بسیار قلیل است و علیکم البهآء الأبهی ع ع
مقابله شد

طهران محفل روحانی علیهم بهآء الله الأبهی
یا صاحبی السّجن

هو الله ای یاران عزیز عبدالبهآء الیوم اهمّ امور تبلیغ امرالله و نشر نفعات الله است تکلیف هر نفسی از احببای الهی اینست که شب و روز آرام نگیرد و نفسی بر نیارد جز بفکر نشر نفعات الله یعنی بقدر امکان بکوشد که نفسی را بشریعه لقا هدایت نماید و احیا کند زیرا این اثر از او در اعصار و قرون متسلسل گردد چه که از هادی اول تابع و ترادف و تسلسل در مؤمنین دیگر کند عاقبت یک نفس مقدّس سبب احیاء صد هزار نفوس شود ملاحظه فرمائید که چه قدر
* ص ۲۲۴ *

اهمیت دارد که هدایت یک نفس اعظم از سلطنت است زیرا سلطنت ظاهر در ایامی چند منتهی شود نه اثری و نه ثمری و نه سروری و نه فرحی و نه بشارتی و نه اشارتی نه نامی و نه نشانی باقی ماند اما این سلطنت که هدایت نفوس است دست در آغوش دلبر ابدی نماید و انسان بر بالین سرمدی بیاساید لهذا باید محفل های روحانی در جمیع بلاد فراهم آید و فکرشان این باشد که نفوسی هدایت شوند و همچنین باطراف و اکناف محض نشر نفعات الله نفوسی ارسال شود که طالبان را بسبیل الهی هدایت نمایند حتی عبور و مرور نیز مفید است مثلاً بلادی که در محلات منعکفه گوشه ای افتاده یارانی که در آنجا هستند از جائی خبری ندارند اگر چنانچه خبری گیرند بالتصادفست حال اگر نفوسی عبور و مرور نمایند و احبباً را بشارت الهیه دهند و در هر جا یک شب دوشب بمانند اخبار ارض مقدس و سائر بلدان و دیار را از شرق

و غرب بدهند و بکمال محبت و جوش و طرب معاشرت کنند این سبب
 انجذاب و اشتعال شود و نفوس تربیت گردند و بشور و وله آیند همین
 سبب نشر نفحات شود و علت اعلاء کلمه الله گردد جناب آقا میرزا
 طراز و آقا میرزا علی اکبر این دو نفس مبارک بسیار سبب سرور قلب عبدالبهاء
 شدند یقین است که بخدمات کلیه موفق خواهند شد و در ملکوت ابهی مانند
 ستاره صبحگاهی درخشنده و تابان خواهند گشت و علیهما البهاء الأبهی یوم...^{۱۹} و
 علیهما بهاء الله الأبهی یوم بلغا و علیهما بهاء الله الأبهی یوم نادا و
 علیهما بهاء الله الأبهی
 یوم یدرکان لقاء ربهما فی ملکوت ابدی قدیم و علیکم البهاء الأبهی ع ع
 مقابله شد

* ص ۲۲۵ *

طهران محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبهی
 یا صاحبی السّجن

هو الله تربیت نسوان اهمّ از تربیت رجال است زیرا نسوان چون تربیت
 یابند اطفال نیز در حیات روحانی نشو و نما کنند از آنجمله مادری
 چون در تبلیغ امرالله بیان دلائل و براهین الهی آموزد جمیع اطفال
 خویش را نیز تربیت و تعلیم نماید پس باید انجمن تبلیغ نساء را
 اهمیت تامه داد تا بعنایت و صون و حمایت جمال ابهی روحی لأحبائه الفداء
 اول محفل تبلیغ نساء در طهران تشکیل شود و سرایت بسائر جهات
 نماید این مطلب مهمّ است البتّه باید محفل روحانی نهایت همت را
 در این قضیه بفرماید مختصر مرقوم میشود زیرا فرصت نیست معذور بدارید
 و علیکم البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

طهران

اعضای محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبهی
 یا صاحبی السّجن

^{۱۹} کلمه ای خوانده نشد.

هو الله ای نفوس محترمه جناب میرزا نظام مقداری از کتاب اقدس و
سؤال و جواب از پیش طبع کردند موجود دارند و مدیونند و سزاوار
رعایت و اعانت باید محفل روحانی در این خصوص شور فرمایند و آنچه
مصلحت دانند مجری نمایند و علیکم البهآء الأبهی ع
مقابله شد

* ص ۲۲۶ *

طهران اعضا محفل روحانی و محافل سائر مبارکه عموماً علیهم بهآء الله الأبهی

هو الله ای یاران مهربان نامه ای محرمانه از شاگردان مدرسه تربیت رسید
هر چند مضمون مبالغه است ولی مصلحت چنان دیدم که در این خصوص مشورتی
نمائید و قراری بدهید اگر چنانچه مدرسه ناقص است البتّه صد البتّه
اکمال نمائید زیرا اگر از این مدرسه بمدارس دیگر روند عاقبت در خلق و
خوی آنان فتوری حاصل شود منجمله چند تلمیذ از مدرسه تربیت بمدارس
پاریس فرستادند امیدوارم که در پناه حفظ و حمایت جمال مبارک
باشند ولی تلامذه سایه ایرانی در ممالک فرنگ جز پریشانی فکر و
هوی و هوس چیز دیگر استفاده ننمایند دل بدرس ندهند همواره
مشغول بتلفیق مالا یعنی گردند سئوالاتی از علوم و فنون مادیه شد ملاحظه
گردید که در علوم عادیّه مادیه جاهل و ناقصند تا چه رسد بعلوم عالیّه
ولی در کمال غرور از مسائل سیاسیه و اجتماعیه و هتک نوامیس انسانیه
و خرق شرایع آلهیه دم زنند ایکاش از عالم سیاسیه و روابط هیئت
اجتماعیه خبری داشتند بسیار خودخواه و خود پسند ولی بکلی از
فضائل عالم انسانی حتّی فنون موجوده در مدارس بیخبر نهایت آمالشان
اینکه گویند ما در مدارس عالیّه پاریس تحصیل نمودیم پس باید نفس مدرسه تربیت را
مکمل نمود تا احتیاج بمدارس خارجه نماند و علیکم البهآء الأبهی ع
مقابله شد

* ص ۲۲۷ *

طهران ۲۷ ربیع الأول ۱۳۲۸ اجزاء محفل روحانی علیهم بهآء الله الأبهی

یا صاحبی السّجن هو الله

ای ثابتان برپیمان الحمدلله از جمیع جهات اسباب اتّحاد و اتّفاق و ارتباط بعون و عنایت جمال مبارک در بین شرق و غرب فراهم میآید در امریکا شرکتی با اسم انجمن تربیتی ایران و امریکا تأسیس شده و اوراق باین خصوص را جناب میرزا احمد ارسال نموده در نزد جناب آقا میرزا علی اکبر ارسال میشود هر یک را محفل روحانی مصلحت داند طبع و نشر نمایند اما در اعلانی که در امریکا نموده اند پریشانی اطفال و اولیاء مدرسه را عنوان کرده اند این را تصحیح نمائید و از محفل روحانی بآن انجمن بواسطه آقا میرزا احمد مرقوم دارید که اولیای مدرسه و اطفال پریشان نیستند بلکه در ظلّ عنایت حق در کمال راحت و رخا هستند و اگر بعضی اطفال فقرا هستند مجاناً در مدرسه قبول مینمایند و تکفل امور ایشان میشود و مدرسه در طهران منحصر بمدرسه تربیت نیست مدارس دیگر نیز هست انجمن تربیت در امریکا تصحیح این اعلان نموده اعلان نماید و این ارتباط را اهمّیت بدهند از ایران اعانت مشرق الاذکار بامریکا از هر جا نمودند حتی از قری حال اگر احبّای امریک بخواهند بصرافت طبع و طیب خاطر آنان نیز از مدرسه تربیت اعانتی نمایند این سبب ازدیاد ارتباط است باری اعلانی جناب آقا میرزا احمد بواسطه انجمن در

* ص ۲۲۸ *

نهایت استغنا بنمایند که اگر نفسی اعانتی میکند انجمن مدرسه تربیت ایران در قبول منت میگذارد نه منت میدارد باری این اعلان را شما تصحیح نمائید و بفرستید و انجمن تربیت را نام انجمن ارتباط شرق و غرب نهادیم و علیک البهّاء الأبھی ع ع مقابله شد

هو

طهرن اعضای محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبھی

یا صاحبی السّجن

هو الله نامه شما رسید و از اینکه در فکر انتخاب عمومی بودید روح و ریحان حاصل گردید و ترتیب انتخاب عمومی اینست عدد اعضا را معین کرد

که باید از نه ۹ کمتر نباشد و بحسب اقتضای زمان و مکان نه ۹ دیگر بر آن افزوده شود بعد باید جمیع احبای طهران را اعلان نمایند که انتخاب عمومیت یعنی هر صد و یا پنجاه شخص هر چند نفر نفسی را انتخاب کنند هر کس را بخواهند و این نفوس منتخبه اعضای محفل روحانی را انتخاب نمایند خواه در انتخاب اول و خواه در انتخاب ثانی اکثریت را منظور داشته باشند این اصول انتخاب است که اعضای محفل روحانی منتخب منتخبین هستند و علیکم البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

(۱) یعنی هر صد و یا پنجاه شخص بخط مبارک

* ص ۲۲۹ *

طهران اعضای محفل روحانی علیهم بهآء الله الأبهی

یا صاحبی السجین

هو الله ای یاران رحمانی حضرت علی قبل اکبر خدمات مشکوره بدرگاه احدیت نمود در مدت حیات نفوس کثیره را هدایت کرد و در سبیل الهی مشقات عظیمه دید و صدمات کلیه یافت تهاون نفرمود جزع و فزع نکرد بلکه در نهایت استقامت مقاومت مهاجمین و معارضین فرمود تا آنکه کأس فنا ازید ساقی عطا نوشید و بجهان الهی شتافت و بملکوت اسرار پرواز کرد و مظهر الطاف بی پایان گردید در محفل لقا بانوار عفو و غفران روی تابان نمود مرقد منور آنشخص جلیل را بهر قسمی که مصلحت بدانید بنا نمائید تا محل توهین دیگران نگردد و آنچه مصارف دارد جناب حاجی غلامرضا باید ادا نمایند و از الطاف الهی استدعا مینمایم که هر فردی از آن جمع سراج نورانی گردد و شمع رحمانی شود و علیکم البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

طهران حضرات اعضای محفل روحانی علیهم بهآء الله الأبهی

هو الله ای یاران الهی بشارت کبری اینکه هیکل مطهر منور مقدس حضرت اعلی روحی له الفداء بعد از آنکه شصت سال از تسلط اعدا و خوف

* ص ۲۳۰ *

از اهل بغضا همواره از جائی بجائی نقل شد و ابدأ سکون و قرار نیافت
بفضل جمال ابهی در یوم نیروز در نهایت احتفال باکمال جلال و
جمال در جبل کرمل در مقام اعلی در صندوق مقدّس استقرار یافت
هذا هو المرقد الجلیل و هذا هو الجدث المطهّر و هذا هو الرّمس المنور لهذا
قلوب احبّای الهی جمیعاً مستبشر و بشکرانیه این الطاف آلهیه جمیع
بستایش و نیایش اسم اعظم پرداختیم اگر چنانچه من بعد کسی روایتی
یا حکایتی نماید که اثری از هیکل مقدّس در جای دیگر است
کذابست قد افتری علی الله این تنبیه بجهت آنست که مبادا من بعد
شخص لئیمی را غرض و مرضی حاصل شود روایت و حکایتی نماید که دلیل
بر آن باشد اثری از آن هیکل مکرم در جای دیگر است فانتبهوا
یا احبّاء الله لهذا الامر العظیم و چون چنین تأیید و توفیقی رسید
که بعنایت جمال مبارک جبل کرمل ای جبل الربّ یعنی باغ الهی
زیرا کریم بمعنی باغ و ثیل بمعنی خداست این موهبت حاصل شد
و الربّ بهاء کرمل منصوص کتب ربّانی ظاهرگشت لهذا امید چنانست
که بمیمنت این امر عظیم امرالله در جمیع اطراف و اکناف جلوّه
دیگر نماید و طلوع و اشراقی عظیم فرماید و هذا من فضل ربّی این
تأییدات و توفیقات از فم مطهّر جمال قدم موعود بود الحمد لله بخیر
حصول رسید فاشکروا الله علی هذه النّعمة العظیمی و الموهبة الکبری
الّتی شملتنا اجمعین من ربّ العالمین و از تصادف های عجیب آنکه در

* ص ۲۳۱ *

همان روز نوروز از شیکاگو تلگرافی بامضای مسترگتستر مسیس ترو
و مستر چیس و مستر مکنات رسید مضمون اینکه از هر شهری از
شهرهای امریک احبّاً بالنّیابه از خود مبعوثی انتخاب نمودند و
بشیکاگو فرستادند چهل مبعوث در شیکاگو جمع شدند و
قرار قطعی موقع مشرق الاذکار و بنیانش دادند تا کلّ احبّای امریک
در بنیان مشرق الاذکار در شیکاگو مشترک باشند این اجتماع
در روز نوروز واقع شد و قرار قطعی داده و مؤدّه تلغرافی
بأرض مقصود فرستادند و علیکم البهء الأبهی ع ع
مقابله شد

طهران اعضا محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبھی

هو الله ای نفوس مبارک امة الله مسس الا کوپراز کالیفورنیا مکرر مینگارد
که عکس مواقع تاریخیه این امر در ایران بسیار لازمست لهذا شما
بهمه جا بنویسید که آن مواقع را عکس انداخته ارسال بارض مقدس بدارند
تا از ارض مقدس ارسال بکالیفورنیا شود و همچنین عکس احبای
قدیم در هر جا باشد آنرا نیز ارسال دارند این قضیه بسیار
لازمست و با هر عکس تفصیل آن محل و تاریخ و قوعات را بنویسید
و علیکم البهائ الأبھی عبدالبهاء عباس
مقابله شد

* ص ۲۳۲ *

طهران اعضا محترمه محفل روحانی علیهم بهاء الله الأبھی

هو الله ای یاران حقیقی عبدالبهاء خدمات شما در آستان مقدس مذکور و محبوب
و مقبول پس نهایت تضرع و ابتهال فرمائید که عبودیت عبدالبهاء
نیز در درگاه الهی مذکور گردد اختلاف بین احبای در هر مسئله ای از
مسائل مورث و هن امرالله است و سبب تزلزل نفوس در دوره
جمع انبیا چنین بوده است هزار مرتبه تجربه حاصل شده است و
این در نزد آن نفوس محترمه واضح و آشکار است ملاحظه فرمائید
چون اختلاف حاصل شد لابد تصدیق یک حزب میشود و حزب دیگر
دلشکسته و محزون میگردد و غرض بمیان می آید و سبب احتجاج میشود
اینست که بنص الهی در این دور منصوص است که اگر در مسئله از مسائل
دینیة آلهیه میان دو نفر اختلاف حاصل بشود هر دو طرف باطلند
مقصود معلوم است تا اینکه باب اختلاف مسدود شود پس حضرات
مقدسه اعضا محفل روحانی باید همت خویش را بگمارند که اختلاف
حاصل نشود و اگر شد بدرجه ضدیت و بغض و عداوت نرسد که
اسباب تهدید بمیان آید در هر مسئله ای که ملاحظه فرمودید که نزدیک
بدرجه عداوت و تهدید میرسد فوراً آن مسئله را تعویق بیندازید
تا آن نزاع و جدال و دمدمه و همهمه نماند تا وقتی موافق برسد ملاحظه
شد که این های و هوی در طهران ساکن نخواهد شد جز باینکه انتخاب

* ص ۲۳۳ *

حال تجدید نشود لهذا تلغرافاً ابقای هیئت سابقه مرقوم شد
بعضی نفوس معارضین بهانه جوئی میکنند مقاصدی دارند ترویج آن
خواهند ولی بظاهر مقاصد خویش را اظهار نمیکنند بعنوانهای دیگر
پردازند و بعضی نفوس کنار کنار راه میروند ولی خفياً تحریک
مسائل مینمایند و عبدالبهاء از شدت مهربانی پرده پوشی میکند
ولی چون ملاحظه نماید که بدرجه ای رسیده که ضرر عظیم بامرالله دارد
مجبور بر آنست که فوراً اعلان نماید و از این گذشته محرمانه
مرقوم میگردد چند نفر از ضعفاً باطناً با یحیائیهها سرو سودائی
دارند منافقند عبدالبهاء مکتوم میدارد که شاید متنبه و متذکر شوند
اگر چنانچه نشدند مجبور بر اعلانست این قضایا جمیع اسرار است
حال مجبور این شدم که محرمانه بحضرات محترمه اعضاء روحانی بنگارم
شما ملتفت این مسائل باشید این نفوس نهایت سعی را دارند که
در میان احبباً اختلاف بیندازند تا اختلاف سبب تفرقه شود این
حقیقت مسئله است که مرقوم میشود شماها باید نهایت الفت را با یکدیگر
داشته باشید و در صدد آن باشید که اگر اختلافی ولو میان دو
نفر حاصل شود زود زائل نمائید تا دایره اتساع نیابد هر امر مفیدی
که فوائد آن مثل آفتاب باشد و در این ایام سبب اختلاف
گردد باید سرش را گذاشت تا امرالله قوام یابد آنوقت جمیع امر
باحسن وجوه تمشیت و نظام خواهد یافت و من شب و روز تضرع

* ص ۲۳۴ *

باستان جمال مبارک مینمایم که اعضاء محفل محترمه روحانی را تأیید و توفیق
عنایت فرماید تا کل بتبلیغ امرالله و ترویج تعالیم جمال مبارک قیام
نمایند و علیکم البهاء الأبھی عبدالبهاء عباس مقابله شد

طهران اعضاء محفل تقدیس علیهم بهاءالله الأبھی
یا صاحبی السّجن

هو الله ای بندگان صادق حضرت بهاءالله فی الحقیقه اعضاء انجمن تقدیسید
و مقتبس از انوار تنزیه زیرا سبب الفت یارنید و اجتماع دوستان
و هدایت غافلان و ترویج وحدت عالم انسان افکار مختلفه ندارید
و آراء متنوعه نخواهید متّحدید و متّفق و شمس حقیقت را خادم صادق

از الطاف حضرت مقصود میطلبیم که روز بروز بر نوایای صالحه بیفزائید
و بر مقاصد صادقانه بیشتر ثبوت و رسوخ یابید جناب معاون
آن محفل را چنان ستایش مینمایید که کام مشتاقان شیرین گردد
و قلب آوارگان بهشت برین شود و علیکم البهآء الأبھی ع ع
خط مبارک در اسکندریه مرقوم شد تا بحال از عدم فرصت ارسال ممکن نشد ع ع
مقابله شد

هو طهران بواسطه جناب امین

* ص ۲۳۵ *

اعضای محفل روحانی رحمانی علیهم بهآء الله الأبھی
خط مبارک

هو الله ای نفوس مبارکه من بعد مال ایتم را بدست شخص واحد ندهید زیرا
اینگونه خطرها حاصل میگردد بلکه در بنک یا صندوق مخصوص ایتم
تحت اداره محفل روحانی باشد و باطلاع محفل باید اداره شود و اما
دین حاجی محمد جواد را باید جناب حاجی محمد اسمعیل همّتی فرمایند زیرا مال
ایتم است و عدم همّت سبب نزع برکت میشود و علیکم البهآء
عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

طهران ۹

اعضای محفل روحانی علیهم بهآء الله الأبھی

هو الله ای ثابتان بر پیمان راپورت سالیانه که ارسال نموده اید قرائت گردید
الحمد لله آن نفوس مبارکه در عبودیت آستان مقدّس بخدمات امریه
باکمال همّت و قوّت جهدی بلیغ و سعی شدید مجری نمودند فی الحقیقه
در این سال اخیر بزحمت افتادند و تحمّل مشقّات عظیمه نمودند حال
امید چنانست که در سنه جدید نیز کمال همّت در خدمت بنمایند
در جمیع امر معتدل باشند و طریق اسلم به پیمایند در تمشیت
امر تعجیل نفرمایند تانی را منظور دارند اجرای هر مسئله مهمّه ای را

* ص ۲۳۶ *

موقوف بمشورت ایام متعدده مرهون فرمایند و مشورت باید با نهایت
تفکر و تأمل و سکون و وقار مجری گردد و من در سحرگاه تضرع
بدرگاه خداوند آگاه نمایم و آن یاران روحانی و دوستان رحمانی را
تأیید و توفیقی از جهان پنهان طلبم تا جنود اوج بی پایان نصرت
نمایند و آنچه سبب عزت قدیمه و مسرت ابدیه است حصول یابد جمیع
دوستان را تحیت مشتاقانه ابلاغ دارید و علیکم البهآء الأبھی

ج ۷ ۱۳۳۹ عبدالبهآء عباس مقابله شد

خط مبارک

بسیار محرمانه فوق العاده محرمانه

طهران محفل روحانی

هو الله ای احبای نورانی شب و روز عبدالبهآء بعتبه کبریآء درگاه جمال ابھی
تضرع بی منتهی نماید و آن نفوس مبارکه را عون و صون و نصرت طلبد
تا در جمیع امور موفق گردند بحضرات نساء علیهن البهآء الأبھی نامه
نگاشته گشت و آنچه باید و شاید تحریر شد شما باید نهایت
مدارا داشته باشید نوعی رفتار کنید که سبب سرور آنان گردد
در این کور بدیع جمیع امور باید بملایمت و محبت تمشیت گردد اگر
چنانچه امری سبب جنح و فزع نساء شود مدارا فرمائید و اقناع
کنید و بمحبت و رأفت معامله نمائید تا آنکه مبدا نفوسیکه

* ص ۲۳۷ *

غرضی شخصی دارند میدان گیرند چه که معدودی در کمینند و چنین
اسبابی را منتظرند آنوقت تفهیم مشکل گردد و علیکم البهآء الأبھی
امرالله در نهایت ترقی است حال اختلاف جزئی در بین رجال
و نساء سبب میگردد و در همچو وقتی که امرالله نتیجه خواهد بخشید
سبب فتور میشود و نتیجه تعویق می افتد زیرا قوت امر شوق و
غرب را احاطه نموده و عنقریب یومئذ یفرح المؤمنون تحقق خواهد
یافت و علیکم البهآء الأبھی ۲۰ جمادی ۱۳۳۸ (۱) حیفأ
عبدالبهآء عباس مقابله شد

۹

طهران اعضای محفل روحانی علیهم بهآء الله الأبھی

۲۷ رمضان ۱۳۳۷

هو الله ای یاران آلهی روزنامه نجم باختر با وجود مشکلات عظیمه در ایام
 حرب دوام نمود تا باین ایام سکون و قرار رسید زیرا از ایران
 بکلی مقطوع گشت با وجود این اداره نمود لهذا عسرت حاصل
 گشت ولی حال که جنگ بصلح منتهی شد باید انتظامی در اداره
 نجم باختر داد تا در شرق و غرب منتشر گردد و این مشروط
 بتکثیر مشترکین است لهذا باید احباً در جمیع ولایات ایران در این
 امر میروور مشترک کردند و محض خدمت بامر الله در ترویج این
 * ص ۲۳۸ *

روزنامه نامی بکوشید تا سبب گرمی مدیر و حسن انتظام اداره گردد و
 همچنین اگر ممکن بعضی از احباً در روزنامه چهره نما در مصر اشتراک
 نمایند و قیمت اشتراک را سلفاً ارسال دارند و علیکم البهآء الأبهی
 عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

۹

طهران بواسطه میرزا غلامعلی
 اعضای محفل روحانی علیهم بهآء الله الأبهی

هو الله الهی الهی تری انّ عبادک المخلصین لجمیع الوری حتّی الأعداء و
 یخدمون کلّ البشر بقلب مطهّر و صدر ممرد قد وقعوا فی خطر عظیم
 من السّهام المصوّبه و النبال المفوقه و الاسنة المشروعه و السیوف
 المسلوله ربّ انهم مظلومون فی ایادی الأعداء و اسراء بایدی
 ذئاب کاسره و کلاب ضاریه من الأشقیاء و لیس لهم ملجأ و لا
 مأوی الا صون حمایتک الکبری رب احفظهم بعین عنایتک فی ظلّ
 حفظک و کلائتک و احرسهم فی صون رعایتک من اشرار بریتک
 ربّ لیس لهم ناصر الا انت و لیس لهم حافظ الا انت ربّ قدر کلّ البلیآء
 لعبدالبهآء و اجعلنی هدفاً للسّهام من کلّ الأنام و احفظ عبادک المخلصین
 من شرّ اللّثم و اجعلنی فداء لعموم الأحبآء حتّی

* ص ۲۳۹ *

یستریح فوادی و یطمئن قلبی و تقرّ عینی فی میدان الشهاده الکبری
 انک انت المقتدر العزیز المتعال ماه صفر ۱۳۴۰ عبدالبهآء عبّاس
 یا احبآء الله علیکم بالسکون و الوقار ع ع مقابله شد

جناب آقا سید محمد
 بخط مبارک است
 هو الابهی ای حیران جمال رحمن علیک بهاء الله سراج محبت الله روشن است و قلوب
 احرار از فضل جمال مختار چون ریاض مزین ارواح از بشارات الهیه مهتر است
 و دلها بنفحات آلهیه مسرور و گلشن دل بملکوت ابهی بندید و توجه بمنظر اعلی
 کنید و استمداد از جنود جبروت بقا بجوئید و منتظر فتوحات غیبیه
 و تجلیات لاریبیه شوید قسم بجمال قدم روح من فی ملکوت البقا لأحبائه الفداء
 اگر نفسی مستقیماً علی امرالله بروفای بعهد و پیمان الهی قیام نماید جنود آفاق
 مقاومت نتواند و قوای عالم متانت نتواند چون نجم بازغ از مطلع وجود
 لائح گردد و چون نسیم ریاض معنوی خطه و دیار حقائق وجود را معطر
 نماید در این انجمن عالم چون شمع در جمع برافروزد و چون نار موقده
 ربانیه در قطب آفاق شعله برافرازد پس ای ناظر الی الله بکوش و بجوش
 و بخروش تا از این نفوس محسوب گردی و در این جمع محشور شوی و البهآء
 علیک و علی جمیع احبآء الرحمن
 ع ع
 مقابله شد

* ص ۲۴۰ *

خط مبارک است

هو الله در خصوص حقوق سؤال نموده بودید که بیت الاذکار بنا شود و اوقاف تعیین گردد
 حال چون بقعه تقدیس در دست انشاست صرف در این مورد اولی
 و مصارف کلی با وجود این هر قسم که مصلحت دانند مجری دارند و البهآء
 علی اهل البهآء ع ع
 مقابله شد

خط مبارک است هو الله

دهج جناب آقا سید محمد علیه بهاء الله

هو الله ای ثابت بر میثاق در ایندم که عنایت اسم اعظم ندیم و همدست عبدالبها را
 کلک وفا در دست و بیاد یارن الهی انیس و همدم انوار صبح احدیت از
 افق حقیقت مشرق و لائحتست و فیوضات غیب ابهی از جمیع جهات
 شامل و فضل کامل و جنود ملکوت صائل و جیش ملاءعلی باسل و آیات تقدیس
 در ترتیل و مجامع قدس در تکبیر و تهلیل اینست فضل عظیم اینست نور مبین

اینست آثار بخشش خداوند آفرینش طوبی للفائزین بشری للمخلصین
من هذا اللطف العمیم حضرت اسم الله نهایت محبت را نسبت بانجناب
دارند یقین است که این محبت سبب علو درجات در ملکوت انقطاع میگردد
ع ع
مقابله شد

بتأییدات الهی اینعبد فانی ضیاء الدین نبیل اکبر باستنساخ الواح مبارکه حضرت
عبدالبهاء ارواح العالمین لعنایت الفدا در شهر طهران موفق گردید سنه ۸۹ بهائی

حمزه ها باید چک شوند

بنظر میرسد که صفحات ۳ و ۴ و ۱۸۸ و ۱۸۹ در این کپی نیست و از صفحه ۲۲۹ به بعد
شماره صفحات خوانا نیستند

صفحات عربی باید کاملاً چک شوند

(شماره ۱۶ ، حضرت عبدالبها)